

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیر مسئول: علی اکبر گلقدشتی (dashtia13@gmail.com)

سردبیر: علی خوانساری ali.khansari414@gmail.com

مدیر اجرایی: مهدی شیرخانی Shirkhanmahdi@gmail.com

صفحه بندی و طراحی جلد: نیره مَهری Nayerehmohre@gmail.com

ویراستار و صفحه آرا: فاطمه زهرا مَهری Mohri.adaryani@gmail.com

مترجم: زینب صباغیان

## داوران این شماره:

دکتر مه سیما سهرابی / دکتر سهیل گودرزی / آقای روح الله

عبادی / آقای حمید موسوی

آدرس: قم، میدان مفید، دانشگاه مفید، معاونت دانشجویی و فرهنگی

دفتر مجله دانش پژوهان تلفن تماس ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۰۱

[http://t.me/Nashrie\\_Danesh\\_pazhuan](http://t.me/Nashrie_Danesh_pazhuan)

Daneshpjm@gmail.com

ایمیل:

## ◀ ویژه نامه علوم سیاسی :

- ۷ سازمان اقتصادی منطقه ای آسه آن : ماهیت، عملکرد و چالش ها  
یاسمین خلفی
- ۲۵ بررسی اندیشه سیاسی فردوسی بر مبنای شاهنامه  
طیبه سادات مَهری آدریانی
- مروری بر فرآیند دولت - ملت سازی در عربستان سعودی و چالش های  
پیش رو - سیده مریم نقوی
- ۳۸
- ۵۹ سیاست خارجی دوره پهلوی دوم در قبال شوروی (۴۲ تا ۵۷)  
بهروز قربانی
- ۷۴ نگاهی به بحران نفتی ۱۹۷۳ بر اساس مدل مایکل برچر  
محمد جواد پور محمدی

## ◀ ویژه نامه علوم اقتصادی :

- ۸۸ شناسایی عوامل موثر بر خرید از بازارهای اینترنتی ایران  
افسانه بدرخانی
- ۱۰۸ نقش اقتصاد دانش بنیان بر بازار سرمایه در اقتصاد ایران  
زهرار مضانی خاروانی
- ۱۳۰ جایگاه و نقش گردشگری مذهبی در توسعه اقتصادی ایران  
عاطفه اکبری کجانی
- ۱۴۸ نقش بازار سرمایه در تامین منابع مالی بخش های اقتصادی در  
اقتصاد ایران - فاطمه نیک سخن
- ۱۶۶ بررسی عوامل موثر بر خلق پول بانک های تجاری  
سید روح الله مشیری مقدم

## سخن سردبیر

اول دفتر به نام ایزد دانا

با یاری خداوند متعال توفیق یافتیم بر اراده‌ای مستمر، مبنی بر انتشار نشریه دانش پژوهان دانشگاه مفید جامه عمل بپوشانیم. در مجله علمی دانشجویی «دانش پژوهان» اهتمام بر این است که نقطه شروعی باشیم برای دانشجویان و طلابی که در آغاز مسیر قلم فرسایی هستند و دوست دارند با گام نهادن در مسیر نوشتن، سهمی در طراوت علمی جامعه علوم انسانی کشور داشته باشند. ما سعی می‌کنیم حسن مطلعی برای این شروع باشیم تا راه‌یابی به بسترهای علمی رفیع‌تر برای تمامی دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم انسانی و حوزوی.

این مجلد، به شماره‌گان ۵۶ و ۵۷ که در پیشگاه دیدگان شما قرار دارد، در دو بخش علوم سیاسی و علوم اقتصادی سامان یافته است و امیدوارم سودمند و مورد رضایت خوانندگان ارجمند، قرار گیرد. در پایان بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس‌گزاری خود را نسبت به اساتید ارجمند داور که با نگاه نکته‌سنج خود زحمت ارزیابی مقالات را متقبل شدند، همکاران عزیزم در نشریه دانش پژوهان، مجموعه معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه مفید که از هیچ‌گونه مساعدتی دریغ نورزیدند، مولفین این شماره و تمام کسانی که ما را در انتشار این مجموعه یاری کردند، اعلام کنم.

بی‌تردید دانش پژوهان اگر هستی یافت به برکت وجود این عزیزان بوده و هست.

# دانش پژوهی

ویژه علوم سیاسی

## سازمان اقتصادی منطقه‌ای آسه آن: ماهیت، عملکرد و چالش‌ها

یاسمین خلفی\*

### چکیده

اهداف مشترک و منافع مشترک سبب همگرایی میان دولت‌ها می‌گردد. منطقه آسیای جنوب شرقی از جمله مناطقی است که توانسته با تاسیس سازمان همکاری‌های اقتصادی و سیاسی آسه آن به سمت توسعه و همگرایی پیش برود. عواملی چون تامین ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی سبب گردیده تا کشورهای منطقه به تاسیس سازمان همکاری‌های منطقه‌ای آسه آن نایل گردند. سازمان آسه آن در راستای تامین منافع مشترک این کشورها و همگرایی منطقه‌ای تا حدود زیادی موفقیت آمیز عمل کرده است، اما در کنار این موفقیت‌ها چالش‌ها و موانعی در مورد دنبال کردن سیاست بازار مشترک دارد که به صورت کلی عملکرد سازمان را تحت الشعاع خود قرار داده است.

### کلیدواژه‌ها

همگرایی منطقه‌ای، سازمان آسه آن، ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی، بازار مشترک.

---

\* کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، رشته مطالعات منطقه‌ای جنوب شرق آسیا، تهران، ایران |

## مقدمه

همگرایی میان دولت - ملت‌های مستقل مهم‌ترین پدیده سیاست بین‌الملل است که آن‌ها را به سمت صلح و همکاری‌های اقتصادی سوق می‌دهد. در این راستا می‌توان گفت که سازمان‌های سیاسی اقتصادی چنین همگرایی را میان کشورهای منطقه‌ای ممکن می‌سازند. آسه آن نیز یکی از سازمان‌هایی است که با سابقه تاریخی بیش از ۵ دهه تلاش دارد همگرایی و یکپارچگی میان کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی پدید آورد.

در واقع باید گفت که آسه آن « تا حدود زیادی توانسته است به اهداف اقتصادی، با دنبال کردن سیاست خاصی از صنعتی شدن، آزاد سازی تجارت، جذب سرمایه‌گذاران خارجی و... دست پیدا کند، اما در مورد توسعه و ثبات سیاسی همواره با چالش‌هایی جدی روبه‌رو بوده است. ماهیت و عملکرد اولیه این سازمان ابتدا رنگ و بوی کاملاً سیاسی داشت، اما بعد از کنار نهادن اختلاف‌های سیاسی و کاهش تنش‌های بین‌المللی این سازمان توانست در زمینه اقتصاد به پیشرفت و توسعه قابل توجهی دست بیابد. این سازمان با وجود برنامه ریزی دقیق همچنان به دلایل متعددی نتوانسته است، برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به شکل کامل اجرا کند. به عنوان مثال، از اهداف این سازمان دست‌یابی به بازار مشترک است که در مورد آن به موانع جدی برخورد کرده است که در اینجا به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

## روش تحقیق

نوشتار حاضر به دنبال این است تا با روش کیفی - توصیفی - تحلیلی با رویکرد منطقه‌گرایی نوین به بررسی تاریخ، ماهیت و عملکرد سازمان آسه آن از ابتدای شکل‌گیری تا کنون و سپس چالش‌ها و موانع همگرایی منطقه‌ای پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که سازمان آسه آن از ابتدای تاسیس آن تا کنون چه تحولات و چالش‌هایی را پشت سر گذاشته است؟ منطقه‌گرایی، بخش مهمی از دانش مطالعات منطقه‌ای است که به دنبال فهم و تبیین فرایند منطقه‌ای شدن و منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل است. این نظریه‌ها همزمان با آغاز روند همگرایی اروپا در دهه ۱۹۵۰ پردازش و ارائه شدند. از آن زمان تا کنون نظریه‌های



- منطقه‌گرایی فراز و فرودهای عمده‌ای را پشت سر گذاشته است (فیروزآبادی، ۱۳۸۸).
- در توضیح منطقه‌گرایی اتفاق نظر وجود ندارد و علت امر آن است که همگرایی و فرا ملی‌گرایی یکسان شناخته می‌شود. در تعریف منطقه‌گرایی نوین، در مقاله دکتر الهه کولایی و دکتر بهار سازمند این باور وجود دارد که منطقه‌گرایی نوین نسبت منطقه‌گرایی قدیم تکامل یافته‌تر است و علاوه بر ویژگی‌های منطقه‌گرایی قدیم شامل موارد زیر نیز می‌باشد.
۱. منطقه‌گرایی جدید، یک یا چند کشور در حال توسعه را به یک کشور بزرگ و توسعه یافته پیوند می‌زند. به عنوان مثال در نفت، مکزیک و کانادا که به لحاظ اقتصادی کشورهای کوچکی به شمار می‌روند در پیوند با ایالات متحده هستند.
  ۲. در ترتیبات منطقه‌ای جدید معمولاً کشورهای کوچک، اصلاحات یک جانبه و چشمگیری را در حوزه اقتصادی انجام داده یا می‌دهند.
  ۳. در منطقه‌گرایی جدید تلاش‌ها در جهت آزاد سازی تجاری صورت گرفته است، اما این فرایند بسیار کند و آرام صورت گرفته است و آزادسازی تجاری به صورت کامل شکل نگرفته است.
  ۴. منطقه‌گرایی پدیده‌ای به طور کامل جغرافیایی است. اعضای این ترتیبات بیشتر از نظر جغرافیایی همسایه یکدیگر به حساب می‌آیند.
  ۵. ترتیبات منطقه‌گرایی جدید، مبین همگرایی عمیق میان اعضاست. این ترتیبات فقط و فقط خود را محدود به کاهش یا حذف موانع تجاری نمی‌کنند، بلکه به دنبال همسان سازی سیاستگذاری‌های اقتصادی و تعدیل سیاست‌های اقتصادی خود نیز هستند (سازمند، کولایی، ۱۳۹۳).

## ادبیات پژوهش

منطقه اقتصادی سیاسی آسیا پاسفیک، از مناطق مهم اقتصادی جهانی در تقسیم بندی سه گانه بازسازی اقتصاد جهانی عصر معاصر بحساب می‌آید. به عبارتی دیگر، در یک

تقسیم بندی کلی اقتصاد سیاسی بین الملل حاضر، به سه منطقه اتحادیه اروپا، نفتا و آسیا پاسفیک تقسیم می شود. در نگاه حیوانی اریقی حول نظریات نظام جهانی، اقتصاد کنونی، اقتصاد سرمایه داری جهانی است و تولید سبب انباشت سرمایه می شود و این انباشت سرمایه در یک چرخه تاریخی بلند مدت مکرر به سرمایه داری و قدرت های هژمونی می انجامد. اریقی باور دارد که با این فرمول می توان قدرت های هژمونی آینده را پیش بینی نمود. در کنار نگاه جهانی شدن منطقه گرایی نوین که در پژوهش های مرتبط با شرق آسیا حاکم است، در این باره این نگاه وجود دارد که همگرایی و همسو سازی منافع اقتصادی یک منطقه به ویژه در زمینه همکاری های تجاری، سرمایه گذاری های خارجی و مسائلی نظیر آن سبب تقویت منطقه گرایی می گردد که گامی بسوی جهانی شدن را پیش می برد و جهانی شدن را تقویت می کند. منطقه گرایی نوین ابعاد و افق جدیدی را بسوی جهان باز می کند و از عباراتی چون جهان سوم و در حال توسعه عبور می کند و بسوی نظام های لیبرالیست مردم سالار حرکت می کند و در نهایت مجموعه ای کامل و منسجم از یک الگوی سیاسی در عصر نظام های نوین است که جزیی از اجزای نظام جهانی به حساب می آیند. منطقه جنوب شرق آسیا از جمله مناطقی است که پس از جنگ سرد ذیل موج منطقه گرایی نوین جهانی قرار گرفته و تاسیس سازمان آسه آن را نیز می توان محصول عمده تحولات نظری و تاریخی دوران جنگ سرد قلمداد کرد. به عبارتی دیگر، این نهاد با توجه به تحولات دوران جنگ سرد در مقابل اردوگاه شرق قرار می گرفت و در واقع واکنشی علیه کشورهای کمونیست بود و انتظار می رفت با پایان دوران جنگ سرد پایه و اساس این سازمان برچیده شود، اما عملگرایی رهبران این منطقه سبب گردید تا سرنوشت این سازمان به شکل دیگری رقم بخورد و ذیل مفهوم منطقه گرایی کشورهای اردوگاه شرق نیز به آن پیوندند.

### آسه آن (سازمان همکاری های سیاسی و اقتصادی)، ماهیت، ابعاد و عملکرد

همگرایی مهم ترین پدیده سیاست بین الملل است که کشورها را به سمت همکاری های مشترک بر پایه تحقق منافع دوجانبه و چندجانبه پیش می برد. در حقیقت آسه آن نخستین

مجمع و اتحادیه‌ای نیست که حاصل همگرایی این کشورها باشد.

پیش‌تر از آن در سال‌های نخستین دهه ۱۹۶۰ شاهد تشکیل دو گروه منطقه‌ای دیگر نیز بوده است: الف) مجمع جنوب و شرق آسیا که اعضای آن عبارت بودند از: مالایا، فیلیپین و تایلند ب) مجمع مافیلیندو شامل مالایا، اندونزی و فیلیپین. تلاش‌های انجام شده برای توسعه همکاری‌ها در قالب این دو گروه به دلیل درگیری‌های سیاسی، از جمله چالش در موضوع منطقه دریایی «صبح» بین مالایا و فیلیپین و همچنین اختلاف نظرها در مورد موجودیت مالزی میان مالایا و اندونزی از یک سو و فیلیپین از سوی دیگر، متوقف شد. چالش نخست، موجب به تعلیق درآمدن فعالیت‌های آسا شد و در پی آن، مجمع همکاری مافیلیندو نیز به فراموشی سپرده شد. (امینان، ۱۳۸۸، ص ۵۴).

جنگ جهانی دوم سرنوشت بسیاری از کشورها را تغییر داد و تحولات نوینی را در نظم بین‌المللی پدید آورد که اثرات عمده‌ای در تاریخ منطقه جنوب شرق آسیا در برداشت. موزانه دو قطبی دوران جنگ سرد ناشی از پرچم داران کمونیست و لیبرال - دموکراسی، هر دو بر منطقه جنوب شرق آسیا تأثیرات عمده‌ای داشته‌اند. سازمان آسه آن نیز محصول تحولات همان دوره است. سیاست سد نفوذ آمریکا و جلوگیری از نفوذ کمونیست در آن منطقه که البته کشورهای عمده‌ای را درگیر این ایدئولوژی ساخته بود سبب شد تا نیروی محرکی از سوی آمریکا شکل بگیرد و کشورهای این منطقه را به سمت همگرایی منطقه‌ای سوق دهد. بنابراین این اتحادیه به شکل خودجوش میان کشورها شکل نگرفته است و سیاست سد نفوذ آمریکا، سبب تجویز چنین اتحادیه‌ای گردیده است. با توجه به سیاست سد نفوذ از طرف آمریکا که طرفدار سیاست لیبرال - دموکراسی بود، برای به عضویت درآوردن کشورهای منطقه در بلوک غرب، پرچم به انعقاد پیمان سیتو می‌پردازد که خود به نوعی همگرایی با هدف کارکردهای امنیتی و اقتصادی است. این پیمان میان آمریکا و هشت کشور دیگر که دو کشور فیلیپین و تایلند از منطقه جنوب شرق آسیا و شش کشور دیگر، خارج از منطقه که شامل آمریکا، فرانسه، انگلستان، زلاندنو، پاکستان و استرالیا می‌شوند. این پیمان در پایتخت فیلیپین «مانیل»، منعقد گردید و از آن تحت عنوان پیمان ملل آسیای جنوب شرقی یاد می‌شود. هدف این

سازمان دفاع از ملل آسیای جنوب شرقی است هرچند که بیشتر اعضای آن خارج از منطقه جنوب شرق آسیا بودند و به نوعی میتوان گفت که همگرایی میان کشورها بود که محصور تجویزی بلوک غرب در دوران جنگ سرد بود. این پیمان چندی دوام نیاورد و فروپاشید. تضعیف قدرت آمریکا و شکست از جنگ ویتنام، عدم عضویت و حمایت قدرت‌های اول از چنین پیمانی از علل عمده آن است. با وجود شکست، این پیمان پیامد بسیار مهمی از خود بجای گذاشت و آن هم تاسیس انجمن ملل آسیای جنوب شرقی بود که از آن تحت عنوان سازمان آسه آن یاد می‌شود.

همانطور که یاد شد این انجمن در دوره جنگ سرد به منظور مقابله با نفوذ کمونیسم تشکیل شد و غالباً پس از درگیر شدن برخی از کشورهای حوزه جنوب شرق با کمونیسم و شکست اقتصادی سیاسی آنها. به عنوان مثال رژیم خمرهای سرخ در کامبوج و جنگ‌های داخلی این کشور، ویتنام و چین این تفکر را در ذهنیت کشورهای این منطقه پدید آورد که در جهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم و فقرزدایی گامی به سوی اتحاد و منطقه‌گرایی برداشتند. از طرفی ظهور بنیادگرایی اسلامی در این منطقه مسئله دیگری بود که برای آمریکا تهدید آفرین بود. بنابراین «در تاریخ ۸ آگوست ۱۹۶۷، پنج رهبر - وزیر امور خارجه اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند - با هم در سالن اصلی ساختمان وزارت امور خارجه در بانکوک تایلند نشستند و سندی را امضا کردند که به موجب آن سند، انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) متولد شد. پنج وزیر خارجه امضا کننده آن - آدام مالک از اندونزی، نارسیسو آر راموس از فیلیپین، تون عبدالرازاک از مالزی، اس. راجاراتنام از سنگاپور و ثنات خومان از تایلند - پس از آن به عنوان پدران بنیانگذار و احتمالاً موفق‌ترین سازمان بین دولتی امروز در جهان در حال توسعه شناخته می‌شوند. سندی که آن‌ها امضا کردند به عنوان بیانیه آسه آن است که شامل ۵ مقوله در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، آموزشی و سایر زمینه‌ها نظیر ارتقا *peace* صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق رعایت احترام به عدالت و حاکمیت قانون و پایبندی به اصول سازمان ملل بود» (تاریخچه و بسایت ASEAN).

در سال ۱۹۹۰ ویتنام، کامبوج، میانمار و لائوس نیز به آن اضافه شدند و از سال ۱۹۹۹ این سازمان تصمیم گرفت که سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی در اجلاس سران این سازمان

شرکت کنند بسیار روشن است که چنین نتیجه بگیریم که مشارکت کشورهای ثروتمند در این سازمان می‌تواند برای این اتحادیه سودآوری داشته باشد.

بعد از آن قدرت‌های بزرگ و ذی نفع منطقه در این سازمان شرکت کردند. چند کشور از سازمان ملل تقاضای عضویت ناظر و دائمی در این اجلاس را کردند با این توضیحات می‌توانیم بگوییم که این سازمان از ابتدای تأسیس شاهد تحولات و پیشروی‌های مثبت بوده است.

دهه اول، یعنی از سال‌های ۱۹۶۷ الی ۱۹۷۶ این اتحادیه فعالیت خود را معطوف بر تامین امنیت سیاسی و بسترسازی سیاسی نموده است. بنابراین، کارکرد این اتحادیه در این دوره امنیتی سیاسی بوده و کشورهای این منطقه بیش از توسعه اقتصادی به فکر ثبات سیاسی در منطقه جنوب شرق بودند. کشورهای این منطقه که اکثر آن‌ها به تازگی به استقلال دست یافته بودند، غالباً تفکرات استقلال طلبانه‌ای داشتند و بنابراین ناسیونالیست و ملی‌گرایی تفکر غالب کشورهای این منطقه به حساب می‌آید. همان‌طور که گفته شد، کمونیست‌ها ناسیونالیست‌ها را ناشی از اتفاقات فاجعه‌باری که در کامبوج، ویتنام و چین پدید آورده بود، کشورهای منطقه را فکر ثبات و تامین امنیت منطقه‌ای سوق داد. از طرفی دیگر بجز تایلند تمام کشورهای عضو، مستعمره بوده‌اند. بنابراین در تمام طول این دوره، تایلند به عنوان یک قدرت برتر نظامی منطقه، در نقش یک الگو و حامی این کشورها بوده است. این دوره بیشتر صرف جوسازی و اعتماد سازی میان کشورها گردید.

آن‌ها پی برده بودند که توسعه ملی و منطقه‌ای با مواضع سیاسی جزم گونه ایدئولوژیک و رقابت سیاسی امکان پذیر نیست و در نتیجه سنت انعطاف پذیری سیاسی را در سطوح ملی و منطقه‌ای ترویج دادند... از مهم‌ترین اقدامات اتحادیه ایجاد بستر سیاسی و ثبات لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی در کشور عضو بود. در همین راستاست که می‌بینیم به رغم تشکیل اتحادیه آسه آن در سال ۱۹۶۷ تا سال ۱۹۷۵ فعالیت خاص و مهم اقتصادی از خود نشان نداده و بیشتر معطوف به بسترسازی سیاسی بود (امیدی، ۱۳۸۸، ص ۸۷۳).

سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۹۳ را می‌توان دوره آغاز فعالیت‌های اقتصادی این اتحادیه دانست. در

این دوره، دو پیمان و اجلاس شکل می‌گیرد که رنگ و بوی سیاسی می‌دهند. مورد اول « پیمان مودت و همکاری کشورهای جنوب شرق آسیا» و دیگری «اعلامیه توافق آسه آن» است. هدف از پیمان مودت و همکاری کشورهای جنوب شرق آسیا ترویج صلح پایدار، همکاری با رعایت حفظ استقلال میان کشورها، حق حاکمیت، برابری، تمامیت ارضی و حفظ هویت ملی کشورهاست. در این دوره، آسه آن تلاش کرد تا با انعقاد قراردادهای مختلف، کشورهای عضو را به همکاری وادارد. می‌توان این گونه اذعان کرد که در این دوره، جنگ سرد به پایان رسیده و حالا دیگر دغدغه اولیه تشکیل این اتحادیه که نفوذ کمونیسم در منطقه بود، از بین رفته و یک ثبات و امنیت نسبی میان کشورها برقرار گردیده است که آن‌ها را به سوی همکاری‌های منطقه‌ای و سوق می‌داد. بنابراین، به نوعی زمینه پیشبرد همگرایی در منطقه فراهم شده بود. مهمترین ابزارهای سیاسی و اقتصادی که رهبران آسه آن برای پیشبرد همگرایی در این دوره در پیش گرفتند عبارتند از:

- ابتکار پروژه‌های صنعتی.
- تصویب معاهدات الزام آور در زمینه صلح و ثبات منطقه‌ای.
- سرمایه گذاری‌های مشترک صنعتی.
- ترتیبات مربوط به کاهش تعرفه‌های تجاری و تعرفه‌های ترجیحی.
- ابتکار پروژه‌های تکمیلی صنایع.
- هماهنگی‌های سیاسی و تجاری با همسایگان و شرکای تجاری مهم در قالب ایجاد گروه و یا کمیته همکاری‌های مشترک (نونژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸).

دهه بعد از ۱۹۷۵ تکاپوی کشورهای منطقه در راستای همگرایی منطقه‌ای و تامین منافع مشترک، نتیجه چندان چشمگیری نداشت و این وضعیت تا سال ۱۹۹۹ ادامه داشت. بعد از این دهه، همکاری‌های همه جانبه اقتصادی سیاسی و فرهنگی رونق گرفت در این دوره، اعضای جدیدی همانطور که اشاره گردید به این سازمان پیوستند (به ترتیب ویتنام در سال ۱۹۹۵، میانمار ۱۹۹۷ و کامبوج ۱۹۹۹).

در این دوره توافقنامه افتا با هدف ایجاد جامعه اقتصادی آسه آن منعقد شد که طبق این توافقنامه مقررگردید:

- محدودیت‌های تجاری صنایع، طبق جدول زمانبندی شده برداشته شود.
- سرمایه‌گذاری‌ها از منطقه آسه آن، مشمول تسهیلات برخورد ملی گردند.
- کلیه موانع سرمایه‌گذاری برچیده گردند.
- مقررات سرمایه‌گذاری، تسهیل و شفاف شود (Guanshang, 2006, p. 62-76).

همچنین یک توافقنامه هوایی تا سال ۲۰۰۹ منعقد شد که طبق آن تعرفه‌های هوایی از میان برداشته شد. بدین ترتیب در دهه دوم تاسیس با انعقاد قراردادهای از این جمله، گام‌های اولیه اتحادیه اقتصادی سازمان آسه آن برداشته شد. رشد تجاری درون منطقه آسه آن بر اساس آمارهای منتشر شده، در سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۷۵۰ میلیارد برآورد گردیده است که دو و نیم درصد آن درون منطقه‌ای و ۷۴ درصد آن برون منطقه‌ای بود. بر این اساس، آسه آن حجم مبادلات تجاری عظیمی با مرزهای خارج از منطقه خویش دارد که به ترتیب بر اساس آمارهای منتشر شده سال ۲۰۰۶ شامل کشورهای: ژاپن، آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، کره جنوبی، استرالیا، هند، تایوان و هنگ کنگ می‌باشد.

بدین ترتیب آسه آن یک استراتژی صنعتی توسعه صادرات در یک حجم عظیم با بزرگترین شرکای تجاری جهان را در پیش گرفته است که در این راستا، در زمینه جهانی شدن و پیشبرد انقلاب صنعتی و انقلاب‌های جدید علم و تکنولوژی می‌تواند کمک کننده باشد و طبقاً رشد اقتصادی این منطقه، با دنبال کردن سیاست‌های خاص از صنعتی نمودن اقتصادها مستمر خواهد بود.

منطقه آسیای جنوب شرقی سازمان آسه آن از جمله مناطقی بوده است که در دهه اول هزاره سوم، رشد اقتصادی ۵/۵ درصدی داشته است و پس از آن آهنگ رشد اقتصادی مستمری داشته و یکی از عوامل و علل این امر را می‌توان دنبال کردن سیاست خاصی از صنعتی شدن توسط این سازمان دانست. بالا بودن رشد اقتصادی این کشورها سبب می‌شود تقاضای آن‌ها برای مواد خام و تهیه آن جهت تولید محصولات صنعتی افزایش یابد و بر این پایه شرکت‌های چند ملیتی در صنعتی شدن منطقه جنوب شرقی آسیا نقش کارسازی داشته باشند. بنابراین، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و فعالیت شرکت‌های چند ملیتی از علل و عوامل رشد این منطقه بوده است. البته نمی‌توان صرفاً عوامل خارجی را علت پیشرفت

اقتصادی این منطقه دانست، عوامل داخلی نظیر منابع سرشار طبیعی و نیروی کار ارزان، سودآوری اقتصادی بالایی برای این مناطق داشته است.

آزاد سازی تجارت، جذب سرمایه‌های خارجی، فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، نیروی کار ارزان و منابع طبیعی کافی این منطقه، روی هم رفته سبب گردیده است تا آهنگ رشد اقتصادی مستمری را تجربه نمایند. علاوه بر موارد گفته شده، روابط سیاسی کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی به شکل صلح آمیز و با ثبات پیش می‌رود. بنابراین، نقش آن در توسعه ثبات و سیاسی در وهله اول و سپس در پیش گرفتن نوعی همگرایی اقتصادی همراه با دنبال نمودن سیاست خاصی از صنعتی شدن این کشورها سهم عظیمی داشته است. کشورهای آسیای جنوب شرقی دارای نظام‌های سیاسی متفاوتی می‌باشند. بر این اساس، در کشورهای اندونزی، سنگاپور و فیلیپین نظام دموکراسی، در مالزی پادشاهی مشروطه با نهادهای لیبرال دموکراسی، در کامبوج پادشاهی دموکراتیک جمهوری چند حزبی در تایلند و برونئی نظام حکومت پادشاهی مشروطه پارلمانی و در میانمار حکومت نظامی پابرجا است. با این وجود این تفاوت‌های سیاسی، در آسه آن تاکنون به هدف ایجاد صلح و ثبات سیاسی، موافقتنامه‌های زیر به امضا رسیده است.

• اعلامیه بانکوک ۱۹۶۷.

• پیمان مودت و دوستی بالی ۱۹۷۶.

• اعلامیه ۱۹۷۱ کوالالامپور (اعلام آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه آزاد و بی طرف).

• پیمان بانکوک ۱۹۹۷ (منطقه آری از فعالیت سلاح‌های هسته‌ای).

• تدوین چشم انداز ۲۰۲۰ در کوالالامپور سال ۱۹۹۷.

• توافقنامه بالی ۲۰۰۳.

• امضای منشور آسه آن (وبسایت ASEAN سند ۹۲).

به رغم تلاش‌های این سازمان، کشور میانمار و حکومت نظامی آن، یک چالش جدی برای آسه آن پدید آورده است. نقض حقوق بشر و عدم وجود یک حکومت مردم سالار دموکراتیک در این کشور بر انسجام سیاسی سازمان، اثر منفی گذاشته و تلاش‌های کشورهای منطقه در این راستا نافرجام بوده است.



## سازمان همکاری‌های منطقه‌ای آسه آن - موانع و چالش‌ها

این درست است که هدف آسه آن در راستای همگرایی اقتصادی و دنبال کردن سیاست بازار مشترک در میان کشورهای منطقه تاحدودی هموار گردیده است، اما در این راستا موانع و چالش‌هایی جدی در پیش روی این سازمان قرار دارد. تفصیل و تحلیل و توضیح این موارد قدر خارج از بحث و حوزه پژوهش مدنظر می‌باشد، اما همین قدر ذکر می‌کنیم که در آمدهای متفاوت تولید ناخالص ملی کشورها، اختلافات قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی سبب ایجاد تنش در میان کشورها گردیده است.

در قسمت قبل اشاره شد که باتوجه به توافق نامه افتا تعرفه‌های تجاری جهت آزاد سازی تجارت حذف گردید. سازمان بین المللی آسه آن برای رسیدن به هدف خود، باید حجم تجارت درون منطقه‌ای خود را به بیش از ۳۰ درصد افزایش دهند. حفظ بازار مشترک نیز دشوارتر از مرحله اولیه یا ایجاد آن است که اتحادیه اروپا در این راستا با مشکلات عدیده‌ای روبه رو بوده است که بارزترین آن خروج انگلستان و تبعاتی است که پس از خروج آن به دنبال دارد. از جمله مثال بارزی است که در این زمینه می‌توان ذکر نمود، حجم تجارت داخلی میان این کشورها است که تنها ۲۵ درصد است و این عدد در مقایسه با حجم مبادلات تجاری سایر کشورها پایین است. هرچند درمقایسه با غرب آسیا عدد قابل توجهی می‌باشد. با این اوصاف هر چند، آسه آن حجم مبادلات تجاری خود را با شرکای تجاری خارج از منطقه نیز تلاش کرده افزایش دهد، اما این اواخر رشد مستمر این حجم از تجارت افزایشی نیافته است و این نشان می‌دهد که سازمان آسه آن برای این امر تمهیدی مناسب نیاندیشیده است.

البته ذکر این موضوع حائز اهمیت است که آسه آن در حوزه‌های مختلف با وجود کمبودهای موجود، عملکرد خوبی را ثبت کرده و منظور از عبارت چندان موفقیت آمیز نبوده است و یا عبارت منفی دیگر در اینجا، تاحدودی ناتوانی در پیشبرد هدف خود، یعنی همان بازار مشترک است که باعث شده واقعیت، ورای آرزوهای این نهاد منطقه‌ای خودنمایی کند. کشورهای آسه آن از لحاظ توانایی‌های توسعه و اقتصاد به دوگروه تقسیم می‌شوند و در

این جا می توان این ها را به گروه هایی با درآمد متوسط و درآمد بالا و کمتر توسعه یافته تقسیم بندی نمود.

به عنوان مثال درآمدهای برونئی اغلب بر صادرات مواد خام نفت و گاز وابسته است و این کشور در مقابل سنگاپور که درآمد آن اغلب بر خدمات و بعد از آن تولیدات صنعتی متکی است، قرار دارد. در میان کشورهای کمتر توسعه یافته آسه آن نیز سطح اقتصاد ویتنام با سه کشور دیگر کمی متفاوت بوده و این کشور نه تنها از منظر اقتصادی عملکرد بهتری نسبت به سه کشور دیگر داشته، بلکه توانسته است در دو دهه اخیر رشد و پیشرفت قابل ملاحظه تری را ثبت کند. حجم اقتصادی این مجموعه نیز تفاوت های بسیاری را نشان می دهد، به گونه ای که تولید ناخالص داخلی اندونزی بیش از یک تریلیون در سال، اما همین شاخص در کشور لائوس ۱۷ میلیارد دلار است. این شاخص گویای توانایی و قابلیت کشورهای منطقه است که تفاوت بسیار زیادی را نیز نمایان میسازد. به دلیل تفاوت کشورهای منطقه، انتظارات آن ها نیز از سه شاخه اصلی آسه آن، مخصوصاً اجتماع اقتصادی آسه آن متفاوت است. به عنوان مثال در حالی که این نهاد به عنوان حامی منافع کشورهای با اقتصاد باز مانند سنگاپور و مالزی عمل می کند، اما برای یک کشور توسعه نیافته کوچک مانند لائوس یا کامبوج، مفید بودن آن بیشتر در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی است که این امر نیز در واقعیت امر، چندان به نفع این کشورها نیست. به عنوان مثال، از مجموع سرمایه گذاری مستقیم خارجی که وارد منطقه می شود سنگاپور نزدیک ۵۰ درصد و کشورهای توسعه نیافته کوچک، مانند لائوس، کامبوج و میانمار ۰ تا ۵ درصد از آن را به خود اختصاص می دهند. البته این سیر به تدریج تغییر خواهد کرد و این سیر تغییر به عدم تمایل به تخصیص منابع در راستای ادغام منطقه ای بیشتر می انجامد. در مورد منافع حاصل از توسعه همگرایی اقتصادی نیز تفاوت دیدگاه وجود دارد. به عنوان مثال در حالی که کشورهای توسعه یافته تر مانند تایلند، اندونزی و مالزی به دنبال ارتقا و توسعه تولید قطعات الکترونیکی و صنعت خودرو هستند، کشورهای مانند میانمار، برونئی و لائوس بیشتر علاقه مند به اولویت قائل شدن برای صنایع مبتنی بر ذخایر و منابع معدنی هستند. این امر توسعه بازار یکپارچه در بخش های گوناگون منطقه ای را با چالش مواجه می کند، اما ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که با برنامه ریزی دقیق نقایص

ذکر شده قابل رفع است (رضوانی و بیدگلی، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از چالش‌های این سازمان، در راستای سیاست و ثبات این منطقه است. هرچند ذکر شد که کشورهای منطقه اختلافات ارضی و مرزی خود را کنار نهادند تا این سازمان را تشکیل دهند و پس از فروپاشی شوروی با توجه به کاهش تنش‌های بین‌المللی توانسته است به موفقیت‌هایی در حوزه اقتصاد و سیاست نایل آید، اما در مورد همگرایی سیاسی باید گفت که این کشورها هیچ تمایلی به واگذاری اقتدار و حاکمیت ملی خویش ندارند تا در منطقه حکمرانی کند. به طور عمده، کار و فعالیت این کشورها و ماهیت تشکیل این سازمان غالباً در راستای خدمت به اهداف و منافع ملی آن‌ها بوده است و همچنین مخالف هرگونه اقتدار نهادی فراملی در راستای کاهش اقتدار ملی آن‌ها می‌باشد. این موضوع نیز یکی از چالش‌هایی است که سازمان آسه آن با آن مواجه است. اصل عدم مداخله در امور داخلی اصلی از اصول حقوق بین‌الملل است که می‌توان گفت که با همگرایی تداخل دارد و پایبندی به چنین اصلی سبب گردیده تا این کشورها از همفکری، مشارکت و مشورت در مورد مشکلات داخلی خود پرهیز کنند. «مثال بارز این امر، بحران روهینگیا است که از اوت سال ۲۰۱۵ آغاز شده و کشورهای منطقه مدت زمان زیادی به دلیل پایبندی به اصل مورد نظر اقدامی در پیش نگرفتند و بالاخره به واسطه فشارهای بین‌المللی، مالزی صرفاً انتقاداتی را هرچند اندک وارد کرده‌اند. آسه آن برای این که بتواند به عنوان بازاری مشترک عمل کند، نیازمند سازوکارهای دقیق‌تر و هماهنگ‌تر جهت حل منازعات و مشکلات ایجاد شده است. همچنین پس از سال‌ها مذاکره، اعضای آسه آن برای تبدیل اعلامیه اخلاقی به منشور اخلاقی آسه آن، کامبوج به عنوان میزبان نشست مشخص شد، اما کامبوج به دلیل روابط نزدیک و ترس از خروج سرمایه‌های چین، تشکیل منشور را وتو کرد و به درخواست بیجینگ (پکن) از گفتگو در مورد آن امتناع ورزید» (رضوانی و بیدگلی، ۱۳۹۸، ص ۲۶).

غالباً عملکرد اکثر کشورهای آسه آن، بر اساس بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های سرمایه داری سنجیده می‌شود. این شرکت‌ها با صاحبان قدرت در ارتباط‌اند و بر عملکرد اقتصادی آن‌ها در زمینه منافع ملی اثر می‌گذارند و این مسئله چالشی ناسیونالیستی در ارتباط با کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. باید گفت که منافع ملی و فرهنگ سیاسی اغلب ابتکارات

منطقه‌ای را با مشکل مواجه می‌کند و روند ادغام را به طور قابل توجهی به تاخیر می‌اندازد. رقابت‌های دو کشور چین و ژاپن به رشد و توسعه ابعاد گوناگون کشورهای منطقه و به تبع آن تامین نیازهای همگرایی اقتصادی بیشتر کمک خواهد کرد، اما این واقعیت را نیز باید پذیرفت که رقابت قدرت‌های بزرگ باعث می‌شود کشورهای آسه آن با توجه به وابستگی و همچنین منافع و علایق متفاوت خود به سمت یکی از این کشورها سوق پیدا کنند و این واقعیت کشورهای منطقه را از هدف خود مبنی بر همگرایی بیشتر در قالب نهاد آسه آن دور خواهد ساخت. موارد مذکور به نوبه خود به تفرقه، بی‌اعتمادی و جدایی کشورهای از یک دیگر ختم می‌شود. همچنین چین و هند که جمعیت‌های میلیاردی دارند، سرمایه‌های خارجی را به سمت خود جذب کرده و باعث کند شدن سیر فزاینده جریان سرمایه، به سمت منطقه جنوب شرق آسیا شده‌اند.

برخی دیگر از انواع موانع همگرایی اقتصادی، وجود برخی موانع تعرفه‌ای است که مانع حرکت آزادانه کالا، نیروی کار و سرمایه بین کشورها می‌شود. قوانین و مقررات متفاوتی که مانعی بر سر هماهنگی و یکپارچه عمل کردن طرفین است و مقررات و دیوانسالاری بیش از حد که مانع تسریع انجام اقدامات می‌شود. کمبود اطلاعات از فضای کسب و کار کشورهای عضو و زیرساخت‌های ناکافی نیز از دیگر موانع موجود جهت همکاری اقتصادی بیشتر است. به عنوان مثال، به دلیل سطح توسعه یافتگی سنگاپور و تا حدودی سیاست‌های رفاهی برونتی، این کشورها اعمال تعرفه‌های بالا نسبت به واردات کالاهای خارجی را نخواهند پذیرفت و اگر خلاف این امر تحقق یابد، رفاه نسبی سنگاپور و برونتی مورد هدف قرار خواهد گرفت که به نظر نمی‌رسد این پیامد را بپذیرند، مگر این‌که سیاست‌های جبرانی پیش‌بینی و اعمال شود. در نتیجه، کشورهای آسه آن مراحل همگرایی منطقه‌ای را به صورت کامل و در بازه زمانی کوتاه نمی‌توانند طی کنند و باید استثنائاتی را در مسیر همگرایی منطقه‌ای کامل در نظر بگیرند تا ادغام بیشتر در قالب هر ۱۰ عضو نهاد مزبور ممکن و اجرایی شود.

به نظر می‌رسد کشورهای آسه آن اگرچه در مواجهه با مشکلات متعدد توانایی دستیابی به بازار مشترک را خواهند داشت، اما این هدف با وجود حجم بالای موانع، چالش‌ها و مشکلات کنونی، کمی زمان بر است و دوره زمانی آن احتمالاً بیش از یک دهه خواهد بود.

البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که آسه آن در مواردی مانند بازه زمانی ایجاد منطقه آزاد تجاری، ثابت کرده است که می‌تواند حتی زودتر از موعد مقرر به هدف خود جامعه عمل ببوشاند و نمی‌توان سرنوشت و تجربه کشورهای پیشرفته را به عنوان نسخه غیرقابل تخطی و سرنوشت محتمله کشورهای در حال توسعه و از جمله نهاد مزبور پیچید.

### نتیجه گیری

سازمان اقتصادی آسه آن و عملکرد چندین ساله آن با ذکر کلیات این مقاله، حاکی از آن است که از ابتدای تشکیل تا کنون همواره در پی این بوده است تا با حاکم کردن فضایی با ثبات و امنیت، امکان رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورهای منطقه فراهم سازد و در این راستا تا حدود زیادی موفق عمل کرده است. آسه آن با در پیش گرفتن سیاست حذف تعرفه‌های تجاری، تعرفه‌های هوایی در راستای تسهیل روند روابط میان کشورهای منطقه گام مثبتی برداشته است و این روند روندی است که در کارآمدی همگرایی اقتصادی منطقه کارساز بوده. بنابراین، در جهت افزایش همگرایی اقتصادی آسه آن با توجه به عوامل داخلی و خارجی و رشد و توسعه ثبات سیاسی اقتصادی و اجتماعی فراهم آورده است. آسه آن با استفاده از نیروی کار ارزان منابع طبیعی موجود در داخل منطقه، جذب سرمایه‌های خارجی و آزاد سازی تجارت و تجارت با قدرت‌های بزرگ جهان، بستر مناسبی برای همگرایی اقتصادی پدید آورده. پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این سازمان در راستای توسعه اقتصادی این کشورها تا حدودی موفقیت آمیز عمل نموده، اما در مورد ثبات سیاسی با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو است. از سری این چالش‌ها می‌توان به بحران میانمار، اختلافات سلیقه‌ای، فرهنگی، مذهبی قومی، زبانی و همچنین تاکید بر اصل عدم مداخله در امور داخلی که سبب گردیده تا مانع از یکپارچگی و همگرایی سیاسی میان آن‌ها گردد اشاره کرد. در واقع کشورهای منطقه، قبل از هر چیزی منافع ملی خود را به مسائل دیگر، چون روند جهانی شدن و حاکمیت یک نهاد فراملی ترجیح می‌دهند، هر چند این کشورها توانسته‌اند اختلاف و تفاوت در نوع نظام‌های سیاسی را حل کنند، اما در نهایت اختلاف در سلاقی و

عقاید سبب گردیده تا این سازمان نتواند به عنوان یک نهاد فراملی ماموریت خود را به پایان برساند.

در مورد حذف تعرفه‌های تجاری، بکارگیری سیاست صنعتی شدن با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و فعالیت شرکت‌های چند ملیتی و همچنین تجارت با قدرت‌های بزرگ راهبرد و استراتژی اقتصادی آسه آن بوده است که نمی‌توان از آمارهای رشد آن غافل ماند، اما در مورد استمرار رشد تصاعدی، این سازمان تمهیدات و سیاست لازم را نچیده است و در دهه آخر رشد آن تا حدودی راکد مانده و یا به عبارتی کُند شده است. به صورت کلی، می‌توان گفت که دنبال کردن سیاست صنعتی شدن توسط سازمان آسه آن امری موفقیت آمیز بوده و به رغم تفاوت در درآمد سرانه تولید ناخالص ملی این کشورها و همچنین تفاوت در سطح توسعه آن‌ها که بعضاً به کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته با درآمدهای بالا و متوسط تقسیم بندی می‌شوند، اما در راستای توسعه و صنعتی شدن این سازمان موفق بوده است، اما در مورد سیاست دنبال کردن بازار مشترک باید گفت راه درازی در پیش دارد و نیازمند زمان است و با وجود انعطاف کشورهای این منطقه و توسعه روزافزون آن‌ها ممکن این امر زودتر از موعد پیش بینی شده صورت پذیرد.

## فهرست منابع

- رضانی، احمد؛ معین آبادی بیدگلی، حسین. (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل. دوره دوم. شماره ۲.
- نقیب زاده، احمد؛ صادقی زاده، سلمان. (۱۳۹۰). علل توسعه اقتصادی در آسیای جنوب شرقی. مقاله ۱۹. دوره ۴۱، شماره ۱.
- امیدی، علی. (۱۳۹۰). تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آسه آن.
- امیدی، علی. (۱۳۸۸). عملکرد ۴۲ ساله آسه آن و نقشه راه تا سال ۲۰۲۰. فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و سوم. شماره ۳.
- سازمند، بهاره. (۱۳۸۹). آسه آن و تهدیدات جدید امنیتی. فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۰. شماره ۱.

- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال الدین. (۱۳۸۸). تحول در نظریات منطقه گرایی. مرکز مطالعات اروسیا مرکزی دانشکده حقوق و علوم سیاسی. سال دوم. شماره ۵.
- نوزاد، مسعود. آسه آن درگذر زمان: بررسی و مقایسه تطبیقی عملکرد تجاری اعضا. امینیان طوسی، حسین. (۱۳۸۸). منشور آسه آن گامی به جلو. ماهنامه رویدادها، تحلیل‌ها، شماره ۳۳۱. پایگاه خبری تحلیلی رویداد. (۲۹ تیر ۱۳۹۱). وضعیت مسلمانان میانمار.
- سازمند، بهاره؛ رضانی، احمد. (۱۳۹۸). منطقه گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال پانزدهم. شماره اول.
- سازمند، بهاره؛ کولایی، الهه. (۱۳۹۳). جهانی شدن و منطقه گرایی نوین در شرق آسیا. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دهم. شماره اول. ص ۱۴۰-۱۵۹.
- سلطانی، ناصر؛ خورشیدی، ناصر؛ معصومی، اکبر. (۱۳۹۳). تحول در منطقه گرایی و ارزیابی ملل آسیای جنوبی شرقی. فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و هشتم. شماره ۳.
- پوررستمی، ناهید. (۱۳۹۴). عوامل موثر بر همگرایی اقتصادی کشورهای شرق آسیا با تاکید بر نقش ژاپن. فصلنامه پژوهشی اقتصادی. سال پانزدهم. شماره ۵۷. ص ۷۴-۳۹.
- شریفی، حسین؛ سیه جانی، نازیلا؛ طرازکوهی. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه موافقت نامه‌های منطقه‌ای نفتا و آسه آن در پیشبرد و تضمین ابعاد و انواع حقوق بشر. مطالعات حقوق تطبیقی. دوره ۶. شماره ۱.

## Website

- file:///C:/Users/Asus/Downloads/%D8%A2-%D8%B3%D9%87-%D8%A2%D9%86-ASEAN\_\_a-41459.aspx
- https://www.porseman.com/article/%D9%BE%D9%8A%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B4%D8%A7%D9%86%DA%AF%D9%87%D8%A7%D9%8A-%E2%80%93%D8%A2%D8%B3%D9%87-%D8%A2%D9%86---
- https://asean.org/asean/about-asean/history/
- <https://asean.org/asean/۹۲htm /

## Reference

- *Economic Outlook for Southeast Asia, China and India 2009 towards smart urban transportation* 2019.

- *Southeast Asia and Everyday Political Economy* Juanita Elias and Lena rethel  
*Introduction Southeast.*
- Guanshang Lu (Autumn 2006) *Assessment on performance of ASEAN economic integration international Review* volum44.



## بررسی اندیشه سیاسی فردوسی بر مبنای شاهنامه

طیبه سادات مهری آدریانی \*

### چکیده

شاهنامه، که قرن‌ها پیش توسط «فردوسی» دهقان زاده‌ای ایرانی نگاشته شده است، سرشار از داستان‌های پرفراز و نشیب شاهانی است که روزی به قدرت می‌رسند و زمانی دیگر - بر اثر مرگ طبیعی و یا بر اثر دادخواهی انسان‌های تحت ستم واقع شده - از این جهان می‌روند. نگارنده قصد دارد در پس ابیات شاهنامه، اندیشه‌ای نظام‌مند از جنس سیاست و البته بر مبنای خرد را استخراج نماید که در راستای نیل به این مقصود می‌بایست، نخست اصول بنیادین دستگاه اندیشه‌گی فردوسی را یافته و ثانیاً اثبات کند، خردی که فردوسی بارها و بارها آن را در ابیات خود مطرح می‌کند و بر آن تأکید می‌ورزد، جنسی از سیاست دارد و در ادامه به بررسی مفاهیمی چون آموزش، مخالفت با استبداد، رابطه دین و ملک و در نهایت آزادی در دستگاه اندیشه‌گی فردوسی بپردازد.

### کلیدواژه‌ها

خرد، روح ملی، آموزش، مخالفت با استبداد، آزادی.

---

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام و ایران دانشگاه مفید، قم، ایران |

tayebeh mohri@gmail.com

## مقدمه

برای فهم چرایی تفاخر ایرانیان به فردوسی، شناخت محیط اجتماعی و شرایطی که در آن می‌زیسته است به نظر ضروری است. او در دهه ششم قرن چهارم هجری، سال‌های ضعف در حاکمیت اعراب، عدم وجود حاکمیت مرکزی در ایران و نیز زمانی که بر سر ایران، سایه چهار فرمانروایی متفاوت سنگینی می‌کرد متولد می‌شود: «در خراسان و ماوراءالنهر، سامانیان که خود را از فرزندان بهرام چوبین می‌دانستند فرمانروایی می‌کردند. بخش باختری و جنوبی و مرکزی ایران در دست خاندان بویه بود که خلیفه بغداد را نیز دست‌نشانده خود ساخته بودند. تبرستان و رویان و گیلان، قلمرو خاندان زیار بود و فرمانروایی کوچک صفاریان بر بخش باختری سیستان حکومت داشتند» (ناقب فر، ۱۳۷۷، ص ۷۶) که البته اینان نیز پیوسته با یکدیگر در جنگ بودند. در این زمانه پر آشوب، فردوسی، دهقان‌زاده ایرانی، بنا بر رسالتی که بر دوش این طبقه اجتماعی بود، اقدام به سرایش شاهنامه می‌کند تا از این طریق بتواند فرهنگ، زبان و اندیشه ایرانی را از گزند روزگار حفظ نماید. در این باره دکتر جواد طباطبایی می‌نویسد:

طبقه دهقانان در نخستین سده‌های دوره اسلامی، نقش پراهمیتی را در بازسازی و سازمان دهی ایران زمین ایفا کردند. این سازماندهی، پایداری ملی و برپایی رستاخیز فرهنگی، به ویژه در فاصله فرمانروایی خاندان‌هایی از ایران - به دنبال دو قرن سکوت حاکمیت دستگاه خلیفه‌گان بر ایران زمین تا چیره‌گی غلامان ترک - به اوج خود رسید و عمدتاً میراث فرهنگی و فرزانه‌گی ایران باستان، به دوره اسلامی انتقال یافت تا از گزند روزگار در امان بماند. در این سده‌ها، خلاء فرهنگی ایجاد شده به دنبال دو قرن

---

۱. طبقه دهقانان در ایران قبل از اسلام و نیز قرون صدر اسلام، ملاکین درجه دومی بودند که جزء آزادگان و مردمان نجیب محسوب می‌شدند و حکم ستون جامعه را داشتند که استواری و بقای کلیه اصناف پایین‌تر، یعنی بزرگان و پیشه‌وران و کسبه، به وجود آنان بسته بود و از سوی دیگر، وظیفه اداره کردن ناحیه‌ای که زمینه‌های ملکی‌شان در آن بود را نیز عهده دار بودند. به بیانی بهتر، در دوره اسلامی، حفظ رسوم و سنن ایرانی و فرهنگ و تاریخ و داستان‌های ملی به نوعی بر عهده ایشان بود.

سکوت تا جایی جبران شد که ناظران تاریخ ایران، آن سده را عصر زرین فرهنگ ایران می‌نامند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۶۷، ۶۸).

فردوسی، برخاسته از چنین طبقه‌ای، برای انجام رسالت خود زبان شعر را برگزید و پر واضح است که زبان شعر و حماسه تا چه اندازه در ذهن و زبان مردم جاودانه خواهد ماند. او برای تدوین منظومه خود از اندرز نامه‌های دوره پهلوی و شاهنامه ابومنصوری<sup>۱</sup> — که امروزه جز اندک صفحاتی از آن باقی نمانده — بسیار بهره برده است. فردوسی در زمانی که اقدام به نگارش شاهنامه می‌کند به خوبی می‌داند که «چه رسالتی بر عهده اوست؛ چرا که در پهنه زبان، با در آمیختن سرسختانه زبان تازی و احتمال پیشروی زبان ترکی، [می‌داند] چه آینده‌ای در انتظار ایران است و خویشکاری او چیست و از هنر و نیروی اندیشه چه کاخ بلندی باید بسازد که از گزند زمانه آسیب نیند. او خود از اهمیت دانش و دین و تاریخ باستانی نهفته در حماسه خویش آگاه است و این را نیز می‌داند که:

کهن گشته این داستان‌ها زمن همی نوشود، بر سر انجمن (ثاقب فر، ص ۸۷).

### اندیشه سیاسی در شاهنامه

در خواندن شاهنامه، نمی‌توان تنها به داستان‌ها و زیبایی سخن موجود در ابیات اکتفا نمود؛ چرا که فردوسی با ارائه این داستان‌های زیبا و اسرارآمیز، نوعی اندیشه سیاسی را در قالب مفاهیمی خاص انتقال می‌دهد که با بررسی دقیق‌تر ابیات می‌توان آن را تحصیل نمود. مفاهیمی که به نوعی القاکننده اندیشه سیاسی اند و یا به تعبیر دکتر زرین‌کوب نوعی فلسفه

۱. شاهنامه ابو منصور، اثر ابو منصور المعری است که به دستور فرمانروای توس در سال ۳۴۶ نوشته شده است. او در تدوین این منظومه از چهار نفر دیگر نیز بهره برد که همه آن‌ها زرتشتی بوده و تنها کسانی بودند که می‌توانستند کتاب‌های پهلوی را برای استفاده ترجمه کنند. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: تئودور نولدکه، حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، تهران: سپهر، ۱۳۵۱، ص ۴۰.

سیاسی: «فلسفه‌های از جنس آرمان طبقه نجبا که همان داد و صلح است و غایت واقعی مفهوم حکومت» (زین‌کوب، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸).

اما اندیشه سیاسی شاهنامه، الهام گرفته از اندیشه شاهی آرمانی است. اندیشه‌هایی که در آن سرانجام نیکی‌ها و بدی‌ها نمایان است. اندیشه‌هایی که خرد سیاسی، بخش اعظم آن و یا می‌توان گفت تمام آن را شامل می‌شود. شاهنامه دارای یک منظومه فکری منسجم است، منظومه‌هایی که یک خط سیر را دنبال می‌کند و آن اجرای عدالت و برقراری صلح است. در دستگاه فکری ایرانیان باستان مفاهیمی چون شهریار نیک، خرد، داد، فرّ، دین و ملک، وفای به عهد، صلح، نیکی و خیر از جایگاهی محوری برخوردار بوده و خاستگاه آنان در شهریار آرمانی نهفته است و البته در شاهنامه نیز نمود دارد. «آمیخته‌گی سیاست با تمام اموری که به نوعی با آیین‌های کشورداری پیوند می‌داشتند با هر اندیشه‌ای درباره کشورداری به معنای بسیار گسترده آن پیوندی ناگسستگی می‌یافته و این امور در درون اندیشه‌ای فراگیر که می‌توان آن را سیاسی توصیف کرد فهمیده شده است» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۶۹). در این میان، خرد مفهومی میدانی دارد و سایر مفاهیم سیاسی در ارتباط با آن شکل می‌گیرند. فردوسی نیز با توجه به این مسئله نظام اندیشه‌گی خود را با آفرینش خرد آغاز می‌کند و پس از آن هستی و انسان را قرار می‌دهد و در این جا خرد بنای اصلی آفرینش قلمداد می‌شود:

نخست آفرینش خرد را شناس      نگهبان جان است و آن سپاس  
سپاس تو چشم است و گوش و زبان      کزین سه رسد نیک و بد بی گمان  
(فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۱)

او بعد از آفرینش هستی بر مبنای خرد در دستگاه فکری خود، به انسان و سپس به پادشاه می‌پردازد، اما دلیل این امر مشخص نیست، شاید برای این که فضای اجتماعی بدون پادشاه را نمی‌توان متصور بود. وی در این راستا، اولین پادشاه خود را کیومرث می‌نامد، کیومرث

پادشاهی است که آیین تخت و کلاه راپایه گذاری می‌کند و به دلیل دارا بودن فریاً خورنه شایسته این مقام شناخته می‌شود. کیومرث با استفاده از فر، راهنمای مردم است و در مقام یک آموزگار، آیین لباس پوشیدن و پختن غذا را به مردم می‌آموزد. در پس پادشاهی کیومرث، هوشنگ بر تخت شاهی می‌نشیند. او نیز چیزی بر مردم عطا می‌کند و آن آتش است. در پی افروختن آتش، کشاورزی و استخراج آهن آغاز می‌شود. پس از آن تهورث (طهمورث) وارد کارزار می‌شود. او رام کردن حیوانات و ریسندگی و بافت پوشاک را به مردم آموزش می‌دهد. در این دوره تهورث کاری بدیع می‌کند، او برای اداره کشور از وجود فردی خردمند بهره می‌برد و مقام وزارت را تأسیس می‌کند. در پی این اقدام، دچار مشکلاتی از جانب اطرافیان می‌شود، اما او با کیاست و تدبیر، دوباره آرامش را بر سرزمین خود حاکم می‌کند.

سپس فرزندش جمشید بر تخت شاهی می‌نشیند. او نیز دارای فر شاهی است و در پی آبادانی و رفاه مردم، دست به اقداماتی شایسته می‌زند. جمشید در سیصد سال اول پادشاهی خود خانه سازی، کشتی سازی، مراکز بهداشتی و آموزشی عمومی را دایر می‌نماید و در راستای تحقق عدالت به تقسیم طبقاتی دست می‌زند و گروه‌های مردمی را از یکدیگر تفکیک می‌کند (بر این مبنا می‌توان ادعا نمود که عدالت او به نوعی مانند عدالتی است که افلاطون مطرح می‌کند)، اما پس از سال‌ها فرمانروایی دچار منیت می‌شود، بر خود می‌بالد و شروع به تفاخر بر اقداماتی که کرده است می‌کند تا جایی که اقدامات دیگر شاهان را حقیر می‌شمارد. او خداوند را فراموش می‌کند و در نتیجه فر شاهی از او گرفته می‌شود. با گرفته شدن فر، مردم نیز از او روی گردان می‌شوند و زمانی که ضحاک شاه کشور همسایه قدرت می‌گیرد همه به او می‌پیوندند. همراه شدن ضحاک با ابلیس و خون خواری او زمین را به تباهی می‌کشد. فردوسی فضای سیاسی و اجتماعی دوره ضحاک را سرشار از بی هنری، دروغ، تملق و از

---

۱. دکتر پور داوود در تعریف فر چنین آورده است: «نوعی فروغ ایزدی است که بر دل هر که بتابد از همگنان برتری یابد و از پرتو این فروغ به پادشاهی می‌رسد» (ابراهیم پور، ۱۳۴۷، ص ۳۱۴).

میان رفتن آزادی سخن، به تصویر می‌کشد تا آنجا که دانشمندان و فرزانه‌گان همگی گوشه نشین می‌شوند و زبان رازگونه در میان دانایان رایج می‌شود.

هنر خوار شد جادویی ارجمند      نهان راستی آشکارا گزند  
 شده بر بدی دست دیوان دراز      به نیکی نرفتی سخن جز به راز  
 (فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۷).

سیاهی و تاریکی عصر ضحاک سبب ایجاد اولین انقلاب تاریخ می‌شود و فریاد عدالت خواهی کاوه را در گوش جهان طنین انداز می‌کند، مردم با او همراه می‌شوند و پا در رکاب فریدون به قیام علیه شاه فاسد برمی‌خیزند. فریدون بر تخت شاهی می‌نشیند و دوباره صلح و داد در کشور جریان می‌یابد.

طرح داستان‌های این چنین از جانب فردوسی نشان از آن دارد که در اندیشه سیاسی شاهنامه محوریت با شاهنشاه می‌باشد. در این نگرش، شهریار مبنای ایزدی دارد و پادشاه، با داشتن فرّ، قدرت حکم رانی را از خداوند می‌گیرد و در سایه اعتقاد به او، مجری هر آنچه خوبی است می‌گردد.

او باید، عدالت اجتماعی را بین همگان به وجود آورد، جیره و مستمری آن‌ها [مردم] را به موقع پرداخت کند و هرگاه خطایی از کسی صادر شود با پند و اندرز او را به خطایش آشنا کند تا دیگر به انجام آن کار مبادرت نرزد و اگر نصیحت را نادیده گیرد، او را گوشمالی دهد تا همگان عبرت گیرند (شهریاری، سیاست و روش کشور داری در شاهنامه، اعتماد: ۸۵/۲/۲۶).

شهریاری در شاهنامه از:

کیومرث تا منوچهر روند مشارکت شهریار در پیشبرد کار تمدن و فرهنگ و سامان دادن به جامعه در اثبات مشروعیت است و شهریار، خود، با جنگیدن به تن خویش در میدان عمل، در برابر بیگانگان و متجاوزان ظاهر می‌شود و در تلاش برای حکم راندن به داد و دهش است. این روند کند و طولانی نشان دهنده روند دیر-انجام سازمان یابی سیاسی جامعه در قالب کشور است. از آن پس کشوری داریم به نام ایران که در فشی (اشاره به درفش کاوه در قیام علیه

ضحاک) خاص خود دارد و این درفش سمبل قیامی مردمی بر ضد پادشاهی بیدادگر است (پرهام، ۱۳۷۳، ص ۵۴-۵۵).

### اهمیت روح ملی و نقش پهلوانان در آن

از این پس فردوسی روح ملی و آگاهی به آن را در بستر ابیات خود جلوه گر می‌کند و حرمت و حقانیت آن را، والاتر از مقام شاهی قرار می‌دهد.

با استناد به گرفتاری کاووس در هاماوران و خطر حمله تازیان و ترکان به ایران که بزرگان کشور به پیش رستم رفته و می‌گویند: دریغ است ایران که ویران شود کتنام پلنگان و شیران شود و یا در ماجرای آزردن رستم از کاووس و روی بر گرداندنش با خشم و تندی که بزرگان ایران به پیش رستم رفته و خطر حمله ی تورانیان به سرکرده گی سهراب را به او گوشزد می‌کنند و به او می‌گویند: تهمتن گر آزرده باشد ز شاه مر ایرانیان را نباشد گناه (پرهام، ۱۳۷۳، ص ۵۵).

نقش محوری پهلوانان در شاهنامه با پادشاهی فریدون و روی کار آمدن منوچهر متبلور می‌شود. پهلوانان در شاهنامه نیرویی در برابر مطلقه شدن شاه‌اند، آنان صدای مردمند، از درون مردم به پا می‌خیزند و علیه بی عدالتی و استبداد شاهان لب به اعتراض می‌کشایند. پهلوانان حافظان نیروی صلح‌اند، صلحی که با محافظت از پیمان ایجاد می‌شود و این پیمان تا زمانی معتبر است که تابعی از امر شهریاری باشد، اما زمانی که شهریار خود ناقض پیمان شود دیگر راه گریزی نیست و ایجاد جنگ گریز ناپذیر است (اشاره به مرگ سیاوش و کشته شدن آن توسط افراسیاب و شکست پیمان توسط او و حمله رستم به آنان به خون خواهی از افراسیاب (پرهام، ۱۳۷۳، ص ۵۷)).

فردوسی با آگاهی از نقش خرد و خطر جنگ و جدال و ستیزه، همیشه شهریار را به خردورزی فرا می‌خواند، اگر چه شهریاران با وجود همه علاقه‌مندی به صلح و سازش و آبادانی مجبورند به جنگ و جدال فرمان دهند تا بدسگالی، شور چشمی و پلشتی بدخواهان که از آفت‌های شهریاری و کشور است را از خود دور کنند، اما بیشتر

جنگ‌های شاهنامه زاییده دو عاملند: کین خواهی و پیمان شکنی (براتی، سایت

[.http://rotstakhri.blogfa.com/post-5.aspx](http://rotstakhri.blogfa.com/post-5.aspx)

## جایگاه آموزش در امر شاهی

در دستگاه اندیشه سیاسی فردوسی آموزش و پرورش جایگاهی بس مهم دارد. آموزش شهریاری که می‌بایست روزی شاه ایران باشد و در سایه آموزش‌های او نیکی و آبادانی در کشور جاری گردد و تنها در این صورت می‌تواند خوشبختی خود و شهروندانش را تامین کند. او باید آموزش‌هایی چون آیین کشورداری، حکمت، آموزش‌های نظامی و دینی را می‌آموخت تا بتواند نگهبان دین و ملک گردد.

## رابطه دین و ملک

رابطه دین و ملک در اندیشه ایران باستان به خصوص در شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از دقیق‌ترین بازپرداخت‌های اندیشه ایران شهری مورد اهمیت خاصی واقع شده است. این مهم از سخنان منصوب به اردشیر بابکان بنیان‌گذار شاهنشاهی ساسانی و برگرفته شده از ترجمه عربی آن در اندرزنامه‌ای با عنوان عهد اردشیر که متن آن را مسکویه رازی در کتاب تجارب الامم نقل کرده، آمده است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵). فردوسی نیز در شاهنامه خود آن را در غالب وصیت نامه اردشیر بابکان روایت می‌کند:

چو بر دین کند شهریار آفرین	برادر شود شهریاری و دین
نه بی تخت شاهی است دینی به پای	نه بی دین بود شهریاری به جای
دو دیبا است یک در دگر بافته	بر آورده پیش خرد تافته
نه از پادشا بی نیاز است دین	نه بی دین بود شاه را آفرین
چنین، پاسبانان یکدیگرند	توگویی که در زیر یک چادرند
نه آن زین، نه این زان بود بی نیاز	دو انباز دیدیمشان نیک ساز
چو باشد خداوند رای و خرد	دو گیتی همی مرد دینی برد



چو دین را بود پادشا پاسبان  
 چه گفت آن سخنگوی با آفرین  
 تو این هر دو را جز برادر مخوان  
 که چون بنگری مغز داد است دین  
 (فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۸۸۹ - ۸۹۰).

اما فردوسی با استبداد دینی مخالف است، او مقام شاهی را با موبدی تلفیق نمی‌کند، بلکه آنان را دو برادر هم زادی می‌نامد که هر یک پاسدار دیگری است تا از گزند زمانه در امان بمانند. او سرانجام شاهانی که به خطا می‌روند و درصدد تلفیق این دو بر می‌آیند و خود را نماینده شریعت نیز معرفی می‌کنند، در سرنوشت جمشید نشان می‌دهد، که در آخر توسط ضحاک به دو نیم می‌شود.

### مخالفت با استبداد

فردوسی در شاهنامه تلاش می‌کند قدرت را از نوع مطلقه بودن خارج کند و بزرگان را در حکومت داری به کمک شاه آورد. او شاهانی که در امر حکومت به مشورت با بزرگان فکر می‌پردازند، شاهانی خرد ورز و عادل توصیف می‌کند، کسانی که با لطف الهی دارای فرّ گشته و دست به آبادانی کشور می‌زنند، اما فردوسی به ناگزیر شدن قدرت شاهان به سمت مطلقه پی برده است، ولی راه برون رفت عملی برای آن نمی‌یابد. او سعی می‌کند با نیروی الهی و خردورزی از وقوع این امر جلوگیری کند، اما اکثر شاهان داستان هایش به دام مطلقه شدن گرفتار می‌شوند. دغدغه فردسی در قالب کیخسرو خود را نشان می‌دهد. کیخسرو، شاهی است که در خردورزی و عدالت نظیر ندارد و سرآمد همه شاهان شاهنامه است. فردوسی در باب توصیف حکومت او می‌گوید:

به هر جای ویرانی آباد کرد  
 جهان گشت پرسبزه و رودآب  
 دل غمگنان از غم آزاد کرد  
 سر غمگنان اندرآمد به خواب  
 زمین چون بهشتی شد آراسته  
 ز داد و ز بخشش پر از خواسته  
 چو جم و فریدون بیاراست گاه  
 ز داد و ز بخشش نیاسود شاه  
 جهان شد پراز خوبی و ایمنی  
 ز بد بسته شد دست اهریمنی....

(فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴-۳۰۵).

هر آن بوم و برکان نه آباد بود      تبه بود و ویران ز بیداد بود  
 درم داد و آباد کردش ز گنج      ز داد و ز بخشش نیامدش رنج  
 جهان از بداندیش بی بیم شد      دل اهرمن زین به دو نیم شد (فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۶).

اما چنین شاهی به ناگاه دچار این دلهره می شود که حال که سراسر جهان را از بدخواه تهی کرده‌ام و همه آرزوهای خویش را یافته‌ام مبادا گرفتار خودخواهی شوم و روانم دچار بداندیشی، منیت، و کیش اهریمنی گردد. او خسرو نادانی نیست، از تاریخ شاهان نیای خود آگاه است و دانش و زیرکی او چنان است که بیش از هر شاه دیگری در کارهای خود با بزرگان هم سخن است. در حالی که شاید کمتر از هر شاهی بدین کار نیاز دارد. تفاوت ژرفی است میان او و دیگر شاهان ایران، از جمله نیایش کیکاوس که می‌بایست در هر گام دستوری یا بزرگی و ریش سپیدی لگامش زند و راه درست را به او بنماید. کیخسرو خردمندی است که تاریخ را همچون آئینه سنگدل زمان در پیش رو دارد. از این رو شاید چندان شگفت نباشد اگر به چنین شور و دلهره‌ای گرفتار می شود (ثاقب فر، ۱۳۴۹).

شوم همچو ضحاک تازی و جم      که با سلم و تور اندر آیم به زم  
 به یک سو چو کاووس دارم نیا      دگر سو چو توران پر از کیمیا  
 چو کاووس و چون جادو افراسیاب      که جز روی کژی ندیدی به خواب...  
 (فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۶۰۲)

کیخسرو درست هنگامی گرفتار نگرانی و پریشانی می شود که هیچ جای پریشانی نیست و درست هنگامی نومیدی و اندوه به جانش می افتد که حال و روز گیتی کمتر از هر زمان دیگری آماده برای زایش و پرورش چنین اندیشه‌هایی است.

او «سراسر جهان را از بدخواه تهی کرده» و «جهان را از بد اندیش بی بیم ساخته است» (ثاقب فر، ۱۳۴۹). کیخسرو نماد شاهی است که از استبداد و بی‌فره‌ی و بدسگالی در هراس است او از تاریخ پند می گیرد و رویای نیک ماندن را در سر دارد، اما هر آنچه جهد می کند راهی برای برون رفت از بن بست درونی خود نمی یابد. تا این که سر انجام تصمیم به کناره‌گیری از تاج و تخت می گیرد، ایران را میان پهلوانان تقسیم می کند و خود دست به

خودکشی می‌زند، تا روان خود را که هنوز آلوده نگشته است به جهان مینوی منتقل نماید. فردوسی برای یافتن پاسخ پرسش خود در قالب کیخسرو به تقسیم قدرت نمی‌اندیشد، او مردم را در دستگاه حکومتی پادشاه راه نمی‌دهد و در واقع دریافتن پاسخ ناتوان می‌شود. دستگاه اندیشه‌گی فردوسی تماماً برگرفته از اندیشه ایران باستان است. او نمی‌تواند به حکومت مردمی از جنس یونانی آن بیاندهد؛ چرا که در تفکر ایرانیان باستان، حکومت دموکراسی حاکم بر یونان امری حقیر و دور از خرد جلوه می‌کرده و بنابراین، بزرگان ایرانی از آن روی گردان بودند.

## آزادی

آزادی نیز در منظومه فکری فردوسی دارای جنسی متفاوت از آنچه امروزه به معنی آزادی شناخته می‌شود است. آزادی در نگاه فردوسی نوعی آزادی درونی است. آدمی تا زمانی که از قید و بند درونی خود که همان آز و طمع است رها نشود نمی‌تواند شهروندی نیک باشد. او پهلوانان منظومه خود را انسان‌هایی نیک و آزاده می‌داند؛ چرا که ابتدا با اهرمن درون خود جنگیده‌اند. از این رو، آزادی موجود در شاهنامه ابتدا صورتی درونی می‌یابد و بعد خود را در قالب بیرونی نمایان می‌کند. این مسئله، در قیام کاوه بیشتر خود را نمایان می‌کند، آن‌جا که کاوه برای رهایی از ستم شاهی بعد از کشته شدن یازده پسرش، دست به اعتراض می‌زند و از او می‌خواهد فرزند آخرش را رها کند و این ظلم را خاتمه دهد. ابتدا رهایی از نفس و تعلق و در نهایت اعتراض به آنچه نباید.

## نتیجه گیری

آنچه از حقیقت شاهنامه بر می‌خیزد، سرگذشت انسان و ماهیت اوست. انسانی که خرد، مبنای عمل و ترازوی سنجش کردارش می‌باشد. شاهنامه، قصه خردورزی و سرانجام آن است و نیز سرانجام کسانی که روزی باخرد همراه شدند و روزگار نفس ایشان را از این

همراهی باز داشت و از این رهگذر چه بد سرانجامی برای خویش هموار نمودند. در دستگاه خرد سنجی فردوسی هیچ کس مستثنی نیست، حتی پادشاه و این امر جایگاه شاهنشاه را متزلزل نمی‌کند. چنانچه می‌بینیم مقام شاهی با فروغ ایزدی (فرّ) همراه می‌گردد، ولی جایگاه شاهی را قدسانی نمی‌کند. شاهنامه به دنبال قدسیت زدایی از پادشاه است و به دنبال از میان بردن این تصور ناصحیح که شاهان تافته‌ای جدا بافته از جامعه اند (از باب نمونه می‌توان به قیام کاوه بر ضد ضحاک و یا اعتراضات رستم و زال به پادشاه و... اشاره نمود). فردوسی حتی در خطابه بهرام گور برای مردم خود به این مسئله می‌پردازد و از زبان او می‌گوید:

هر آنکس که خواهد که یابد بهشت	نگردد به گرد بد و کار زشت
چو داد و دهش باشد و راستی	بپیچد دل از کژی و کاستی
ز ما کس مبادیزین پس به بیم	اگر کوه زر دارد و گنج سیم
ز دل‌ها همه بیم بیرون کنید	نیایش به دارای بی چون کنید
کشاورز گر مرد دهقان نژاد	بکوشید با ما به هنگام داد
هران را که ما تاج داریم و تخت	ز یزدان شناسید وز داد و بخت...

(فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰۸).

فردوسی یک معترض به فضای اجتماعی خود است. او شاهنامه را نیز با هدف اعتراض به وضع موجود نگاشته، به گونه‌ای که در جای جای ابیات این مسئله به وضوح قابل درک است و این مسئله را حتی در ابتدای شاهنامه \_ که در پی تجلیل از جایگاه خرد و خرد ورزی است \_ نیز می‌بینیم.

خرد را و جان را که یارد ستود	و گر من ستایم که یارد شنود
حکیم چو کس نیست گفتن چه سود	و گر من ستایم که یارد شنود

او متولد عصری است که ستم‌های بی‌شمار فرزندان بنی امیه بر ایرانیان سبب ایجاد شعار «اسلام منهای عرب» شده بود و مذهب تشیع، به عنوان مذهب مخالف حکومت غاصبانۀ خلفا، مذهب نیمه رسمی ایرانیان شناخته می‌شد. در این زمانه پر آشوب که ترکان نیز در آن دخیل بودند و ایران از نبود حکومتی مقتدر و ایرانی در رنج بود، فردوسی، با هدف

ایجاد اثری ماندگار از فرهنگ و هنر ایرانی اقدام به نگارش شاهنامه کرد. وی در پی آن بود تا در اثر خود نقاط ضعف و قوت شاهان گذشته را برجسته سازی نماید و راهکاری برای برون رفت از شرایط کنونی ارائه دهد. در اصل، فردوسی برای ارائه راهکار به سراغ گذشته می‌رود و در اثر خود از سنت‌های جامعه ایرانی بهره می‌برد. او به داشته‌های خود تکیه می‌کند و برای اصلاح فضای اجتماعی خود دست به ابداع نمی‌زند، چیزی جدید خلق نمی‌کند، یوتوپیا ایجاد نمی‌کند؛ چرا که او یک محافظه‌کار است. فردوسی همانند یک محافظه‌کار امروزی به داشته‌های خود متشبث شده و برای رهایی از بحران از آنان استفاده می‌کند. با این همه فردوسی مخالف انقلاب نیست؛ چرا که برای حفظ سنت، از انقلاب بهره می‌برد و آن را درست در جایی که سنت هایش را در خطر می‌بیند به کار می‌گیرد. انقلاب فردوسی در سایه شاهی عادل به پیش می‌رود تا سریعاً نظم اجتماعی ناشی از طبقات اجتماعی در نتیجه بی‌عدالتی شاه بی‌دادگر جایگاه خود را باز یابد.

### فهرست منابع

- پرینستون، مایکل. (۱۳۷۹). علم روانشناسی. ترجمه علینقی خرازی و دیگران. تهران: نشر آگه.  
 طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۵). خواجه نظام الملک طوسی. چاپ دوم. تبریز: نشر ستوده.  
 ثاقب فر، مرتضی. (۱۳۴۹). شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران.  
 زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). نامورنامه (درباره فردوسی و شاهنامه). تهران: نشر سخن.  
 فردوسی. شاهنامه. (۱۳۸۱). به کوشش دکتر سعید حمیدیان. نشر قطره. تهران.  
 ابراهیم پور، داوود. (۱۳۴۷). بیست‌ها. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: نشر طهوری.  
 پرهام، باقر. (۱۳۷۳). مبانی نقد خرد سیاسی در ایران با نگاه به فردوسی. نشر کویر.  
 براتی، ماشالله. خرد شهریاری در اندیشه فردوسی، بر گرفته از سایت:  
<http://rotstakhri.blogfa.com/post-5.aspx>  
 ثاقب فر، مرتضی. (۱۳۴۹). مرگ کیخسرو، فصلنامه جهان نو. بر گرفته از سایت:  
<http://www.saghebfar.ilssw.com/pages.php?id=26&cat=art>

## مروری بر فرآیند دولت - ملت سازی در عربستان سعودی و چالش‌های پیش رو

سیده مریم نقوی \*

### چکیده

فرآیند دولت - ملت سازی زنجیرهای از مفاهیمی را با خود حمل می‌نماید که هر یک می‌توانند معیارهای ارزیابی و شاخص‌های این فرآیند نیز تلقی گردند. از این رو، دولت برای تثبیت و دوام خود به وجود یک ملت و همبستگی و انسجام هر چه بیشتر آن نیاز دارد و ملت نیز برای انباشت بهتر و نهادینه‌قدرت و حفظ هویت متمایز و مستقل خود (در مقابل دیگران) به وجود دولتی نیرومند و توانمند نیازمند دارند. در جامعه عربستان سعودی، بررسی رابطه در هم تنیده ملت و دولت و چگونگی کنش متقابل جامعه و دولت در بحران همبستگی و یکپارچگی ملی و روند دولت - ملت سازی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای با استفاده از مطالعه اسنادی، داده‌های آماری و مطالعه و بررسی اسناد و به کارگیری منابع اینترنتی نشان داده شده است که روند دولت - ملت سازی در عربستان سعودی با توجه به ساختارهای مختلف اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌باشد.

### کلیدواژه‌ها

دولت سازی، ملت سازی، دولت - ملت، عربستان سعودی، چالش‌ها.

## مقدمه

در تصویری کلی از عربستان سعودی، به خوبی می‌توان دریافت که جامعه این کشور جامعه‌ای سنتی است که هنوز مناسبات سنتی و خانوادگی نقشی اساسی در اداره آن دارد. با وجود این که کشف و استخراج نفت، اقتصاد و ساختار تکنولوژیک این کشور را به طور گسترده تحت تأثیر قرار داده است، اما نه تنها زمینه کارآمدی و توسعه اقتصادی را فراهم نکرده، بلکه به وابستگی روزافزون به درآمدهای ناشی از آن دامن زده است. نظام سیاسی عربستان نیز مبتنی بر پادشاهی سنتی آل سعود است که هر چند از نظر جغرافیایی پراکنده و شکننده است، اما از نظر تاریخی توانسته ترکیبی از دو سنت اسلامی و عربی را در قالب ائتلاف وهابی - سعودی به عنوان ایدئولوژی رسمی حاکم بر جامعه عربستان ایجاد کند (خلیلی، ۱۳۹۶، ص ۹۳). پس از جنگ سرد و با ورود کشورهای جدید به نظام بین الملل، دوباره دولت ملت سازی اهمیت بیشتری پیدا کرد. ریشه بسیاری از بی ثباتی‌ها و ناامنی‌ها در جهان در ناکارآمدی و تداوم بحران دولت ملت سازی در برخی کشورها است. این کشورها که تعداد آن‌ها قابل توجه است در انجام کارکردهای اساسی یک دولت - ملت ناتوان هستند و در طی دولت ملت سازی موجب ناامنی‌ها و بی ثباتی‌های داخلی، منطقه‌ای و بین المللی می‌گردند. برخی ملت‌ها دارای ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی خاصی هستند. شکاف‌های قومی، نابرابری‌های اجتماعی و دشمنی مذهبی موجب می‌شود در برابر ملت سازی مقاومت نمایند (ابطحی و ترابی، ۱۳۹۶، ص ۲).

از این رو فرایند دولت - ملت سازی شاخصی جدید و مهم در تقسیم بندی دولت‌ها و برقراری نظم و امنیت در دو حوزه داخلی و خارجی تلقی می‌گردد که متغیرهای عمده این فرآیند عبارت‌اند از اشباع سرزمینی، یکپارچگی و همبستگی ملی، ثبات و توسعه سیاسی. در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با توجه به ویژگی‌های کشور عربستان به بحث و بررسی پیرامون روند دولت - ملت سازی در کشور عربستان سعودی با توجه به بافت تاریخی، قومی و چالش‌هایی که این کشور در این مسیر با آن مواجه هست خواهیم پرداخت. در ادامه،

ضمن بررسی مفهوم دولت و ملت به طور جداگانه و مفهوم دولت - ملت سازی، مولفه‌های اصلی این مفهوم مورد بررسی قرار گرفته و وضعیت آن در کشور عربستان بررسی خواهد شد. در ادبیات روابط بین الملل معمولاً وقتی به این مفهوم ارجاع داده می‌شود، آن را روندی واحد در نظر می‌گیرند؛ زیرا به طور سنتی به دولت - ملت به عنوان واحد و کنشگر یکپارچه و قطعی نگاه می‌شود. برای فهم بهتر موضوعات مرتبط با دولت - ملت خصوصاً چگونگی و روند ساخته شدن و تحول آن، لازم است دولت و ملت را به عنوان دو واحد یا سازه مجزا در نظر بگیریم.

روش تحقیق برای تحلیل داده‌های مورد نظر در این پروژه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با توجه به جایگاه و نقش کشور عربستان سعودی، ضمن بررسی مفهوم دولت، ملت و دولت - ملت، وضعیت این کشور در فرآیند شکل‌گیری دولت - ملت بررسی نموده و برخی از چالش‌هایی که این کشور با آن مواجه هست را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### مفهوم دولت و ملت

«دولت - ملت» مفهومی است که به شکل خاصی از دولت (حکومت) اشاره دارد، شکلی که در حقوق و روابط بین الملل مشروعیت خود را از اعمال حق حاکمیت ملی در یک قلمرو ارضی مشخص کسب می‌کند. اصطلاح دولت - ملت در حال حاضر، به واحد سیاسی - جغرافیایی اطلاق می‌شود که نظام حقوقی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بین المللی را تشکیل می‌دهد و شکل و ماهیت این واحد را از دیگر اشکال تاریخی دولت (که دیگر وجود ندارند) و از واحدهای «غیر دولتی» فعال در صحنه بین المللی متمایز می‌کند. «دولت - ملت» به معنای دولت ملی نیست. حکومت ونزوئلا از بدو استقلال آن کشور یک «دولت - ملت» به شمار می‌آید، اما در طول تاریخ خود دولت‌های ملی و دولت‌های وابسته و ضد ملی



داشته است. کوبای سوسیالیستی، یک «دولت - ملت» به شمار می‌آید، مصر و پاکستان و ایران هم یک «دولت - ملت» به حساب می‌آید (vista.ir).

تعاریف دولت در منظر حوزه‌های مختلف علوم انسانی به مفهومی پیچیده و در عین حال بسیط تبدیل شده است. ماکس وبر دولت را به اجتماع انسانی اطلاق می‌نماید که انحصار استفاده مشروع از زور در یک سرزمین مشخص را دارد. همچنین در نگاهی دیگر دولت به معنای نظام سیاسی و یا رژیم می‌باشد که ماهیت آن نظام از حیث اقتدارگرایی، دیکتاتوری و یا دموکراتیک را بیان می‌نماید.

در عین حال، دولت مجموع‌های از نهادهای حکومتی است که از یک سو وظیفه برقراری نظم و امنیت و اعمال قدرت و سلطه در حوزه سرزمینی خود را دارد و از سوی دیگر در قالب دولت - ملت در برابر تهدیدات خارجی به دفاع از کشور می‌پردازد. واژه ملت نیز از تنوع مفهومی زیادی برخوردار است و برخی آن را بر مبانی عینی و ذهنی و یا ترکیبی از آن دو تعریف نموده‌اند. اگر زبان، کیش، عادات، رسوم، نژاد و سرزمین، عوامل عینی ملت باشند، نظام ارزش مشترک، تصورات زیست جمعی و اراده دسته جمعی در زمره عوامل ذهنی ملت قلمداد می‌شوند. بنابراین، ملت و سرزمین در مفهوم وطن با یکدیگر پیوند می‌یابند و با ویژگی‌های فرهنگی، هر ملت از دیگری متمایز می‌گردد (قوام و زرگر، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۴۸).

با توجه به گستردگی مفاهیم دولت و ملت، می‌توان بیان کرد که دولت متشکل از نهادهایی با کارکردهای گوناگون است که مدیریت و کنترل امور کشور را به عهده دارد و همچنین در فرآیند هویت‌یابی یک ملت، میراث مشترک گذشته یک ملت و طرح مشترک آینده او منبع هویت‌یابی آن ملت و نیز تمایز او از سایر ملت‌ها می‌شوند و در نتیجه مفاهیمی مانند شهروندی، تابعیت و هویت ملی نیز در این راستا شکل می‌گیرد.

### مفهوم دولت - ملت سازی

دولت - ملت سازی و برقراری و پذیرش حاکمیت ملی شهروندان برابر و همشان در یک واحد جغرافیایی، فرآیندی است که در سطح یک کشور روی می‌دهد، اما آثار و پیامدهای آن

مرزهای ملی را درنوردیده، روابط کشورها را به ویژه با همسایگان و واحدهای سیاسی موجود در یک منطقه تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو، نمونه های موفق همگرایی منطقه ای همگی در مناطقی روی داده اند که دولت های ملی و مدرن در آنها تشکیل و تکامل یافته اند. «دولت» و «ملت» هر دو مفاهیم سهل و ممتنع و تعریف آنها بغرنج و پیچیده هستند (سینانی، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

با توجه به آنچه بیان شد به نظر می رسد که روند دولت سازی و ملت سازی را می توان در دو بخش مفهومی تعریف نمود، امکان دارد در یک کشور روند دولت سازی در وضعیت پیشرفته تری از روند ملت سازی باشد یا بالعکس. البته این دو شدیداً در ارتباط متقابل با هم به پیش می روند و نمی توان یک روند را بدون دیگری در نظر گرفت، چون در این صورت نمی توان به تصویر کامل و روشنی از تحولات یک کشور دست یافت.

### چارچوب نظری تحقیق

امروزه با توجه به روند جهانی شدن، سبک دولت - ملت به الگوی اصلی ساخت ملی در کشورهای مختلف به لحاظ ساختارهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... تبدیل شده است. روند اصلی این فرایند، عمدتاً شکل گیری ملت و در نهایت برآمدن دولتی برای انجام امور جامعه است. در این روند، ابتدا باید زمینه های پیشینی فرهنگی در یک منطقه جغرافیایی باشد تا بتواند کشوری شکل گیرد. در شکل گیری دولت، تمام وابستگی های پیشا ملی از جمله وابستگی ها و تعلقات اقلیمی، قومی و مذهبی باید به نفع گرایش های ملی کنار رود. بر همین اساس، بهترین گزینه این است که هر ملتی به دنبال تأسیس دولت خاص خود باشد و اگر چنین شرایطی وجود نداشت، ملتی با پیشینه و تاریخ و فرهنگ مشترک ایجاد گردد. اشتراکات وجودی مردمان یک منطقه می بایست آنقدر زیاد باشد که امکان زیست مناسب را برای آنها فراهم آورد. مرحله بعدی، دولت سازی است تا از درون آن ملت برای انجام وظایف کشور اقدام کنند.

دولت نماینده بخش، گروه یا قوم و مذهبی نیست و تمام تلاش خود را باید مصروف در

نظر گرفتن منافع و مصالح کلیت جامعه و کشور کند. اگر در جامعه‌ای مباحثی درباره مشکلات دولت سازی وجود دارد، این نشان از سازه نامناسب ملت سازی در آن است. در واقع، وجود دولت یا به تعبیر بهتر، دولت مدرن می‌تواند ملت سازی را تداوم بخشد و یا در فرایند بلندمدت آن را نابود کند؛ زیرا پس از این مرحله، دولت مدرن باید به توزیع قدرت و ثروت در جامعه اقدام کند و این قدرت و ثروت باید به شکل مداوم توزیع و باز توزیع گردد. تنها در شرایط توزیع و باز توزیع قدرت و ثروت است که دولت می‌تواند مشروعیت و اعتبار سیاسی خود را کسب کند و نشان دهد که دولتی برآمده از ملت آن سرزمین است.

این فرایند چهارگانه اصلی، فرایند دولت ملی - ملت سازی، دولت سازی، توزیع و باز توزیع قدرت و ثروت و در نهایت، مشروعیت نظام سیاسی است (غریباق زندی، ۱۳۸۹، ص ۸-۷). مولفه‌های اصلی که در جامعه شناسی سیاسی در فرایند دولت - ملت سازی مورد توجه جدی قرار گرفته است، شامل ویژگی‌های سرزمین، نوع حکومت، چگونگی حکمرانی و ویژگی‌های جمعیتی می‌باشد. در توفیق دولت‌ها در ملت سازی توجه به موقعیت و ظرفیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و حتی بین المللی کشور دارای اثر بوده و منابع اقتصادی و ثروت مادی و موقعیت بهتر جغرافیایی، زمینه‌های آسان ملت سازی را برای دولت فراهم می‌کند.

### شاخص‌های دولت - ملت سازی

فرایند دولت - ملت سازی زنجیره‌هایی از مفاهیمی را با خود حمل می‌نماید که هر یک می‌توانند معیارهای ارزیابی و شاخص‌های این فرایند نیز تلقی گردند. بر این اساس، « دولت و ملت در معنای مدرن آن همواره در یک ارتباط دوسویه تاسیس و تکوینی نسبت به یکدیگر عمل کرده‌اند. دولت برای تثبیت و دوام خود به وجود یک ملت و همبستگی و انسجام هر چه بیشتر آن نیاز دارد و ملت نیز برای انباشت بهتر و نهادینه قدرت و حفظ هویت متمایز و مستقل خود (در مقابل دیگران) به وجود دولتی نیرومند و توانمند نیازمند است. بدین گونه

دولت و ملت در شبکه یا منظوم‌هایی از وابستگی متقابل رشد و تقویت می‌یابند. دولت و ملت هرکدام دو مفهوم مستقل نیز می‌باشند که در همکاری با یکدیگر می‌توانند به الگوی مقتدر و مدنی نظم در داخل کشور و بازیگری مهم در عرصه بین‌المللی تبدیل شوند. به دیگر سخن، «هراندازه کشورها در فرآیند دولت - ملت سازی پیشرفت محسوسی داشته باشند، می‌توانند در وهله اول نظم و در متن آن امنیت در درون قلمرو خود را به نحو بهتری تامین و در گام بعدی به تامین نظم و شاخص مهم آن امنیت در سطح بین الملل کمک شایانی نمایند (قوم‌وزرگر، ۱۳۸۷، ص ۳۳-۵۰).

از این رو، فقط ملت و دولت‌های ملی شایستگی فراهم نمودن بستر امنیت، هویت و آرامش فرهنگی که ما در تحولات سریع ناشی از جهانی شدن بدان نیازمندیم را دارند. دولت ملی در جامعه، فضای یکپارچه و همگن فرهنگی را به گونه‌های ایجاد می‌کند تا نیازهای اقتصادی را نیز پوشش دهد (فعال‌نظری، ۱۳۹۶، ص ۵۶). به طور کلی، سه شاخص اصلی در روند دولت - ملت سازی عبارتند از: الف. اشباع سرزمینی در یک کشور از طریق متغیرهای تثبیت مرزهای ملی، ب. اعمال تام حاکمیت ملی و حل مسائل مرزی و سرزمینی و ج. دفع و رفع هرگونه ادعای سرزمینی از بیرون. در این زمینه باید اشاره نمود که بیشتر کشورهای جنوب هنوز درگیر اختلافات مرزی و سرزمینی با همسایگان خود هستند و همواره در یک وضعیت تهدید زایی قرار دارند. بنابراین، اولین شاخص در مورد آن‌ها با مشکلاتی همراه است.

شاخص همبستگی و یکپارچگی ملی بر روند دولت - ملت سازی در یک کشور تاثیر بسزایی دارد. متغیرهای این شاخص شامل هویت ملی، شهروندی و همگرایی می‌باشند. ناسیونالیسم یکی از مکانیسم‌های موثر در همبستگی ملی قلمداد می‌شود، به گونه‌ای که می‌تواند وفاداری‌ها به دولت را جهت دهد. یکپارچگی و همبستگی ملی حتی در کشورهای پیشرفته نیز به دلیل برخی عوامل مانند ناکارآمدی مدیریتی و یا حجم بالای مهاجرین خارجی ممکن است دچار بحران شده و نوعی هویت ملی را تضعیف نماید و تضاد هویتی را دامن بزند. در همین زمینه دموکراتیزه شدن دولت موجب حل بحران همبستگی و یکپارچگی ملی می‌شود. اکثر کشورهای جنوب با ضعف بنیادی در مورد این شاخص مواجه می‌باشند و هویت ملی و همبستگی اجتماعی آن‌ها در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد؛ چرا که مثلا

وفاداری به هویت‌های فرو ملی خردتر به ویژه قومی و یا فراملی مانند پان عربیسم در کشورهای عربی غالب می‌باشد. چنین نشانه‌هایی از تاخیر و ضعف در روند دولت - ملت سازی در آن کشورها حکایت دارد. هرچند، چنین بحرانی در کشورهای توسعه یافته غربی نیز وجود دارد (برای نمونه در مورد مهاجرت) و تاکنون هزینه‌های سنگینی بر آن‌ها تحلیل نموده است.

سومین شاخص، به توسعه و ثبات سیاسی رهنمون می‌گردد. در این زمینه، نهاد سازی در اولویت قرار دارد، بنابراین، انباشت قدرت و ظرفیت سازی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیازمند ارتقای قدرت نهادی دولت می‌باشد. این نهادها اعم از نظامی و دموکراتیک می‌توانند در حفظ نظم داخلی و برآوردن مطالبات مردمی از جمله امنیت، رفاه و آزادی ایفای نقش نمایند. در صورت عدم نهادسازی کارآمد، مقابله با عوامل بی‌ثباتی و مهار بحران‌های اجتماعی و سیاسی با مشکل مواجه می‌گردند و روند دولت - ملت سازی را ضعیف می‌نمایند (قوام و زرگر، ۱۳۸۷، ص ۲۷۲ و ۳۷۳).

آنچه در تعیین معیارهای دولت - ملت سازی دارای اهمیت است و باید به عنوان ساختارهای لازم در این مسیر مورد توجه قرار گیرد، وضعیت تقدم یا عدم تقدم این مفاهیم نسبت به هم، تقویت فرایند ملت سازی و دست یابی به یک هویت جمعی بر اساس خودآگاهی جمعی، عدم برخورد خشونت آمیز با هویت‌های قومی و مذهبی و قلع و قمع آن، توجه به اراده زیست جمعی در بین شهروندان، جایگاه و نقش اراده نخبگان سیاسی، اجتماعی در پیشبرد این فرایند می‌باشد.

### ساختار دولت در عربستان سعودی

شبه جزیره عربستان سعودی از جمله کشورهای پسا استعماری است که با خروج از استعمار بریتانیا و با حمایت این کشور توسط خاندان سعود تشکیل گردید. از این رو، تاریخ این کشور، مسیری طولانی از ساخت رژیم سعودی و خاندان سلطنتی را نشان می‌دهد که چگونه با شیوه‌های مختلف در پی کسب جایگاه و منزلت خود در میان جامعه عرب بوده است.

بنابراین، شالوده رژیمن سیاسی در عربستان سعودی از اوایل قرن بیستم بر پایه جنگ و فتح سرزمین توسط خاندان سعود بنا گردید و از آن زمان (سال ۱۳۹۲) تمامی حاکمان سعودی، مشروعیت خود را بر اساس قرائت وهابیت از اسلام توجیه نموده‌اند. همچنین، این نظام پادشاهی بر پایه مصالحه میان شورای شیخ و شورای سعود بنیان گذاری شد و کشور با دو بال، یعنی نخبگان قدرت وهابیت به عنوان حافظ هنجارهای بنیادگرایی اسلامی و آل سعود به عنوان حاکمیت سیاسی اداره می‌گردد (فعال نظری، ۱۳۹۶، ص ۵۴-۵۵).

در عربستان سعودی، قدرت پادشاه به وسیله اجماع محدود می‌شود، اما در عین حال این سنت سیاسی بیشتر پراگماتیستی می‌باشد تا ایدئولوژیک. براین اساس، اختیارات پادشاه با قیوداتی مانند مراکز قدرت درون خاندان سلطنتی، دین، عرف، قبایل عرب، تکنوکرات‌ها، تجار و رهبران مذهبی (علما) تعریف می‌گردد.

بررسی ساختار دولت در کشور عربستان نشان می‌دهد که نظام پادشاهی در این کشور حاکم بوده و مراکز قدرت در درون خاندان سلطنتی تعریف گردیده و منابع اصلی قدرت در تمامی سطوح نظام حکمرانی و دولت، خاندان سلطنتی می‌باشد. اقتدار حاکمیتی و آزادی عمل وسیعی برای شاهزادگان وجود دارد و احزاب سیاسی یا قانون اساسی رسمی در این کشور که بتواند دایره اختیارات پادشاه و سایر اجزای سیستم را نشان دهد وجود ندارد. پایگاه‌های مشروعیت رژیمن سعودی نیز شامل عناصر ایدئولوژی، سنت، فردیت، رفاه و شورا می‌باشند.

### ساختار دولت سازی و ملت سازی

با توجه به مولفه‌های نظری و عملی در مورد نوع دولت در عربستان سعودی باید گفت که روند دولت سازی در آن کشور قوی و سیرمنحنی رشد دولت، صعودی بوده است، ولی توسعه این روند و مدرنیزه شدن کشور، دولت را به دلیل چالش‌های اجتماعی و سیاسی به سمت اقتدارگرایی بیشتر سوق داده است. ذات راست‌گرایی دولت نیز در محافظت از سنت‌های اجتماعی ناشی از سلطنت و گسترش امتیازات شاهزادگان و در نتیجه شکاف‌های

اجتماعی حاد تفسیر می‌گردد. شاهد چنین وضعیتی در عدم توفیق دولت عربستان در مهار تبعیض‌ها، نابرابری‌ها، فساد خاندان و در نتیجه عدم حل بحران همبستگی ملی جلوه‌گر می‌شود. در چنین وضعیتی آن روی سکه ضعیف بودن روند ملت سازی و چالش‌های اساسی در این مسیر را نشان می‌دهد. هویت ملی برای یک شهروند سعودی در چارچوب وفاداری به خاندان سعود و یا وهابیت متعصب بنیادگرا تعریف می‌شود. بنابراین، تضعیف این هویت به معنای زایل شدن حق شهروندی، برتر نشان دادن هویت‌های فرو ملی بر هویت ملی و فروکاستی از همبستگی ملی قلمداد می‌گردد (فعال نظری، ۱۳۹۶، ص ۶۳).

بر این اساس، چنانچه هر یک از گروه‌های قومی در وفاداری به اضلاع هویت دولت (آل سعود و وهابیون) تردید نمایند و یا در تعارض با آن‌ها قرار گیرند از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم و در فضای امنیتی سرکوب می‌شوند. در این شرایط با ضخیم شدن لایه‌های منازعه میان دولت و بخشی از جامعه ضریب خشونت و اقتدارگرایی دولت بالا می‌رود و روند ملت سازی با آسیب‌های جدی روبه رو می‌گردد، مانند آنچه رژیم آل سعود در مورد اقلیت قومی شیعه در عربستان روا داشته است. بی‌شک این رژیم هیچ‌گاه نتوانسته است از اعمال تبعیض‌های اقتصادی و معیشتی نسبت به مناطق شیعه نشین رها گردد و یا سازوکاری فراهم آورد تا با ایجاد فضایی متعادل میان خود و این قوم، از ضریب منازعه و تضاد هویتی بکاهد. در مقابل آل سعود نیز برای مهار بحران‌های مختلف و حتی در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و حفظ ثبات در کشور، سه استراتژی را تعقیب نموده است.

۱. تاکید بر هویت اسلامی و وهابی دولت در عربستان از طریق توسعه نقش رهبران و معیارهای مذهبی وهابیت.

۲. شراکت استراتژیک با آمریکا با هدف حمایت از ثبات رژیم در برابر تهدیدات داخلی از یک سو و امنیت کشور در قبال تهدیدات خارجی از سوی دیگر.

۳. کمک‌های مالی و پرداخت سوبسیدها به گروه‌های مخالف و به حاشیه رانده شده (فعال نظری، ۱۳۹۶، ص ۶۳-۶۶).

با توجه به نکاتی که مطرح شده، به نظر می‌رسد که در عربستان بین اجزای مختلف حاکمیت و جامعه، بحران همبستگی ملی و یکپارچگی وجود داشته و از این رو باعث تشدید

مشکلات در این کشور شده است. این خود باعث می‌شود که روند تکامل نیافتگی ملت سازی و فاصله جامعه از دولت افزایش پیدا کند.

### وضعیت اقتدارگرایی

آل سعود به هرگونه انتقاد عمومی حساس هستند. همه کسانی که از حکمرانی پادشاه و نقش خانواده سلطنتی انتقاد می‌کنند، در معرض انواع محدودیت‌ها همچون ممنوعیت سفر، حبس و تبعید قرار می‌گیرند (جعفری ولدانی و جعفری، ۱۳۹۵، ص ۱۹۶). در طول تاریخ، رویکرد حکومت آل سعود در عربستان همواره بدین شکل بوده است. در سال ۱۹۲۶، یعنی همان سال‌های آغازین تثبیت حکومت سعودی، گروه اخوان با حضور رهبران قبایل «مطیر»، «عتیبه» و «عجمان»، یعنی اصلی‌ترین محور ارتش عبدالعزیز، آشکارا عبدالعزیز را به خاطر ناکامی در وادار کردن شیعیان «الاحساء» به ترک مذهب خود و ورود به جریان اسلام سلفی مورد انتقاد قرار دادند. از نظر حکومت، این جریان از چارچوب مشروعیت بخشی خود خارج شده و حکومت را به تابعی از اندیشه اخوانی مبدل کرد. از این رو، به شدت با آن‌ها برخورد شد و در ۱۹۳۰ با دستگیری رهبری آن و نابودی هوادارانش به قائله خاتمه داده شد (یوسفی، ۲۰۱۲، ص ۳۴۰).

در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰، اسلام‌گرایان سیاسی بار دیگر در قالب طومارهایی (عریضه نویسی در فرهنگ عربی)، به انتقاد از حکومت پرداختند. این افراد خواهان اجرای سختگیرانه‌تر شریعت در فضای عمومی جامعه بودند. طومارهای مزبور به امضاء افراد برجسته‌ای همچون سلمان العوده و صفر الحوالی رسیده بودند و از این رو چالشی جدی در مقابل حکومت به وجود آوردند. رهبران این جریان در عربستان که به جنبش «صحوه» مشهور شد، در سال‌های ۱۹۹۴ بازداشت شدند و این قائله به صورت کوتاه مدت پایان داده شد (Lacriox, 2014, p. 15 - 18).

بررسی وضعیت عربستان نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از بسته بودن جامعه عربستان به حاکمیت تفکر سنتی مبتنی بر وهابیسیم و قبیله‌گرایی بر می‌گردد. در این زمینه باید به این امر



توجه داشت که جامعه عربستان در بسیاری از مباحث همچون مسئله زنان و شیعیان از دولت عربستان محافظه کارتر است و در این زمینه‌ها اندک اصلاحات انجام گرفته توسط آل سعود با انتقادات جدی رهبران مذهبی مواجه می‌شود.

### وضعیت شیعیان و اقتدارگرایی در عربستان

جمعیت شیعیان در عربستان سعودی بین ۵ الی ۱۰ درصد اعلام شده است. با وجود این، خود شیعیان جمعیتشان را در این کشور بین ۱۵ الی ۲۰ درصد برآورد می‌کنند که عمدتاً در استان‌های شرقی و غنی از نفت کشور متمرکز هستند. شیعیان همواره جزء گروه‌های ناراضی و معترض عربستان بوده‌اند. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شیعیان عربستان با رویکردی نظامی به انقلاب اصرار داشتند، اما به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به بعد به سمت تأکید دموکراسی، پلورالیسم و حقوق برابر گرایش یافته‌اند. برخی از شیعیان از رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران پیروی می‌کنند، اما بیشتر آن‌ها از «سید محمد مهدی الشیرازی» که در سال ۱۹۶۸ مرجعی عالیقدر در نهادسازی در کربلای عراق بود پیروی می‌کنند. در واقع از ۱۹۸۰ به بعد به تدریج جنبش شیعیان به رهبری افرادی همچون حسن الصفر، رویکردی اعتدالی در پیش گرفت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شیعیان، که بعد از انتفاضه ۱۹۷۹ شکل گرفته بود، دچار تغییر و تحولات عمده‌ای شد. این سازمان ضمن کنار گذاشتن رویکرد رادیکال خود، به ارتباط‌های موجود با سازمان‌های شیعی در عراق پایان داد و با به کارگیری گفتمانی مسالمت آمیز بر تغییر و اصلاح نظام سیاسی عربستان به شیوهای مسالمت آمیز متمرکز شد. با وجود این، گروه «حزب الله» عربستان که در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد، در سال‌های ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹ ضرباتی را بر دولت سعودی وارد کرد (Be rank, 2009, p. 3).

به طور کلی، بررسی وضعیت حضور شیعیان از زمان تاسیس پادشاهی عربستان سعودی نشان می‌دهد که شیعیان در این کشور مورد تبعیض واقع شده‌اند و گرچه اقداماتی برای رفع محدودیت انجام شده است، اما شیعیان کمتر در مشاغل رسمی به کار گرفته شده‌اند و به برخورد دوگانه و خصومت آمیز با آنان اعتراض داشته‌اند. اگر فردی نیز در نهادها به کار گرفته

شود، چشم انداز ارتقاء شغلی آن بسیار محدود خواهد بود. علاوه بر این، شیعیان در برگزاری مراسم مذهبی خود با محدودیت جدی مواجه هستند. شیعیان در عربستان همواره مورد تبعیض‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی قرار گرفته و هویت‌شان مورد انکار قرار می‌گیرد و به عنوان اقلیتی کوچک، به هیچ وجه نمی‌توانند خواستار این باشند که به نفوذ سیاسی زیادی در این کشور دست یابند. تبعیض‌ها، در طول زمان گویای این واقعیت بوده که شیعیان همواره در فشار بوده و نمی‌توانند مانند شهروندان عربستان از حقوق اولیه خود بهره‌مند گردند و فراتر از آن، به منصب‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست یابند.

### وضعیت نهادسازی در عربستان سعودی

جامعه عربستان نیز مانند دولت آن، تحت نفوذ نظام قبیله‌ای قرار دارد و از هویت ملی به معنای کلان محروم می‌باشد. نهاد سازی اجتماعی نیز در این شرایط در حد خیره‌ای وابسته به همان قبایل و یا خاندان سلطنتی تقلیل می‌یابد تا وفاداری‌ها در جامعه به سوی سلطه سنت قبیله‌ای محدود گردد. بنابراین، روند جامعه‌پذیری افراد در یک مسیر ارتجاعی به سمت خاندان‌پذیری و اطاعت از هنجارهای قبیله حرکت می‌نماید و شاکله‌هایی از جامعه ناهمگن را نمایان می‌سازد. در این جامعه همبستگی قومی بر ملی غلبه دارد و علاوه بر این ایدئولوژی وهابیت نیز در پی افزودن ارزش‌های خود به این همبستگی و تبدیل آن به همبستگی قومی و ایدئولوژیک می‌باشد. بنابراین، با افزایش ضریب هویت ایدئولوژیک قومی، عرصه حقوق خصوصی و مدنی افراد و گروه‌های اجتماعی در تنگنا قرار می‌گیرد و رابطه اندام وار میان این نوع جامعه و ساخت قدرت وجود ندارد. مدل جامعه عربستان سعودی با توصیفاتی که بیان شد به «جامعه سیاسی بسته سنتی» نزدیک است.

زنان در «جامعه سنتی بسته» عربستان به دلیل میراث رسوم قبایلی، همواره در سطوح پایین‌تر از مردان و تحت قیومیت آن‌ها قرار داشته‌اند و از این رو، از هویت مستقل فردی نیز برخوردار نبوده‌اند. بررسی مطالبات این بخش از جامعه تاکنون بر پایه نیل به استقلال فردی و شکستن حصار وابستگی به قیم و رهایی از آزار و خشونت ورزی مردان بوده است. دستیابی

به حقوق اولیه مدنی برای زنان در این جامعه به دلیل ساخت قدرت و دولت از یک سو و غالب بودن سازه هویتی قومی - ایدئولوژیک از سوی دیگر، بسیار دشوار است. شاخص‌های نقض حقوق بشر به خصوص در حوزه زنان این کشور، نشان از فاصله طولانی مدل جامعه عربستان با جامعه مدنی برخوردار از حقوق شهروندی، نهادهای مستقل از قدرت و آزادی‌های فردی دارد.

از منظر جامعه‌شناختی، خلاء پایگاه اجتماعی زنان در عربستان به دلیل پیشینه تاریخی پدرسالاری و استقرار فرهنگ متصلب، بر مبنای فرو دستی و تبعیض جنسیتی علیه زنان از دیرباز بوده است و زایل شدن آن به آسانی میسر نخواهد شد؛ چرا که نگاه تحقیرآمیز به زنان در نتیجه پدید آمدن منش اجتماعی نیز می‌باشد که تاریخ قبایل عرب آن را همواره رفتاری مشروع و درست یافته است. منش اجتماعی که با نیازها، رسومات و عادات جامعه همگونی پیدا می‌کند به صورت رفتارهای جمعی که ناشی از برانگیختگی عادات و ناهشیارانه است می‌تواند بروز نماید. در نتیجه، مردمی نیز که تابع این منشی می‌باشند، فرهنگ، رفتار و عادات خود را درست تلقی می‌نمایند و دیگران را نیز تکفیر می‌کنند.

بنابراین موقعیت و مطالبات زنان نیز شاهد مثال دیگری از نقصان شدید در روند ملت سازی در عربستان می‌باشد که به نوبه خود عمق بحران یکپارچگی و همبستگی ملی را به وضوح نشان می‌دهد، اما زنان در دفاع از حقوق جامعه زن در عربستان شاید بتوانند به واسطه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و اینترنت، کمپین‌ها و یا امواجی را درون پرده آهنین جامعه سنتی به راه اندازند، اما اتحاد استراتژیک رژیم سعودی با آمریکا کمتر می‌تواند بر این دولت فشار بحران ساز در زمینه حقوق بشر وارد نماید. بنابراین به نظر می‌رسد جامعه زنان عربستانی نیز در فضای تکامل نیافتگی جامعه و ملت سازی گرفتار آمده‌اند و ساخت سنتی قدرت و دولت با ماسک ایدئولوژیک و هابیت ظرفیت اصلاح پذیری را عملاً در جامعه و دولت عقیم نموده است (ابوالحسن تهایی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱).

زنان سعودی در مبارزه برای به دست آوردن حقوق خود و اصلاح این برداشت نادرست به وجود آمده در خصوص موقعیت زنان سعودی که گویی بخش به حاشیه رانده شده از جامعه هستند، نمی‌توانند خود را با جامعه و محیط پیرامون خود وفق

دهند. زنان تنها از حق کاندیدا شدن در انتخابات اتاق‌های تجاری و صنعت برخوردارند. زنان عربستان بدون اجازه شوهر از بسیاری از حقوق اجتماعی و فرهنگی بی‌بهره هستند (فعال نظری، ۱۳۹۶، ص ۷۱-۷۵). این زنان، با جرأت و جسارت فراوانی مشکلات و چشم انداز خود را برای آینده خود در این کشور بازگو می‌کنند، زنان سعودی سعی کردند ثابت کنند، بخشی از جامعه هستند و توان لازم و کافی را برای اثبات حضور خود دارند؛ چرا که هم از توانایی لازم و هم از امکانات کافی برخوردار هستند و تلاش‌های بسیاری به عمل آوردند. آن‌ها کوشش بی‌پایانی در این زمینه کرده‌اند و تا زمانی برای کوچک‌ترین فعالیت‌ها به دست آوردند، توانایی‌های خود را به منصفه ظهور گذاشتند.

### وضعیت آزادی سیاسی

حکومت عربستان پادشاهی است و ماهیت ساختار قدرت در این کشور به نوعی منحصر به فرد می‌باشد که همه چیز در خاندان سعودی خلاصه می‌شود، تا آنجا که عربستان سعودی تنها کشوری در جهان است که نام خاندان را یدک می‌کشد. مهم‌ترین امر در این خاندان، پایداری و تسلط این قبیله، به هر قیمت از پادشاهی عربستان است. افراد این خاندان فرمانروایانی هستند که از انتقاد به دورند و قانونی وجود ندارد که بتوان با تمسک بر آن، فرمانروایان را مورد مواخذه قرار داد و اراده آنان است که بر قانون ارجحیت دارد. شاید بتوان در یک نظر اجمالی نمودار اجتماعی - حکومتی عربستان را در صورت مخروطی ترسیم کرد که در راس آن خانواده و طبقه حاکمه قرار دارند که با نوعی از (الیگارشی حکومتی) به قانون‌گذاری و حکمروایی می‌پردازند (آقایی، ۱۳۹۲، ص ۵۹، ۶۰).

نظام حکومتی در عربستان سعودی تا مارس ۱۹۹۲، فاقد قانون اساسی و مجلس قانون‌گذاری بوده است و از این تاریخ «ملک فهد» طی فرامینی، قانونی را به نام نظامنامه حکومتی و قوانین مجلس شورا و مناطق ایالتی تصویب کرد. در این نظامنامه، فعالیت هر نوع گروه و حزب و سازمان سیاسی در عربستان سعودی ممنوع است، لیکن در سال‌های اخیر

همگام با تحولات جهانی و منطقه‌ای فضا و بستر نسبی جهت فعالیت برخی گروه‌های سیاسی و اجتماعی این کشور فراهم کرده‌اند. گرچه هنوز فشار و سرکوب حاکمان سبب گسترش فعالیت آنان شده است (رحمانیان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵، ۱۴۶).

### بحران مشروعیت

باتوجه به این که مشروعیت هر نظام سیاسی تابعی از باورهای فرهنگی جامعه است، باید پذیرفت که معیار واحدی برای مشروعیت نظام‌های سیاسی موجود در جهان در دسترس نمی‌باشد. شاید بتوان در مورد نظام‌های دموکراسی این ادعا را کرد که معیار مشترک مشروعیت در آن‌ها، رضایت اکثریت مردم است، اما باید دانست که تمام ملل جهان تابع اصول و ارزش‌های اومانیسم که دموکراسی بر اساس آن استوار است، نیستند.

بسیاری از ملت‌ها، تابع فرهنگ و اصول خویش هستند و مشروعیت نظام خود را هم با همان اصول ارزشی خویش می‌سنجند، ولی به هر ترتیب مشروعیت یا فقدان مشروعیت یک نظام سیاسی، در رضایت یا عدم رضایت مردم از آن نظام تجلی می‌یابد و این در شرایطی محقق می‌شود که ارزش‌ها و اندیشه‌های عموم مردم با ارزش‌ها و اندیشه‌های نخبگان جامعه در تضاد نباشد، مردم حکومت را از خود بدانند و حکومت نیز نهادینه شده و خود را در برابر مردم پاسخگو بدانند (مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۷۱، ص ۲۸).

معمولاً رژیم‌هایی که فاقد مشروعیت مردمی هستند و با تکیه بر زور، بقای خود را تضمین می‌کنند، بسیار شکننده هستند و با وقوع بحران‌های سیاسی به سرعت دچار فروپاشی و نابودی می‌گردند. یک بعد دیگر مشروعیت نظام سیاسی، کارایی آن است. به عبارت دیگر، هرگاه یک نظام سیاسی کارایی خود را از دست بدهد، دچار بحران مشروعیت می‌شود. یک نظام سیاسی زمانی که نتواند توقع و انتظارات شهروندان خود را در زمینه تأمین آسایش و امنیت برآورده سازد، کارایی خود را از دست داده است.

به همین جهت، شاید بتوان میان فقدان مشروعیت یک نظام سیاسی با عدم کارایی آن نظام، رابطه و پیوند مستقیمی فرض کرد (ابوالحمد، ۱۳۷۵، ص ۲۴۶، ۲۴۵). آل سعود همواره سعی

داشته از طریق ارتقای کارکردهای اقتصادی - اجتماعی، مقبولیت خود را افزایش دهد. با وجود این، در سال‌های اخیر و با توجه به ضعف دولت در توزیع ثروت، خرید میلیاردها دلار تجهیزات نظامی، تنزل سطح رفاه عمومی، افزایش تعداد فقرا و... سوالات و ابهاماتی در ذهن اتباع سعودی در زمینه مقبولیت نظام مطرح شده است.

تداوم سلطنت آل سعود تا حدود زیادی نیز به وجود بدیل و جانشین برای آن‌ها مرتبط است. هیچ گروه و دسته‌ای از مخالفان تاکنون ثابت نکرده که از توانایی جایگزینی آل سعود برخوردار است. با توجه به پیشینه تعاملات بخش‌های مختلف با یکدیگر تقریباً مُحال به نظر می‌رسد بتوان مخالفین، اعم از شیعه، سنی‌های تندرو و لیبرال‌ها را در یک جا گرد هم آورد. در نگاه اول، چنین به نظر می‌رسد که یک نظام دموکراتیک می‌تواند همه این گروه‌ها را جمع نماید، اما اشکال در این است که تلقی واحدی از مقوله دموکراسی در بین آن‌ها وجود ندارد. به عنوان مثال، برخی گروه‌های مخالف به هیچ وجه حاضر به پذیرش نظام دموکراتیک در کشور نیستند.

### ساختار جمعیت در عربستان

صورت بندی اقتصادی - اجتماعی جامعه عربستان با تنوع و تضادهای متعددی رو به روست. این تنوع صورت بندی اجتماعی با درآمدهای نفتی پیوند نزدیک داشته است. تزریق درآمد نفت به جامعه عربستان و ارتباط این کشور با نظام سرمایه داری جهانی باعث شده است تا این کشور به لحاظ گوناگونی نیروهای اجتماعی از تنوع برخوردار شود، اما تنوع و تکثر اجتماعی به معنای تعادل در عرصه اقتصاد سیاسی نیست. نیروها و اقشار اجتماعی در این کشور شامل خاندان سلطنت، علمای وهابی، نظامیان، ثروتمندان، روشنفکران، فن سالاران، طبقه متوسط، توده مستضعف و اقلیت شیعه است. درآمد نفت و عدم انجام کارهای سخت از سوی جمعیت بومی باعث شده تا خارجیان نقش تعیین کننده‌ای در جامعه عربستان بازی کنند. نزدیک به ۵/۶ میلیون نفر از جمعیت این کشور را کارگران خارجی تشکیل می‌دهند که تاثیر قابل توجهی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی دارند.

با چنین ترکیب جمعیتی، عربستان در ابتدای قرن بیست و یکم با تضادها و شکاف‌های متعدد ساختاری اعم از شکاف‌های قومی و قبیله‌ای، مذهبی، سنی، جنسی، اقتصادی و سیاسی در چارچوب فرآیند انتقال از شرایط سنتی به مدرنیته رو به روست. در چنین شرایط اقتصاد و سیاسی عربستان به سمت پیچیدگی و بی‌ثباتی تمایل پیدا می‌کند (اسدی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۸).

### آینده اقتصاد سیاسی عربستان

پس از تحولات خاورمیانه در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیداری اسلامی در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که به «بهار عربی» شهرت یافت، نظم و دیسپلین سیاسی در این کشورها با چالش جدی مواجه شد که تا جایی پیش رفت که عربستان سعودی و شاهزاده جوان سلطه جویش «محمد بن سلمان» را مجبور به اصلاحات اساسی سیاسی در پیکره قدرت و جامعه ریاض نمود.

جنبش‌های مردمی در جهان عرب که با قیام مردم تونس در اواخر سال ۲۰۱۰ آغاز شد و در سال ۲۰۱۱ به تعداد قابل توجهی از کشورهای عربی سرایت نمود، آغازگر مرحله نوینی در حیات سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین دگرگونی‌هایی در نظم منطقه‌ای شده بود. این جنبش‌ها به لحاظ گستردگی و عمق، پدیده‌ای کاملاً نوین در جهان عرب به حساب می‌آیند که در تاریخ منطقه سابقه نداشته. در حالی که اغلب تغییرات و تحولات در نظام‌های سیاسی منطقه در طول دهه‌ها و حتی قرون گذشته در قالب‌هایی مانند مداخله خارجی، کودتای نظامی و یا فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی دارای ایدئولوژی غیربومی، مانند ناسیونالیسم یا سوسیالیسم رخ داده است، در مرحله کنونی می‌توان شاهد آن بود که جنبش‌هایی نوین بدون مداخله خارجی و بدون نقش تعیین‌کنندگی گروه‌ها و احزاب سیاسی و صرفاً با تکیه بر نیرو و اراده مردمی در جهان عرب ظهور یافته است. مکاتب و رویکردهای مختلف اقتصاد سیاسی در یک اصل اساسی، یعنی نحوه تعامل جامعه و دولت با یکدیگر اشتراک دارند. بر این اساس، دو حوزه و کارکرد اقتصادی و سیاسی

ریشه در ساختار و تحولات اجتماعی دارد.

مطالعه تحولات اجتماعی با بررسی بافت جمعیت آغاز می‌شود، در این چارچوب عربستان سعودی در عرصه اجتماعی با جمعیت جوان به شدت در حال افزایش و ساختار قبیله‌ای با تضادهای گوناگونی رو به رو است. پارادوکس و تضاد میان قبایل و خاندان‌های حکومت‌گر، سرمایه‌داران تجاری و تولیدی، فن‌سالاران با علمای وهابی، طبقات فقیر و غنی، در کنار پارادایم هزینه‌های نظامی و آهنگ توسعه اقتصادی و اجتماعی تنها با افزایش درآمدهای نفتی و تزریق آن تشدید می‌شود. این در حالی است که نظام سیاسی عربستان همزمان با تنوع گروه‌ها و نیروهای اجتماعی زمینه حضور تمام نیروهای اجتماعی را در سیاست گذاری فراهم نکرده و همچنان به صورت متمرکز و اقتداری به اداره جامعه می‌پردازد. در این شرایط اعتراضات سیاسی برای تأمین خواسته‌های اقتصادی و سیاسی پس از قتل مرموز خاشقچی روزنامه نگار منتقد حکومت بن سلمان در سفارت عربستان در ترکیه و قبل از آن تسویه حساب بن سلمان با بستگان و شاهزاده‌های سعودی و زندانی نمودن آن‌ها در ساختار قدرت و احساس خطر از ناحیه آن‌ها افزایش یافته است. خاندان سعودی برای جلوگیری از گسترش اعتراضات و تأمین ثبات، اجرای اصلاحات محدود اقتصادی را با درآمد حاصله از نفت آغاز کرده است. الگوی توسعه این کشور در چارچوب الگوی توسعه نوسازی و مبتنی بر اندیشه نظریه پردازان غربی توأم با حفظ اقتدار نظامی و امنیتی است. اصلاحات اقتصادی، به درآمدهای نفتی وابسته است و از اصالت برخوردار نبوده و به ایجاد یک ساختار اقتصادی پویا و مستقل منتهی نشده است. مصرف انرژی در داخل کشور رو به افزایش است و بسیاری از چاه‌های نفتی در نیمه دوم عمر خود هستند. با این حال، اصلاحات اقتصادی بر سرعت تحولات در عرصه اجتماعی و سیاسی افزوده است (fa.shafaqna.com).

با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت دارد عربستان به سازماندهی عرصه اجتماع و سیاست بپردازد. توسعه اقتصادی در این کشور بدون سازماندهی و حضور اصیل نیروهای تولیدگر و صرفاً با تزریق درآمد نفت و اقدامات دولت پیش برده شده و تمام این اقدامات با مشروعیتی که مفتی‌ها و علمای وهابی ایجاد کرده‌اند، انجام شده است. از این رو، بر این اساس آینده



اقتصاد سیاسی عربستان به کارگردانی تحولات در سه حوزه اجتماع، اقتصاد و دولت بستگی دارد. در صورتی که این تحولات در هر سه حوزه، هماهنگ باشد و با ساختارهای اجتماعی جامعه عربستان همخوانی داشته باشد، به شرط ظهور نیروهایی اصیل و تولید کننده در عرصه اقتصادی، تعدیل ایدئولوژی و هابی و جلوگیری از اعمال نفوذ خارجی، می تواند نوعی ثبات را در اقتصاد سیاسی ایجاد کند و در غیر این صورت بی ثباتی سیاسی تشدید خواهد شد.

### نتیجه گیری

فرآیند دولت - ملت سازی زنجیره ای از مفاهیمی را با خود حمل می نماید که هر یک می توانند معیارهای ارزیابی و شاخص های این فرآیند نیز تلقی گردند. بر این اساس، « دولت و ملت در معنای مدرن آن همواره در یک ارتباط دوسویه تاسیس و تکوینی نسبت به یکدیگر عمل کرده اند. دولت برای تثبیت و دوام خود به وجود یک ملت و همبستگی و انسجام هر چه بیشتر آن نیاز دارد و ملت نیز برای انباشت بهتر و نهادینه قدرت و حفظ هویت متمایز و مستقل خود (در مقابل دیگران) به وجود دولتی نیرومند و توانمند نیازمند است. بدین گونه، دولت و ملت در شبکه یا منظومه ای از وابستگی متقابل رشد و تقویت می یابند. اصولاً تبیین مدل جامعه عربستان سعودی، نوعی رابطه در هم تنیده ملت و دولت را بازنمایی می کند و برآیند کنش متقابل جامعه و دولت را در تشدید بحران همبستگی و یکپارچگی ملی و سرانجام در نمای کلان نزول روند دولت - ملت سازی نشان می دهد. در کشور عربستان، به رغم وجود دولت قدرتمند سعودی، شکاف های اجتماعی جدی وجود دارد که در صورت بی توجهی آل سعود، می توانند به شکاف های سیاسی تبدیل و حیات سیاسی پادشاهی را به خطر اندازد. به نظر می رسد جمعیت جوان و البته تحصیل کرده عربستان، شیعیان این کشور و البته زنان عربستان، دیگر قرائت های موجود در این کشور در خصوص مشروعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی را به شیوه کنونی نمی پذیرند و از این رو می توانند در آینده، در دو بعد اقتناع سیاسی و مذهبی برای آل سعود بحران آفرین شوند.

## فهرست منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۷۹). تخیل جامعه شناختی در بستر تاریخ. جلد دوم. جامعه شناسی دینی در شرق باستان. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- اسدی، بیژن. (۱۳۹۰). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: انتشارات سمت.
- آقایی، سید داوود. (۱۳۹۲). سیاست و حکومت در عربستان سعودی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۷۴). تحولات سیاسی - اجتماعی عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه. دوره ۲. شماره ۱.
- خلیلی، رضا. (۱۳۹۶). فرهنگ استراتژیک عربستان. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال بیستم. شماره اول.
- عبدالحمید، ابوالحمد. (۱۳۷۵). مبانی علم سیاست. تهران: نشر توس.
- غریبای زندگی، داود. (۱۳۸۹). فرآیند ملت - دولت سازی. شکل گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده. مطالعات راهبردی. سال سیزدهم. شماره ۱ (پیاپی ۴۷).
- فعال نظری، سید علی. (۱۳۹۶). نقض حقوق مدنی سیاسی در عربستان و پیدایی گروه‌های تروریستی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای. دانشگاه مفید قم.
- قوام، عبدالعلی؛ زرگر، افشین. (۱۳۸۷). دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین المللی، چارچوب تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت ملت‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- لی. نور. جی مارتین. (۱۳۸۹). چهره جدید امنیت در خاور میانه. ترجمه قدیر نصری. تهران: انتشارات امام صادق (ع).
- مجله اطلاعات اقتصادی - سیاسی، سال ششم، شماره هفتم و هشتم. فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.
- یوسفی، محسن. (۱۳۸۹). اصطلاحات سیاسی در عربستان سعودی (تأثیر بحران عراق بر تحولات سیاسی عربستان سعودی). تهران: انتشارات ابرار معاصر.

## Reference

- Lacroix, Stephane (2014.), *Saudi Islamists and the Arab Spring, the London School of Economics and Political Science (LSE)*.
- Beranek, Ondrej (2009), *Divided We Survive: A Landscape of Fragmentation in Saudi Arabia, the Crown Center for Middle East Studies*.

## سیاست خارجی دوره پهلوی دوم در قبال شوروی (۴۲ تا ۵۷)

### بهروز قربانی\*

#### چکیده

بخش مهمی از سیاست‌های خارجی دوره پهلوی دوم، مخصوصاً در دوران جنگ سرد را سیاست تنش زدایی در برگرفته است. در این بین، سیاست‌های اتخاذ شده از سوی ایران در قبال شوروی حائز اهمیت است؛ چرا که ایران به دلیل نزدیکی به اردوگاه غرب به سختی می‌توانست با شوروی به عنوان رهبر اردوگاه مقابل تعامل داشته باشد، ولی ایران توانست در این دوران رابطه مسالمت آمیزی با این کشور داشته باشد. مقاله حاضر در پی بررسی این تعامل ما بین سال‌های ۴۲-۵۷ می‌باشد. در بررسی این دوره، به نظر رسید که الگوی واقع‌گرایی، می‌تواند الگوی مناسبی باشد. بنابراین، قصد ما در این مقاله آن است تا به کمک این نظریه به تحلیل سیاست خارجی ایران در این دوره تاریخی بپردازیم.

#### کلید واژه‌ها

شوروی، تنش زدایی، جنگ سرد، ایران پهلوی دوم، واقع‌گرایی.

## مقدمه

علمی بودن و یا نبودن اتخاذ تصمیمات خارجی در دوره پهلوی دوم یکی از موضوعاتی است که عمده کارشناسان درباره آن نظرات متفاوتی داشته‌اند. منظور از علمی بودن در این جا میزان تطبیق سیاست‌های خارجی محمدرضا با یکی از نظریه‌های رایج روابط بین الملل می باشد و این نوشته هم با این سوال شروع می شود، ولی به خاطر تطبیق دقیق، یکی از تصمیمات انتخاب شده و میزان تطبیق آن بررسی می شود.

سیاست تنش زدایی با شوروی کمونیستی یکی از مهمترین تصمیمات اتخاذ شده از سوی دولت آن دوره بوده، و این نوشته با فرض تطبیق رویکرد واقع گرایی، با این سیاست سعی در فهم نتیجه اصلی و واقعی دارد، در این نوشته با مراجعه به یکسری منابع متخصصین این امر، سعی شده تا فهمی دقیق و همه جانبه نسبت به موضوع ارائه شود.

در این مقاله، رویکرد واقع گرایی و عناصر مهم آن مورد بررسی قرار می گیرد تا در تحلیل این دوره دچار خطا نشویم. دولت محوری، قدرت، اقتدار گریزی، خود یاری، دیپلماسی و جدایی اخلاق از سیاست از مواردی است که در این نوشته به آن پرداخته می شود و عملکرد دولت ایران و اتفاقات مهمی که در این دوره در به وجود آوردن سیاست تنش زدایی تاثیر داشته مورد توجه قرار می گیرد. همچنین این مقاله، به دنبال تطبیق رویکرد گفته شده با این سیاست است. پس می توان ادعا کرد، سوال اصلی که این نوشته عبارت است از این که آیا واقع گرایی با این سیاست (تنش زدایی با شوروی) تطبیق دارد یا خیر؟ و در ادامه، بررسی این موضوع که به چه میزان می توان از این الگو به عنوان رویکرد اصلی این سیاست یاد کرد؟

## چارچوب نظری

به لحاظ تاریخی می توان گفت واقع گرایی ریشه در اثر توسیدید دارد. البته به گفته اندیشمندان روابط بین الملل این نظریه به طور منسجم و به عنوان یک پارادایم، بعد از جنگ جهانی دوم

به وسیله مورگنتا عرضه شد. این نکته را هم نباید فراموش کرد که این نظریه، بعد از این عصر دستخوش تحولات فراوانی شد. به طوری که شاید بتوان گفت واقع گرایان معاصر چیزی متفاوت از کلاسیک‌ها می‌گویند، ولی با تمامی اوصاف این نظریه دارای ویژگی‌های ممتازی است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

### ۱. دولت محوری

واقع گرایان، دولت را به عنوان بازیگر اصلی در عرصه بین الملل می‌دانند. براین اساس، بازیگران فراملی و سازمان‌ها جدای از دولت نیستند و دولت‌ها هستند که به صورت مستقل می‌توانند عمل کنند. «به هر حال از نظر واقع گرایان دولت‌ها تنها مجموعه‌های ارضی نیستند، بلکه هویت این واحدها براساس خون و تعلقات شکل می‌گیرد. از این رو، امکان دارد بسیاری از گروه‌های غیر دولتی و بازیگران غیرحکومتی برحسب کارکردهایی خاص و تحت شرایطی ظهور یافته و یا ناپدید می‌شوند؛ در حالی که دولت‌ها همچنان باقی می‌مانند» (قوام، ص ۸۰).

در این چارچوب، دولت به عنوان بازیگر اصلی نظام بین الملل شناخته شده است. دولت‌ها بنا به آن تعریفی که از منافع خود دارند دست به اقدامات سیاسی در عرصه بین الملل خواهند زد و تنها واحدهای فعال این حوزه، دولت‌ها خواهند بود. البته در ادبیات جدید رئالیستی از واحدها به عنوان بازیگر اصلی سیستم نام برده شده است که با این رویکرد بعضی از دولت‌ها یا به عبارتی اکثر دولت‌ها از ساختار سیستم بین الملل حذف می‌شوند؛ چرا که در تعریف واحدها از مفهوم تاثیر گذاری نام برده شده است که بیشتر دولت‌های موجود در حال حاضر در نظام کنونی صرف موجودیت را دارند و خبری از حضور فعال آن‌ها نیست و واحدهای چون ناتو، شورای امنیت و برخی از سازمان‌های بین المللی را می‌توان در حال حاضر به عنوان واحدهای نظام بین الملل نام برد.

## ۲. قدرت

مفهوم قدرت و نوع برداشتی که از آن می‌شود در این نظریه جایگاه خاصی دارد. «مورگنتا» به عنوان بنیانگذار این مکتب، قدرت را رابطه‌ی روانی میان واحدهایی می‌داند که آن را اعمال می‌کنند و واحدهای که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود و از طریق فشار بر اذهان گروه دوم رفتارهای آن‌ها را کنترل می‌کند و این فشار دارای سه منشأ توقع سود، هراس از زیان و احترام یا عشق می‌باشد که از طریق تهدید، جاذبه و کاریزما اعمال می‌شود» (قاسمی، ص ۵۲).

در اینجا علاوه بر تعریف قدرت در حوزه سیاست بین الملل، باید به این نکته نیز اشاره شود که دو نوع قدرت وجود دارد که برای تحلیل در سیاست خارجی به طور حتم آن را باید در نظر داشت. قدرت مطلق که دولت را به صورت مستقل حساب می‌کند، یعنی آنچه دولت قدرت بر آن دارد، مثل تولید و رشد سالانه آن، ولی آنچه در روابط بین الملل اهمیت دارد قدرت نسبی است؛ چرا که میزان قدرت کشور نسبت به دیگر دولت‌ها ارزیابی می‌شود.

قدرت محوری را می‌توان در ادامه دولت محوری راحت‌تر متصور شد؛ چرا که قدرت در انحصار دولت قابلیت مانور و اجرا را دارد. سیاست خارجی و داخلی در نگاه واقع‌گرایان متفاوت است و هر کدام از قاعده خاصی پیروی می‌کند. در داخل به خاطر تصمیمات قطعی و منسجم لزوم نظم و تمرکز اقتدار معنا پیدا می‌کند، برخلاف عرصه بین الملل که آنارشی (فقدان اقتدار مرکزی) بر آن حاکم می‌باشد. «واقع‌گرایان بر کشمکش دولت‌ها بر سر قدرت تاکید دارند و مدعی‌اند که میزان کل قدرت موجود در نظام ثابت است. بر خلاف آن که امکان افزایش جمعیت یا حتی به دست آوردن ثروت همزمان برای همه دولت‌ها وجود دارد، امکان ندارد که همگی قدرت بیش‌تری به دست آورند. واقع‌گرایان معتقدند که به همین دلیل دولت‌ها روابطشان با یکدیگر را همچون یک بازی حاصل جمع صفر صفر می‌دانند» (چرنوف، ص ۱۰۲).

## ۳. اقتدار گریزی

در ادامه دولت محوری می‌توان به این ویژگی اشاره کرد که چرا واقع‌گرایان با تاکید بر

تصمیمات دولت در عرصه بین الملل و مستقل بودن آن، به دولت حق می دهند تصمیماتی را اتخاذ کند که به نفع خودش باشد. چرا که منافع ملی در این دیدگاه اهمیت به سزایی دارد، و تنها منفعت دولت است که خط قرمز به حساب می آید، هر چند تصمیمش به جنگ و یا نابسامانی در جامعه بین الملل بیانجامد. با این رویکرد، واقع گرایان، عرصه بین الملل را صحنه ای آشوب زده می انگارند؛ چرا که هر دولت در عرصه بین الملل به صورت مستقل تصمیم می گیرد و این تصمیمات مختلف نتیجه ای جز آشوب و اختلاف را در پی ندارد.

در نظام اقتدار گریز از نظر قدرت، ولی نه از لحاظ حقوق، وظایف و تعهدات نابرابری هایی وجود دارد. همه دولت های تمام عیار حقوق یکسانی دارند. هیچ دولت یا بازیگری، اقتدار مشروع یا حق دیکته کردن سیاست های داخلی به دولت دیگر را ندارد. در هر دوره، یک یا چند دولت از موقعیت قدرت بزرگ برخوردارند. اگر آنها بتوانند بر اقدامات دیگران اعمال نفوذ کنند. این نتیجه تهدیدها و نیروی سلاح هایشان است و نه به خاطر حق یا اقتدار مشروع (چرنوف، ص ۱۰۴).

#### ۴. خود یاری

از آنجا که صحنه روابط بین الملل، صحنه آنارشیک است و قدرت و اصل خود یاری به عنوان مهم ترین متغیر به حساب می آید، دولت ها در جامعه این چنینی نباید متکی به دولتی دیگر باشند و برای رسیدن به قدرت در منطقه یا جهان تمام تلاش خود را باید انجام دهند و به خاطر همین، مسائل نظامی در این نظریه نیز جایگاه خاصی دارد. «در این راستا الگوهای رفتاری تمامی بازیگران معطوف به این موضوع (قدرت) است و از آنجا که قدرت هر بازیگری تهدیدی برای اهداف سایرین است، تنها یک راه حل وجود دارد و آن جلوگیری از قدرت یافتن و برتری سایرین است و یا افزایش قدرت خود به گونه ای است که در رقابت قدرت بازنده نبوده و نتیجه چنین برداشتی، چیزی جز موازنه قوا نمی باشد (قاسمی، ص ۵۰).

## ۵. دیپلماسی

هر چند نمی‌توان دیپلماسی را جز ویژگی‌های خاص واقع‌گرایی دانست، ولی به خاطر اصالت قدرت و موازنه قوا، دیپلماسی به عنوان ابزار اصلی در روابط بین‌الملل در واقع‌گرایی مطرح است. در شرایطی که هر دو طرف منافع خود را حیاتی تلقی می‌کنند، باید در این برداشت خود تعدیل ایجاد کنند؛ زیرا در این شرایط است که خطر جنگ افزایش می‌یابد. ابزارهایی که دیپلماسی در اختیار دارد عبارت‌اند از اقناع، مصالحه و تهدید به کاربرد زور (مشیرزاده، ص ۱۰۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود شاید بتوان این ادعا را داشت که دیپلماسی جزء لاینفک این نظریه است، البته باید به این نکته نیز اشاره داشت که موفقیت دیپلماسی نیز در گرو این شروط می‌باشد:

۱. دیپلماسی باید عاری از روح جنگاوری باشد یعنی نباید تابع مبارزات ایدئولوژیک شود.
۲. اهداف سیاست خارجی باید بر مبنای منافع ملی تعریف شود و با قدرت از آن حمایت گردد.
۳. دیپلماسی باید از نقطه نظر سایر دولت‌ها نیز به صحنه سیاسی بنگرد، یعنی حدود امنیت ملی طرف مقابل را نیز به رسمیت بشناسد.
۴. دولت‌ها باید آماده مصالحه در مورد موضوعاتی که برایشان حیاتی نیست باشند (مشیرزاده، ص ۱۰۴).

## ۶. جدایی اخلاق از سیاست

واقع‌گرایان بر این باورند که نباید اخلاق را در سیاست دخیل دانست و به خاطر همین مورگنتا این مورد را جزء اصول واقع‌گرایی مطرح می‌کند که به گفته آقای فراهادی سبب ساز دو نتیجه مهم است:

۱. مبانی اخلاقی را نمی‌توان به شکلی عام یا انتزاعی آن به رفتار دولت‌ها تعمیم داد. فرد ممکن است بگوید، بگذار عدالت اجرا شود حتی به بهای هلاکت جهانیان، اما



دولت حق ندارد به نام کسانی که تحت حمایت آن هستند، چنین چیزی را عنوان نماید و ۲. بنابراین، واقع‌گرایی در سیاست حزم و دور اندیشی، یعنی سنجش پیامدهای رفتارهای مختلف سیاسی را برترین فضیلت می‌داند (قاسمی، ص ۴۹).

به طور خلاصه می‌توان گفت که نظریه واقع‌گرایی به عنوان یکی از رویکردهای اصلی در روابط بین الملل امروزی، جایگاه خاصی دارد و ویژگی‌های که نام برده شد، خود دلیلی است برای این که چرا و چگونه این نظریه به عنوان یک رویکرد اصلی در روابط بین الملل مطرح بود. این رویکرد، با تکیه بر دولت به عنوان تنها عنصر ثابت در عرصه بین الملل، دولت را بازیگر اصلی در اتخاذ تصمیمات می‌داند و می‌گوید که تنها دولت است که قادر به تغییر در نظام بین الملل است و به خاطر همین هست که روی خوشی به سازمان‌های بین المللی نشان نمی‌دهد. علاوه بر این، نظریه واقع‌گرایی با تاکید بر قدرت و فهم از آن، در نظام بین الملل به کشورها توصیه می‌کند که در روابط خود در عرصه خارجی این مقوله مهم را مدنظر داشته باشند، قدرتی که منتج به اقتدارگریزی می‌شود؛ چرا که آن نظریه با این دیدگاه، نظام بین الملل را نظامی آنارشیک می‌داند و در این سیستم، هر دولتی بنا به منافع خود تصمیم می‌گیرد و این تصمیمات در عرصه بین الملل تبدیل به دریای از مطالبات از هم می‌شود که نتیجه‌ای جز اختلاف ندارد. در نهایت تاکید بر انسان سیاسی، انسانی که مذهبی و قدیس نیست، انسان مذهبی کاملاً فارغ از تمایلات دنیوی است، در حالی که مکتب واقع‌گرایی با دوراندیشی در مسائل دنیوی بر این موضوع تاکید دارد.

### رابطه ایران و شوروی (۴۲-۵۷)

ایران در عصر سلطنت محمد رضا شاه، به رغم این که وضعیت اقتصادی و مالی نسبتاً توسعه یافته‌ای در مقایسه با سایر کشورهای جهان سوم داشت، ولی از جنبه سیاسی از جمله کشورهای به حساب می‌آمد که به گونه‌ای سنتی در طی قرون متمادی حاکمیت شاه را بر جامعه تحمیل نموده بودند. به عبارت دقیق‌تر در پویش تصمیم‌گیری

سیاست خارجی ایران با توجه به دیدگاه جیمز روزنا دو عامل شخصیت و نظام بین المللی از جمله متغیرهای تعیین کننده و تاثیر گذار بوده اند (ازغنیدی، ص ۲۴).

چرا که در دیدگاه روزنا تصمیم گیری سیاست خارجی به مجموعه عوامل پنج گانه ای مربوط می شود که شامل شخصیت، نقش، جامعه، دیوان سالاری و نظام بین الملل می شود. در کشورهای توسعه یافته ترتیب تصمیمات بر همین اساس است، ولی در دیگر کشورها شخصیت و نظام بین الملل جایگاه ویژه ای دارند.

این نوشته با اشاره به تحولات بین المللی و داخلی به دنبال این است که با سنجش راهبردها و عملکردها در این دوره، مطابق با واقع گرایی نشان دهد چه میزان این تحولات در تصمیمات ایران موثر بوده است.

## تحولات بین المللی

### الف. تغییر استراتژی شوروی

در اتحاد شوروی تغییرات چندی افتاد که بر سیاست های این کشور در قبال ایران تاثیر گذاشت. مهمترین حادثه، تغییر کلی استراتژی شوروی پس از مرگ استالین بود که ناظر بر گسترش پیوندهای این کشور با جهان سوم به طور کلی بود. مسکو در یافته بود که سیاست تهدید و ارباب صرفاً باعث نزدیک تر شدن شاه به غرب خواهد شد (فولر، ص ۱۸۱).

این اتفاق باعث شد که ایران به همسایه قدرتمند خود نزدیک شده و این دوستی تبدیل به یک اهرم فشار در مقابل غرب شود. درک درست این موقعیت از سوی تصمیم گیران داخلی باعث توسعه نسبی در داخل ایران و قدرت یافتن توان دیپلماسی در سیاست خارجی شد. این تغییر اساسی شوروی، در تمامی حوزه های سیاست خارجی تغییراتی جدی به وجود آورد، سیاست همزیستی مسالمت آمیز باعث شد که دو اردوگاه غرب و شرق به هم نزدیک شوند و کشورهای که زیر سایه یک قدرت خاص قرار داشتند، توانستند با این اتفاق با کشورهای دیگر ارتباط هایی در حوزه های مختلف برقرار کنند که نقطه عطفی در سیاست روابط بین الملل

بود. ایران هم از این قاعده مستثنی نبود و توانست با شوروی قراردادهای مختلفی ببندد که این کار علاوه بر افزایش گزینه‌های ایران در تعامل، اهرم فشاری در مقابل غرب هم بود.

### ب. خروج بریتانیا از خلیج فارس

بریتانیا بعد از ۱۵۰ سال سلطه، تصمیم به خروج از خلیج فارس گرفت که باعث اتفاقات مهمی شد. در پی خروج بریتانیا و خلاء به وجود آمده در این منطقه، قدرت‌های منطقه سعی در پر کردن جای خالی بریتانیا کردند. عراق و ایران با شرایطی که داشتند می‌توانستند جایگزین‌های خوبی برای بریتانیا باشند و همین تصور باعث شد این دو کشور در مورد این مسئله، هر کدام به نیابت از قدرت‌های موجود با هم به رقابت پردازند.

آمریکا با خروج بریتانیا می‌توانست یکی از گزینه‌های مهم دیگر در این منطقه برای جایگزینی باشد، ولی به خاطر وجود یکسری مشکلات از جمله جنگ با ویتنام حاضر به قبول این هزینه هنگفت نشد و با بالا بردن صادرات تسلیحات نظامی به ایران و رایزنی با انگلیس سعی کرد که ایران به نیابت از آمریکا در این منطقه قدرت بلامنازع باشد.

### ج. شروعی بر پایان جنگ سرد

در اوایل دهه ۱۹۶۰ زمینه پایان جنگ سرد بین دو ابر قدرت آمریکا و شوروی فراهم شد. پرزیدنت کندی در آغاز زمامداری، از پیشداوری مساعد برخوردار بود. بنابراین، همین که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شد، خروشچف در تبریک گفتن به او شتاب ورزید و اظهار امیدواری کرد که در دوره ریاست جمهوری او مناسبات دو کشور به وضعی که در زمان فرانکلین روزولت داشت برگردد (مهدوی، ص ۲۹۷). این اقدامات از سوی دو قدرت جهان، تاثیر بسزایی در الگوی سیاست خارجی ایران داشت.

بدین سان دورانی که به تنش زدایی مشهور بود، جانشین دوران جنگ سرد شد. یکی از نخستین آثار تنش زدایی بهبود مناسبات شوروی و ایران بود. بطوری که ایران را به مراتب به شوروی نزدیک‌تر کرد و توانست به ایران استقلال نسبی در اتخاذ تصمیم بدهد که شاید بتوان

از این دوران به عنوان دوران طلای سیاست خارجی ایران نام برد.

## تحولات داخلی

### الف. افزایش قیمت نفت

جاه طلبی های شاه در منطقه با افزایش قیمت نفت، شدت بیشتری هم گرفت. او علاوه بر برنامه های اقتصادی در داخل، تبدیل شدن به یکی از قدرت های جهان هدف بزرگ تری بود که برای آن تلاش می شد. او در ابتدا به فکر قدرت نظامی و تبدیل شدن به ژاندارم منطقه بود و در همین راستا به یکی از وارد کننده های بزرگ تسلیحات نظامی در جهان تبدیل شد. او قراردادهای نظامی بزرگی را با صاحبان صنایع نظامی جهان بست و شوروی هم از این قاعده مستثنی نبود. شاه برای تحریک غرب با شوروی قراردادهای نظامی بست، و این کار او، علاوه بر نزدیکی بیشتر او به همسایه شمالی، اعتماد آن را نیز در قبال مسائل منطقه از جمله خلیج فارس که ایران سودای سلطه بر آن را داشت را نیز جلب کرد که بعدها نیز نتایج مهمی را برای ایران داشت.

### ب. تغییر استراتژی ایران

با پایان جنگ سرد و نزدیک شدن غرب و شرق به همدیگر، ایران با درک صحیح از این فضا، خودش را به شرکای شرقی خود نزدیک کرد. عمده تصمیمات خارجی ایران در منطقه که تابعی از تصمیمات آمریکا بود، سعی در نزدیک شدن به اردوگاه شرق بود. ایران در این دوره توانست تصمیمات مستقل تری بگیرد و با این کار حتی اهرم فشاری برای خود ساخت و بارها توانست با این اهرم از هر دو طرف امتیازاتی بگیرد.

## راهبردها و عملکردها

### ۱. قدرت محوری

دولت ایران با درکی که از ابر قدرت‌های آن روز داشت سعی می‌کرد خود را به عنوان قدرت منطقه مطرح کند، ایران با این رویکرد نشان داد که علاوه بر این که به دنبال موازنه قوا در سیاست‌های اتخاذ شده در قبال قدرت‌ها است، سعی دارد خود را به عنوان قدرت بلامنازع منطقه تبدیل کند. قراردادهای اقتصادی و نظامی از جمله این حرکت‌ها بود. ایران با بستن قراردادهایی بزرگی با طرف شوروی، نشان داد که به چه میزان دنبال این سیاست است، تا حدی که حتی طرف آمریکایی را ناراحت می‌کرد.

اولین و یکی از مهم‌ترین توافقات دو طرف در زمینه اختلاف بر سر رود ارس بود که بین دو طرف به طور مساوی تقسیم شد. از دیگر توافق نامه‌های مهم می‌توان به موافقت نامه ۲۳ دی ۴۲ اشاره کرد که در آن تصمیم به احداث کارخانه ذوب آهن و احداث لوله‌گاز و تاسیس کارخانه ماشین‌سازی شد. «به موجب این موافقتنامه، شوروی تعهد کرد که عملیات نقشه کشی و اکتشافی اولیه را انجام دهد و هر گونه وسایل و ماشین آلات و موادی را که در ایران به دست نمی‌آید تامین کند و کارشناسان خود را برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه به ایران بفرستد و در ساختمان کارخانه نظارت داشته باشد و به اتباع ایران آموزش فنی بدهد و تعدادی از آنان را برای گذراندن دوره‌های تخصصی به شوروی بفرستد» (مهدوی، ص ۳۲۳).

بعد از آن به تدریج توافقنامه‌های اقتصادی و فنی، فصل جدیدی در روابط دو کشور گشود به طوری که تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، شوروی بزرگ‌ترین بازار صادرات کالاهای ساخت ایران بود و در عین حال، ایران نیز به بزرگ‌ترین بازار کالاهای غیر نظامی ساخت شوروی در خاورمیانه تبدیل شد (موسوی‌نیا، ص ۱۳۹).

### ۲. اقتدار گریزی

همان‌طور که اشاره شد این ویژگی در پی دولت محوری است. ایران نیز با فهم و درکی که از

حق دولت‌ها در عرصه بین‌الملل داشت، سعی در متعادل کردن با آن‌ها را داشت. بنابراین، با اقتدار یک قدرت نیز مخالف بود؛ چرا که با قبول این حق تساوی برای دولت‌ها، همه را در مطالبات به میزان حقیقت محقق می‌دانست. ایران نیز بنا به منافع که داشت در سیاستی مستقل انتخاب‌های خود را می‌کرد، هرچند این منافع نزاع و اختلاف را به بار می‌آورد.

### ۳. خودیاری

ایران با سیاست مستقل ملی که اتخاذ کرده بود، به دور از جهت‌گیری‌های سیاسی طرفین در مذاکرات فقط در پی منافع خود بود و در رسیدن به این اهداف بیشتر تکیه به آن چه که داشت می‌کرد. این قدرت در دورانی که قیمت نفت بالا رفت بیشتر نمود کرد. در این دوره، ایران بارها با اتخاذ تصمیماتی ناراحتی طرفین را به بار آورد. برای مثال، سیاستی که در فروش نفت به کشور اسرائیل گرفت و یا قرارداد بزرگ گازی که با شوروی بست.

### ۴. دیپلماسی

ابزاری که شاه در این دوره توانست از آن به مقدار استفاده کند. درست زمانی که دوران جنگ سرد به پایان رسید قدرت دیپلماسی ایران هم به همین میزان قدرت یافت. ایران با قرار گرفتن در پشت میز مذاکرات طرفین توانست هر آنچه که منفعت ملی در آن است را محیا کند. در ادامه با اتخاذ سیاست تنش زدایی، ایران به طرفین منازعه بیشتر نزدیک شد و نفت هم بعدها تبدیل به شاه کلیدی در دست شاه شد که توانست بیشتر قفل‌های پیش رو را با آن باز کند. علاوه بر این، تسلط شاه به دو زبان فرانسوی و انگلیسی در این مورد تاثیر فراوانی داشت، به طوری که مسائل روز جهان بدون هیچ واسطه‌ای غالباً در دست او بود و این امتیاز بسیار مهمی برای یک کشور و رهبر آن بود، در حالی که امروزه در بسیاری از کشورها بسیاری از اطلاعات و اخبار برای رهبران ترجمه می‌شوند.

## ۵. جدایی اخلاق از سیاست

ایران در برنامه‌ای که برای خود داشت سعی می‌کرد تا به دور از آرمانگرایی به قدرت برسد و اهداف خود را عملی کند. این کشور، بارها به خاطر همین استراتژی از جنگ‌ها حمایت کرد؛ چرا که منافع خود را در آن می‌دید و حتی در یکی از موارد با گسیل نیروهای نظامی، به طور علنی در معرکه جنگ حضور یافت.

### نتیجه‌گیری

سوال اصلی که ما در اول مقاله مطرح کردیم تطبیق رویکرد واقع‌گرایانه ایران با سیاست تنش زدایی با شوروی بود. طبق آنچه که در چارچوب نظری از رویکرد واقع‌گرایانه گفتیم و عملکردی که در این دوره از ایران مشاهده شد باید گفت که این دوره را تنها با رویکرد واقع‌گرایی می‌توان تحلیل کرد؛ چرا که ما در این دوره شاهد تصمیماتی از ایران هستیم که با عناصر اصلی این رویکرد تطبیق دارد. ایران در این دوره با شناخت صحیح از چالش قدرت، توانست تصمیماتی را اتخاذ کند که با منافع ملی در تعارض نباشد. شوروی و آمریکا به عنوان دو قدرت آن روز، هر دو در این دوره با ایران رابطه صمیمی و نزدیکی داشتند و ایران با اتخاذ تصمیمی توانست از هر دو قدرت امتیازات فراوانی دریافت کند. البته نباید از قدرت دیپلماسی قابل توجه ایران در این دوره غافل شد.

از دیگر شاخصه‌ای اصلی این سیاست خارجی (تنش زدایی با شوروی) تاکید بر منافع ملی بود که می‌توان آن را با رویکرد واقع‌گرایانه تطبیق کرد؛ چرا که بارها مشاهده شد که ایران در تعاملات، خط قرمز منافع ملی است و سعی در رسیدن به این مطلوب را دارد. از دیگر عناصر رویکرد واقع‌گرایی، می‌توان به اصل خودیاری اشاره کرد که در این دوره و در اتخاذ سیاست تنش زدایی به وضوح قابل مشاهده است. ایران با اتکا به قدرت داخلی و ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌های طرف‌های مقابل توانست به آن چه مطلوب خود بود برسد. پس می‌توان گفت ایران در سیاست تنش زدایی با شوروی با رویکردی واقع‌گرایانه توانست

نقش مهمی در منطقه ایفا کند، البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که ایران بعدها نتوانست با این رویکرد پیش رود و کم کم تبدیل شد به متحدی جدی برای غرب که فقط می توانست منافع غرب را در منطقه تامین کند و همین رویکرد بود که باعث وابستگی شد که بعدها گریانش را گرفت و با قطع این رابطه موجودیت ایران نیز زیر سوال رفت و حکومت با یک تنش جدی داخلی از هم پاشید. در جامعه امروزی ما نیز چنین رویکردی جایی در اتخاذ سیاست های خارجی ندارد و چه بسا با تنش جدی آن بلای که بر سر حکومت سابق آمده بود، بر سر این نظام سیاسی هم بیاید. ایران امروز باید درک درستی از نظام بین الملل داشته باشد، درکی که در هیچ یک از لایه های تصمیم گیر در ایران مشاهده نمی شود. بعد از درک درست از سیستم هست که تصمیمات رنگ و بوی واقعیت به خود خواهند گرفت و ایران را در آن مسیر درست توسعه قرار خواهد داد.

### فهرست منابع

- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۳). روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷. چاپ شانزدهم. نشر قومس.
- پهلوی، محمدرضا. (۱۳۷۹). پاسخ به تاریخ. حسین ابوترابیان. نشر زیبا.
- چرنوف، فرد. (۱۳۸۸). نظریه وزبر نظریه در روابط بین الملل. علیرضا طیب. چاپ اول تهران: نشر نی.
- دوئرتی، جیمز؛ فالترزگراف، رابرت. (۱۳۷۶). نظریه های متعارض در روابط بین الملل. علیرضا طیب و وحید بزرگی. جلد اول. چاپ دوم. نشر ققنوس.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۹۲). روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل. چاپ نهم. نشر فروزان.
- فوران، جان. (۱۳۷۸). مقاومت شکننده. احمد تدین. چاپ دوم. نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فولر، گراهام. (۱۳۹۲). قبله عالم. عباس مخبر. چاپ ششم. نشر مرکز.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۳). اصول روابط بین الملل. چاپ پنجم. نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۸). اصول سیاست خارجی در سیاست بین الملل. چاپ پانزدهم. انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها. چاپ هشتم. سمت.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). تحول در نظریه های روابط بین الملل. چاپ ششم. سمت.
- موسوی نیا، سید رضا. (۱۳۹۳). الگوی تصمیم گیری سیاست خارجی ایران. چاپ دوم. دانشگاه مفید.



مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۹۳). سیاست خارجی دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷. چاپ دهم. نشر پیکان.  
نقیب زاده، احمد. (۱۳۷۳). نظریه‌های کلان روابط بین الملل. چاپ اول. نشر قومس.

### مقالات

- متقی، ابراهیم. (۱۳۷۸). اسطوره‌ها، الگوی رفتاری و عملکرد شوروی به ایران و انقلاب اسلامی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه اصفهان). پیش شماره ۲، ص ۱۲۶ - ۱۵۰.
- عطار زاده، مجتبی. (۱۳۷۸). بررسی ایران و شوروی در دوره کمونیسم، مطالعات آسیای مرکزی قفقاز. شماره ۲۷. ص ۱۵۵-۱۹۶.
- اطاعت، محمد جواد. (۱۳۷۵). جاذبه‌های ژئوپلیتیک ایران، رفتار روسیه تزاری و اتحادیه جماهیر شوروی. پانزده خرداد. دوره اول. شماره ۲۴. ص ۵۷ - ۷۲.
- هردمن، ریچارد. (۱۳۷۴). ترجمه الهه کولایی. نقش ایران در ادراکات و سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۰۱-۱۰۲. ص ۳۹-۴۷.

## نگاهی به بحران نفتی ۱۹۷۳ بر اساس مدل مایکل برچر

محمد جواد پورمحمدی\*

### چکیده

بحران نفتی ۱۹۷۳ یا شوک اول نفتی یکی از وقایع دوران پر مخاطرهٔ منازعه اعراب و اسرائیل است. در این مقاله با بیان نقش دو کارتل بین المللی اوپک و آپک تلاش شده است نحوهٔ ایجاد این بحران مورد بررسی قرار بگیرد. در تدوین این نوشتار و بیان وقایع آن دوره از مدل چهار مرحله‌ای مایکل برچر با عناوین پیدایش، تصاعد، کاهش و تاثیر استفاده شده است و این چارچوب نظم ساختاری نوشته رو به رورا شکل داده است. افزون بر این نویسنده، ضمن بیان این چهار مرحله به اثبات فرضیه و پاسخ به سوال اصلی مقاله پرداخته است. یافته مقاله عبارت است از این که مرحلهٔ چهارم مدل برچر، یعنی تاثیر بحران نفتی ۱۹۷۳ باعث اهمیت یافتن امنیت خاورمیانه برای آمریکا گشت و به همین دلیل ایالات متحده، در صدد حل و فصل منازعه اعراب و اسرائیل برآمد.

### کلیدواژه‌ها

بحران نفتی، شوک اول نفتی، اوپک، تحریم نفتی، اعراب و اسرائیل، برچر.

## مقدمه

پس از شکست‌های پی در پی اعراب از اسرائیل و بعد از این‌که اعراب در باز پس‌گیری مناطق اشغال شده توفیقی کسب نکردند با اتخاذ دیپلماسی انرژی و ایجاد قرابت بین دو کارتل اوپک و آپک و در نتیجه، بالابردن قیمت نفت توانستند علاوه بر انتقام از غرب به خاطر حمایت‌های بی دریغ از اسرائیل، اقدام به موازنه و نوعی قدرت‌نمایی جهانی کنند. بر همین اساس، می‌توان گفت بحران نفتی ۱۹۷۳ علاوه بر این‌که به خودی خود بحران تلقی می‌شود، یکی از تاثیرات بحران «یوم کیپور» نیز بوده است و به نظر می‌رسد باید این دو بحران به صورت ضمنی مورد بررسی قرار گیرند؛ چراکه دو واقعه در هم تنیده و غیر قابل تفکیک از یکدیگر هستند. افزون بر این، چنانچه برچر می‌گوید: «قرن بیستم عصر ناآرامی‌های فراگیر است. دو جنگ جهانی فاجعه‌آمیز و تعداد زیادی جنگ‌های کوچک‌تر در جهان وجود داشته است. تعداد بی شماری منازعات نیز وجود داشته است که برخی از آن‌ها در طول زمان امتداد داشته است و موضوعات زیادی را در بر گرفته‌اند. از آن جمله، می‌توان به منازعات شرق و غرب، اعراب و اسرائیل و هند و پاکستان اشاره کرد.

آشفتگی‌های اقتصادی، به ویژه رکود اقتصادی بزرگ دهه ۱۹۳۰ و شوک‌های ناظر بر افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ به چنین وضعیتی بیشتر دامن زدند». می‌توان ادعا کرد بحران‌های نفتی دهه ۱۹۷۰، عامل پیدایش بحران‌های خاورمیانه بوده و عمدتاً بر سر نفت می‌باشد. مثلاً یورش آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ با بهانه خلع سلاح‌های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم انجام شد، اما به جرات می‌توان گفت هدف اصلی دست‌یابی به منابع غنی نفت عراق، جزء اهداف پشت پرده جنگ آمریکا در عراق بود و اگر عراق از کشورهای نفت خیز جهان نبود و یا بحران‌های نفتی ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ موسوم به شوک اول و دوم نفتی رخ نمی‌داد، برای آمریکا انگیزه کمتری برای حمله به عراق وجود داشت. به همین جهت، نویسندگان در صدد بیان این نکته است که یک بحران در عین بحران بودنش، می‌تواند هم عامل پیدایش بحران دیگری باشد و هم می‌تواند تاثیر بحران دیگری باشد، چنانچه بحران نفتی

۱۹۷۳ در عین بحران بودنش عامل پیدایش بحران‌های خاورمیانه و تاثیر بحران «یوم کیپور» و منازعه اعراب و اسرائیل بوده است.

این نوشتار در تلاش برای پاسخ به این سوال اساسی است که چه عاملی باعث شد غرب برای حل و فصل منازعه اعراب و اسرائیل تلاش کند؟ پاسخ موقت به این پرسش عبارت است از این که بالا رفتن قیمت نفت و افزایش تهدید معطوف به ارزش غرب، به خصوص آمریکا و کشورهای صنعتی باعث شد تا آمریکا برای حل و فصل بحران «یوم کیپور» تلاش کند و مانع وقوع مجدد جنگ بین اعراب و اسرائیل شود تا از تداوم بحران نفتی جلوگیری کند. وجه نوآوری تحقیق، استفاده از مدل برچر برای تحلیل این بحران بوده؛ چراکه تا به حال مقالات متعددی در موضوع شوک‌های نفتی، نقش اوپک و منازعه اعراب و اسرائیل نوشته شده که صاحب این نوشتار نیز از آن مطالب بهره مند گشته، اما تا کنون این موضوع در قالب و چارچوب برچر تدوین نشده بود و امید است مورد توجه واقع شود.

### چارچوب مفهومی و تئوریک

بحران، واژه‌ای جهانی برای توصیف از هم گسستگی و بی‌نظمی در دنیا می‌باشد. به طور کلی، برای شناسایی یک بحران می‌توان شاخص‌هایی چون تهدید ارزش‌های بنیادی، انجام اقدامات قاطعانه و نشان دادن خصومت آشکار را بیان نمود. یک بحران بین‌المللی به دگرگونی در نوع یا افزایش در شدت کنش‌های متقابل شکننده بین دو یا چند دولت، با تشدید احتمال مخاصمات نظامی می‌انجامد که طبعاً روابط آن‌ها را بی‌ثبات می‌کند و ساختار یک نظام بین‌المللی را به چالش فرا می‌خواند (برچر، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

تئوری بحران مایکل برچر که چارچوب تحقیق پیش رو است، بر مبنای چهار حوزه و مرحله بحران است که عبارتند از پیدایش، تصاعد، کاهش و تاثیر. این مفاهیم، به مثابه نکات تمرکز اولیه الگوها و فرضیه‌ها و مطالعات موردی است؛ چرا که تشریح و ارائه یافته‌ها در این چارچوب، ناظر بر این که چگونه هر حوزه و مرحله‌ای، حوزه و مرحله بعدی را آشکار ساخته و شکل می‌دهد، بخش اعظم تجزیه و تحلیل را شکل خواهد داد.

## ۱. پیدایش

پیدایش، ناظر به مرحله اولیه یک بحران بین المللی است. حوزه و مرحله پیدایش منطبق با دوره ماقبل یک بحران سیاست خارجی است (برجر، ۱۳۹۴، ص ۵۰). در این مرحله، موضوع عدم تهدید یا تهدید اندکی که ارزش‌ها را هدف گرفته، احساس می‌شود. گاهی در این مرحله، افزایش شدید و بیش از حد معمول کنش متقابل انجام می‌گیرد. مرحله پیدایش، گسترش یک بحران بین المللی مستلزم وجود حداقل دو کشور متخاصم است که یکی یا هر دو بیش از حد معمول تهدید به ارزش‌ها را درک کرده و پاسخ می‌دهند (قامت، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱).

از روز ۱۳ مه ۱۹۴۸ که دولت موقت اسرائیلی در تل آویو تشکیل شد، تا کنون دشمنی دیرینه‌ای بین اعراب و اسرائیل وجود داشته و این دشمنی تاریخی با پستی و بلندی‌های متعددی رو به رو بوده است. از آغاز این منازعه تا وقوع بحران نفتی ۱۹۷۳ موسوم به شوک اول نفتی، چهار جنگ مهم بین اعراب و اسرائیل واقع شده که عبارتند از، جنگ ۱۹۴۸، موسوم به جنگ استقلال که از ۱۵ مه ۱۹۴۸ لژیون اعراب شامل مصر، عراق، لبنان و سوریه به اسرائیل حمله کردند و سرانجام در ۳۰ جولای ۱۹۴۹ با امضای آتش بس بین سوریه و اسرائیل، اولین جنگ اعراب و اسرائیل پایان یافت. جنگ ۱۹۵۶، موسوم به جنگ کانال سوئز دومین جنگ مهم بین اعراب اسرائیل بود که از ۲۶ جولای ۱۹۵۶ بعد از این که جمال عبد الناصر رئیس جمهور مصر کانال سوئز را ملی اعلام کرد، آغاز شد و در ۹ نوامبر با فشارهای بین المللی و عقب نشینی نیروهای اسرائیل از شبه جزیره سینا پایان یافت. جنگ شش روزه که از ۷ آوریل ۱۹۶۷ بین نیروهای اسرائیل و سوریه شکل گرفت و در این جنگ صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه و ارتفاعات جولان و شهر قنیطره، به اشغال در آمد و موجب آواره شدن یک میلیون نفر از اعراب شد. این جنگ، با قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت که اسرائیل را ملزم به تخلیه مناطق اشغال شده کرد، سومین جنگ اعراب و اسرائیل بود که خاتمه یافت.

بعد از بیان پیشینه تاریخی منارعه اعراب و اسرائیل و اشاره به سه جنگ مذکور، نوبت به جنگ چهارم یعنی جنگ «یوم کیپور» می‌رسد که عامل اصلی وقوع و پیدایش بحران نفتی ۱۹۷۳ بود. اکتبر ۱۹۷۳ (۱۴ مهر ۱۳۵۲) مصر از کانال سوئز در صحرای سینا عبور کرد تا

حمله‌ای علیه اسرائیل را آغاز کند، ارتش سوریه نیز همزمان از طریق بلندی‌های جولان به اسرائیل حمله کرد، حمله در آخرین ساعات «یوم کپور» مقدس‌ترین عید یهودیان آغاز شد روزی که یهودیان در آن روزه دار هستند و از آنجایی که این روز با ماه رمضان مصادف بود به جنگ یوم کپور، جنگ اکتبر - رمضان نیز گفته می‌شود. ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ مصر و اسرائیل با آتش بس موافقت کردند، اما قادر به برقراری آن نبودند. دو روز بعد، آتش بس با نظارت سازمان ملل برقرار شد. ۲۶ اکتبر اسرائیل و سوریه توافق بر آتش بس کردند و جنگ «یوم کپور» به پایان رسید (الوندی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۲).

چهار جنگ مذکور، بخشی از منازعه ممتد بین اعراب و اسرائیل بوده و درگیری‌های کوچک‌تری نیز بین این دو گروه متخاصم همواره در جریان بوده که ذکر آن‌ها در این نوشتار نمی‌گنجد. نکته‌ای که در تمام منازعات و جنگ‌های اعراب و اسرائیل مشترک بوده، شکست اعراب است. اعراب در طول سال‌های جنگ در برابر اسرائیل تمام همت خود را به کار گرفته و به متحدانه و به صورت یک پارچه برای شکست اسرائیل از هیچ اقدامی فروگذار نکردند، اما همیشه با شکست مواجه شدند و به این باور رسیدند که حمایت آمریکا و کشورهای غربی از اسرائیل، موجب شکست مداوم اعراب شده است. در نتیجه، به دنبال جنگ «یوم کپور» تلاش کردند قدرت کشورهای عربی را به نمایش جهانیان بگذارند و شکست‌های پی در پی خود را جبران کنند. جنگ اکتبر ۱۹۷۳ زمینه سیاسی بسیار مناسبی برای کشورهای عربی تولیدکننده نفت، فراهم آورد تا از نفت به عنوان سلاح سیاسی بر علیه کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا استفاده کنند و آنان را به خاطر حمایت از اسرائیل تنبیه کنند.

## ۲. تصاعد یا گسترش

مرحله تصاعد بر شکنندگی خیلی شدیدتر از مرحله پیدایش و یک افزایش کیفی در احتمال مخاصمات نظامی دلالت دارد. در سطح بازیگر، همتای مرحله تصاعد، دوران بحران یک بحران سیاست خارجی است که در آن ادراکات ناظر بر فشار زمان و ازدیاد احتمال جنگ به ادراک تهدید حادثتر اضافه می‌شوند. مرحله تصاعد و دوره بحران تقریباً بالاترین حد وخامت اوضاع و حداکثر فشار روانی را نشان می‌دهد. مرحله تصاعد ممکن است به یک دگرگونی از عدم خشونت به سوی خشونت، مشخص شود؛ زیرا یک بحران تمام عیار ممکن است غیر

خشونت آمیز باشد. با این حال، اگر خشونت در مرحله پیدایش اتفاق بیافتد، شاخص تصاعد تغییر خشونت از سطح پائین به سطح بالا خواهد بود (برجر، ۱۳۹۴، ص ۵۴).

در بخش مربوط به پیدایش، عوامل شکل گیری و دلایل به وجود آمدن بحران نفتی ۱۹۷۳ بیان شد. اینک بر اساس مدل چهار مرحله‌ای مایکل برجر در مقام بیان مرحله گسترش و بیان شاخص تصاعد و تغییر خشونت از سطح پائین به سطح بالا در بحران نفتی مذکور هستیم. حال برای تبیین این مرحله، ناگزیر به بیان مطالبی در خصوص کارتل‌های نفتی همچون اوپک و آپک می‌باشیم؛ چرا که این دو کارتل بین المللی اصلی‌ترین بازیگران شوک اول نفتی بودند و با تحریم نفتی کشورهای حامی اسرائیل و تعیین قیمت برای نفت، بحران را گسترش داده و آن را به اوج وخامت رساندند.

الف. اوپک: این سازمان یک کارتل بین المللی است که در ابتدای دهه ۱۹۶۰ با اجتماع تولیدکنندگان نفت خاورمیانه (کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان) به همراه ونزوئلا در کنفرانس بغداد پا به عرصه وجود گذاشت. هدف سازمان اوپک ایجاد هماهنگی و متحد کردن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو است تا به این شکل قیمت‌های عادلانه و پایداری را برای تولیدکنندگان نفت ایجاد نماید. از دیگر اهداف این سازمان تامین نفت مداوم و بهینه برای کشورهای مصرف کننده نفت است. هدف سوم اوپک نیز فراهم آوردن زمینه بازگشت سرمایه عادلانه برای کسانی است که در صنعت نفت سرمایه گذاری می‌کنند. اوپک در بدو تاسیس توجه چندانی به خود معطوف نداشت، اما تغییرات بازار جهانی نفت به همراه پاره‌ای از بحران‌های سیاسی و نظامی در خاورمیانه، نقش و موقعیتی منحصر به فرد در آستانه ۱۹۷۰ به آن بخشید و این سازمان توانست، پس از وقوع شوک اول نفتی (به علت تحریم نفتی اعضا عرب اوپک علیه حامیان اسرائیل) در سال ۱۹۷۳، نظام قیمت گذاری نفت را تحت کنترل خویش در آورد و از افزایش قیمت سود کلانی ببرد (شیرخانی؛ قوام ملکی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲). از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳ میانگین نرخ رشد مصرف جهانی نفت، سالانه ۵/۵ درصد بود، یعنی میزان مصرف در سیزده سال دو برابر شده بود. کارشناسان اذعان داشتند که با استمرار چنین آهنگ رشدی، محدودیت فنی تولید در سال ۱۹۷۴ یا ۱۹۷۵ فرا می‌رسد (پرن، ۱۳۷۹، ص ۲۱۰). در همین زمان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان (آمریکا) پس از جنگ جهانی دوم، به

تدریج تبدیل به یک کشور عمده واردکننده نفت خام گردید (برگین، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱۲) و همین موجب آسیب پذیری مضاعف آمریکا در تحریم‌های نفتی اوپک شد؛ چراکه در اواسط سال ۱۹۷۳ و حتی پیش از جنگ اعراب و اسرائیل تقاضا در بازار شدت گرفته بود و قیمت نفت در بازار لحظه‌ای بود. از این رو، افزایش قیمت در آن شرایط امری طبیعی و مورد انتظار بود، اما روند افزایش قیمت‌ها بر اثر وقایع ناشی از جنگ اعراب و اسرائیل به صورت یک شوک در آمد (شیرخانی؛ قوام ملکی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳). کشورهای صاحب نفت خصوصاً اعضای اوپک که با باز پس گرفتن کنترل تولید در نقش تولید کنندگان وارد بازار شده بودند، با استفاده از شرایط پیش آمده کنترل قیمت را در دست گرفتند و توانستند قیمت‌های مورد نظر خود را به بازار تحمیل کنند. شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ که با بهره‌گیری از نفت به عنوان ابزاری سیاسی همراه بود، درجه بالایی تسلط کشورهای صاحب نفت اوپک در بازار و عمق آسیب پذیری کشورهای مصرف کننده را در شرایط جدید نشان می‌داد (شیرخانی؛ قوام ملکی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴) و در تمام سال‌های دهه ۱۹۷۰ تسلط خود را بر بازارهای نفتی حفظ کرد.

در سال ۱۹۷۳ از جمع تولید نفت دنیا ۶۵ درصد و در سال ۱۹۷۸، ۶۲ درصد آن تحت اختیار اوپک بود (برگین، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲۵). همچنین در اختیار داشتن سهم بزرگی از کانسارهای نفتی جهان (۶۷ درصد ذخایر جهانی نفت) بر توان بازیگری اوپک افزود.

ب. آپک: سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت بود که در سال ۱۹۶۸ در کویت و با هدف حفظ منافع و تعیین طریق همکاری بین کشورهای عربی صادرکننده نفت تشکیل گردید و اعضای آن عبارت بودند از: امارات متحده عربی (ابوظبی و دبئی) الجزایر، بحرین، کویت، عراق، قطر، عربستان سعودی، سوریه، مصر، لیبی که اکثر آن‌ها در منازعه با اسرائیل به نوعی بازیگری کرده بودند و از وضع موجود راضی بودند.

بنابراین، در شانزدهم اکتبر ۱۹۷۳ کشورهای عرب عضو آپک یک اجلاس فوق العاده در کویت تشکیل دادند و تصمیم گرفتند تا وقتی اسرائیل از سرزمین اشغالی اعراب خارج نشود، برای مدت نامعلومی هر ماه به میزان پنج درصد از تولید نفت خود را خواهند کاست تا بدین ترتیب غرب و حامیان اسرائیل را برای مجبور ساختن اسرائیل به خروج از سرزمین‌های اشغالی و ادار سازند (امینی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶). کمیته وزیران اوپک نیز افزایش بهای نفت صادراتی



خود را بشکته‌ای ۱۲/۵ دلار اعلام داشت (منسفیلد، ۱۳۶۸، ص ۱۸۹). این هماهنگی در روند تحریم، نشان دهنده توافقی و قرابت بین دو سازمان اوپک و آپک است؛ چرا که کشورهای عضو این دو سازمان به دو دسته عربی و غیر عربی تقسیم می‌شوند. کشورهای عربی عضو اوپک و آپک در صدد فشار به اسرائیل و حامیان آن برای خروج از مناطق اشغال شده و جنگ ایدئولوژیک و بنیادین عرب و یهود بودند. کشورهای غیر عربی همچون ایران نیز در صدد کسب نهایت منفعت از بالا رفتن قیمت نفت و افزایش درآمدهای خود بودند در این راستا ایران سیاستی دوگانه اتخاذ کرد. از طرفی از همراهی با اعراب در تحریم‌های نفتی خودداری کرده و از طرف دیگر از بالا رفتن قیمت نفت حمایت می‌کرد، در این زمینه اظهارات محمد رضا پهلوی شاهد بر این ادعا است. شاه در اواخر دسامبر ۱۹۷۳ در توضیح این کارش در مصاحبه رادیو و تلویزیون گفت:

ما به هیچ وجه با تحریم موافق نیستیم؛ زیرا توسل به این اقدام ممکن است اشکالات سختی را برای کشورهای محروم از نفت فراهم کند و روابط دوستانه با کشورهای مزبور را مختل سازد. متقابلاً کشورهای شامل تحریم نیز همان سیاست را درباره صدور کالاهای صنعتی در پیش گیرند و حتی در صورت لزوم دست به اقدامات خصمانه علیه کشورهای عضو اوپک بزنند، استفاده نفت به‌عنوان یک سلاح سیاسی، اصلاً کار عاقلانه‌ای نیست (امینی، ۱۳۸۱، ص ۸۸).

از طرف دیگر شاه در مصاحبه با مایک والاس خبرنگار آمریکایی گفت:

بالا رفتن قیمت نفت موجب تورم نیم درصدی در آمریکا و دو درصدی در اروپا شده. چگونه غربی‌ها قیمت فولاد را بالا می‌برند و موجب تورم در کشور ما می‌شوند و حالا انتظار دارند ما از بالا رفتن قیمت نفت جلوگیری کنیم، افزایش نیافتن قیمت نفت برای ما شکست است.

این اظهارات محمد رضا پهلوی گواهی بر سیاست دوگانه وی در قبال بحران نفتی ۱۹۷۳ است. اوپک با همراهی و همکاری آپک، رهبری ایجاد این بحران را به عهده گرفت و کشورهای مصرف کننده نفت را به سه گروه تقسیم کرد. گروه اول، کشورهای دوست شامل انگلستان، فرانسه، اسپانیا، لبنان، اردن، مصر، تونس، ترکیه، مالزی و همه کشورهای آفریقایی

بودند که به اسرائیل تذکر داده (به این کشورها سهمیه کافی نفت داده می شد). گروه دوم، کشورهایی که بی طرف بودند و مداخله ای نمی کردند که سهم قابل توجهی از نفت اعراب را می بردند. گروه سوم، کشورهای دشمن یعنی کشورهایی که روابط نزدیکی با اسرائیل داشتند و از آن رژیم حمایت می کردند بودند که شامل آمریکا، پرتغال، هلند، آفریقای جنوبی، ژاپن و کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا می شدند، این کشورها مورد تحریم قرار گرفتند (موسوی، امینی، ۱۳۷۹ ص ۲۴۱). این جریان موجب گردید که در اواخر ماه نوامبر و اوایل ماه دسامبر ۱۹۷۳ حدود ۴/۵ میلیون بشکه در روز، نفت خام از بازار حذف شود و یک نوع نگرانی بی سابقه، کشورهای صنعتی را از تأمین نفت فرا گرفت و قیمت های نفت خام و فرآورده های نفتی به نحو بی سابقه ای در بازار آزاد افزایش یافت (امینی، ۱۳۸۱، ص ۸۷). کشورهای صنعتی برای مهار افزایش قیمت نفت و همچنین تأمین منابع مالی برای خرید نفت اقدام به افزایش قیمت کالاهای اساسی همچون قطعات خودرو کردند تا جلوی ضرر خود را بگیرند، اما در این میان سازمان اوپک برای بالا بردن قیمت نفت صادراتی خود در جلسه ۱۹ و ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳ تأکید کردند که در اثر بالا بردن نرخ تورم کالاهای کشورهای صنعتی، قیمت نفت باید به سوی قیمت حقیقی این ماده در بازار نزدیک شود و به دنبال این ملاقات، اعضای اوپک شروع به افزایش قیمت نمودند (ترزبان، ۱۳۶۷، ص ۲۰۴) مثلاً نیجریه بهای نفت را ۱۶/۸۰ دلار در هر بشکه اعلام کرد (برگین، ۱۳۷۴، ص ۸۷۵) و کشورهای غربی و صنعتی همچون آمریکا و ژاپن نتوانستند با بالا بردن قیمت کالاهای اساسی بالا رفتن پنج برابری قیمت نفت را مهار کنند و به دنبال راه دیگری برای حل و فصل این بحران بودند.

### ۳. کاهش

مرحله کاهش به لحاظ مفهومی نقطه مقابل تصاعد است. در سطح کلان، این مرحله با یک کاهش در کنش های متقابل خصومت آمیز مشخص می شود که به سازش و خاتمه بحران می انجامد. همچنین این مرحله دلالت بر دوره پایان بحران داشته و با کاهش فشار روانی وارد بر تصمیم گیرندگان مشخص می شود (برجر، ۱۳۹۴، ص ۵۸). چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل، در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۳، با آتش بس میان طرفین و وساطت آمریکا و شوروی به پایان رسید و به دنبال آن اوپک در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۳ تصمیم گرفت با در نظر گرفتن قیمت واقعی نفت، بهای

آزاد آن را در سطح ۱۱/۶۵ دلار برای هر بشکه، ثابت نگه دارد (خلعیری، ۱۳۵۶، ص ۲۰۵).

از این رو، می‌توان آتش بس میان اعراب و اسرائیل و همچنین تصمیم اوپک بر ثابت نگه داشتن قیمت نفت را مرحله کاهش بحران تلقی کرد؛ چرا که در این برهه با کاهش چشمگیر کنش‌های متقابل شکننده مواجه هستیم. نکته‌ای که در این مرحله قابل بررسی است، دلیل وساطت آمریکا در آتش بس «یوم کیپور» است؛ چرا که در طول منازعه بیست و هشت ساله اعراب و اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ آمریکا در حل و فصل این منازعه ممتد، اقدام اساسی اتخاذ نکرد و حتی با حمایت‌های بی دریغ خود از اسرائیل در تشدید این منازعه بی‌تأثیر نبود، اما به دنبال تصمیم اوپک مبنی بر افزایش قیمت نفت در شانزدهم اکتبر ۱۹۷۳ و ادراک تهدید از طرف آمریکا این کشور در صدد حل و فصل این منازعه برآمد و نهایتاً با همراهی شوروی توانست در بیست و پنجم اکتبر (نه روز پس از تصمیم اوپک و اوپک) شرایط آتش بس مهیا کند.

#### ۴. تأثیر

مرحله تأثیر ناظر بر مرحله‌ای است که دنباله خاتمه بحران و در واقع عواقب بعدی آن به حساب می‌آید و در سطح تحلیل بازیگری دوره ما بعد از بحران یا ماورای بحران می‌باشد. همچنین در کاربرد معمولی، این مرحله نشان دهنده عواقب یک بحران است و مرحله چهارم یک بحران را تشکیل می‌دهد (برجر، ۱۳۹۴، ص ۵۸). تمام بحران‌های بین‌المللی برای متخاصمین آن بحران و حتی طرف ثالث، آثار و تبعاتی را به دنبال دارند. آنچه که در بحران نفتی ۱۹۷۳ به چشم می‌خورد آثار سیاسی و اقتصادی آن بحران است. با وجود در هم تنیده بودن بحران «یوم کیپور» و بحران نفتی ۱۹۷۳ و شکست اعراب در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل، نکته‌ای که حائز اهمیت است تغییر جایگاه پیروز و مغلوب در این دو بحران است. اسرائیل در جنگ نظامی، اعراب را مغلوب کرد و اعراب نیز در جنگ سیاسی، اسرائیل و حامیانش را مغلوب ساختند و خود را پیروز میدان جلوه دادند، جلوه‌ای که برای همگان مورد پذیرش واقع شد. هرچند اوپک نتوانست آن نقش محوری و تعیین‌کننده خود را در بازار جهانی نفت حفظ کند، اما می‌توان گفت اوپک برای حداقل یک دهه توانست نقشی تعیین‌کننده در بازار نفت ایفا کند. به دنبال قدرت‌نمایی اوپک و فشار اقتصادی به حامیان اسرائیل، آمریکا در تلاش

برای کاهش تاثیر گذاری اوپک بر آمد و در این راستا اقداماتی اتخاذ کرد که مهم ترین آنان تاسیس آژانس بین المللی انرژی برای مدیریت مصرف نفت و ذخیره انرژی برای مواقع بحرانی بود. همچنین ژاپن و کشورهای صنعتی برای کاهش وابستگی به نفت اوپک اقدام به صرفه جویی و تعدیل مصرف خودروها و ماشین آلات صنعتی خود کردند.

با عنایت به مطالب عنوان شده، می توان تاثیر بحران نفتی ۱۹۷۳ را این چنین بیان کرد که هر چند اعراب از لحاظ نظامی شکست خوردند، اما از نظر سیاسی و اقتصادی برندگان واقعی جنگ به شمار می آمدند. اوپک توانست با ایجاد یگانگی در داخل و با افزایش قیمت نفت به یک قدرت نیرومند درآید و قیمت نفت را بر شرکت های نفتی و کشورهای صنعتی غرب تحمیل کند و موجب یک تحول در امر تجارت بین المللی و قیمت انرژی شود. قیمت نفت در ماه دسامبر ۱۹۷۳ در مقایسه با بهای نفت در نیمه اول سال ۱۹۷۳ نزدیک به ۴ برابر شد، قیمت نفت بعد از اعلام قیمت اوپک از ۲/۵۹ دلار به ۱۱/۶۵ دلار افزایش پیدا کرد چهار برابر شدن قیمت نفت باعث بالا رفتن قدرت مالی و سیاسی کشورهای عضو اوپک و به ویژه کشورهای عربی شد. در نتیجه افزایش قیمت نفت، فشار زیادی بر کشورهای غربی و به خصوص کشورهای صنعتی وارد کرد.

در خصوص فشار وارده به آمریکا می توان به این نکات اشاره کرد که در طی این بحران، تولید ناخالص ملی آمریکا ۲/۳٪ کاهش یافت، نرخ بیکاری به ۹٪ رسید، بازار سهام آمریکا ۹۷ میلیارد دلار زیان داد و به طور کلی، کشورهای غربی دچار یک کسری بودجه بی سابقه شدند و بازار سهام لندن ۷۳٪ پایین آمد.

از جمله تاثیراتی که بحران نفتی ۱۹۷۳ بر اقتصاد و توان نظامی ایران داشته نیز می توان به این موارد اشاره کرد. درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۵۳ به ۱۸/۵ میلیارد دلار و در سال ۱۳۵۵ به ۲۰/۵ میلیارد دلار رسید، میزان تولید نفت در سال ۱۳۵۱ روزانه ۳ میلیون بشکه بود که بعد از شوک نفتی به ۶ میلیون بشکه در روز رسید. درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۱ معادل ۲۵٪ تولید ناخالص ملی بود که پس از شوک نفتی اول و با افزایش صادرات نفت به ۵۰٪ رسید.

شوک اول نفتی علاوه بر تاثیرات اقتصادی، تبعات سیاسی و نظامی نیز داشته است؛ چرا که کشورهای نفت خیز با افزایش درآمدهای نفتی اقدام به خرید سلاح و افزایش قدرت

کردند. به عنوان مثال، خرید تسلیحاتی ایران از آمریکا در سال ۱۳۵۱ حدود ۵۱۹ میلیون دلار بود، در حالی که در سال ۱۳۵۳ به ۴ میلیارد و ۳۷۳ میلیون دلار رسید. همچنین ایران در سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۶ از انگلستان ۱۰ میلیارد دلار، اسرائیل ۴ میلیارد دلار، فرانسه و شوروی حدود یک میلیارد دلار و چکسلواکی، آلمان غربی و ایتالیا هر کدام نیم میلیارد دلار تسلیحات خریداری کرد.

### نتیجه گیری

با عنایت به مطالب عنوان شده واضح است، بحران نفتی مورد تحقیق دارای تأثیرات فراوانی در عرصه سیاسی و اقتصادی بوده و نتایج بسزایی در پی داشته که مهم‌ترین آن‌ها تلاش آمریکا برای حل و فصل و آتش بس بین اعراب و اسرائیل بوده است. بسیار روشن است که از سال ۱۹۷۳ و با پایان جنگ «یوم کیپور» تا کنون شاهد جنگ اعراب و اسرائیل مانند جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ نبوده‌ایم، البته جنگ بین اسرائیل و حزب الله در سال ۲۰۰۷ نزد برخی، جنگ اعراب و اسرائیل تلقی می‌شود، اما واقعیت این است که جنگ «یوم کیپور» آخرین جنگ بزرگ اعراب و اسرائیل بوده است و با اعمال تحریم نفتی اوپک و آپک و وساطت آمریکا در اثر فشار اقتصادی برای حل و فصل منازعه دیگر جنگ بزرگی بین اعراب و اسرائیل در نگرفت.

### فهرست منابع

الوندی، عباس. (۱۳۸۳). گاه شمار روابط اعراب و اسرائیل از سال ۱۹۴۷ تا ۲۰۰۱. مجله علوم انسانی. شماره ۵۵.

امینی، علیرضا. (۱۳۸۱). تاریخ روابط ایران در دوران پهلوی. صدای معاصر.

امینی، علیرضا. (۱۳۸۵). مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران. چاپ سوم. تهران: خط سوم.

- برچر، مایکل. (۱۳۹۴). بحران در سیاست جهان ظهور و سقوط بحران‌ها. ترجمه فردین قریشی. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل. (۱۳۹۴). بحران در سیاست جهان یافته‌ها و مطالعات موردی. ترجمه حیدر علی بلوجی. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرگین، دانیل. (۱۳۷۶). تاریخ جهانی نفت. ترجمه غلامحسین صالحیار. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پرگین، دانیل. (۱۳۷۴). نفت پول قدرت. ترجمه منوچهر غیبی ارطه‌ای. چاپ اول، جلد دوم. تهران: شرکت ملی نفت ایران.
- پرن، فرانسیس. (۱۳۷۹). از دو تکانه نفتی چه بر جای مانده است؟. ترجمه محمد علی فطرس و مانا فطرس. اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره ۱۳۵-۱۳۶.
- ترزیان، پی. یر. (۱۳۶۷). داستان اوپک. ترجمه عبدالرضا غفرانی. چاپ اول. تهران: فراندیش.
- خلعتبری، فیروزه. (۱۳۵۶). اقتصاد نفت. چاپ اول. تهران: دانشگاه ملی.
- شیرخانی، محمد علی؛ قوام ملکی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). اوپک و شوک‌های نفتی آسیب شناسی رفتار اوپک در بازار جهانی نفت. فصلنامه سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۹، شماره ۲.
- قامت، جعفر. (۱۳۸۸). کالبد شکافی بحران گرجستان بر اساس مدل مایکل برچر. دانشنامه. شماره ۷۳.
- منسفیلد، پیتر. (۱۳۶۸). نفت سیاست کودتا در خاورمیانه. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. چاپ اول. تهران: شرکت نشر و پخش ویس.
- موسوی، میرطیب؛ امینی، علیرضا. (۱۳۷۹). نفت سیاست - اقتصاد. چاپ اول. تهران: خط سوم.

# دانش پژوهی

ویژه علوم اقتصادی

## شناسایی عوامل موثر بر خرید از بازارهای اینترنتی ایران

افسانه بدرخانی\*

### چکیده

محیط تجارت الکترونیک که مبتنی بر اینترنت است این امکان را به مشتریان می‌دهد تا برای جستجو اطلاعات و خرید کالا و خدمات از طریق فروشگاه‌های اینترنتی اقدام کنند. خرید از فروشگاه‌های اینترنتی مانند خرید از طریق کاتالوگ است؛ زیرا تحویل از طریق پست است و مصرف‌کننده نمی‌تواند کالا را قبل از خرید لمس کند. بنابراین، قبول تجارت الکترونیک و خرید اینترنتی تا حد زیادی به ارتباط مصرف‌کننده و چگونگی تعامل خریداران با کامپیوتر بستگی دارد. همچنین مزایای فراوان ناشی از فناوری اطلاعات، مواجهه کشور با تهدید جا ماندن از سایر کشورها در حوزه دنیای الکترونیکی و حذف موانع توسعه در صورت استفاده مناسب از فناوری اطلاعات از جمله دلایل اولیه اهمیت آمادگی الکترونیکی در حوزه‌های مختلف کشور می‌باشد. این پژوهش از آن جهت ضرورت دارد که با عوامل موثر بر خرید اینترنتی اطلاعات کامل‌تری در مورد اولویت بندی عوامل موثر بر خرید اینترنتی فراهم می‌کند. از این رو، در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از داده‌های آماری ضمن بیان عوامل موثر بر خرید در بازارهای اینترنتی، به شناسایی و اولویت بندی این شاخص‌ها با استفاده از روش‌های مرسوم و بر اساس مبانی نظری می‌پردازیم. فرض بر این است که مردم اعتماد کافی به خرید اینترنتی داشته و جامعه مورد نظر در این پژوهش از امکانات سخت افزاری و نرم افزاری و از فضای «web» بهره‌مند هستند. هدف این



تحقیق، شناسایی عوامل موثر بر خرید اینترنتی مشتریان می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داده است که در خرید به صورت اینترنتی منافع زیادی برای مصرف‌کننده وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به صرفه جویی در زمان، کیفیت اطلاعات و ارتباطات، افزایش سهولت و آزادی انتخاب و غیره، اشاره کرد. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که با شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر خرید اینترنتی می‌توان به سیاست‌گذاران، بازاریابان و فروشندگان آنلاین کمک کرد تا آن‌ها برای افراد با خصوصیات متفاوت استراتژی‌های مبنایی را طراحی کنند و آن‌ها را در تجارت آنلاین به کار گیرند.

### **کلمات کلیدی**

خرید اینترنتی، عوامل خرید، رفتار خرید، مصرف‌کننده، تجارت الکترونیک، شبکه اینترنت، بازارهای اینترنتی.

## مقدمه

محیط تجارت الکترونیک که مبتنی بر اینترنت است این امکان را به مشتریان می دهد تا برای جستجو اطلاعات و خرید کالا و خدمات از طریق فروشگاه‌های اینترنتی اقدام کنند. خرید اینترنتی مانند خرید از طریق کاتالوگ است؛ زیرا کالا از طریق پست صورت می‌گیرد و مصرف کننده نمی‌تواند کالا را قبل از خرید لمس کند در خرید اینترنتی ویژگی‌هایی مانند ارائه اطلاعات، راهنمایی و هدایت به عنوان عامل مهم در ایجاد اعتماد به تجارت الکترونیک نسبت به فروش سنتی در نظر گرفته شده است.

استفاده از تجارت الکترونیک طیف وسیعی از مزایا را به کاربران ارائه می‌کند. خرید به صورت آنلاین دارای مزیت‌هایی از قبیل دسترسی آسان و سریع به اطلاعات، راحتی کار، نبود محدودیت زمانی و مکانی قابلیت جستجوهای عمیق ارزیابی و مقایسه هوشمندانه محصولات و غیره است. از آنجا که خرید اینترنتی در ایران موضوعی نوپاست و حجم زیادی از خرید و فروش در سراسر دنیا به صورت الکترونیکی انجام می‌پذیرد، کشور ما نیز در آینده‌ای نزدیک ناگزیر از پذیرش و به کارگیری آن خواهد بود. بنابراین، شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر این پدیده می‌تواند به پذیرش آن توسط مشتریان کمک نموده و بستر مناسبی برای حرکت به سوی آن فراهم آورد. بر اساس مطالعات بین المللی، بیش از ۶۰۰ میلیون نفر در جهان در سال ۲۰۰۲ به اینترنت دسترسی داشته‌اند. سایر گزارشات نیز حاکی از آن است که میزان هزینه صرف شده در جهان در سال ۲۰۰۱ در خصوص تجارت الکترونیک به بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار رسید که نشان دهنده افزایش ۶۸ درصدی نسبت به سال ۲۰۰۰ بوده است. امروزه فروش اینترنتی تقریباً ۲/۵٪ از کل حجم فروش کالاها را در بر می‌گیرد. بنابراین، مزایای فراوان ناشی از فناوری اطلاعات، مواجه کشور با تهدید، جا ماندن از سایر کشورها در حوزه دنیای الکترونیکی و حذف موانع توسعه در صورت استفاده مناسب از فناوری اطلاعات از جمله دلایل اولیه اهمیت آمادگی الکترونیکی در حوزه‌های مختلف کشور می‌باشد (جعفرپور، رحمان سرشت، ۱۳۸۸، ص ۴).

تجارت الکترونیک مبتنی بر اینترنت، مشتریان را قادر می‌سازد به جستجوی اطلاعات و خرید کالا و خدمات از طریق ارتباط مستقیم با فروشگاه‌های اینترنتی بپردازد. این بدین معناست که خرید اینترنتی بر ظواهری مانند: تصویر، شکل، اطلاعات کیفی و تبلیغات ویدیویی از کالا و نه بر تجربه واقعی از کالا مبتنی است. خرید از فروشگاه‌های اینترنتی، مانند خرید از طریق کاتالوگ است زیرا تحویل از طریق پست است و مصرف‌کننده نمی‌تواند کالا را قبل از خرید لمس کند. بنابراین، قبول تجارت الکترونیک و خرید اینترنتی تا حد زیادی به ارتباط مصرف‌کننده و چگونگی تعامل خریداران با کامپیوتر بستگی دارد. این پژوهش، از آن جهت ضرورت دارد که با عوامل موثر بر خرید اینترنتی اطلاعات کامل‌تری در مورد اولویت‌بندی عوامل موثر بر خرید اینترنتی فراهم شود (دهدشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۴).

از این رو، در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از داده‌های آماری ضمن بیان عوامل موثر بر خرید در بازارهای اینترنتی، به شناسایی و اولویت‌بندی این شاخص‌ها با استفاده از روش‌های مرسوم و بر اساس مبانی نظری می‌پردازیم. فرض بر این است که مردم اعتماد کافی به خرید اینترنتی داشته و جامعه مورد نظر در این پژوهش از امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و بهره‌گیری از فضای web بهره‌مند است. هدف این تحقیق شناسایی عوامل موثر بر خرید اینترنتی مشتریان می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

به‌طور کلی در زمینه عوامل موثر در خرید آنلاین تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که بطور اجمالی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

دهدشتی و همکاران، در مقاله «نگرش مشتریان نسبت به خرید اینترنتی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند» به روش پیمایشی در میان مشتریان فروشگاه‌های شهروند در سطح شهر تهران که از خرید اینترنتی استفاده کردند انجام شد و در پی پاسخ به دو فرضیه زیر بود.

۱. نگرش مشتریان نسبت به خرید اینترنتی چگونه است؟
۲. اولویت‌بندی عوامل موثر بر نگرش مشتریان نسبت به خرید اینترنتی چگونه است؟

در پایان مشخص شد که بر اساس ۹ عامل موجود در مدل نظری، نگرش مشتریان فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند نسبت به خرید اینترنتی منفی است. جعفرپور، رحمان سرشت در مقاله «ارائه یک مدل مفهومی از خرید اینترنتی کتاب و ارزیابی آن در دانشگاه‌های کشور» به روش توصیفی پیمایشی در پی بررسی، ارائه و ارزیابی یک مدل مفهومی از خرید اینترنتی کتاب در کشور می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که چهار فرضیه ساماندهی ارتباطات اطلاعاتی، تسهیل در روند انتخاب و دستیابی به کتاب، امنیت اطلاعات و حفظ حریم شخصی و همچنین کاهش هزینه‌های معامله ۹۹ درصد تایید شده است. نتایج نشان دادند که شاخص به روز بودن اطلاعات، بیشترین و شاخص امکان ارائه تخفیف در انجام معامله، کمترین میانگین را در میان ۱۶ شاخص مورد مطالعه کسب نمودند. همچنین متغیر ساماندهی ارتباطات اطلاعاتی تنها متغیری بوده که با تمام متغیرهای جنسیت، تحصیلات، میزان آگاهی‌های فناوری و کاربرد یارانه رابطه معناداری داشته است که این نشان دهنده اهمیت بسیار بالای این متغیر می‌باشد. همچنین نتایج نشان دادند فرضیه‌های تحقیق با شدت بیشتری از سوی دانشجویان نسبت به استادان مورد تایید قرار گرفته است.

اسماعیل پور، گلدوزیان در مقاله «عوامل موثر بر انگیزه خرید آنلاین مصرف کننده» به روش کتابخانه‌ای و توزیع پرسشنامه، به بررسی انگیزه‌های خرید اینترنتی افراد از دو دیدگاه فایده طلبانه و لذت جویانه می‌پردازد که چه عواملی با چه میزان اهمیت، بر انگیزه خرید آنلاین خریداران در تهران موثرند و کدام دسته از انگیزه‌های دوگانه فایده طلبانه/ لذت جویانه برای خریداران اینترنتی در مراحل جستجو و خرید دارای اهمیت بیشتری هستند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که خرید آنلاین تحت تاثیر انگیزه‌های خرید فایده طلبانه و لذت جویانه قرار دارد که انگیزه فایده طلبانه محرک قوی‌تری در خرید آنلاین افراد است و تاثیر بیشتری بر قصد جستجو و قصد خرید آنلاین دارد در حالی که تاثیر انگیزه لذت جویانه بر قصد خرید غیر مستقیم است.

سلطانی و همکاران در مقاله «شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر قصد خرید تجهیزات ورزشی از طریق رسانه‌های اجتماعی کاربرد تکنیک برنامه ریزی ترجیحی فازی

لگاریتمی (مورد مطالعه: کاربران رسانه اجتماعی اینستاگرام)) با روش پیمایشی و هدف کاربردی، در پی شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر خرید تجهیزات ورزشی در میان کاربران رسانه‌های اجتماعی با استفاده از تکنیک برنامه ریزی ترجیحات لگاریتمی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای اعتماد، امنیت، ادراک از قیمت به ترتیب بیش‌ترین اهمیت را از دید مصرف‌کنندگان دارند.

امیدی و زاج، در مقاله «شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر خرید آنلاین در مصرف‌کنندگان با استفاده از روش تاپسیس» از روش توصیفی پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است. با استفاده از تاکتیک‌های موجود در حوزه تصمیم‌گیری، چند شاخه از جمله تاپسیس و پرومتی به رتبه بندی عوامل موثر بر خرید آنلاین پرداخته و با توجه به اهمیت روز افزون از اینترنت در خرید آنلاین بررسی دقیق‌تری روی عوامل موثر در خرید اینترنتی صورت گرفته و بعد از تجزیه تحلیل اطلاعات شش معیار اصلی و سیزده عامل مهم و تاثیرگذار بر خرید آنلاین شناسایی شده که در نهایت با استفاده از روش «topsis» عوامل موثر رتبه بندی شده است.

علیزاده زوارم، رجبزاده در مقاله «بررسی عوامل موثر بر رفتار خرید اینترنتی مشتریان با استفاده از نظریه رفتار برنامه ریزی شده» از روش پرسشنامه، برای تجزیه تحلیل داده‌ها و ارائه مدل استفاده کرده‌اند. هدف اصلی پژوهش، بررسی عوامل موثر بر رفتار خرید اینترنتی مشتریان می‌باشد که بر مبنای نظریه رفتار برنامه ریزی شده و با «TPB» مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین تاثیر متغیرهای پیامدهای مطلوب، راحتی، صرفه جویی و اعتماد بر قصد رفتاری خرید تاثیر نموده. این یافته‌ها نشان داد که متغیرهای هنجاری ذهنی، کنترل رفتار درک شده، نگرش و قصد رفتاری خرید، تاثیر معناداری بر خرید دارد.

### وجه تمایز

با توجه به اهمیت روز افزون اینترنت در خرید اینترنتی ضرورت دارد بررسی‌های دقیق‌تری روی عوامل موثر در خرید آنلاین صورت پذیرد. در مطالعات پیشین در زمینه خرید آنلاین، فقط به بررسی عوامل موثر بر خرید آنلاین پرداخته شده است و مطالعاتی اندکی برای رتبه بندی عوامل موثر صورت گرفته است، در این مقاله سعی می‌شود، علاوه بر شناسایی

عوامل موثر بر خرید اینترنتی، رتبه بندی این عوامل هم صورت پذیرد.

## مبانی نظری

### ۱. مفهوم خرید

خرید به بررسی کالا و خدمات جهت دریافت آن و به قصد انجام فعالیت بازرگانی گفته می‌شود. خرید کردن یک فعالیت انتخابی و سپس دریافتی است. زمینه این نوع فعالیت‌ها می‌تواند، گاه پر کردن اوقات فراغت یا مسائل اقتصادی باشد. رفتار خرید نیز شیوه‌های قابل درک و رفتار مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهند که این مدل‌های تصمیم‌گیری در جهت نظم دادن و ادغام اجزا در گستره دانش، در مورد رفتار مصرف‌کننده تلاش می‌کند ([www.fa.m.wikipedia.org/wiki/](http://www.fa.m.wikipedia.org/wiki/)).

### ۲. انواع خرید

#### ۲.۱. خرید فیزیکی

با گسترش جامعه بشری خرید و فروش کالا نیز گسترش پیدا کرده است. در این نوع خرید، فرد به فروشگاه مراجعه و کالای مورد نیاز خود را از نزدیک می‌بیند و سپس اقدام به خرید می‌کند. در این نوع خرید فروشنده ارتباط نزدیکی با مصرف‌کننده دارد.

#### ۲.۲. خرید اینترنتی

فروشنده با ایجاد فروشگاه‌های اینترنتی، لیست محصولات به همراه عکس توضیحت و قیمت را در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد و مصرف‌کننده، تنها با چند کلیک اقدام به خرید محصول و دریافت آن درب منزل می‌نماید. در این نوع خرید، هیچ ارتباط مستقیمی بین فروشنده و مشتری نمی‌باشد ([forooshgahan.ir/](http://forooshgahan.ir/)).

### ۳. عوامل موثر بر خرید

مصرف کننده، کاربر نهایی محصول یا سرویس است، رفتار مصرف کننده، اشاره به چگونگی و چرایی تصمیم خرید افراد دارد که شناخت آن کمک می‌کند فرمول‌های مناسبی جهت ترغیب مشتری به خرید بیشتر و وفاداری به برند طراحی کنیم تصمیمات خرید بستگی به احساسات شخصی موقعیت‌های اجتماعی، اهداف و ارزش‌ها دارند. افراد برای برطرف کردن نیازهایشان خرید می‌کنند. این نیازها بر اساس یافته‌های مازلو در دهه ۴۰ میلادی ممکن است فیزیکی، بیولوژیکی، امنیتی، برای عشق یا بدست آوردن پرستیژ یا ارضای شخصیتی باشد. شاخصه‌های شخصیتی و کاراکتر هم در فرایند خرید موثر هستند. برای مثال، عملگرها آنچه را که کاربردی و مفید است خرید می‌کنند، آن‌ها بیشتر بر اساس کیفیت و دوام کالا خرید می‌کنند و ویژگی‌های ظاهری کالا نمی‌تواند آن‌ها را به خرید تشویق کند. روشنفکران، بیشتر دوست دارند در مورد خریدشان اطلاعات کسب کنند و کالاها را با هم مقایسه کنند. تمامی اطلاعات گفته شده می‌تواند در خرید موثر باشد در نهایت خرید وقتی صورت می‌گیرد که شخص اطلاعات کافی در مورد کالا داشته باشد و احساس خوبی نسبت به خرید داشته باشد و همچنین خرید کالا نیاز واقعی او باشد (نیک‌مژاد، ۱۳۹۵، [basijnews.ir/fa/news/8689946/](http://basijnews.ir/fa/news/8689946/)).

### ۴. عوامل موثر بر خرید اینترنتی

با افزایش تعداد کاربران اینترنت از این ابزار تعاملی به عنوان بخش موثر در تصمیمات و اقدامات خرید، توجه پژوهشگران و صاحب نظران را به خود جلب کرده است و در این راستا مطالعات متعددی از سوی محققین در زمینه بررسی عوامل موثر بر خرید اینترنتی با هدف شناسایی عوامل تاثیرگذار در خرید اینترنتی صورت پذیرفته.

طبق مطالعاتی که انجام شده عوامل موثر بر تصمیم و قصد خرید از وبسایت‌های اینترنتی را می‌توان در قالب دو دسته عوامل بیرونی و درونی طبقه بندی نمود. عواملی مانند کمبود امنیت در شبکه اینترنت، پایین بودن اعتماد مشتریان به خرید مجازی، کیفیت سایت و مدل طراحی آن، به ویژه در نحوه ارائه محصول و اطلاعات مربوط به کالا را که به بی رغبتی

مشتریان به انجام دادن خریدهای اینترنتی ختم می‌شود را می‌توان در زمره عوامل بیرونی طبقه بندی کرد. در عین حال، نگرش، عادات و درک افراد از فرصت‌هایی که توسط خرید اینترنتی ممکن می‌شود را می‌توان به عنوان عوامل درونی در نظر گرفت. بر اساس مطالعات گذشته، راحتی و صرفه جویی در وقت عواملی هستند که بیشترین تاثیر را روی خرید اینترنتی داشته‌اند. یکی از مهمترین عواملی که خرید اینترنتی را از خود متاثر می‌سازد، عامل اعتماد است. همچنین بر اساس مبانی نظری موجود عوامل جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت، درآمد، شغل و تحصیلات نیز در تصمیم خرید محصولات به صورت اینترنتی اثرگذار می‌باشند (علیزاده زوارم، رجب زاده، ۱۳۹۶، ص ۴).

#### ۱.۴. اینترنت

دسترسی آسان به اطلاعات، امکان مقایسه سریع محصولات و بسیاری از امکاناتی که اینترنت در اختیار مصرف کنندگان قرار داده است، قدرت مصرف کنندگان را به مراتب بیشتر ساخته است.

#### ۲.۴. اعتماد

از جمله دلایل عمده عدم اقبال فروشگاه‌ها و شرکت‌های تجاری به تجارت الکترونیک، فقدان اعتماد است. بعد اعتماد از سایر ابعاد اهمیت بیشتری دارد. کلیه شرکت‌های فعال در حوزه تجارت الکترونیک که با مشتریان به صورت آنلاین، ارتباط دارند باید برای جلب اعتماد مشتریان خود تلاش کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل در جلب اعتماد کاربران اینترنتی، استفاده از نماد الکترونیکی می‌باشد. از سوی دیگر، سیستم‌های پرداخت قابل اطمینان و امن برای ایجاد اعتماد بسیار مهم است. همچنین باید توجه کرد که اعتماد، یکی از عواملی است که باعث ایجاد وفاداری در مشتری می‌شود (سلطانی وهمکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).



#### ۳.۴. امنیت

مهم‌ترین متغیر تاثیر گذار بر قصد خرید از طریق رسانه‌های اجتماعی است. به عبارت بهتر وجود امنیت و قابلیت اطمینان در معاملاتی که به صورت آنلاین انجام می‌گیرد، موجبات سهولت استفاده از این فناوری را فراهم می‌کند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

#### ۴.۴. ادراک از قیمت

رسانه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌آورند که هزینه‌های ثابتی از قبیل اجاره واحد و هزینه‌های متغیری از قبیل آب و برق به حداقل برسد که این به نوبه خود باعث کاهش بهای تمام شده محصول خواهد شد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

#### ۵.۴. ریسک درک شده

ریسک درک شده در فرایند خرید، تاثیر مستقیمی بر قصد خرید دارد. عدم اعتماد و نبود امنیت از عواملی هستند که بر ریسک درک شده تاثیر می‌گذارند. ریسک و احتمال خطر ادراک شده، تمایل مصرف‌کنندگان را به خرید کالا و استفاده از خدمات از طریق اینترنت را کاهش می‌دهد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

#### ۶.۴. تبلیغ دهان به دهان

یکی از موثرترین شیوه‌های تبلیغ است؛ زیرا افرادی که از تبلیغ آن شیء نفع نمی‌برند با هر بار توصیه کالا یا خدمتی، از اعتبار خودشان مایه می‌گذارند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

#### ۷.۴. راحتی

نبود محدودیت مکانی و زمانی، خدمات بدون وقفه و ۲۴ ساعته فروشگاه‌های آنلاین، عدم نیاز به پیمودن مسافت‌های طولانی و نبود شرایط نامطلوب از جمله ترافیک و ازدحام، از

جمله دلایلی هستند که افراد را ترغیب می کنند تا در منزل یا محل کار از طریق اینترنت خرید خود را انجام دهند. مراجعه به فروشگاه‌های اینترنتی، مقایسه محصولات و قیمت‌ها در فروشگاه‌های مختلف و سفارش محصول، نیازمند صرف وقت کمتر نسبت به مراجعه به فروشگاه‌های فیزیکی و مقایسه قیمت‌ها و محصولات آن‌هاست. پس رسانه‌های اجتماعی، ذاتاً راحتی را در اختیار کاربران قرار می دهند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

#### ۸.۴. تسهیلات

تسهیلات اثر مثبتی بر رضایت مشتری دارد. امنیت و تسهیلات مهم‌ترین ویژگی‌های تاثیر گذار بر قصد خرید مشتریان می باشد. خدمات پس از فروش می تواند به منزله کارکردی که قصد بازگشت دوباره به سایت را افزایش می دهد معرفی شود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

#### ۹.۴. هنجارهای ذهنی

هنجارهای ذهنی را می توان در سه دسته، طبقه بندی کرد: ۱. هنجارهای اجتماعی بیرونی، از قبیل دولت، شرکت ها، رسانه و تبلیغات، ۲. هنجارهای اجتماعی درونی، از قبیل آشنایان، والدین، همکاران و دوستان و ۳. هنجارهای شخصی پژوهشگران، تاثیر متغیر هنجارهای ذهنی را روی قصد خرید مصرف کنندگان مورد بررسی قرار داده اند. برخی محققان بیان داشتند هنجارهای اجتماعی، مستقیماً قصد خرید افراد را تحت تاثیر قرار می دهد. علاوه بر این، متغیر هنجارهای ذهنی رابطه مثبتی با قصد خرید اینترنتی مصرف کنندگان دارد. همچنین مطالعات نشان داد که متغیر هنجارهای اجتماعی درونی به ویژه، خانواده و والدین، قصد خرید خریدارن را متاثر می سازد (علیزاده زوارم، رجب زاده، ۱۳۹۶، ص ۷).

#### ۵. نگرش‌ها نسبت به خرید اینترنتی

با ارزیابی چگونگی خرید مصرف کنندگان، به باورها به عنوان مهم‌ترین عامل انگیزاننده‌ای که در ورای قصد خرید مصرف کنندگان قرار دارد توجه شده است. مطالعات نشان می دهد

نگرش، عامل مهمی است که قصد خرید خریدارن را در جهت انجام خرید اینترنتی تحریک می‌کند. هنگامی که افراد به این نتیجه می‌رسند که خرید اینترنتی می‌تواند به نفع آن‌ها باشد نگرششان نسبت به خرید مثبت خواهد شد (علیزاده زوارم، رجب زاده، ۱۳۹۶، ص ۷).

#### ۵.۱. قصد رفتاری خرید

منظور از قصد رفتاری، تمایل به انجام رفتار هدف می‌باشد. با توجه به نظریه‌ها و مدل‌های مختلف مطرح شده انتظار می‌رود که قصد رفتاری اثر مثبت معناداری روی استفاده از فناوری داشته باشد به باور بسیاری از محققین قصد رفتاری خرید، مهمترین عامل تعیین کننده رفتار خرید است (علیزاده زوارم، رجب زاده، ۱۳۹۶، ص ۷).

#### ۵.۲. فراهم بودن اطلاعات

طبق نظر متخصصان و پژوهشگران اینترنت، کاراترین ابزار برای کسب اطلاعات درباره محصولات را برای خریدارن فراهم می‌آورد و شامل منابع اطلاعاتی عمومی متعدد و ابزارهای جستجوی گوناگون است و بنا به تحقیقات، این خود یکی از انگیزه‌های خرید اینترنتی برای افراد است (علیزاده زوارم، رجب زاده، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

#### ۵.۳. ارزش

ارزش به لذتی اطلاق می‌شود که حین مذاکره خریدار با فروشنده طی فرایند چانه زنی در فرد ایجاد می‌شود. لذت و درگیری احساسی که به واسطه فرایند چانه زنی ایجاد می‌شود، نوعی ارزش لذت گزایی است. گرفتن تخفیف بهتر به مصرف‌کنندگان احساس شادی و مسرت می‌دهد؛ چرا که خریداران خود را خریداران باهوش و زرنگی می‌پندارند. خریداران اینترنتی ممکن است از طریق فرایند خرید ارزش لذت گزایی را کسب کنند؛ چرا که هیجان و درگیری احساسی بیشتری فراهم می‌آورد (امیدی، زاج، ۱۳۹۶، ص ۵).

#### ۵. ۴. عوامل انسانی

این عوامل جزئی، از ویژگی‌های انسان بوده که مهم‌ترین موارد آن، سن و سطح تحصیلات است. نتایج نشان داده که سن و تحصیلات می‌تواند در خرید آنلاین تاثیر بگذارد (امیدی، زاج، ۱۳۹۶، ص ۵).

#### ۵. ۵. تنوع در انتخاب

مطالعه آلبا (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که در فروشگاه‌های آنلاین محصولات بیشتری برای انتخاب وجود دارد، زیرا مانند فروشگاه‌های فیزیکی از نظر مکانی و فضا تحت فشار نیستند. ولفینبارگر (۲۰۰۱) متذکر می‌شود که فروشگاه‌های فیزیکی این توان را ندارند که کالاهای کمتر عامه پسند را برای برخی بازارهای بکر نگهداری کنند. درحالی که فروشگاه‌های اینترنتی چنین مشکلی ندارند، به عبارت دیگر فروشگاه‌های اینترنتی قادرند که انتخاب متنوع‌تری را با هزینه‌ای پایین‌تر ارائه کنند (اسماعیل پور، گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳).

#### ۵. ۶. اختیار و جایگاه

بنا به مطالعه پارسونز (۲۰۰۲) خریداران هنگام خرید آنلاین می‌توانند تصمیم بگیرند که چه محصولاتی را مشاهده کنند، چه موقعی سفارش دهند و چه زمانی آن را دریافت کنند. خریداران اینترنتی می‌توانند سطح بالاتری از کنترل و اختیار را داشته باشند (اسماعیل پور، گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

#### ۶. رتبه بندی عوامل موثر بر خرید اینترنتی

جهت مطالعه پذیرش تجارت الکترونیک توسط مصرف‌کنندگان، رویکردها و مدل‌ها می‌توان محصولات و خدمات را بر اساس ویژگی‌های خرید آن‌ها در ارتباط با خرید اینترنتی به ۳ دسته طبقه بندی کرد.

#### ۱.۶. خریدهای بی دردسر و آسان

این نوع خریدها مخاطره اندکی را در بردارند، فروش های اینترنتی می توانند در مورد این نوع کالاها بسیار موفق باشند؛ زیرا می توانند از هر محصول نمونه های متعددی را با ارائه تخفیفات زیاد و ارسال راحت برای خریداران تامین نمایند، مثل خرید اینترنتی کتاب.

#### ۲.۶. کالاهای تحقیق شده

این دسته از خریدها به برنامه ریزی و کسب اطلاعات فراوان در مورد کالاهایی که حضور فیزیکی در حین خرید آنها چندان ضروری نیست نیاز دارند. در حالی که کالاهای گران قیمتی هستند و نیاز به اطلاعات قبلی دارند، نظیر انواع تورهای تفریحی و لوازم سخت افزاری کامپیوتری.

#### ۳.۶. کالای برگشت پذیر

کالاهایی با قیمت متوسط و دفعات تناوب خرید بالا هستند که ارسال آنها برای مصرف کننده می تواند با موفقیت مواجه شود نظیر انواع ویتامین ها، لوازم آرایشی و زیبایی. خریدهای اینترنتی نه تنها سرعت رشد بالایی دارند، بلکه به عنوان جایگزین شیوه سنتی خرید نیز به حساب می آیند. اینترنت می تواند یک فروشگاه مجازی با ترکیب خوبی از انتخاب، راحتی، قیمت و سایر ویژگی های خرید فروشگاه های سنتی قلمداد شود. معمولاً خرید محصول به شیوه اینترنتی نیازمند آن است که مصرف کننده اطلاعات شخصی خود را در اختیار فروشگاه اینترنتی قرار دهد که این یکی از مشکلات این شیوه خرید است (جعفرپور، رحمان سرشت، ۱۳۹۶، ص ۱۱).

به باور هافمن، اصلی ترین وجه تمایز بین فروشگاه های اینترنتی و فیزیکی امکان تعامل بین فروشندگان و مصرف کنندگان است. گیزلر و زینخان نیز معتقدند اینترنت توازن قدرت را به نفع مصرف کنندگان تغییر داده و این امکان را به خریدار می دهد که بدون تحت فشار قرار گرفتن از سوی فروشندگان محصولات را با یکدیگر مقایسه و ارزیابی کنند. البته فروشگاه های

اینترنتی در مقایسه با فروشگاه‌های فیزیکی اشکالاتی را نیز به همراه دارند. بعنوان مثال، در خرید اینترنتی، خرید بر اساس تجربه واقعی از خرید کالا نیست، بلکه بر اساس ظواهری مانند: تصویر، اطلاعات کیفی و تبلیغات استوار است. همچنین مصرف کننده به دلیل عدم وجود ارتباط چهره به چهره اعتماد کمتری را به نمایش می‌گذارد و سطح بالایی از ریسک را تجربه می‌کنند (علیزاده زوارم، رجیزاده، ۱۳۹۶، ص ۳).

## ۷. مدل‌های رتبه بندی عوامل موثر بر خرید اینترنتی

### ۱.۷. مدل پیکاراین

این مدل به بررسی عوامل موثر بر استفاده اینترنتی از خدمات و یا کالاها می‌پردازد. این مدل، توسط پیکاراین و همکارانش در سال (۲۰۰۴) ارائه شده است و شش عامل منفعت، سهولت، لذت، اطلاعات ایمنی و کیفیت ارتباط با اینترنت را بر مبادلات اینترنتی کالا و خدمات موثر می‌داند.

### ۲.۷. مدل پذیرش تکنولوژی

این مدل از مهمترین مدل‌های پذیرش تجارت الکترونیکی است که در سال ۱۹۸۹ توسط دیویس ارائه شد. این مدل، مبنایی را ارائه می‌کند که نشان می‌دهد، چرا مشتریان تکنولوژی جدید را قبول یا رد می‌کنند. این الگو بیان می‌کند هنگامی که فناوری جدید به فرد ارائه می‌شود، متغیرهای متعددی بر تصمیم او مبنی بر چگونگی و زمان استفاده از فناوری تاثیر می‌گذارد. دو عامل مشخص و اصلی تاثیر گذار در این مدل عبارتند از، احساس مفید بودن و احساس سهولت استفاده که عوامل بنیادی و تعیین کننده در میزان پذیرش کاربران می‌باشد. هدف این مدل تشریح عوامل تعیین کننده در پذیرش فناوری جدید از جمله خدمات الکترونیکی است و مدل این کار بار دیابی اثر عوامل خارجی بر باورها، نگرش‌ها و تمایلات انجام می‌شود در این مدل احساس مفید بودن عبارت است از، باور به فرد درباره

این که استفاده از فناوری خاص، عملکرد او را بهبود می بخشد. احساس سهولت استفاده و احساس مفید بودن بر نگرش فرد اثر می گذارد و آن هم به نوبه خود بر ایجاد تمایل استفاده از فناوری موثر است و آن نیز بر میزان استفاده واقعی از فناوری اثر می گذارد. از این مدل، در موارد متعددی استفاده شده است و کاربرد متعدد آن باعث شده که این مدل به یکی از مدل های معتبر در زمینه پذیرش فناوری تبدیل شود (جعفرپور، رحمان سرشت، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

بر اساس پژوهش هایی که با استفاده از مدل های گوناگون صورت گرفته، نشان داده شده است که متغیرهای اعتماد، امنیت، ادراک از قیمت دارای بیشترین اهمیت از دید کاربران است و متغیرهای فراهم بودن اطلاعات، تبلیغات دهان به دهان، ریسک ادراک شده، راحتی، تسهیلات در رتبه های بعدی قرار دارند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸).

همچنین یافته ها نشان می دهند که پیامدهای مطلوب (راحتی، قیمت و اعتماد) می تواند در شکل گیری قصد رفتاری خرید به منظور خرید اینترنتی تاثیر مثبت داشته باشد تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که متغیر راحتی رابطه مثبت و معناداری با قصد رفتاری خرید دارد. این یافته ها نشان می دهند که نیاز کمتر به مسافرت های درون شهری، عدم نیاز به حمل محصولات خریداری شده و انتظار در صف های طولانی از جمله دلایلی هستند که بر قصد خرید خریداران اینترنتی تاثیر می گذارند.

بررسی رابطه مثبت و معنادار قیمت با قصد خرید اینترنتی مورد تایید قرار نگرفت. این یافته ها بیانگر آن است که برای خریداران اینترنتی قیمت دارای اولویت چندانی نبوده و آن ها قیمت را به عنوان معیاری برای خرید اینترنتی در نظر نمی گیرند. در بررسی رابطه مثبت و معنادار اعتماد با قصد خرید این بررسی مورد تایید قرار گرفت و نتایج حاکی از آن است که چنانچه خریداران نسبت به خرید اینترنتی اعتماد داشته باشند تمایلات آن ها برای انجام خرید اینترنتی افزایش می یابد و در نقطه مقابل، اگر اعتماد وجود نداشته باشد تمایلات آن ها برای خرید اینترنتی کاهش می یابد. در بررسی رابطه مثبت و معنادار هنجارهای ذهنی با قصد خرید اینترنتی یافته های پژوهش مورد تایید قرار گرفت به این معنا که دوستان، آشنایان، همکاران رسانه ها دولت و تبلیغات می توانند در ایجاد قصد خرید اینترنتی نقش مثبتی ایفا کنند و افراد را ترغیب به خرید اینترنتی نمایند. کنترل رفتاری درک شده رابطه مثبتی با قصد خرید اینترنتی دارد. نتایج حاصل نشان می دهد که اگر کاربران توانایی کار با رایانه و اینترنت را داشته باشند، احتمالاً تمایل بیشتری برای خرید اینترنتی از خود نشان می دهند.

نگرش رابطه مثبت و معناداری با قصد خرید اینترنتی دارد. نگرش افراد عامل کلیدی در درک رفتار خرید خریداران اینترنتی است. هنگامی آنان به این نتیجه می‌رسند که خرید اینترنتی می‌تواند به نفع آن‌ها باشد و نگرش‌شان نسبت به خرید کالا مثبت خواهد شد. به این معنا که چنانچه کاربران نسبت به خرید اینترنتی نگرش مثبتی داشته باشند، زمینه‌های شکل‌گیری قصد خرید اینترنتی می‌تواند در آن‌ها ایجاد شود (علیزاده زوارم، رجبزاده، ۱۳۹۶، ص ۱۵). عامل تنوع در انتخاب تاثیر معنادار قابل توجهی ندارد؛ زیرا به نظر می‌رسد که علی‌رغم تنوع نسبی محصول در برخی از فروشگاه‌ها در مجموع فروشگاه‌های اینترنتی ایرانی محصولات گوناگون و با تنوع بیشتری را به مشتریان ارائه نمی‌دهند و تعداد فروشگاه‌ها و بازارهای اینترنتی ایرانی محدود است؛ زیرا پدیده فروشگاه‌های اینترنتی در ایران و خیلی از کشورهای دیگر دنیا هنوز مراحل اولیه رشد خود را طی می‌کند.

عامل فراهم بودن اطلاعات، تاثیر معنادار قابل توجهی با انگیزه خرید ندارد؛ چون احتمالاً افراد از طریق وب سایت‌های ایرانی و غیر ایرانی به منابع اطلاعاتی مطلوبی در خصوص محصولات مورد نیازشان دسترسی دارند و برای جمع‌آوری اطلاعات از اینترنت استفاده می‌کنند، اما در مورد خرید، امکان خرید برای آن‌ها وجود ندارد؛ زیرا امکان خرید از فروشگاه‌های خارجی از داخل کشور وجود ندارد و یا افراد در مرحله خرید، خرید سنتی را به سفارش آنلاین ترجیح می‌دهند.

در مورد عامل ارزش، خریداران تصور نمی‌کنند که خرید اینترنتی بتواند برای آن‌ها حس خوشایند چانه زنی ایجاد کند به نظر می‌رسد دلیل این امر محدودیت تعداد فروشگاه‌های اینترنتی ایرانی باشد که هنوز به عنوان یک مدل کسب و کار اینترنتی در ایران شناخته شده. بنابراین، چانه زنی که در خرید سنتی به عنوان ارزش شناخته شده در خرید اینترنتی برای جامعه خریداران اینترنتی عامل انگیزشی به حساب نمی‌آید. در ارتباط با عامل اختیار و جایگاه، رابطه معناداری با قصد خرید ایجاد نشد. به این معنا که خریداران اینترنتی با داشتن سطح بالای اختیار و کنترل در جستجوی محصولات و زمان سفارش دهی و خرید و نیز جایگاه و موقعیتی که از تعامل شخصی با وب سایت فروشنده کسب می‌کنند را به عنوان یک عامل برانگیزاننده، شناسایی نمی‌کنند (اسماعیل پور، گلوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

## ۸. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

بر اساس نتایج پژوهش و در یک تحلیل کلی می‌توان چنین برداشت نمود که رفتار مصرف‌کننده، اشاره به چگونگی و چرایی تصمیم به خرید اینترنتی افراد دارد. احساسات شخصی، موقعیت



اجتماعی، اهداف و ارزش‌ها و نیاز، عوامل مهمی در تصمیم‌گیری خرید افراد دارند. در نهایت خرید وقتی صورت می‌گیرد که شخص، اطلاعات کافی در مورد کالا داشته و احساس خوبی نسبت به خرید داشته باشد و همچنین خرید کالا واقعا نیازش باشد. طبق مطالعاتی که انجام شد، عوامل موثر بر تصمیم و قصد خرید اینترنتی در قالب دو دسته عوامل بیرونی و درونی طبقه بندی شده است. عواملی مانند کمبود امنیت در شبکه مجازی، عدم اعتماد مشتریان به خرید مجازی، کیفیت و مدل طراحی سایت و اطلاعات مربوط به کالا در زمره عوامل بیرونی قرار داده شده و در عین حال، نگرش، عادات و درک فرصت‌هایی مانند راحتی و صرفه جویی وقت در خرید اینترنتی را می‌توان به عنوان عوامل درونی در نظر گرفت. اینترنت، اعتماد، امنیت، ادراک قیمت، ریسک خرید، تبلیغات دهان به دهان، راحتی، تسهیلات، هنجارهای ذهنی، جز عوامل تاثیر گذار بر خرید اینترنتی نشان داده شدند که در میان آن‌ها بعد اعتماد از سایر ابعاد اهمیت بیشتری دارد و باعث ایجاد وفاداری در مشتری می‌شود. ویژگی‌هایی مانند ارائه اطلاعات، راهنمایی و هدایت، استفاده از نماد الکترونیکی، سیستم‌های قابل اطمینان و امن از جمله ویژگی‌هایی هستند که می‌توان در ایجاد اعتماد به خرید اینترنتی نام برد.

باتوجه به نظریه‌ها و مدل‌های مختلف مطرح شده، انتظار می‌رود که قصد رفتاری اثر مثبت معناداری روی استفاده از فناوری داشته باشد. به باور بسیاری از محققین قصد رفتاری خرید، مهمترین عامل تعیین کننده رفتار خرید است. وجود اینترنت به عنوان کاراترین ابزار برای کسب اطلاعات درباره محصولات، این امکان را برای خریداران فراهم می‌آورد که به منابع اطلاعاتی عمومی متعدد و ابزارهای جستجوی گوناگون دسترسی پیدا کنند که این خود یکی از انگیزه‌های خرید اینترنتی برای افراد است. در مورد عوامل انسانی که جزئی از ویژگی‌های انسانی است، می‌توان ادعا کرد مهمترین آن‌ها سن و سطح تحصیلات است که می‌تواند در خرید آنلاین تاثیر بگذارد.

خریداران اینترنتی می‌توانند سطح بالاتری از کنترل و اختیار را داشته باشند؛ زیرا می‌توانند هنگام خرید آنلاین تصمیم بگیرند که چه محصولاتی را مشاهده کنند چه موقعی سفارش دهند و چه زمانی آن‌را دریافت کنند. علاوه بر این، در جهت پذیرش تجارت الکترونیک توسط مصرف کنندگان می‌توان محصولات و خدمات را بر اساس ویژگی‌های خرید آن‌ها در ارتباط با خرید اینترنتی به ۳ دسته طبقه بندی کرد. دسته اول، خریدهایی بی دردسر و آسان است که چون مخاطره اندکی را در بر دارند فروشگاه‌های اینترنتی می‌توانند در مورد این کالاها بسیار موفق باشند، مثل خرید اینترنتی

کتاب.

دسته دوم، کالاهایی هستند که حضور فیزیکی حین خرید چندان ضروری نیست، در حالی که کالای مورد نظر کالای با ارزشی است و نیاز به اطلاعات قبلی دارد. مانند تورهای تفریحی و لوازم سخت افزاری کامپیوتری. دسته آخر، کالاهایی با قیمت متوسط و دفعات تناوب خرید بالا هستند که می‌تواند برای مصرف کننده، موفقیت آمیز باشد. نظیر انواع ویتامین‌ها و لوازم آرایشی و زیبایی. مجموعاً در خرید به صورت اینترنتی، منافع زیادی برای مصرف کننده وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به صرفه جویی در زمان، کیفیت اطلاعات و ارتباطات، افزایش سهولت و آزادی انتخاب و غیره اشاره کرد. از آنجایی که در محیط آنلاین مصرف کنندگان اجناس واقعی را نمی‌بینند، برخی عوامل مرتبط با کالا که می‌تواند بر رفتار خرید اینترنتی موثر باشند، متفاوت خواهد بود. همچنین ویژگی کالاها مانند قیمت پایین کالا، طول عمر محصول و فسادپذیری و تصویر شفاف از کالا و اطلاعات دقیق در مورد آن‌ها مهم‌ترین عاملی هستند که موجب رفتار خرید اینترنتی می‌شوند. از این رو ارائه آموزش‌های لازم، تبلیغات گسترده و توجه به نیازهای مشتریان، از جمله عواملی هستند که فروشندگان بازارهای مجازی باید آن‌ها را مورد توجه قرار دهند. عامل فناوری جز عوامل تاثیر گذار بر خرید اینترنتی است. به تعداد افرادی که از اینترنت برای خرید استفاده می‌کنند روز به روز افزوده می‌شود و افراد بیشتری با داد و ستد از طریق دنیای مجازی آشنایی می‌شوند. همچنین یافته‌های تحقیق می‌تواند راهنما و راهگشای دیگر پژوهشگران در انجام پژوهش‌های مشابه باشد. یافته‌های این تحقیق حاوی نکات ارزنده‌ای برای سیاست گذاران، بازاریابان و فروشندگان آنلاین است و می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا برای افراد با خصوصیات متفاوت، استراتژی‌های مبنایی را طراحی کنند و آن‌ها را در تجارت آنلاین به کار گیرند.

## فهرست منابع

- اسماعیل پور، حسین؛ گلدوزیان، امیر. (۱۳۹۰). عوامل موثر بر انگیزه خرید آنلاین. فصلنامه مدیریت و کسب و کار. شماره ۹.
- امیدی، فریدون؛ زاج، زهره. (۱۳۹۶). شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر انگیزه خرید آنلاین در مصرف کنندگان با استفاده از روش تاپسیس. ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. شماره ۲(۴).

جعفرپور، محمود؛ رحمان سرشت، حسین. (۱۳۸۸)، ارائه یک مدل مفهومی از خرید اینترنتی کتاب و ارزیابی آن در دانشگاه‌های کشور. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۵۲.

دهدشتی، شاهرخ؛ تونکه نژاد، زهره. (۱۳۸۵). نگرش مشتریان نسبت به خرید اینترنتی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر - وند. مجله مطالعات مدیریت، بهبود و تحول. شماره ۵۱.

دانشنامه ویکی پدیای انگلیسی. خرید. [www.fa.m.wikipedia.org/wiki/](http://www.fa.m.wikipedia.org/wiki/)

سلطانی، مرتضی؛ آریان فر، مرتضی؛ ناصرزاده، سید محمدرضا؛ فتحی، محمدرضا. (۱۳۹۵)، شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر خرید تجهیزات ورزشی از طریق رسانه‌های اجتماعی؛ کاربرد تکنیک برنامه ریزی ترجیحی فازی لگاریتمی (مورد مطالعه: کاربران رسانه اجتماعی اینستاگرام). پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. شماره ۱۶.

علیزاده زوارم، علی؛ رجب زاده، محمدرضا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر رفتار خرید اینترنتی مشتریان با استفاده از نظریه رفتار برنامه ریزی شده. مجله رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. شماره ۳.

محمدی، سمیه؛ نورایی، طهمورث؛ شریفیان، اسماعیل. (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت بندی عوامل تاثیرگذار بر توسعه خرید اینترنتی کالاهای ورزشی. مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۷.

نیک نژاد، ایمان. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر فرایند تصمیم و رفتار مصرف کننده. برگرفته از لینک بررسی عوامل موثر بر فرایند تصمیم و رفتار مصرف کننده.

## نقش اقتصاد دانش بنیان بر بازار سرمایه در اقتصاد ایران

زهرا رضانی خاوانی\*

### چکیده

نقش علم و دانش در اقتصاد به دلیل ایجاد تخصص و بهبود بهره‌وری عوامل تولید از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جایگاه فناوری و دانش به عنوان عوامل درونزا در فرایند توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به این‌که در اقتصاد دانش بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات عامل و محرک اصلی توسعه، تولید ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت‌های اقتصادی است. از این رو، بررسی اثرات شاخص‌های اقتصاد دانش بنیان بر فرآیند توسعه یافتگی بازارهای مالی حائز اهمیت است. بازار سرمایه از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد، توسعه کمی و ارتقا کیفی بازار سرمایه از اهداف مهم این بازار است. بازار سرمایه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای متولی تامین مالی در کشور، باید ابزارها، خرده‌نهادهای مناسب و مقررات لازم را جهت تامین مالی اصولی طرح‌های دانش بنیان برنامه ریزی و ارائه کند. از این رو، در این مقاله، به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی به بررسی تامین مالی ایده‌ها و طرح‌های مبتنی بر دانش بر اساس ظرفیت‌های موجود بالقوه و بالفعل بازار سرمایه کشور پرداخته شده است. در این راستا ویژگی‌های مالی لازم برای تامین مالی ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان بررسی و مبتنی بر آن فرصت‌های پیش روی در بازار سرمایه معرفی شده است.

### کلید واژه‌ها

اقتصاد دانش بنیان، تامین مالی، بازار سرمایه، تامین مالی ایده‌ها.

## مقدمه

بازار سرمایه از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد، توسعه کمی و ارتقا کیفی بازار سرمایه از اهداف مهم این بازار است. از جمله عواملی که می‌تواند به توسعه دوجانبه بازار ختم شود، عبارت است از افزایش پذیرش شرکت‌های جدید، افزایش ارزش بازار سهام، بالا بردن ارزش معاملات بورس انرژی، رشد بازار مشتقه، افزایش ارزش دارایی و افزایش مدیریت مالی در این بازار و ازسویی، بازار سرمایه (و در راس آن بورس اوراق بهادار) ارتباط نزدیکی با ساختارهای اقتصادی کشور داشته و عوامل موثر بر اقتصاد می‌تواند بر دستیابی این بازار بر اهدافش اثر گذار باشد. از این عوامل می‌توان به اقتصاد دانش بنیان، حمایت از تولید داخلی و تقویت همه جانبه نظام‌های مالی اشاره نمود. به طوری که هر یک از این عوامل با تاثیر گذاری مناسب بر بازار سرمایه خود نیز از این تاثیر گذاری منتفع می‌گردند. از آنجا که عوامل اقتصادی بسیار به یکدیگر مرتبط‌اند، هر یک از بخش‌های بالا که به آن‌ها اشاره شد، خود نیز بر هم دیگر اثر گذاشته و در بهبود عملکردشان در کل اقتصاد کشور موثر می‌باشد. هر یک از سه بخش اقتصادی نیز که به آن‌ها اشاره گردید، به طرق مختلف می‌توانند در بازار سرمایه نقشی اعمال نمایند، برخی با تغییراتی در کارکردشان در بازار سرمایه و یا با ایجاد قوانین و مقررات مورد نیاز و یا ایجاد زمینه مناسب در بازار سرمایه و ابزارهای مختلف در این بازار.

اقتصاد امروز کشورهای توسعه یافته در حال گذار از اقتصاد صنعتی به سمت اقتصاد دانش بنیان است. اقتصادی که علم و فناوری، نوآوری و کارآفرینی از مولفه‌های اصلی آن بوده و از آن‌ها به عنوان عوامل درون‌زا رشد اقتصادی یاد شده است. در این میان، آنچه که بستر اولیه شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان را فراهم می‌کند، ایده‌ها و طرح‌های نوآورانه و مبتنی بر دانش است. در ادامه خلق ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان، آنچه که نقش بسیار مهمی را به سمت تجاری سازی بر عهده دارد، مسئله چگونگی تامین مالی صحیح و قابل اعتماد آن‌ها

است (نوراللهی و همکاران، ۱۳۹۴). بازار سرمایه به عنوان یکی از اصلی ترین نهادهای متولی تامین مالی در کشور، باید ابزارها، خرده نهادهای مناسب و مقررات لازم را جهت تامین مالی اصولی طرح های دانش بنیان برنامه ریزی و ارائه کند. از این رو، در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی به بررسی ظرفیت های موجود بالقوه و بالفعل بازار سرمایه کشور جهت تامین مالی ایده ها و طرح های مبتنی بر دانش می پردازد. در این راستا، ویژگی های مالی لازم برای تامین مالی ایده ها و طرح های دانش بنیان بررسی و مبتنی بر آن فرصت های پیش روی در بازار سرمایه معرفی شده است.

### مفهوم اقتصاد دانش بنیان

دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار موثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می آید و یک کالای عمومی است؛ زیرا می توان دانش را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به اشتراک گذاشت. در عین حال، این یک مشخصه منحصر به فرد برای این کالای عمومی به حساب می آید که برخلاف سایر کالاها فیزیکی مثل سرمایه، دارایی های مادی و منابع طبیعی، استفاده از آن، از کمیتش نمی کاهد و می توان از آن بارها استفاده کرد.

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان، گویای تاکید بر نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصادی است. از این رو، می توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کمی و کیفی با اهمیت تر از گذشته نگریسته می شود. طبق تعریف اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که مستقیماً بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که امروزه دیگر حجم سرمایه و اندازه بازار در توسعه اقتصادی ملل نقش اساسی ندارد، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می کند.

باید توجه کرد که اگر امروزه جنگ با دشمن را اقتصادی می دانیم و اقتصاد مقاومتی هدف کشور است، باید به دنبال توجه به دانش و علمی باشیم که کشورمان را به قدرت اقتصادی تبدیل کند و ثمرات اقتصادی بسیار برای کشور داشته باشد.

یکی از مشکلات اساسی در تولیدات داخلی و اقتصاد کشور، عدم اتکای آن ها به علم و

تکنولوژی و تبعیت از علوم و دانش غربی است. متأسفانه کاربرد ناصحیح علم و دانش در جهتی غیر از جهت معیشت مردم و آسیب‌های اساسی اقتصاد کشور، سبب شده است تا نه تنها وابستگی اقتصاد ملی به غرب و علوم غربی کاهش پیدا نکند، بلکه این وابستگی روز به روز بیشتر شود و زمینه‌های شکل‌گیری اقتصادی مبتنی بر تولید علم و دانش با استفاده از ظرفیت‌های داخلی در کشور ایجاد نشود.

توجه به نقش دانش در اقتصاد موضوع جدیدی نیست، به نحوی که «آدام اسمیت» در قرن هجدهم به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته و «فردریک لیست» تأکید می‌کند که خلق و توزیع دانش به بهبود کارایی در اقتصاد کمک شایان توجهی می‌کند. طرفداران «شومپتر» نظیر «هیرشمن»، «گالبرایت» و «گودوین» به نقش ابداع و نوآوری در پویایی اقتصاد توجه خاصی داشته و «رومر» و «گروسمن» نیز با ارائه نظریه جدید در زمینه سرمایه انسانی، برای علم و دانش در رشد بلند مدت اقتصادی نقش عمده‌ای قایل می‌شوند.

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان که توسط سازمان اقتصادی همکاری و توسعه (OECD) مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه ملل قرار گرفته است، گویای تأکید بر نقش دانش در جریان توسعه اقتصاد می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت‌تر از گذشته نگریسته می‌شود (گرچی زاده و شریفی زبانی، ۱۳۹۳).

برای اقتصاد دانش بنیان تعاریفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و اقتصاددانان ارائه شده که به اختصار دو تعریف رایج در این زمینه ارائه می‌شود. طبق تعریف سازمان اقتصادی همکاری و توسعه (OECD)، اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه (صنایع دانش پایه، صنایعی هستند که در آن‌ها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص یافته، فناوری‌های کسب شده با شدت بالایی مصرف و نیروی کار از تحصيلات عالی برخوردار هستند) مورد توجه خاص قرار می‌گیرد.

سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (APEC)، با گسترش ایده مطرح شده توسط OECD در خصوص اقتصاد دانش بنیان، آن را اقتصادی می‌داند که در آن تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی صنایع

است. طبق این تعریف، تمامی فعالیت‌های اقتصادی به نوعی به دانش متکی هستند (معمارنژاد، ۱۳۸۴).

طبق تعریف بانک جهانی، اقتصاد دانش بنیان (KBE) شامل چهار رکن اصلی می‌باشد.  
 ۱. رژیم‌های اقتصادی و نهادی (نظام انگیزشی): فراهم‌کننده انگیزه‌های لازم جهت استفاده مناسب از دانش، تحریک خلاقیت‌ها و کارآفرینی و همچنین محرکی برای ایجاد کارآمدی.

۲. آموزش و توسعه منابع انسانی: برای وصول به یک جامعه با افراد متخصص، خلاق و انعطاف‌پذیر که تولیدکننده، جذب‌کننده، نشر دهنده و استفاده‌کننده مؤثر از دانایی باشند.

۳. نظام کارای نوآوری و اختراعات: مشتمل بر بنگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، مشاوران و سایر سازمان‌هایی که از ذخایر روز افزون دانایی جهانی بهره گرفته و آن را جذب و با نیازهای ملی / محلی وفق داده و تعدیل می‌کنند.

۴. زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات: به منظور تسهیل فرایندهای ارتباطی و اطلاعاتی و همچنین کسب و انتشار دانش.

در دو دهه آخر قرن بیستم نظریه پردازان اقتصادی عصر جدید، اقتصادی را پیش بینی کردند که در آن دانش منبع اصلی ثروت به شمار می‌آید. به این ترتیب، دانش به عنوان یک منبع دائمی همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار گرفته و با مشارکت مکرر در فرایندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده می‌شود که این امر، می‌تواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار گردد.

اصطلاح توسعه، به طور کلی، معطوف به ارتقای سطح و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه (رفاه مادی، توزیع مناسب ثروت و محیط زیست مطلوب) است و پایداری آن اشاره به استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر دارد. بدین ترتیب توسعه پایدار، کلیه جنبه‌ها و ابعاد زندگی بشر را در بر می‌گیرد.

بطور خلاصه، می‌توان ویژگی‌های توسعه پایدار را در سه شاخص همه جانبه بودن توسعه، مستمر و پایدار بودن توسعه و فراگیر بودن توسعه بیان کرد. از این رو، اقتصاد دانش بنیان با



توجه به ویژگی هایی که دارد می تواند از طریق روش های زیر بر فراهم کردن بستر مناسب در جهت تحقق توسعه پایدار اقدام نماید.

۱. در مورد تولید، فرض ما بر این است که یک اقتصاد دانش پایه، با بهروری بیشتر عوامل و رفتار بهینه اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می کند. بنابراین، نرخ رشد تولید باید بالاتر باشد.

۲. در مورد توزیع، فرض بر این است که در یک اقتصاد دانش پایه معمولاً مولد در شرایط رقابتی بهتر پاداش داده می شوند و در واقع با حاکم شدن شرایط شایسته سالاری، مزدهای موثر برای عامل کار، بالاتر از یک اقتصاد سنتی است. در واقع، توزیع ثروت و درآمد بر اساس بهره وری عوامل تولید صورت می گیرد. بنابراین، انتظار داریم که ضریب جینی در اقتصاد دانش محور اصلاح شده و به تعادل نسبی نزدیک تر باشد.

۳. در مورد عملکرد زیست محیطی اقتصاد نیز فرض می کنیم که در یک اقتصاد دانش محور، شناخت بهتری نسبت به عوامل محیطی و تاثیر آنها در عملکرد اقتصاد وجود دارد. بنابراین، یک اقتصاد مبتنی بر دانایی، استانداردهای بالاتری را از نظر محیط زیست رعایت می کند.

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان یا اقتصاد دانشی که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مورد تاکید خاص در استراتژی توسعه ملل قرار گرفته، گویای تاکید در نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصاد است (رمضان پور و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به آنچه بیان شد، می توان گفت در اقتصاد دانش بنیان به دانش از نظر کمی و کیفی با اهمیت تر از گذشته نگرسته شده است.

### پیشینه تحقیق

#### ۱.۳. مطالعات داخلی

سیدین، قلی پور، در مقاله ای تحت عنوان «بازار سرمایه، نیروی محرکه توسعه اقتصادی در

نظام تأمین مالی کشور» با استفاده روش تحلیلی - توصیفی به این نتیجه دست یافته است که کشورهای که بخش مالی آن‌ها از عمق کمتری برخوردار است، منابع مالی در آن‌ها به صورت کارا بین نیازها تخصیص نمی یابد یا در مواقعی این کشورها با مشکل در دسترس نبودن ابزارهای تأمین مالی مناسب مواجه می‌شوند که در این صورت منابع کافی جمع‌آوری نمی‌شوند. امروزه کشوری می‌تواند ادعا کند که اقتصادی سالم و مطمئن دارد که به یک بخش مالی کارا متکی باشد. در این مقاله، سعی می‌شود با ارائه شاخص‌های مناسب و مقایسه تطبیقی آمارهای مربوطه در کشورهای منتخب با ایران، وضعیت توسعه مالی در ایران، بررسی و تحلیل و راهکارهای مرتبط با آن ارائه شود.

نظریه‌پور و لطفی‌نیا، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این موضوع پرداخته است که در چند سال اخیر، بحثی با موضوع «اقتصاد مقاومتی» به منظور مقابله با فشارها و تهدیدهای اقتصادی جبهه استکبار علیه کشورمان، از سوی مقام معظم رهبری به ادبیات اقتصادی کشور وارد شده است. در واقع، هدف از طرح این موضوع دست‌یابی به اهداف اقتصادی چشم‌انداز بیست ساله کشور در شرایطی که کشور با انواع فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها مواجه بوده بگونه‌ای است که اقتصاد مستمراً رشدی درون‌زا، با ثبات و پایدار را تجربه و دچار رکود نگردد.

برای دست‌یابی به چنین رشدی که می‌تواند از طریق افزایش نرخ پس‌انداز، نرخ سرمایه‌گذاری و هدایت بهینه نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی، صورت پذیرد، اهمیت بازارهای مالی بیش از پیش روشن می‌گردد که چگونه و از چه طریقی می‌توانند بخش واقعی اقتصاد را در دستیابی به اهداف خود یاری کنند. مقاله پیش رو به منظور برداشتن گامی مؤثر در ارائه روش‌هایی برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به روشی توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع معتبر موجود به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «بورس اوراق بهادار، از طریق تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، واگذاری بنگاه‌های دولتی در قالب عرضه سهام حمایت از تولید، عرضه کالاهای استراتژیک در بورس تخصصی کالا و بین‌المللی شدن خود در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش به‌سزایی دارد».

نوراللهی و همکاران، در مقاله «نقش بازار سرمایه در تامین مالی ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان» بیان می‌کند که اقتصاد امروزه کشورهای توسعه یافته در حال گذر از اقتصاد صنعتی به سمت اقتصاد دانش بنیان است. اقتصادی که علم و فناوری، نوآوری و کارآفرینی از مولفه‌های اصلی آن بوده و از آن‌ها به عنوان عوامل درون زا رشد اقتصادی یاد شده است. در این میان، آنچه که بستر اولیه شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان را فراهم می‌کند، ایده‌ها و طرح‌های نوآورانه و مبتنی بر دانش است. در ادامه خلق ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان آنچه که نقش بسیار مهمی را به سمت تجاری‌سازی بر عهده دارد مسئله چگونگی تامین مالی صحیح و قابل اعتماد آن‌هاست. بازار سرمایه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای متولی تامین مالی در کشور، باید ابزارها، خرده‌نهادهای مناسب و مقررات لازم را جهت تامین مالی اصولی طرح‌های دانش بنیان برنامه‌ریزی و ارائه کند. نوشتار حاضر به بررسی ظرفیت‌های موجود بالقوه و بالفعل بازار سرمایه کشور جهت تامین مالی ایده‌ها و طرح‌های مبتنی بر دانش می‌پردازد. در این راستا، ویژگی‌های مالی لازم برای تامین مالی ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان بررسی و احصاء شد و مبتنی بر آن فرصت‌های پیش روی در بازار سرمایه معرفی و تحلیل می‌شود.

### ۲.۳. مطالعات خارجی

«کیلک» در مقاله «انعطاف‌پذیری و پیشرفت اقتصادی با توجه به نتایج به دست آمده از یک مطالعه جامع» در این مقاله، به فایده مفهوم انعطاف‌پذیری یک اقتصاد، که در آن افراد، سازمان‌ها و موسسات اهداف و منابع خود را به طور موثر با فرصت‌ها و محدودیت‌های متغیر تنظیم می‌کنند می‌پردازد. در این رابطه، دلایل بسیار بدیهی وجود دارد که انتظار داشته باشیم انعطاف‌پذیری در یک اقتصاد با پیشرفت اقتصادی درازمدت آن مرتبط باشد. به نظر

می‌رسد که تجربیات موجود در کشورهای آسیای شرقی، آفریقا و برنامه ریزی متمرکز در اروپای شرقی این موضوع را به خوبی اثبات می‌کند. ابعاد انعطاف پذیری مشخص شده و فرضیه‌های ارائه شده با عوامل موثر بر آن در ارتباطند. در نهایت پیشنهاد می‌شود که ارتباطی شکل بین انعطاف پذیری و توسعه اقتصادی وجود دارد که در آن رابطه‌ای بین علت و معلول در هر دو جهت وجود دارد.

«اویدیو استوایکا»، در مقاله «نقش بازار سرمایه در توسعه اقتصادی» بازار سرمایه، با وجود نقش جدایی پذیر در اقتصاد بازار، اما جایگاه مهمی دارد و از طریق مکانیسم‌های ویژه در ایفای سهم خود در توسعه اقتصادی جامعه موفق بوده است. در نتیجه، مقامات دولتی بایستی متوجه اهمیت بازار سرمایه در اقتصاد ملی باشند و از طرف دیگر، باید تلاش خود را به منظور تضمین چارچوب لازم برای عملکرد نرمال مکانیسم‌های خاص آن بنمایند. ظرفیت‌های (ارزش‌های) سرمایه، حتی در رابطه با بازارهای در حال ظهور، همانند بازار سرمایه، می‌تواند جذابیت بیشتری داشته باشد و نقش خود را در جهت یابی مجدد منابع مالی برای فعالیت‌های موثر، کارا و کمک به اصلاحات اقتصادی و حتی در روند خصوصی‌سازی نشان دهد.

### اهمیت پرداختن به اقتصاد دانش بنیان در اقتصاد

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان، که توسط OECD مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه ملل قرار گرفته است، گویای تأکید بر نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصادی است. از این رو، می‌توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت‌تر از گذشته نگریسته می‌شود. نکته‌ای که باید همواره در نظر داشت این است که برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان، فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و

پژوهش کافی نیست، بلکه نکته مهم به کارگیری آن‌ها در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای درجه بهره برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش بنیان را ممکن می‌سازد که نقش شرکت‌های دانش بنیان در این زمینه قابل تعریف است. در اقتصاد دانش بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است؛ زیرا بر خلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می‌شوند، اطلاعات و دانش، که اساس اقتصاد دانش بنیان است، می‌تواند بارها مصرف شود و با مصرف بیشتر در واقع رشد کرده و در اقتصاد دانش بنیان، دانش به کالا تبدیل می‌شود و به فروش می‌رسد. محل فعالیت در اقتصاد دانش بنیان اهمیت چندانی ندارد؛ زیرا با استفاده از فناوری‌ها و روش‌های مناسب، بازارها و سازمان‌های مجازی به وجود می‌آید و در خدمت فعالیت قرار می‌گیرد. آنچه مهم است سرعت عمل در فعالیت‌ها و دسترسی به کل جهان است و در اقتصاد دانش بنیان، سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته فعالیت‌های دانش پایه و دانش ساز، مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته‌تر و کارآمدتر و به ویژه از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید می‌شود (جباری پور، ۱۳۹۸).

در حقیقت اقتصاد دانش بنیان با بهره‌وری بیشتر عوامل تولید و رفتار بهینه اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می‌کند و در نتیجه، دارای نرخ رشد بالاتری خواهد بود. در کشور، تلاش‌های زیادی جهت دست یافتن به دانش نانو، هوا فضا و... انجام می‌شود و موفقیت‌های چشمگیری را نیز در این زمینه‌ها به دست می‌آوریم. این در حالی است که متأسفانه ساختار صنعت و تولید ما بسیار وابسته به جریان خارج است و تحقیقات علمی و مشخص چندانی در این زمینه انجام نمی‌شود. از این رو، حتی اگر رتبه اول تولید علم در جهان هم داشته باشیم، باز هم به رتبه اول اقتصاد نمی‌رسیم. از این رو با توجه به ضرورت دستیابی به عزت، استقلال و... اقتصاد دانش بنیان از طریق رویکردهای زیر می‌تواند در تحقق عزت و استقلال و... موثر باشد.

۱. بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد دانش بنیان در تقویت بازار سرمایه، جهت تامین مالی مناسب اقتصاد.

۲. تجاری سازی فعالیت‌های ناشی از اقتصاد دانش بنیان.  
 ۳. ورود و تلاش در زمینه فناوری‌ها و دانش به روز دنیا (دانش نانو، هوا فضا و...) و استفاده از آن‌ها در افزایش بهره‌وری در تولیدات صنعتی و کشاورزی و افزایش ثروت از این طریق.

## ۵. ارکان اقتصاد دانش بنیان

گذار موفقیت آمیز به اقتصاد دانشی، اغلب شامل چهار مولفه، یعنی سرمایه گذاری بلند مدت در آموزش، توسعه توانایی نوآوری، نوسازی زیرساخت‌های اطلاعاتی و ایجاد یک محیط مساعد اقتصادی است. بانک جهانی این مولفه‌ها را به عنوان چهار رکن اقتصاد دانشی بیان کرده است و این ارکان به شرح زیر است.

۱. مشوق‌های اقتصادی و نظام نهادی: این رکن سیاست‌های اقتصادی مناسب و نهادهایی را فراهم می‌کنند که اجازه بسیج کارآمد و تخصیص منابع و تحریک خلاقیت و انگیزه برای ایجاد، توزیع و استفاده از دانش را دارند.

۲. کارگران ماهر و آموزش دیده: به طور مداوم می‌توانند مهارت‌های خود را به نحو احسن ارتقا و به منظور ایجاد و استفاده از دانش با آن تطبیق دهند.

۳. سیستم نوآوری موثر: شامل شرکت‌ها، مرکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، مشاوران و سایر سازمان‌هایی است که می‌توانند با انقلاب دانش، ذخیره رو به رشد دانش جهانی را حفظ کنند و با نیازهای محلی تطبیق دهند.

۴. زیرساخت‌های اطلاعاتی مدرن و مناسب: که می‌تواند ارتباط موثر، انتشار و پردازش اطلاعات و دانش را تسهیل نماید (رمضان پور و همکاران، ۱۳۹۱).

از این رو، توجه به مشوق‌های اقتصادی، تشکیل نهاده‌ها، آموزش نیروی کار ماهر، توجه بیشتر به مراکز تحقیقاتی و علمی و ایجاد زیر ساخت‌های پردازش دانش و اطلاعات نقش موثر و کلیدی در تقویت اقتصاد دانش بنیان دارد.

## تبیین شرکت‌های دانش بنیان

شرکت‌های دانش بنیان، به عنوان بنگاه‌های اقتصاد دانش بنیان، نقش محوری در ساختار این نوع اقتصاد ایفا می‌نماید. بر اساس ماده یک قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، «شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان، به ویژه در تولید نرم افزارهای مربوط، تشکیل می‌شود.

در تعریف مذکور، فناوری را می‌توان کلیه دانش فنی، فرآیندها، ابزار و سیستم‌های به کار رفته در ساخت محصولات و ارائه خدمات تعریف کرد. فناوری همواره در خلق ثروت برای کشورها نقش اساسی داشته و سطح استاندارد و کیفیت زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. تأثیر فناوری، آنچنان است که پیشرفت تمدن را غالباً با توجه به فناوری برتر هر دوره مشخص می‌کنند. اقتدار فناوری باعث اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌گردد. همچنین طبق تعریف OECD، شرکت‌های دانش بنیان «آن دسته از گروه‌های انسانی تحصیل کرده در مراکز علمی، پژوهشی و تحقیقاتی را شامل می‌شوند که توانسته‌اند در این مراکز، علاوه بر فراگیری علوم نظری و تئوری‌های علمی، روش‌های تبدیل علوم فراگرفته به فعالیت‌های درآمدزا و تولید کننده ارزش را به همراه داشته باشند».

حال برای بررسی و تبیین نقش این شرکت‌ها لازم است ویژگی‌های منحصر به فرد و کارکردهای این شرکت‌ها تشریح شود. شرکت‌های دانش بنیان دارای تمایزات خاصی با سایر شرکت‌ها هستند که در این بخش به طور خلاصه بیان می‌گردد.

۱. در شرکت‌های دانش بنیان نسبت نیروهای متخصص به کل کارکنان، اختلاف زیادی با دیگر شرکت‌ها دارد.

۲. در شرکت‌های دانش بنیان درصد رشد نیروهای متخصص به کل کارکنان زیاد است.

۳. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی و پژوهشی در مدیریت و راهبری

شرکت‌های دانش بنیان مشارکت دارند.

۴. شرکت‌های دانش بنیان بودجه بسیار زیادتری نسبت به دیگر شرکت‌ها برای تحقیق و توسعه نیاز دارند.

۵. شرکت‌های دانش بنیان توانمندی ویژه‌ای در استفاده از فناوری برای رشد سریع دارند.

۶. توسعه شرکت‌های دانش بنیان صنعتی، متکی بر توسعه فناوری است، نه بر سرمایه یا سخت افزار.

۷. مزیت رقابتی شرکت‌های دانش بنیان، نوآوری در فناوری است.

۸. شرکت‌های دانش بنیان بازارهای جدید را از طریق ارائه محصولات با فناوری‌های جدید تسخیر می‌کنند.

۹. شرکت‌های دانش بنیان به روش‌های دستی یا نیمه اتوماتیک تکیه ندارد.

۱۰. اغلب شرکت‌های دانش بنیان از نظر اندازه، جزء شرکت‌های کوچک و متوسط به حساب می‌آیند.

با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، می‌توان اهداف و کارکردهای زیر را برای این شرکت‌ها برشمرد.

۱. جذب و تبدیل ایده‌ها به محصول و مشاغل پایدار.

۲. هم افزایی علم و ثروت (تجاری سازی علم و دانش).

۳. تجاری سازی یافته‌های پژوهشی و تحقیقاتی.

۴. توانمند سازی دانش آموختگان به منظور ورود به فضای کسب و کار.

۵. حمایت، هدایت و سمت دهی در جهت نوآوری‌ها و تولید فناوری‌های برتر.

۶. ایجاد زمینه برای به کارگیری هرچه بیشتر توانمندی‌های دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی در جامعه.

۷. ترغیب متخصصین، نوآوران، مخترعان، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی برای فعالیت‌های بیشتر در رفع نیازهای جامعه برای ترویج فرهنگ تجاری سازی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی.

۸. تشویق بنگاه‌های اقتصادی و دستگاه‌های اجرایی به بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی و



فناوری‌های شکل یافته در مراکز پژوهشی.

۹. ارتقای فرهنگ عمومی کارآفرینی (جباری پور هریس، ۱۳۹۸).

## ویژگی‌های اقتصاد دانش بنیان

جهت تبیین صحیح نقش اقتصاد دانش بنیان روی بخش‌های مختلف اقتصادی به خصوص تامین مالی از طریق بازار سرمایه توجه به ویژگی‌های اقتصاد دانش بنیان ضروری می‌باشد. از این رو، در خصوص ویژگی‌های آن می‌توان گفت:

۱. اقتصاد دانش بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است؛ زیرا برخلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می‌شوند، اطلاعات و دانش که اساس اقتصاد دانش پایه است، می‌تواند بارها مصرف شده و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند.

۲. در اقتصاد دانش بنیان، دانش به کالا تبدیل شده و به فروش می‌رسد. هم اکنون بازارهای مجازی برای خرید و فروش دانش در جهان شکل گرفته و افراد با اعلام قیمت دانش خود، آن را در معرض مبادله قرار می‌دهند. بازار دانش، بازاری بسیار ناهمگن است و کالاها کیفیت و قیمت خاص خود را دارند. صاحبان دانش در واقع به صورت انحصاری یا شبه انحصاری عمل می‌کنند.

۳. اقتصاد دانش بنیان، به نوعی یک اقتصاد بدون وزن است. اگر نشانه‌های اقتصاد فیزیکی، کارخانه‌های فولاد، پتروشیمی، اتومبیل سازی است، نشانه‌های اقتصاد دانش بنیان معمولاً به صورت مدارهایی بسیار کوچک و تلفیق شده با یکدیگر بوده و شامل فکرها یعنی نرم افزارهاست. آنچه در این اقتصاد به عنوان ارزش شناخته می‌شود معمولاً از نوع فکری و غیرقابل لمس می‌باشد.

۴. ارزش محصولات و خدمات در اقتصاد دانش بنیان به شرایط افراد بستگی دارد. یک اطلاع یا دانش معین می‌تواند برای افراد مختلف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ارزش متفاوتی داشته باشد.

۵. در اقتصاد دانش بنیان، دانش پایگی اقتصاد وابسته به مجموع‌های از نظام‌ها و

فرآیندهای دانشی جامعه است و بنابراین، دارای ارزش دائمی بیشتری است. این در حالی است که دانش انفرادی موجود در مغز افراد به راحتی قابل زوال و از بین رفتنی است.

۶. در اقتصاد دانش بنیان، دانش و اطلاعات به هر سمتی که تقاضا برای آن بیشتر و موانع در مقابل آن کمتر باشد نفوذ می‌کند و تاثیر می‌گذارد.

۷. محل فعالیت در اقتصاد دانش بنیان اهمیت چندانی ندارد؛ زیرا با استفاده از فناوری‌ها و روش‌های مناسب، بازارها و سازمان‌های مجازی به وجود می‌آید و در خدمت فعالیت قرار می‌گیرد. آنچه مهم است سرعت عمل در فعالیت‌ها و دسترسی به کل جهان است.

۸. در اقتصاد دانش بنیان، دانش موجود در محصولات و خدماتی که از لحاظ محتوای دانشی غنی‌ترند، تعیین‌کننده قیمت محصولات مشابهی است که دارای دانش برتری هستند.

۹. در اقتصاد دانش بنیان، سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته فعالیت‌های دانش بنیان و دانش ساز، مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته‌تر و کارآمدتر از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید می‌شود (ناظمان و اسلامی فر، ۱۳۸۹).

دو ویژگی عمده فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر دانش این است که اولاً نسبت به سایر فعالیت‌ها با برنامه ریزی بهتری شروع می‌شود و تداوم می‌یابد و ویژگی دوم آن، پایاتر و ماندگارتر بودنش است. در نتیجه، احتمال شکست در آن کمتر است. این فعالیت‌ها بخشی از فعالیت‌های اقتصادی هستند که گردش مالی در آن بسیار بالاست؛ پس می‌توانند تأثیر مهمی در گردش مالی ملی، گردش مالی منطقه داشته باشند و حتی می‌توانند در سطح جهانی تأثیر گذار باشند. معمولاً فعالیت‌های اقتصادی که توسط شرکت‌های دانش بنیان هدایت می‌شوند، شاید گردش مالی شان کمتر باشد، اما یک نگاه دور اندیشانه به آینده و نسل جدیدی از فناوری‌ها و صنعت دنیا دارند. وقتی به صنعت و فناوری دنیا نگاه می‌کنیم، می‌شود گفت در هر دهه، فناوری تغییر یافته و شکل جدیدی به خود گرفته است، این فناوری جدید با توجه به فناوری یک یا دو دهه قبل از خود بوده است. آن فناوری‌ها شاید در زمان خود توجیه اقتصادی نداشته‌اند یا توجهی به آن‌ها نشده، اما در دهه‌های بعد توانسته‌اند منشأ یک تحول باشند و یا به سود آوری پایدار برسند.

فعالیت دانش بنیان شاید در مقاطع و سال‌های اولیه بازده آنچنانی نداشته باشد، اما چون این فعالیت‌ها نگاهی به آینده دارند، در آینده بسیار بارورتر می‌شوند؛ چون کشور ایران کشوری رو به توسعه هست، بنابراین افق‌هایی که برای اقتصادش پیش رو دارد افق‌هایی بزرگ و روشن هست، برای رسیدن به این افق‌ها باید به فعالیت‌های دانش بنیان توجه ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند در یک یا دو دهه آینده حرفی برای گفتن داشته و نتایج این تلاش‌ها را به شکلی ملموس‌تر ببیند (معمد زادگان، ۱۳۹۲).

باتوجه به آنچه بیان شد، ظرفیت‌های فراوانی در اقتصاد دانش بنیان وجود داشته که اگر بتوان شرایط تحقق آن را از طریق فراهم سازی ظرفیت‌های لازم و ایجاد زیر ساخت‌ها فراهم ساخت، می‌توان از این بستر بیشترین بهره‌گیری را نمود.

### ارتباط بازار سرمایه و شرکت‌های دانش بنیان

بازار سرمایه در کنار بازار پول و بازار اطمینان (بیمه)، اجزای بازار مالی هر کشور را تشکیل می‌دهند. در واقع بازار سرمایه به عنوان بازاری بلند مدت از نظر سررسید اوراق بهادار منتشر شده در آن به عنوان یکی از رکن‌های بازار مالی نقش بسزایی در بسیج امکانات مالی و سرمایه‌ای به منظور رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد و هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان نقش تأمین مالی اعتبارات مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را برعهده دارند (تاجیک، ۱۳۹۲).

بازار سرمایه دارای دو بخش اساسی است، بازار اولیه و بازار ثانویه. بازارهای مربوط به مطالبات مالی به تازگی انتشار یافته، بازارهای اولیه می‌باشند. بازارهای مربوط به مطالبات مالی استفاده شده، بازارهای ثانویه هستند. وجود یک بازار ثانویه کارا نقدینگی یک مطالبه مالی را افزایش می‌دهد؛ زیرا بازار ثانویه، تسویه حساب را تسهیل می‌نماید. مطالبات مالی هدف انتقال قدرت خرید از خریدار به فروشنده را برآورد می‌کنند. در بازار اولیه، انتقال بین

وام دهنده و وام گیرنده صورت می‌پذیرد. این انتقال، کل حجم اعتبارات را افزایش می‌دهد و می‌تواند به طور مثال، برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید به کار گرفته شود. برعکس، در بازارهای ثانویه مبادلات بین دو وام دهنده صورت می‌پذیرد. فعالیت بازار ثانویه نمی‌تواند افزایش خالص و مستقیمی در اعتبارات به وجود آورد. بورس اوراق بهادار به عنوان بازار ثانویه، از جمله ارکان اصلی بازار سرمایه است. در واقع بازار سرمایه از طریق ساز و کار بورس اوراق بهادار امکان پیوند بین دارندگان منابع مازاد و نیازمندان به منابع را فراهم می‌کند. بورس اوراق بهادار به عنوان بازاری سازمان یافته شناخته می‌شود. در واقع، شرکت‌هایی امکان پذیرش در بورس‌ها را دارند که از ثبات کافی برخوردار باشند، ساختارهای آن‌ها تثبیت شده و از بهره‌وری کافی برخوردار باشد، از طول عمر و سابقه عمل کرد کافی برخوردار و همچنین به اندازه کافی بزرگ باشند؛ زیرا تأمین مالی از طریق بورس‌ها دارای بالاترین کف سرمایه‌گذاری است. عرضه اوراق بهادار در بورس‌ها در حجم‌های بسیار بالایی انجام می‌شود که تضمین‌کننده نقد شوندگی آن اوراق در بورس می‌باشند. سرمایه‌گذارانی که از طریق بورس‌ها در کسب و کارها سرمایه‌گذاری می‌کنند تنها «ریسک‌های سیستماتیک» را می‌پذیرند و حاضر به پذیرش «ریسک‌های غیرسیستماتیک» نمی‌باشند. بنابراین، شرکت‌هایی امکان تأمین مالی از این طریق را دارند که ریسک‌های غیرسیستماتیک خود را به حد معقولی کاهش داده باشند. افق سرمایه‌گذاری این منبع تأمین سرمایه بلند مدت می‌باشد. این نوع تأمین مالی می‌تواند هم از نوع مشارکت در مالکیت و هم از نوع بدهی باشد (بت شکن و سیف‌الدینی، ۱۳۹۱). با این حال، در سال‌های اخیر با اهمیت یافتن مباحث اقتصاد دانش محور، توجه به بازار سرمایه به عنوان محور تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان بیش از

۱. ریسک سیستماتیک (Systematic Risk): عبارت است از نوسانات قیمت که به روند کلی بورس نسبت داده می‌شود و به ماهیت اوراق یا وضعیت اقتصادی انتشار دهنده آن مربوط نمی‌شود، بلکه متأثر از سیکل‌های تجاری، موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور و وضعیت اقتصاد جهانی است.
۲. ریسک‌های غیرسیستماتیک (Unliquidability Risk) آن قسمت از کل ریسک مجموعه سهام را که مختص یک شرکت و یا صنعت خاص است، نشان می‌دهند.

پیش مورد توجه قرار گرفت که این امر زمینه شکل گیری نوآوری‌هایی در بازارهای سرمایه کشورهای پیشرفته جهت حضور شرکت‌های دانش بنیان که از نظر ماهیت کاملاً با شرکت‌های سنتی متفاوت هستند شده است. از جمله این نوآوری، بحث سرمایه گذاری مخاطره آمیز می باشد که زمینه شکل گیری بورس سهام مخاطره آمیز (مانند بورس سهام مخاطره آمیز روسیه) و همچنین صندوق‌های سرمایه گذاری مخاطره آمیز را می توان نام برد. بررسی کشورهای مختلف نشان می دهد در بیش از ۲۴ کشور، تابلوها و بورس‌های جداگانه‌ای برای واحدهای کسب و کار کوچک و متوسط وجود دارد، اما تنها تعداد محدودی از این بازارها توانسته‌اند نقدینگی و سرمایه مورد نیاز رابه شکلی مطلوب، فراهم آورند (خواجه نصیری و دولو، ۱۳۸۶).

بازارهای خارج از بورس با توجه به ویژگی‌ها و مکانیزم‌های خاص خود معمولاً دارای شرایط آسان تری برای پذیرش شرکت‌ها و فراهم آوردن امکان معامله اوراق بهادار شرکت‌های دانش بنیان هستند. با توجه به این که حجم سرمایه گذاری در کسب و کارهایی که اوراق بهادارشان در بازارهای خارج از بورس پذیرش می شود هنوز آن قدر نیست که دارای تنخواه گردان بالایی باشند، بنابراین از سیستم‌های معاملاتی برپایه «بازار ساز» در این بازارها استفاده می شود. اشخاصی که از طریق این بازارها در کسب و کارهای نوپا سرمایه گذاری می کنند در مقایسه با سرمایه گذاران فعال در بورس‌ها، دارای ریسک پذیری بالایی بوده و متناسب با آن، بازده مورد انتظارشان نیز بالاتر می باشد. معمولاً شرکت‌های لیست شده در این بازارها شرکت‌های خوش آتیه و دارای توان رشد بالقوه بالایی می باشند.

کسب و کارها از طریق عرضه اوراق بهادارشان در بازارهای خارج از بورس می توانند به سرمایه گذاران زیادی دسترسی پیدا کنند و در نتیجه بتوانند حجم بالای سرمایه مورد نیاز خود

---

۱. بازار سازی به مفهوم استفاده از کلیه عوامل تکنیک‌ها و استراتژی‌ها جهت ایجاد و افزایش سهم بازار که از ۴ مدل محصول خوب، قیمت مناسب، توزیع به موقع و تبلیغ به جا پیروی می کند.

را تأمین نمایند. شرکت‌هایی که متقاضی پذیرش در بازارهای خارج از بورس هستند، نیازمند طول عمر بالایی نمی‌باشند، اما ساختارهای سازمانی و مدیریتی آن‌ها باید آماده و تثبیت شده باشد. افق سرمایه‌گذاری این منبع تأمین سرمایه بلند مدت می‌باشد و امکان جذب منابع مالی بلند مدت را برای کسب و کارها فراهم می‌کند. این نوع تأمین مالی می‌تواند هم از نوع مشارکت در مالکیت و هم از نوع بدهی باشد. شرکت‌های تأمین سرمایه در این نوع تأمین مالی نقش با اهمیتی را ایفا می‌کنند. با این حال، در ایران به تازگی مباحث سرمایه‌گذاری خطر پذیر در کشور مطرح شده است. در واقع، ساز و کار VC (سرمایه‌گذار خطر پذیر)، مدل جامعی است که با تجربه ۸ ساله مؤسسه توسعه فناوری نخبگان که خود یکی از سهام داران صندوق است، به صورت بومی به اجرا درآمده و ایجاد ۳۲ شرکت جدید، نتیجه این ساز و کار می‌باشد.

در واقع بحث تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان در کشورهای پیشرفته در قالب بازار سرمایه تعریف می‌گردد. دلیل این امر نیز کارا و عمیق بودن این بازارها در این کشورها می‌باشد. بازار سرمایه به دلیل داشتن تنوع در امر تجهیز و تخصیص و همچنین تنوع در فعالان بازار زمینه را برای گسترش و ترویج انواع روش‌های تأمین مالی برای شرکت‌ها با ویژگی‌های متفاوت فراهم می‌کند.

در ایران به دلیل محدود بودن و کوچک بودن بازار سرمایه هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ تنوع اوراق و نهادهای مالی، زمینه تکیه صرف بر این بازار برای تأمین مالی شرکت‌های مهمی همچون شرکت‌های دانش بنیان نمی‌تواند نتیجه مطلوبی در بر داشته باشد. در واقع، بازار سرمایه به دلیل داشتن ویژگی‌های منحصر بفردی همچون رتبه بندی اعتباری شرکت‌ها، مدیریت ریسک، شفافیت اطلاعات و... می‌تواند نقش تأثیر گذاری در توسعه و ترویج شرکت‌های دانش بنیان در کنار سایر نهادهای مالی داشته باشد.

همان‌طور که بیان گردید، اقتصاد دانش بنیان یک ضرورت برای پیشرفت و پیروزی رقابت اقتصادی برای هر کشوری می‌باشد. وقتی صحبت از اقتصاد دانش بنیان می‌شود در واقع نقطه انتهایی سیر دانش و علم در آن جامعه است، یعنی پرداختن به علم در جهت تبدیل آن به ثروت شدن و در نتیجه فراهم آوردن رفاه و آسایش برای آن جامعه. برای نیل به این هدف از

مراکز علمی تا کارخانه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی بایستی این زمینه را در خود برای تولید این نوع ثروت و ارائه آن در اقتصاد به منظور تولید ثروتی پایدار، ایجاد نمایند. از بخش‌های اقتصادی که در آن امکان ایجاد زمینه برای کمک به رسیدن به این هدف موجود است، بازار سرمایه می‌باشد، به طوری که علاوه بر این، می‌تواند راه را برای ارائه محصولات دانش بنیان در بازار هموار کند، سود ده بودن شرکت‌های دانش بنیان، باعث توسعه کمی و کیفی این بازار نیز می‌گردد.

### نتیجه گیری

بازار سرمایه کشور نشان می‌دهد که بورس در ایران مانند بسیاری دیگر از بخش‌های اقتصادی کشور ساختاری در حال توسعه دارد. مفهوم این واقعیت در کم توسعه یافتگی کیفی شاخص‌های بازار، وجود ریسک بالای سرمایه‌گذاری، کمبود شرکت‌های مشاوره و تحلیل‌گری مالی، ضعف نظام پاسخ‌گویی، همبستگی ضعیف بین بازار سرمایه و بدنه کلان اقتصاد و... نمود می‌یابند. با توجه به ضرورت اصلاح سیستم مالی کشور، شناخت مشکلات و معایب بازار سرمایه و راهکارهای اجرایی برای حل آن‌ها از جمله؛ ایجاد تنوع در ابزارهای مالی بورس، تهیه و تصویب قوانین و مقررات لازم به منظور جلوگیری از سوء استفاده از اطلاعات محرمانه، تاکید بر همگرایی بازارهای پول و سرمایه و... می‌تواند یک گام بزرگ در تحقق رشد اقتصادی باشد.

اقتصاد امروز کشورهای توسعه یافته در حال گذر از اقتصاد صنعتی به سمت اقتصاد دانش بنیان است. اقتصادی که علم و فناوری، نوآوری و کارآفرینی از مولفه‌های اصلی آن بوده و از آن‌ها به عنوان عوامل درون‌زا رشد اقتصادی یاد شده است. در این میان، آنچه که بستر اولیه شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان را فراهم می‌کند، ایده‌ها و طرح‌های نوآورانه و مبتنی بر دانش است. در ادامه، خلق ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان آنچه که نقش بسیار مهمی را به سمت تجاری سازی بر عهده دارد مسئله چگونگی تامین مالی صحیح و قابل اعتماد آن‌هاست. بازار سرمایه به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای متولی تامین مالی در کشور، باید ابزارها،

خرده نهادهای مناسب و مقررات لازم را جهت تامین مالی اصولی طرح‌های دانش بنیان برنامه ریزی و ارائه کند.

تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان در کشورهای پیشرفته در قالب بازار سرمایه تعریف می‌گردد. دلیل این امر نیز کارا و عمیق بودن این بازارها در این کشورها می‌باشد. در واقع، بازار سرمایه به دلیل داشتن ویژگی‌های منحصر بفردی همچون رتبه بندی اعتباری شرکت‌ها، مدیریت ریسک، شفافیت اطلاعات و... می‌تواند نقش تأثیر گذاری در توسعه و ترویج شرکت‌های دانش بنیان در کنار سایر نهادهای مالی داشته باشد. در ایران به دلیل محدود بودن و کوچک بودن بازار سرمایه هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ تنوع اوراق و نهادهای مالی، زمینه تکیه صرف بر این بازار برای تأمین مالی شرکت‌های مهمی همچون شرکت‌های دانش بنیان نمی‌تواند نتیجه مطلوبی در بر داشته باشد. از این رو ضروری است به توسعه بازار سرمایه در ابعاد مختلف آن با توجه به ظرفیت استفاده از این بازار در تامین مالی ایده‌ها و طرح‌های مبتنی بر دانش بر اساس ظرفیت‌های موجود بالقوه و بالفعل پرداخته شود.

## فهرست منابع

- اسکو، وحید؛ سلطانی، مهدی. (۱۳۹۱). راهکارهای افزایش مشارکت مردم در بازار سرمایه کشور. کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری.
- انتظاریان، ناهید؛ سنجری، محمد. (۱۳۹۲). تاثیر بازار سرمایه بر بهبود محیط کسب و کار کشور. اولین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب و کار.
- بت شکن، محمدهاشم؛ جلال سیف الدینی (۱۳۹۱). کسب و کارها و منابع تأمین مالی متناسب با آن‌ها. کارآفرینان. ۸۴.
- تاجیک، مهدی. (۱۳۹۲). گزارش نظر سنجی ماهانه از هیات نمایندگی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- جباری پور هریس، مجتبی. (۱۳۹۸). تبیین نقش و جایگاه شرکت‌های دانش بنیان در توسعه اقتصاد مقاومتی.



- خواجه نصیری، محمود رضا؛ مریم دولو. (۱۳۸۶). بورس سهام شرکت‌های دانش بنیان (مطالعه موردی روسیه). پارک فناوری پردیس. ش ۱۴.
- رمضان پور، اسماعیل؛ ایاغ، زهرا؛ چهره، مریم. (۱۳۹۱). بررسی نقش اقتصاد دانش بنیان و بهروری در اقتصاد مقاومتی. مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. دانشگاه گیلان.
- سالم، علی اصغر. (۱۳۹۷). ارزیابی تاثیرگذاری اقتصاد دانش بنیان بر رشد اقتصادی در چارچوب مدل رشد درون زای گسترش یافته. پژوهشنامه اقتصادی.
- گرچی زاده، عطیه؛ شریفی رنانی، حسین. (۱۳۹۳). نقش اقتصاد دانش بنیان در کنترل تورم. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی. دوره ۸، شماره ۲۶.
- معمد زادگان، علی. (۱۳۹۲). ویژگی‌های فعالیت‌های اقتصادی دانش بنیان. مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
- میر امینی، سید روح الله. (۱۳۹۵). صندوق پژوهش و فناوری غیر دولتی؛ گامی برای توسعه فعالیت شرکت‌های دانش بنیان. پارک فناوری پردیس.
- ناظمان، حمید علیرضا اسلامی فر. (۱۳۸۹). اقتصاد دانش بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی) دانش و توسعه سال هجدهم.
- نظرپور، محمدنقی؛ لطفی نیا، یحیی. (۱۳۹۳). الگوی مطلوب تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان در چارچوب اقتصاد مقاومتی.
- نوراللهی، علیرضا؛ یارمحمدی، رضا؛ رحمتی، محمد. (۱۳۹۴). نقش بازار سرمایه در تأمین مالی ایده‌ها و طرح‌های دانش بنیان. همایش ملی اقتصاد مقاومتی دانش بنیان.
- Chai, Doff & Ghaghara, p (2010). *New evidence on the relation between stock liquidity and measures of trading activity international review of financial analysis*, 19: 181-192.
- Guillemot, (2010) P Assessing the Economic Vulnerability of Small Island Developing States and the Least Developed Countries”, *The Journal of Development Studies*, 46, issue 5.
- Mathai, Hamid & Agarwal, Smite (2006). *Stock Market and Economic Growth, Evidence from Developing countries. Milwaukee: university of Wisconsin.*
- N IA, .E, J. (2003). *Regional Stock Exchange – A Viable for Wales and other UK region?* Retrieved May 30, 200H, from:
- Over Myer, K, *Economic Vulnerability and Resilience (2012.): lesson from eastern Caribbean Small Island, thesis submitted to MA in public Policy, Central European University, Department of Public Policy.*

## جایگاه و نقش گردشگری مذهبی در توسعه اقتصادی ایران

### عاطفه اکبری کجانی\*

#### چکیده

یکی از بزرگ‌ترین منابع اقتصادی در کشورهای مختلف که در کسب درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی، عدم وابستگی به اقتصاد تک محصولی و... موثر بوده، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فراوان صنعت گردشگری است. گردشگری مذهبی با همه اجزا و گونه‌های مختلف، به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی بارز آن توانسته است در متن گردشگری جهانی جای گیرد. به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فرا گرفته است. پژوهش حاضر، با هدف بررسی جایگاه و نقش گردشگری مذهبی در توسعه اقتصادی ایران با روش، توصیفی - تحلیلی با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای فرضیه « اثرات گردشگری مذهبی بر توسعه اقتصاد ایران » بررسی می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از جمله مصادیق گردشگری، که کشور می‌تواند در آن رشد و پویایی قابل توجهی داشته باشد، استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های مرتبط با گردشگری مذهبی است. گردشگری مذهبی می‌تواند در مسیر رهایی از اقتصاد نفتی و کسب درآمد ارزی و رفع مشکلات اشتغال و تولید ملی تاثیر به سزایی داشته باشد.

#### کلید واژه‌ها

گردشگری مذهبی، توسعه اقتصادی، آثار مستقیم و غیر مستقیم.

## مقدمه

از جمله مهم‌ترین علل ضعف اقتصاد ایران و کمبود ذخایر ارزی در کشور، وابستگی اقتصاد به یک منبع ارزآور یعنی فروش نفت، آن هم به صورت خام فروشی است. همین عامل موجب می‌شود که با هر شوک داخلی و خارجی، نرخ دلار مستقیماً تحت تاثیر قرار بگیرد. ایران از جمله کشورهایی است که اقتصاد آن به شدت وابسته به نفت است. خروج اقتصاد ایران از وابستگی شدید به منابع نفتی و فعال شدن سایر بخش‌های درآمد زای کشور از جمله صنعت گردشگری، می‌تواند کمک شایانی برای اصلاح ساختار اقتصاد تک محصولی ایران و نیز مدیریت نرخ ارز و تحصیل منابع ارزی به عنوان عاملی مهم در ساماندهی اقتصاد کشور باشد. از سوی دیگر، به علت وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بی‌شمار گردشگری مذهبی و اهمیت بنیان‌های مذهبی و دینی در ایران، ضروری به نظر می‌رسد تا تأثیر توسعه گردشگری مذهبی بر اقتصاد ایران بررسی شود و نقش گردشگری مذهبی به عنوان یکی از انواع گردشگری در جایگزینی به جای نفت، مشخص گردد تا بتوان تأثیر و جایگاه این عامل مهم اقتصادی را که در بسیاری از کشورها نقش مهمی را در اقتصاد ایفا می‌کند، در ایران هم ارتقا داد.

صنعت گردشگری امروزه در جهان یکی از بزرگ‌ترین منابع اقتصادی به شمار می‌رود و در کسب درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی در کشورها نقش به‌سزایی دارد. این صنعت با قرار دادن یک منبع درآمد ارزی مناسب و قابل ملاحظه در اختیار هر کشور، به عنوان یکی از صنایع مهم و پردرآمد نقش مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی کشورها از طریق تحصیل ارزهای خارجی، افزایش اشتغال، تحریک اقتصاد ملی و تغییر مثبت دیگر مؤلفه‌های اقتصادی ایفا می‌کند. در دهه‌های گذشته، صنعت گردشگری در جهان رشد با ثباتی را تجربه کرده است و با افزایش تنوع به یکی از بخش‌های اقتصادی که سریع‌ترین رشد را داشته، تبدیل شده است (مطرانلویی، ۱۳۹۴، ص ۳).

گردشگری به عنوان یک صنعت چند وجهی، متشکل از انواع و اجزا گوناگون است.

مهم‌ترین عواملی که بر اساس آن‌ها انواع مختلفی از گردشگری تعریف و طبقه بندی می‌شود، عبارت‌اند از زمان، مکان، تابعیت و خصوصاً انگیزه سفر بر اساس انگیزه، گردشگری به شاخه‌های استراحتی، تفریحی، درمانی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و جز این‌ها تقسیم می‌شود. از میان همه این اشکال و اقسام گردشگری، گردشگری مذهبی در برخی از کشورها دارای اهمیت بیشتری است (فیروزجانیان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۴).

گردشگری مذهبی در زمره قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال سراسر جهان قرار دارد که دشواری‌های اقلیمی یا بدی آب و هوا نیز مانع آن نمی‌شود و قدمت آن به قدمت خود فرهنگ دینی می‌رسد. مدارک و مستندات تاریخی موجود از تمدن‌های عظیم بین‌النهرین و مصر و دیگر سایر آثار و قرائن بر جای مانده از روزگاران پیش از تاریخ، از دیرباز از سفرهای مذهبی هزاران نفر از انسان‌ها حکایت می‌کنند، به طوری که توده‌های مترکم انسانی از هزاران سال قبل به منظور انجام فرایض دینی هر رنجی را بر خود هموار می‌کردند و راهی سفرهای دور و دراز می‌شدند. در واقع، زیارت و گردشگری مذهبی ریشه در باورها و اعتقادات دینی - مذهبی دارد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۷۸).

گردشگری مذهبی که ریشه در باورها و اعتقادات دینی - مذهبی دارد، به مفهوم تخصصی خود فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت، عامل مهم جغرافیای انسانی در شکل‌گیری مسافرت، ایجاد تمرکز و چشم‌انداز فرهنگی است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹). در گردشگری مذهبی، باورهای دینی به عنوان هدف اصلی فعالیت گردشگری شناخته می‌شود (ژانگ و هوآنگ، ۲۰۰۷). گردشگری مذهبی امروزه، در راستای کسب درآمد و همچنین جهت حفظ میراث فرهنگی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است. در بعد داخلی توسعه گردشگری مذهبی می‌تواند در راستای توسعه منطقه‌ای، افزایش اشتغال و در بعد ملی افزایش درآمد و حفظ میراث فرهنگی را به دنبال داشته باشد. از دیدگاه محققان عوامل

- 
1. Religious tourism
  2. Zhang and Huang

مختلفی در انجام گردشگری مذهبی توسط مردم مؤثر می باشد که از مهم ترین آن ها می توان به کسب تجربه معنوی اشاره کرد (اولسن، ۲۰۰۶؛ شارپ لی، دبراه، ۲۰۰۹). گردشگری مذهبی با همه اجزا و گونه های مختلف، به سبب ویژگی های ساختاری و کارکردی بارز آن، توانسته است در متن گردشگری جهانی جای گیرد، به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فرا گرفته است (سانتوس، ۲۰۰۴). با توجه به اهمیت و ضرورت بهره گیری از ظرفیت های صنعت گردشگری و به خصوص گردشگری مذهبی، در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای، ضمن بررسی اهمیت گردشگری مذهبی، نقش آن در توسعه اقتصاد ایران بررسی خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

سیر و سفر و گردشگری پیشینه تاریخی کهنی دارد، اما مقوله گردشگری به عنوان یک صنعت نوپا و مؤثر در اقتصاد ملی و بین المللی موضوعی است که امروزه به ویژه در قرن حاضر، توجه صاحب نظران و برنامه ریزان را به خود معطوف کرده است و به تدریج به مرحله فنی، اقتصادی و اجتماعی کنونی رسیده است. یکی از مهم ترین انگیزه های گردشگری در جهان مسافرت های زیارتی است. مطالعات مختلفی در این زمینه انجام شده است که مهم ترین آن ها به شرح زیر می باشد.

احمدی شاپور آبادی و سبز آبادی، در مقاله «تحلیلی بر ظرفیت های توسعه گردشگری مذهبی - فرهنگی کلان شهر قم» به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ترکیبی از روش های تحقیق اسنادی، کتابخانه ای و میدانی به بررسی نقاط ضعف و قوت و نقاط تهدید و فرصت توسعه گردشگری در شهر قم و ارائه راهبردهایی جهت غلبه بر موانع و چالش های

- 
1. Sharpley and Deborah
  2. Santos

توسعه گردشگری پرداخته و نتایج این پژوهش حاکی از آن است که استفاده بهینه از جاذبه‌های مذهبی، تاریخی و فرهنگی شهر قم در کنار سود آوری اقتصادی به ترویج ارزش‌های اسلامی و معرفی فرهنگ ناب اسلامی - ایرانی می‌انجامد.

فیروزجائیان و همکاران، در مقاله «تحلیل کارکردی گردشگری مذهبی در ایران» با استفاده از روش فرا تحلیل و با تاکید بر نظریه کارکردگرایی پارسونز فرضیه اثبات وجود اثرات مثبت و منفی در گردشگری مذهبی را بررسی کرده و نتایج تحقیق بیانگر آن است که در خرده نظام زیستی، گردشگری مذهبی موجب بهبود زیرساخت‌های اساسی در منطقه، ایجاد اشتغال، افزایش درآمدها و بهبود اقتصادی شهرهای پذیرای گردشگری می‌شود. در خرده نظام شخصیتی، تاثیر گردشگری مذهبی بر برنامه‌ها و سیاست‌ها به صورت دو جانبه است. همچنین گردشگری مذهبی بر خرده نظام اجتماعی با افزایش کیفیت زندگی، بالا رفتن امکانات رفاهی و افزایش انسجام اجتماعی تاثیرگذار است و در نهایت در خرده نظام فرهنگی، گردشگری مذهبی تاثیر خود را با پدیده انتقال و اشتراک فرهنگی و حفظ ارزش‌ها نشان می‌دهد.

جعفری صمیمی و خیره، در مقاله «اثر گردشگری مذهبی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران» به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بر اساس اطلاعات مربوط به حساب‌های منطقه‌ای استان‌ها، به ارزیابی مزیت نسبی ارزش افزوده گردشگری مذهبی در استان‌های ایران و مقایسه بین استان‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد استان‌های قم، سیستان و بلوچستان، یزد، کردستان، زنجان، ایلام و خراسان رضوی بیشترین شاخص مورد نظر را در طول برنامه چهارم توسعه به خود اختصاص داده‌اند. همچنین نتایج برآورد بر اساس رگرسیون داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی اثر مزیت نسبی ارزش افزوده مذهبی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. محمودی و همکاران، در مقاله «واکاوی اثرات گردشگری مذهبی بر توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی» به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از نرم افزار «SPSS» و «GIS» به بررسی این فرضیه پرداخته است. گردشگری مذهبی موجب رونق اقتصادی روستاهای مورد مطالعه می‌شود. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که توسعه گردشگری مذهبی در روستاهای دارای بقاع متبرکه

در ایجاد شغل، افزایش درآمد و رونق اقتصادی تاثیر مثبتی داشته است. خلیلوند و کرمی، در مقاله «تحلیلی بر نقش گردشگری مذهبی در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر مهران)» به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از تحلیل رگرسیونی و به روش پرسش نامه‌ای، فرضیه تاثیر پذیری سه شاخص اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی از توسعه گردشگری در شهر مهران بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق، حاکی از آن است که گردشگری مذهبی به ترتیب بر شاخص‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی اثر گذار است.

ذال و همکاران، در مقاله «اثرات گردشگری مذهبی بر فضاهای روستایی (مورد: روستای اوجی آباد در شهرستان آمل)» با روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات اسنادی و بررسی‌های میدانی و روش توصیفی - تحلیلی این دو فرضیه را مورد پژوهش قرار داده‌اند. تاثیر گردشگری مذهبی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی روستای اوجی آباد یکسان نیست. گردشگری مذهبی بیشترین تاثیر را بر بعد اقتصادی جامعه محلی داشته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گردشگری مذهبی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی روستای اوجی آباد اثر یکسانی نداشته و از این ابعاد، بعد اقتصادی بیشترین تاثیر را از پدیده گردشگری پذیرفته است.

### اثرات گردشگری بر اقتصاد

صنعت گردشگری با قرار دادن منبع درآمد ارزی مناسب قابل ملاحظه‌ای در اختیار یک کشور، به عنوان یکی از صنایع مهم و پر درآمد نقش بسیار مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی از طریق تولید ارزهای خارجی، افزایش اشتغال، تحریک اقتصاد محلی و... ایفا می‌کند (schevyens and momsen 2008: 491-510). در یک تقسیم بندی کلی، آثار اقتصادی گردشگری را می‌توان شامل اثرات مستقیم و غیر مستقیم دانست. مراد از آثار مستقیم، انتقال پول‌هایی است که گردشگران مستقیماً صرف خرید کالاها و خدمات می‌کنند و به ازای خرید کالا و خدمات به فروشندگان ایرانی می‌پردازند (اله‌وردی و همکاران، ۱۳۹۰). افزون بر این، مخرجی

که گردشگران در داخل ایران متحمل می‌شوند، از طریق گردش وجوه مزبور در سیستم اقتصادی کشور تاثیر غیر مستقیم بر اقتصاد داخلی دارند (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲-۱۴۴).

## ۱. اثرات مستقیم

صنعت گردشگری زیر مجموعه صنایع خدماتی هر کشور است. بنابراین، از آنجا که خدمات یکی از مواردی است که تولید و یا ارزش افزوده آن در محاسبه تولید ناخالص داخلی یک کشور لحاظ می‌شود، در نتیجه، درآمد حاصل از صنعت گردشگری در تولید ناخالص داخلی به حساب می‌آید و به صورت مستقیم بر رشد اقتصادی کشور مقصد اثر گذار است (WTO). آثار مستقیم صنعت گردشگری از مخارج اولیه گردشگران به ازای دریافت کالاهای مورد نیاز و خدمات مصرفی ایجاد می‌شود. این آثار باعث ایجاد اشتغال مستقیم و کسب درآمدهای ارزی از طریق تولید و فروش کالاها و خدمات به گردشگران می‌گردد (باجر و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲).

ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، ارز آوری، ارتقای سطح زندگی مردم، فروش خدمات و کسب درآمد از جمله مزایای مستقیم حاصل از گردشگری است. گردشگری شدیداً بر اشتغال اثر می‌گذارد و می‌تواند به صورت یک بخش فعال اقتصادی از عامل کار، بیشتر از سایر عوامل استفاده کند و موجب بالا رفتن سطح اشتغال گردد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵، ص ۷۸).

## ۲. اثرات غیر مستقیم

صنعت گردشگری به صورت غیر مستقیم نیز بر رشد اقتصادی اثر گذار است. بدین ترتیب که گردشگری به دلیل تعامل زیادی که با دیگر فعالیت‌های اقتصادی دارد، موجب رشد و توسعه سایر فعالیت‌های اقتصادی که به صنعت گردشگری کالا و یا خدمات ارائه می‌دهند و یا آن را مصرف می‌کنند، می‌شود و این صنایع نیز همراه با رشد صنعت گردشگری، رشد خواهند کرد. به تعبیر دیگر، گردشگری می‌تواند به عنوان موتور محرکی برای رشد اقتصادی عمل نماید که سایر فعالیت‌ها را همراه خود رو به جلو حرکت دهد (ضرونی و همکاران، ۱۳۹۶). از



مهم‌ترین مصادیق تاثیر غیر مستقیم صنعت گردشگری بر اقتصاد می‌توان از تاثیر آن بر فعالیت‌های ساختمانی، صنایع دستی و هنری، کشاورزی، باغداری، ماهیگیری، خدمات و کالاهای مصرفی، توسعه و بهبود تجهیزات زیربنایی مانند جاده‌ها، خطوط ارتباطی و سیستم‌های حمل و نقل نام برد (الوانی و پیروزبخت، ۲۰۰۶، ص ۱۲۳). هنگامی که گردشگر خارجی در ایران برای رفع نیازهای خود هزینه می‌کند پول‌هایی که او خرج می‌کند علاوه بر این که تاثیر مستقیمی بر معامله گران با او می‌گذارد، بر نظام اقتصادی کشور میزبان هم اثرات مثبتی را اعمال می‌کند. مثلاً یک گردشگر خارجی، با ورود خود به یک ناحیه و بازدید از آثار تاریخی یا طبیعی یا مذهبی، درآمد ایجاد می‌کند و این درآمد، بودجه مورد نیاز را برای نگهداری و بازسازی آن محیط یا مکان تاریخی فراهم می‌سازد. از جمله آثار مثبت گردشگری ایجاد تسهیلات و امکانات مختلفی نظیر رستوران‌ها، هتل، درمانگاه و مکان‌های تفریحی است که علاوه بر گردشگران خارجی، مردم کشور میزبان نیز از آن بهره می‌برند (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۹۳).

### گردشگری و توسعه اقتصادی

مفهوم توسعه، علاوه بر وضعیت اقتصادی جوامع، میزان نابرابری، وضعیت نیروی انسانی و وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه را هم مد نظر قرار می‌دهد. از این رو، وقتی کشوری توسعه یافته تلقی می‌شود که همه ابعاد مختلف جامعه با هماهنگی لازم با هم ارتقا پیدا کند و در عین حال نیز عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در جامعه تحقق یابد. در واقع، مفهوم توسعه، از قوه به فعل رسیدن هماهنگ توانایی‌های مختلف جامعه را نشان می‌دهد و متکی بر رهیافتی نظام وار از جامعه است. صیامی ویژگی‌های لازم جهت توسعه را هشت تا می‌شمارد که عبارتند از سیر صعودی گذار، تغییرات اساسی در ساختارهای کلی جامعه، بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و معیشت عامه مردم، پیشرفت علم و تکنولوژی، استفاده از فن‌آوری مدرن روز در فعالیت‌های تولیدی و صنعتی، ایجاد نهادهای مناسب، برای جهت بخشیدن به فرایند توسعه به منظور نیازهای جامعه، همکاری همراه با آگاهی توده مردم در

فرآیند درازمدت توسعه و تغییر اوضاع اقتصادی و تولیدی جامعه از مرحله اقتصاد و معیشتی به اقتصاد تجاری و بین المللی (صیامی، ۱۳۸۱). ابعاد مختلف گردشگری از طریق زیرساخت هایی که در زمینه های مختلف توسعه ایجاد می کند می تواند بر توسعه اقتصادی کشور تاثیر بگذارد که برخی از ابعاد به شرح زیر می باشد.

۱. توسعه اقتصادی. توسعه اقتصادی فرایندی است، که در طی آن، شالوده های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می شود. به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری های اقتصادی و تغییراتی در زمینه های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. امروزه توسعه اقتصادی تنها در چارچوب تئوری خالص اقتصادی مورد توجه نیست، بلکه بنا به گفته «میردال»، رشد و توسعه اقتصادی یک مسأله اجتماعی - سیاسی و فرهنگی است (نظریور، ۱۳۸۳). البته بین رشد و توسعه اقتصادی، تفاوت وجود دارد. رشد اقتصادی صرفاً بیان کننده افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی در یک جامعه و بیشتر متکی به ارقام کمی است، اما توسعه اقتصادی، فرایند پیچیده تری است که به مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک تر است تا مفهوم رشد اقتصادی.

۲. توسعه اجتماعی. این نوع توسعه با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه، پیوندی تنگاتنگ داشته و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت می باشد.

۳. توسعه سیاسی. توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن شکل و مشارکت سیاسی فراهم می کند و حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است.

۴. توسعه انسانی. توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات بشر افزایش می یابد. این نوع توسعه که مردم را در محور فرآیند توسعه قرار می دهد و نه صرفاً ازدیاد ثروت و درآمد را، عناصری همچون برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده و فرصت داشتن برای دستیابی به نقش خلاق و سازنده را در بر می گیرد. البته تأکید این نوع توسعه، بر روی شاخص طول عمر، سطح دانش و سطح معاش آبرومند می باشد (ازکیا، ۱۳۸۰).

۵. توسعه فرهنگی. این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ از طرف یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه، چون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد. بر اساس این توسعه، تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها پدید می‌آید که قابلیت این فرایند در ارتباط مستمر با ابعاد دیگر قرار داشته و در کنش و واکنش و تأثیر و تأثر متقابل، یکدیگر را کامل و یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آورند (نظریور، ۱۳۸۳).

### مفهوم گردشگری مذهبی و اهمیت آن

گردشگری به علت خصلت بین رشته‌ای خود، قابلیت نگرش‌های متفاوت را داراست و از ابعاد مختلف می‌توان بدان نگریست. از این رو، تعاریف متعددی از گردشگری ارائه گردیده است. در تعاریف اولیه گردشگری، بیشتر بر بعد فاصله تأکید می‌شد و گردشگران بر مبنای فاصله‌ای که از محل سکونت خود داشتند، طبقه بندی می‌شدند (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۹۳، ص ۱۳). بر طبق قابل قبول‌ترین تعریف، گردشگری مجموع پدیده‌ها و ارتباطات ناشی از کنش متقابل میان گردشگران و سرمایه، دولت‌ها و جوامع میزبان، دانشگاه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی، در فرایند جذب، حمل و نقل، پذیرایی و کنترل گردشگران و دیگر بازدید کنندگان است (warver, 2000, p. 3).

سازمان جهانی گردشگری با توجه به تمامی تعاریف گردشگری که تا قبل از سال ۱۹۹۴ میلادی ارائه شده بودند، در سال ۱۹۹۵ تعریفی نهایی ارائه کرده است. «مجموعه فعالیت‌های فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می‌کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است و البته که اهدافی نظیر اشتغال و کسب درآمد شامل آن نمی‌شود». همه کسانی که مشمول این تعریف هستند، بر طبق استانداردهای سازمان جهانی گردشگری، گردشگر به شمار می‌روند (حیدری چیا، ۱۳۸۹).

گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال حاضر در سراسر جهان است (shiner, 2004, p. 2). این گردشگری به عنوان یکی از اشکال عمده گردشگری، عبارت است از دیدار از اماکن مذهبی و انجام دادن فرائض دینی و مناسک مذهبی (حیدری چپانه، ۱۳۸۷، ص ۸۵)، که در زبان متون دینی و فرهنگ مذهبی به عنوان «زیارت» شناخته می‌شود. از ویژگی این نوع گردشگری آن است که بر خلاف سایر انواع گردشگری تکرارپذیر است (کریر، ۲۰۱۰، ص ۱۵۵).

گردشگران مذهبی ممکن است بارها به زیارت اماکن مقدس بروند و یکبار رفتن به این اماکن آن‌ها را از زیارت مکرر آن‌ها باز نمی‌دارد (فیض‌آبادی و وزیر محبوب، ۱۳۹۰، ص ۲). در این شکل از انواع گردشگری معتقدات مذهبی بر موانع آب و هوایی غلبه می‌کند و حتی تغییر فصل و تحولات گوناگون آب و هوایی نمی‌تواند از تعداد گردشگران مذهبی و بازدید از شهرها و مراکز مذهبی بکاهد (mayer, 2004, p. 4). معتقدات مذهبی، به عنوان عامل بسیار تاثیر گذار در ایجاد مراکز شهری ایفای نقش کرده و شهرهایی با کارکرد مذهبی شکل گرفته‌اند که این نوع شهرها، معمولاً در اطراف معابد و بقاع متبرکه به وجود آمده‌اند (بدری و طیبی، ۱۳۹۱، ص ۳).

عبارت دیدار از اماکن مذهبی که در تعریف گردشگری مذهبی گفته شد، می‌تواند افزون بر زیارت دینی، شامل دیدار گردشگرانی دیگر که فاقد انگیزه‌های دینی و وابستگی‌های مذهبی به این اماکن هستند یا به دین و مذهبی دیگر تعلق دارند نیز بشود. مانند مسیحیانی که از کشورهای دیگر برای بازدید اماکن اسلامی از قبیل مساجد و معابد مسلمانان به ایران سفر می‌کنند. جاذبه‌های مذهبی، زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسه هر ساله تعداد زیادی از جهانگردان را به سوی خود جذب می‌کنند و مردم از نقاط مختلف جهان با توجه به مذهبی که دارند به مکان‌های گوناگون جهت مقاصد زیارتی سفر می‌کنند.

گردشگری مذهبی می‌تواند آرامش بیشتری به انسان مدرن امروزی هدیه دهد و نقش تسکین بخشی ایفا کند (کرزینک، ۲۰۱۶، ص ۴۴). بر این اساس، گردشگری مذهبی به مفهوم عام خود هم شامل زیارت و انجام دادن مراسم مذهبی است و هم دیدار از اماکن مذهبی با انگیزه‌های غیردینی را در بر می‌گیرد.

## وضعیت گردشگری مذهبی در ایران

کشور ایران به دلیل برخورداری از تمدنی کهن و حضور پیروان ادیان مختلف دارای اماکن متعدد و بسیار متنوعی است. به گزارش سازمان یونسکو، ایران از نظر وجود آثار تاریخی و فرهنگی در میان ۱۰ کشور نخست جهان جای دارد و از منظر جاذبه‌های اکوتوریستی و تنوع اقلیمی هم جزو ۵ کشور برتر دنیاست. بر اساس آمارهای موجود از مجموع نزدیک به ۹ هزار مکان مذهبی در نقاط مختلف کشور، ۵ هزار و ۸۰۰ بقعه متبرکه به عنوان آرامگاه‌های امامزادگان ثبت شده، ۱۲۰۰ بقعه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و بیش از ۳۰۰۰ هزار مکان مذهبی مقدس ثبت شده شامل حسینیه‌ها، مساجد، مدارس مذهبی و حوزه علمیه، کلیسا، کنیسه، آتشگاه و نیایشگاه شناسایی شده است (سلطان مرادی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). از سوی دیگر دین اکثریت مردم در ایران اسلام است. در دین اسلام تاکید فراوانی به سفر شده است و اسلام، گردشگری را با هدف سودمندی برای انسان تشویق نموده است.

به لحاظ موقعیت فرهنگی - مذهبی خاص ایران در میان کشورهای دیگر، گردشگری مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در کشور دارد. با این وجود، گردشگری مذهبی در ایران با وجود ۸ هزار و ۹۱۹ مکان مذهبی مقدس، هنوز فاقد ساماندهی تخصصی و متمرکز بوده و این وضعیت نابسامان حتی در شهرهای مهمی چون قم و مشهد نیز مشاهده می‌شود. این در حالی است که از این تعداد، دست کم ۴ هزار و ۳۱۹ اثر در زمره آثار ثبت شده در فهرست میراث ملی نیز قرار دارند و علاوه بر داشتن جاذبه زیارتی دارای جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی هم هستند (آقاجانی و فراهانی راد، ۱۳۹۴).

## ابعاد گردشگری مذهبی

گردشگری مذهبی را می‌توان از ابعاد مختلف به گونه‌هایی تقسیم کرد. مثلاً برخی محققان جهانگردان مذهبی را بر دو دسته شمردند. دسته اول، کسانی که از اماکن مقدسه دین خود بازدید می‌کنند و گروه دوم کسانی که از اماکن مقدسه سایر ادیان دیدن می‌کنند (رحیم پور، ۱۳۷۹، ص ۱۴). شماری دیگر بر آنند که گردشگران مذهبی را می‌توان به این دو گروه تقسیم کرد. یکی زائران یا

کسانی که انگیزه آن‌ها از مسافرت فقط انجام امور مذهبی است و زمان و مدت اقامتشان تابع اوقات فراغت نیست. گروه دوم گردشگران مذهبی که ضمن انجام زیارت و شرکت در مراسم مذهبی از مکان‌های دیگر گردشگری اعم از زیارتی و غیر زیارتی نیز دیدن می‌کنند و یا به عبارتی اهداف مسافرت آن‌ها چند منظوره با اولویت زیارت است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۴). در یک تقسیم بندی دیگر از گردشگری مذهبی که مبتنی بر تعریف عام و گسترده گردشگری مذهبی است، آن را از نظر اهداف و انگیزه‌های سفر به سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند:

۱. سفر به منظور بازدید از مراکز مذهبی و زیارتی همچون مساجد، کلیساها، معابد، صومعه‌ها، آرامگاه‌ها، امام زاده‌ها... که این نوع سفر در اسلام به دو دسته سفرهای عبادی و زیارتی و سفرهای تبلیغی تقسیم می‌گردد. سفرهای عبادی و زیارتی شامل سفر برای زیارت خانه خدا (سفر حج)، زیارت اماکن و بقاع متبرکه، زیارت آرامگاه‌ها و قبور، سفر برای صله ارحام و دیدار از خویشان و دوستان و عیادت بیماران، سفر برای انجام کارهای خیر و مطالعه بعثت انبیاء و پیامبران، سفر برای کمک به مستمندان و رسیدگی به ایتم و نیازمندان می‌شود و سفرهای تبلیغی شامل تبلیغ دین اسلام، سفر برای ارشاد و هدایت مردم می‌شود.
۲. سفر به منظور شرکت در کنفرانس‌ها، جلسات و جشن‌های مذهبی.
۳. سفر به منظور بازدید از آثار تاریخی و معماری اماکن مذهبی و زیارتی (Rinsched, 1992).

### راهکارهای توسعه گردشگری مذهبی

برای آن که گردشگری مذهبی بتواند در اقتصاد شهرهای زیارتی و در نتیجه در اقتصاد کلان اثر مثبت داشته باشد، لازم است موانعی که پیش روی توسعه گردشگری مذهبی قرار دارند، برطرف شوند. از این رو، برای رفع موانع شکل‌گیری و توسعه گردشگری مذهبی باید به ارائه راهکارهایی مطلوب پرداخت که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند مواردی که در زیر به آن‌ها پرداخته شده است.

## ۱. تسهیلات قانونی و حقوقی

بدون تردید دولت نقش اساسی و اصلی را در توسعه گردشگری مذهبی ایفا می‌کند. استفاده از کل ظرفیت منابع دولتی در امر سرمایه گذاری، تصویب قوانین و مقررات مناسب برای حضور گردشگران خارجی و تسهیل در امر مجوزهای لازم از دستگاه‌های دولتی می‌تواند موجب رونق گردشگری مذهبی شود (محمدی و لطفی، ۱۳۹۳، ص ۷). دولت با اختصاص ردیف بودجه‌ای خاص برای شهرداری‌های شهرهای زیارتی، می‌تواند کمبود درآمد شهرداری‌های این گونه شهرها را برای ارائه خدمات بهتر جبران کند.

همچنین، به منظور برقراری ارتباط دوستانه با کشورهای اطراف و منطقه خاورمیانه که مبدأ حرکت بیشتر گردشگران مذهبی ایران است، باید یک مکان آرام و قابل اطمینان برای این گردشگران در مقصد ایجاد شود. همکاری بیشتر با کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه و ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌های مشترک با آن‌ها به منظور توسعه گردشگری مذهبی و فرهنگی، اهمیت به سزایی دارد. توجه و اهتمام سازمان همکاری اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی سابق) به بخش‌های مختلف از جمله، بخش رسانه‌ای در جهت خنثی کردن تبلیغات منفی کشورهای متعارض نیز می‌تواند کمک شایانی در جهت بهبود وضعیت گردشگری مذهبی باشد.

## ۲. تسهیلات رفاهی

این تسهیلات در این محورها می‌تواند صورت گیرد:

۱. ایجاد هتل‌ها و مراکز اقامتی و گردشگری مناسب با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی.
۲. بازسازی و تجهیز فرودگاه‌های بین‌المللی کشور به فناوری‌های نوین هوایی.
۳. تسهیلات راحت جهت تمديد اقامت گردشگران در حوزه مذهبی.
۴. برقراری پروازهای مستقیم به شهرهای مذهبی از کشورهای مبدا به داخل کشور.

### ۳. تسهیلات فرهنگی

۱. استفاده از هنر و صنایع دستی با مضمون‌های مذهبی و دینی.
۲. فرهنگ سازی مناسب و آموزش به شهروندان داخل در جهت تعامل بهتر با گردشگران خارجی.
۳. برپایی فستیوال‌ها و رویدادهای فرهنگی و مذهبی مناسب با ایام برگزاری و حضور گردشگران خارجی در آن‌ها.
۴. معرفی شهرهای هدف گردشگری از طریق محصولات فرهنگی و پوستر و سی دی.
۵. آموزش زبان‌های خارجی خصوصاً عربی و اردو برای رانندگان حمل و نقل درون شهری.

### نتیجه گیری

صنعت گردشگری امروزه در جهان یکی از بزرگ‌ترین منابع اقتصادی به شمار می‌رود و در کسب درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی در کشورها نقش به‌سزایی دارد. خروج اقتصاد ایران از وابستگی شدید به منابع نفتی و فعال شدن سایر بخش‌های درآمدزای کشور از جمله صنعت گردشگری، می‌تواند کمک شایانی برای اصلاح ساختار اقتصاد تک محصولی ایران و نیز مدیریت نرخ ارز و تحصیل منابع ارزی به عنوان عاملی مهم در ساماندهی اقتصاد کشور باشد. از سوی دیگر، به علت وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بی‌شمار گردشگری مذهبی و اهمیت بنیان‌های مذهبی و دینی در ایران، ضروری به نظر می‌رسد تا تأثیر توسعه گردشگری مذهبی بر اقتصاد ایران بررسی شود و نقش گردشگری مذهبی به عنوان یکی از انواع گردشگری در جایگزینی به جای نفت، مشخص گردد تا بتوان تأثیر و جایگاه این عامل مهم اقتصادی را که در بسیاری از کشورها نقش مهمی را در اقتصاد ایفا می‌کند، در ایران هم ارتقا داد. گردشگری مذهبی که ریشه در باورها و اعتقادات دینی - مذهبی دارد، به مفهوم تخصصی خود فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت، عامل مهم جغرافیای انسانی در



شکل گیری مسافرت، ایجاد تمرکز و چشم انداز فرهنگی است. برای آن که گردشگری مذهبی بتواند در اقتصاد شهرهای زیارتی و در نتیجه در اقتصاد کلان اثر مثبت داشته باشد، لازم است موانعی که پیش روی توسعه گردشگری مذهبی قرار دارند، برطرف شوند. از این رو، برای رفع موانع شکل گیری و توسعه گردشگری مذهبی باید به ارائه راهکارهایی نظیر توجه به تسهیلات قانونی و حقوقی، تسهیلات رفاهی، تسهیلات فرهنگی و ... به طور جدی پرداخته شود.

### فهرست منابع

- احمدی شاپورآبادی، محمدعلی؛ سبزابادی، احمد. (۱۳۹۰). تحلیلی بر ظرفیت‌های توسعه گردشگری مذهبی - فرهنگی کلان شهر قم. نشریه مطالعات ملی. دوره ۱۲. شماره ۴۶-۲.
- آقاجانی، معصومه؛ فراهانی راد، سعید. (۱۳۹۴). گردشگری مذهبی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی ایران). فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. دوره ۳، شماره ۹.
- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ سقایی، مهدی. (۱۳۸۵). گردشگری (ماهیت و مفاهیم). تهران: انتشارات سمت.
- پیش بهار، اسماعیل؛ پرچم، رقیه؛ یادآور، حسین. (۱۳۹۶). تاثیرپذیری انواع مختلف گردشگری از یکدیگر در منطقه آزاد ارس. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی. سال ۲۱، شماره ۶۱.
- تقوایی، مسعود؛ موسوی، سیدعلی؛ غلامی بيمرغ، یونس. (۱۳۸۷). تحلیلی بر توسعه گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی). گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان.
- جعفری صمیمی، احمد. خبره، شیما. (۱۳۹۴). اثر گردشگری مذهبی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری. دوره ۴، شماره ۱۵.
- حیدری چپانه، رحیم. (۱۳۸۷). مبانی صنعت گردشگری. انتشارات سمت. چاپ اول.
- خلیلوند، کلثوم؛ کرمی، فرحناز. (۱۳۹۵). نقش گردشگری مذهبی در توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: شهر مهران، همایش بین المللی اقتصاد شهری در توسعه گردشگری مذهبی. کنفرانس میقات الرضا. مشهد مقدس.

ذال، محمد حسن؛ تبریزی، نازنین؛ مهرعلی تبارفیروزجایی، مرتضی. (۱۳۹۵). اثرات گردشگری مذهبی بر فضا‌های روستایی مورد: روستای اوجی آباد در شهرستان آمل. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. دوره ۵. شماره ۱۵.

رحمانی، خلیل پور؛ طاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۲). برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری مذهبی در مناطق روستایی مطالعه موردی روستاهای دارای مکان‌های مذهبی اورامان تخت، نجار و هجیج. فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا. دوره ۱۷. شماره ۱ (۷۹). رحیم پور، علی؛ حسینی، سید داوود. (۱۳۷۹). سیمای جهانگردی اسلامی. چاپ اول. تهران: انتشارات محیا.

فرجی راد، عبدالرضا؛ آقاجانی، سمیه. (۱۳۸۸). تحلیلی نو پیرامون گردشگری و جدیدترین طبقه بندی آن. فصلنامه جغرافیایی سرزمین. دوره ۶. شماره ۳. صفحات ۶۱ - ۷۲.

فیروز جانیان، علی اصغر؛ یوسفی، ندا؛ میر محمد تبار، سید احمد. (۱۳۹۳). تحلیل کارکردی گردشگری مذهبی در ایران (موجود فراتحلیلی از تحقیقات)، مجله برنامه گردشگری ریزی و توسعه. سال سوم شماره ۸. صفحات ۱۴۳ - ۱۶۵.

فیض آبادی، مصطفی؛ وزیری محبوب، سید جمال. (۱۳۹۰). ضرورت مطالعات آینده پژوهی و روش‌های آن.

قنبری برزبان، علی. (۱۳۹۶). تبیین ذایقه گردشگری مذهبی در جامعه ایران با تاکید بر جوانان؛ موانع و چالش‌ها، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری. سال ششم. شماره ۲۱. صفحات ۱۱۶ - ۱۳۵.

مافی، عزت‌الله؛ سقایی، مهدی. (۱۳۸۹). نگاهی به اقتصاد گردشگری در کلان شهرها (مطالعه موردی کلان شهر مشهد). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۱۵.

محمودی، حمیده؛ قاسمی، مریم؛ شایان، حمید. (۲۰۱۶). واکاوی اثرات گردشگری مذهبی بر توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه: حوزه نفوذ گردشگاهی شهر مشهد. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. دوره ۵. شماره ۲۰، صفحات ۷۱ - ۹۰.

مطرانلویی، پریسا. (۱۳۹۴). مروری بر وضعیت صنعت گردشگری و نقش بخش خصوصی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی. تهران.

نعمتی، ولی؛ عشقی چهار برج، علی؛ امانی، سوپیل. (۱۳۹۴). چالش‌ها و مشکلات توسعه گردشگری مذهبی در ایران. اولین همایش ملی علوم زمین و توسعه شهری. تبریز.

نیکزاد، احمد. (۱۳۸۲). مقایسه ویژگی‌های جمعیتی و گردشگری گردشگران ایرانی و خارجی اقامت کننده در واحدهای اقامتی قم. قم. استانداری قم.

الوانی، سید مهدی؛ پیروز بخت، معصومه. (۱۳۸۵). فرایند مدیریت جهانگردی. انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

اله وردی، زهرا؛ نورشوق، فاطمه؛ میرباقری، سید ابوالفضل. (۱۳۹۰). گردشگری و اثرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن. اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار. مرودشت. دانشگاه آزاد اسلامی.

## Reference

- Agit kiran, shinde; 2004, "quest for good governance, contribution and potential of religious institutions as stakeholders".
- Butcher, g. Fairweather; j. R. & simmons, d. G; 2003, "the economic impact of tourism on christchurchcity and akaroa township".
- Kreiner, n. Collins; 2010, "researching pilgrimage continuity and transformations", *annals of tourism research*, vol 37, no. 2, pp. 440-456,
- Meyer, guenter; 2004, "new research network for islamic tourism new research network for islamic tourism, islamic tourism", Issue 11
- Scheyvens r, momsensj; 2008, *tourism in small island states: from vulnerability to strengtids*. P, 491-510.
- Rinschede, Gisbert; 1992, "forms of religious tourism and pilgrimage special interest group".
- Santos, P (2004). Residents perception of Tourism impacts: A case study of Travel Reasearch, boulder. No 40. P 132-139.
- Scheyvens, R., & Momsen, J. (2008) *Tourism in Small Island States: From Vulnerability to Strengths*. Human and Community Development , *university of california* , Davis, California, USA. Pages 491-510

## نقش بازار سرمایه در تامین منابع مالی بخش‌های اقتصادی در اقتصاد ایران

فاطمه نیک سخن \*

### چکیده

دستیابی به رشد اقتصادی، توسعه پایدار و تخصیص بهینه منابع مستلزم وجود یک سیستم مالی کارا می‌باشد که بتواند با کمترین هزینه، بهینه‌ترین تخصیص منابع را صورت دهد. شیوه صحیح تامین سرمایه‌های لازم در یک اقتصاد، منوط به جمع‌آوری، جذب و سامان دادن صحیح منابع مالی سرگردان است که بازار سرمایه به عنوان متولی چنین امری با جمع‌آوری نقدینگی جامعه و فروش سهام شرکت‌ها و موسسات ضمن به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصاد جامعه از طریق تامین سرمایه‌های مورد نیاز پروژه‌ها، کاهش دخالت دولت در اقتصاد از طریق کاهش هزینه‌های دولت و نیز افزایش درآمدهای مالیاتی منافع اقتصادی چشم‌گیری را می‌تواند به ارمغان آورد. از این رو، بازار سرمایه، پلی می‌باشد که همچون یک واسطه، پس انداز هر واحد اقتصادی را به واحدهای اقتصادی نیازمند منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری انتقال می‌دهد. در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از مطالعات اسنادی ضمن بررسی مفهوم بازار سرمایه و ابعاد آن، نقش بازار سرمایه به عنوان یکی از سازوکارهای تامین مالی مبتنی بر اساس نظام بازار محور بررسی شده است.

### کلید واژه‌ها

تامین مالی، بازار سرمایه، بورس اوراق بهادار، نهادهای مالی.

## مقدمه

بازار سرمایه به دلیل جمع آوری وجوه اندک جمع اجرای طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین بازارها در اقتصاد هر کشوری به شمار می‌آید. درجه توسعه یافتگی و رونق بازار سرمایه به سبب نقش اساسی که در گردآوری منابع موجود در اقتصاد ملی و هدایت آن به سمت فعالیت‌های اقتصادی بلند مدت دارد، به خودی خود اهمیت زیادی در توسعه اقتصادی یک کشور می‌تواند داشته باشد (ابونوری و مشرفی، ۱۳۸۵).

از الزامات اساسی کشورها برای پیمودن مسیر توسعه و نیل به آن دارا بودن بازار متشکل و منظم سرمایه است. تأثیر وجود چنین بازاری بر عملکرد اقتصاد قابل توجه است. به طوری که فقدان آن دارای تأثیر منفی بر عملکرد اقتصاد است. در چند دهه اخیر نیز ضمن تأکید بر تأثیر این بازارها در توسعه اقتصادی، توجه بیشتری به آن شده است. بحران‌های اقتصادی دهه ۱۹۳۰ اروپا و آمریکا، ۱۹۹۷ کشورهای جنوب شرق آسیا و بحران اقتصادی جاری در کشورهای توسعه یافته شواهدی واقعی از تأثیرگذاری متقابل بی‌ثباتی بازارهای مالی بر اقتصاد جهانی و متغیرهای آن بوده است.

فقدان وجود ابزارها و نهادهای مالی قوی و بانک محور بودن بازارهای مالی در کشور، به کنترل و دخالت‌های همه جانبه دولت در فعالیت‌های اقتصادی و مالی می‌انجامد. بخش مالی کشور در زمینه بازار پول و سرمایه توسعه نیافته است و نتوانسته وظیفه انتقال وجوه از بخش‌های دارای مازاد نقدینگی را به بخش‌های تولیدی و صنعتی به خوبی انجام دهد. برخی از صاحب نظران اقتصادی بر این باورند که علت اصلی چنین وضعیتی و مشکلات عدیده در تأمین مالی سرمایه، فقدان نوآوری‌های مالی و عدم استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی می‌باشد (عبادی و گل محمدی، ۱۳۹۸).

از این رو، شیوه صحیح تأمین سرمایه‌های لازم در یک اقتصاد، منوط به جمع آوری، جذب و سامان دادن صحیح منابع مالی سرگردان است که بازار سرمایه به عنوان متولی چنین

امری با جمع آوری نقدینگی جامعه و فروش سهام شرکت‌ها و موسسات ضمن به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصاد جامعه از طریق تامین سرمایه‌های مورد نیاز پروژه‌ها، کاهش دخالت دولت در اقتصاد از طریق کاهش هزینه‌های دولت و نیز افزایش درآمدهای مالیاتی منافع اقتصادی چشم‌گیری را می‌تواند به ارمغان آورد. ضمن این‌که اثرات تورمی ناشی از وجود نقدینگی در جامعه را نیز از بین می‌برد.

با استفاده از این بازار می‌توان با فراهم ساختن یک ساز و کار منظم اقتصادی، از تخصیص منابع مالی جهت فعالیت‌های زیان‌آور و دارای مدیریت ناکارآمد جلوگیری نموده و با تخصیص آن به فعالیت‌های تولیدی دارای کارایی و بهره‌وری بیشتر، باعث گسترش فعالیت‌های تولیدی مولد و حمایت از سرمایه‌های جزئی در جهت تولید، رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. با تأمین منابع مورد نیاز شرکت‌ها، استقراض بخش‌های دولتی و خصوصی (شرکت‌های تولیدی) از منابع دولتی و بانک‌ها کاهش پیدا کرده و در روند خصوصی سازی و کوچک کردن دولت نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد (عبادی و گل محمدی، ۱۳۹۸).

### بازار سرمایه و ابعاد آن

در بازار سرمایه (بازار مالی بلند مدت) معمولاً اسناد بلند مدت یا با سررسید بیش از یک سال عرضه و تقاضا می‌شود. همچنین، بازار سرمایه را می‌توان، مجموع‌های از بازارهای گوناگونی دانست که در آن بنگاه‌های تجاری به عنوان واسطه، در موضوعات مخصوص تخصص یافته‌اند و بدین منظور سرمایه درازمدت مورد نیاز می‌باشد (اکلین و توکان، ۱۳۵۴). این بازار متشکل از نهادهای مالی نظیر، بانک‌های سرمایه‌گذاری، بورس اوراق بهادار، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و... می‌باشد. مهمترین ابزارهای مورد استفاده در بازار سرمایه شامل اوراق قرضه، سهام و سایر انواع اوراق بهادار دراز مدت با سررسید بیش از یک سال است. بازار سرمایه به عنوان یکی از رکن‌های بازارهای مالی نقش به‌سزایی در تجهیز امکانات مالی و سرمایه‌ای به منظور رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد و هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان نقش تأمین مالی اعتبارات مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را

برعهده دارند (تاجیک، ۱۳۹۲).

با در نظر گرفتن این واقعیت که پس انداز و سرمایه گذاری برای رشد اقتصاد حیاتی هستند. بازار سرمایه، پُلی است که پس انداز واحدهای اقتصادی دارای مازاد را به واحدهای سرمایه گذاری که بدان نیازمند هستند انتقال می دهد. بنابراین بازار سرمایه، واحدهای پس اندازی و سرمایه گذاری را با یکدیگر ارتباط می دهد. از طرف دیگر سازکارهای تعبیه شده و همچنین عملکرد بازار سرمایه و به طور عمومی تر، مکانیزم ها و شرایط تخصیص پس اندازهای اجتماعی اثرات مهمی در فرایند توسعه و آهنگ رشد اقتصادی یک کشور دارد. از این رو، بازار سرمایه، پُلی می باشد که همچون یک واسطه، پس انداز هر واحد اقتصادی را به واحدهای اقتصادی نیازمند منابع مالی جهت سرمایه گذاری انتقال می دهد (حاجیان، ۱۳۷۷). از این رو گسترش بازار سرمایه آثاری از جمله، سبب تجهیز پس اندازهای مردمی (منابع مالی راکد) می شود و با هدایت مستقیم این منابع مالی، به سوی سرمایه گذاری و ایجاد امکانات لازم برای مشارکت عموم در توسعه فعالیت های مفید اقتصادی، بستر مناسبی برای تأمین نیازهای سرمایه ای فراهم آورده است (سام دلیری، ۱۳۷۹).

دستیابی به رشد اقتصادی، توسعه پایدار و تخصیص بهینه منابع مستلزم وجود یک سیستم مالی کارا می باشد که بتواند با کمترین هزینه، بهینه ترین تخصیص منابع را صورت دهد. در صورت بهره مندی از نظام تأمین مالی کارا و دارای ماهیت غیرتورمی، می توان منابع مالی را در راستای حمایت از تولید داخلی و توسعه سرمایه گذاری به کار گرفت. این امر بدون حمایت بازارهای مالی و به خصوص بازار سرمایه امکان پذیر نبوده، از این رو اهمیت و ضرورت وجود بازار سرمایه، نیاز فرآیند تولید به سرمایه است (عبادی و گل محمدی، ۱۳۹۸).

### مشخصات و ویژگی های نظام تأمین مالی

فرآیند ایجاد و جمع آوری و افزایش منابع مالی جهت تخصیص برای تأمین مخارج فعالان اقتصادی، تأمین مالی نامیده می شود. از حوزه های تشکیل دهنده نظام تأمین مالی می توان به بانک، بازار سرمایه، بیمه، سرمایه گذاری خارجی و بودجه اشاره نمود. در این راستا نظام

بانکی، بازار سرمایه و بازار بیمه سه رکن بازار مالی را تشکیل داده و بخش عمده‌های از تأمین مالی بخش‌های دولتی و خصوصی را پوشش می‌دهند. به طور مشخص بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قالب اعطای تسهیلات، اوراق مشارکت و از طریق ابزارهای عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی، قرض الحسنه، صدور ضمانت‌نامه، اعتبارات اسنادی داخلی و خارجی، فرآیند تأمین مالی را ایجاد می‌کند. بازار سرمایه نیز از طریق ابزارهای افزایش سرمایه، پذیره نویسی، عرضه اوراق مشارکت، معاملات سلف و... در تأمین مالی بخش‌های مختلف تولیدی مشارکت می‌نماید. از طرفی صنعت بیمه، کارکرد خود را در نظام تأمین مالی به دو صورت مستقیم از طریق تأمین منابع مالی بلندمدت در قالب بیمه‌های عمر و پس انداز و به صورت غیر مستقیم از طریق ایجاد فضای اطمینان بخش در نظام مالی به وسیله ابزارهایی نظیر بیمه‌های اعتباری، بیمه پوشش نوسانات نرخ ارز و... ایفا می‌کند. با توجه به نقش محوری بانک‌ها در تأمین مالی اقتصاد کشور، سهم دیگر حوزه‌های تأمین مالی در اقتصاد ایران پایین‌تر از سهم نظام بانکی است (عبادی و گل محمدی، ۱۳۹۸).

### نقش بازار سرمایه در تأمین منابع مالی

بازار سرمایه از اجزای بازارهای مالی است و نیاز فرآیند تولید به سرمایه، علت اساسی ضرورت و اهمیت وجود آن در اقتصاد است. سرمایه‌گذاری نقش اساسی برای رشد اقتصادی دارد.

بازار سرمایه پلی است که هم چون واسطه، پس انداز هر واحد اقتصادی را به واحدهای اقتصادی نیازمند منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری انتقال می‌دهد (حاجیان و همکاران، ۱۳۷۹). بازار سرمایه، بازاری است که محل تلاقی پس اندازها و سرمایه‌گذاری‌هاست و امروزه از مهم‌ترین بخش‌های حیاتی اقتصاد کشورهاست که با رشد و توسعه اقتصاد، همواره جایگاه گسترده‌تر و مهمتری یافته است و همواره به شکل سازمان یافته‌تری در اقتصاد کشورها حضور دارد. نقش آن در زمینه توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است، به گونه‌ای که با جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و ارائه آن به سرمایه‌گذاران، امکان سرمایه‌گذاری بلندمدت را فراهم



می‌کند و این امکان را به سرمایه‌گذاران می‌دهد که در تعداد زیادی از بنگاه‌ها سهام باشند و با تنوع امکانات واسطه‌های مالی اقتصاد را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ریسک بالا تشویق می‌کند (حسن زاده و احمدیان، ۱۳۸۸) که به تحریک رشد بلندمدت اقتصادی، افزایش تولید، کنترل تورم، مشارکت مردم در تامین مالی واحدهای صنفی و سهام‌شدن آن‌ها در مالکیت شرکت‌ها، افزایش تعهد و کارایی مدیران و نهایتاً افزایش تولید ناخالص داخلی می‌انجامد (نمازی، ۱۳۸۲) و بدین ترتیب راه توسعه و ایجاد شغل و افزایش سطح رفاه عمومی را هموار می‌کند.

بازار سرمایه در پی بروز و شناخت ناتوانی بازار پول در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، به عنوان گزینه‌ای موثر در جهت ایجاد تعادل مورد توجه قرار می‌گیرد. سیاست‌های مالی و اعتباری در ابتدا بازارهای سرمایه را بنا گذاشت و (بورس) و (سهام) را به عنوان امری تاثیرگذار جای خود را در زندگی مردم باز کرد و مردمی که تا آن زمان مازاد نقدینگی خود را در سپرده‌های بانکی نگه داری می‌کردند، کم‌کم نحوه سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه را یاد گرفتند.

در بورس اوراق بهادار که نمود بارز و بخشی از بازار سرمایه است، اوراق سهام و سرمایه شرکت‌ها معامله می‌شود که در پی آن، مازاد نقدینگی افراد به جای سرازیر شدن به بازار کالا، به شرکت‌ها سرازیر می‌شود و باعث تامین مالی شرکت‌ها می‌گردد و تولید را افزایش می‌دهد. آثار مثبت اوراق بهادار عبارتند از:

### ۱. تجهیز منابع مالی

امروزه یکی از مطمئن‌ترین راه‌های جمع‌آوری وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری، انتشار اوراق بهادار جهت تامین مالی است. دولت‌ها، شهرداری‌ها و واحدهای تولیدی و تجاری به جای دریافت تسهیلات از بانک‌ها، می‌توانند تحت ضوابطی از طریق انتشار و واگذاری سهام عادی، سهام ممتاز، اوراق مشارکت و سایر اوراق مالی، نیازهای خود را تامین کنند. معمولاً این روش تامین مالی، ارزان‌تر و مطمئن‌تر است.

## ۲. تخصیص بهینه منابع

بازار بورس اوراق بهادار، با نظارت و کنترل مصرف منابع جذب شده و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، سرمایه‌های ریز و درشت جامعه را تجهیز و به سمت واحدهای مفید و مولد اقتصادی هدایت می‌کند و در نتیجه، سبب افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و کنترل تورم می‌شود (موسویان، ۱۳۹۰).

## ۳. توزیع عادلانه درآمد و تقسیم مالکیت‌های بزرگ

انتشار انواع اوراق بهادار تامین مالی، غیر از اوراق قرضه، به معنای تقسیم مالکیت واحدهای اقتصادی بزرگ بین گروه‌هایی از مردم است که تقسیم سود را به دنبال دارد. این شیوه باعث تحقق اهداف توزیع عادلانه و ایجاد احساس مشارکت مردم در فعالیت‌های تولیدی و تجاری می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که در بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی، ضریب جینی در فاصله ۰/۲ تا ۰/۳ قرار دارد که حکایت از توزیع نامناسب درآمد بین دهک‌های مختلف جمعیت دارد. از طرف دیگر، توزیع خطر بین متقاضیان وجوه (شرکت‌ها و...) دارندگان وجوه (خانوارها و...) نیز صورت می‌گیرد (نمازی، ۱۳۸۲).

## ۴. حاکمیت ساز و کار قیمت تعادلی در معاملات

بازارهای مالی باید بگونه‌ای شکل گیرند که قیمت‌های تعادلی در معاملات حاکم باشد. مهم‌ترین پیش شرط تحقق قیمت‌های تعادلی، گستردگی اطلاعات و شفافیت و فراگیر بودن آن در همه عرصه‌های فعالیت بورس است. اگر اطلاعات فقط در اختیار عده‌ای باشد، رانت اطلاعاتی در بورس شکل می‌گیرد و امکان تحقق قیمت تعادلی و عادلانه که بر اساس حقوق واقعی افراد و مبتنی بر اطلاعات درست و صحیح شکل گیرد وجود نخواهد داشت. برای تحقق این مهم، لازم است افراد کارشناس و آگاه به همه امور اوراق سهام و سایر ابزارهای

مالی به صورتی منطقی و درست بر اساس اطلاعات موجود به قیمت گذاری این اوراق پرداخته، تا قیمت روز هر سهم یا برگه‌ای کاملاً مشخص باشد. در این صورت، طرفین می‌توانند با رضایت کامل، پیرامون همان قیمت معامله کنند. با وجود اطلاعات گسترده و فراگیر، هزینه مبادله و نقل و انتقال سرمایه به حداقل خواهد رسید و معاملات در قیمت‌های تعادلی و به دور از اجحاف تحقق می‌یابد (نظریور، ۱۳۹۲).

### ۵. رقابتی شدن بازار پول و سرمایه

بازار پول، بازاری برای ابزار بدهی کوتاه مدت است و بازار سرمایه، بازاری برای دارایی مالی با سررسید طولانی. وجود بازار اوراق بهادار کارا با ابزارهای متنوع، سبب شفافیت متغیرهای اصلی اقتصاد چون قیمت‌ها، نرخ‌های سود و هزینه می‌گردد و در نتیجه زمینه سوء استفاده انحصاری موسسات پولی و بانکی را از بین می‌برد و نرخ‌های سود بانکی را به نرخ‌های بازده واقعی اقتصاد نزدیک می‌کند.

یکی از مهم‌ترین تاثیرات بازار بورس در اقتصاد، جذب پس اندازهای خصوصی است؛ زیرا با تجهیز پس اندازهای مردمی و انتقال به سمت فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، نه تنها شرایط مساعدی را جهت مشارکت عموم مردم در طرح‌های مفید اقتصادی را فراهم می‌آورد، بلکه انباشت و تشکیل سرمایه در بازار بورس، به معنای جذب سرمایه‌های راکد و سرگردان در جامعه است که این امکان را به مقامات پولی می‌دهد که نرخ تورم را به حداقل کاهش دهند و بدین ترتیب ثبات قیمت‌ها را برای فعالین اقتصادی تامین کنند که این امر، بیان‌کننده افزایش کارایی سیاست‌های پولی در بازارهای مالی است (آریا، ۱۳۸۵).

اگر بازار سرمایه که منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را فراهم می‌کند به انواع ابزارهای مالی که از نظر زمان، ریسک و نیازهای مشتریان که متنوع‌اند، مجهز باشد، شرکت‌ها با انتشار انواع اوراق بهادار قابل معامله می‌توانند به تامین مالی بازارها پردازند. با گسترش بازار سرمایه، بانک‌های تجاری و بازار پول مجبور نیستند که با اعطای اعتبارات بلندمدت و پریسک، به نقدینگی خود فشار آورند.

در این بازار، ابزارهای تامین مالی مانند سهام عادی، سهام ممتاز، اوراق مشارکت، اوراق بهادار قابل تبدیل حق تقدم و ابزارهای مالی مشتقه و ترکیبی مورد معامله قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که با انتشار هر یک از ابزارهای فوق، پس‌اندازهای مردم به سمت سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز کشور هدایت می‌شوند.

بازار سرمایه کارا باید بتواند امنیت مالی پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران را فراهم آورد و منابع مالی را به نحو بهینه به متقاضیان سرمایه تخصیص دهد و با انجام تامین منابع مالی درازمدت و مدیریت خطرپذیری و ریسک، نقش به‌سزایی در کاهش بی‌اطمینانی در بازارهای مالی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها، به ویژه در فعالیتهای بلندمدت اقتصادی، داشته باشد و با فراهم آوردن انگیزه‌های قوی پس‌اندازها، تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری در مقایسه با دیگر شیوه‌ها، زمینه را برای تجهیز سرمایه‌های داخلی و خارجی مهیا می‌سازد.

در هر نظام اقتصادی نقش بازار سرمایه در تامین نیازهای مالی فعالیتهای اقتصادی، قابل ملاحظه است و ناتوانی در حفظ انسجام این بازار، ساز و کار تخصیص صحیح منابع (تخصیص سرمایه) را با مشکل جدی مواجه می‌کند و کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد. به همین دلیل، وجود بازار سرمایه‌ای متشکل، فعال و عظیم نسبت به تولید ناخالص ملی، در چارچوب فرآیند و مکانیزم مشخص، سبب رشد تولید ناخالص ملی و افزایش توان اقتصادی و کنترل عوامل نامطلوب اقتصادی کشور می‌شود.

### وضع موجود بازار سرمایه در کشور

بازار سرمایه کشور ما مبتلا به ریسک‌های سیستماتیک است. هرچند که از اواخر دهه هشتاد بازار سرمایه توسعه شایانی یافته است، اما کماکان ما در یک کشور بانک پایه زندگی می‌کنیم. بنابراین، آشفته‌گی بازار پول به عنوان یک ریسک سیستماتیک بالاترین تاثیر را بر بازار سرمایه دارد. در این دهه، بسیاری از بانک‌ها با وجود رشد شدید نقدینگی در کشور، با مشکل پرداخت پول نقد به مشتریان مواجه هستند. به همین دلیل، برای جذب و ماندگاری منابع مالی مردم نرخ‌های سود بسیار جذابی را پیشنهاد می‌دهند. بی‌شک بازار پول به عنوان

اصلی ترین رقیب بازار سرمایه در یک شرایط غیر قابل رقابت با وسعت جغرافیایی بسیار بالا حریف بسیار قدرتمندی در مسابقه جذب منابع مالی به حساب می آید. زمانی که در بازار پول با قدرت مالی و حاکمیتی بسیار زیاد به سپرده گذاران نرخ ۲۵ درصد روز شمار پیشنهاد می شود (معنی آن این است که نسبت قیمت به درآمد (P/E) بازار پول، زیر ۴ است). بدیهی است در چنین شرایطی متوسط نسبت قیمت به درآمد بازار سرمایه هم کاهش می یابد و عملاً از بدنه مدیریتی بورس هم کاری بر نمی آید.

عامل تاثیر گذار دیگر بر شرایط موجود بازار سرمایه، بی پولی نهادهای مالی بزرگ بازار سرمایه است. این روزها منابع مالی نهادهای مالی بزرگ در بازار به حدی اندک است که نه تنها توان سرمایه گذاری مجدد منابع مالی جدید نظیر سودهای تقسیمی و افزایش سرمایه را ندارند؛ بلکه مجبور هستند برای پرداخت تعهدات خود، منابعی را نیز از بازار خارج کنند. این مشکل در صندوق های بازنشستگی و تامین اجتماعی بسیار حادتر است؛ چراکه آنها موظف هستند پایان هر ماه مستمری پرداخت کنند. البته آن دسته از شرکت های سرمایه گذاری و صندوق های بازنشستگی که اقدام به خرید اقساطی بلوک های مدیریتی سازمان خصوصی سازی کردند، دچار مشکلات تامین مالی مضاعفی هستند.

عامل سوم تاثیر گذار دیگر، کاهش بهای نفت در این دهه است. هرچند بین کارشناسان در زمینه مثبت یا منفی بودن تاثیر کاهش بهای نفت در سطح قیمت های فعلی در بلند مدت اختلاف است، اما انتظار اهالی بازار سرمایه در کوتاه مدت این است که تاثیر کوتاه مدت این اتفاق بر درآمد و روند سود آوری بنگاه ها مثبت نخواهد بود، به ویژه این که به دلیل رویه های نادرست سال های گذشته، برخلاف سایر کشورهای دنیا با کاهش بهای نفت، بهای تمام شده کالاها در کشور نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه در بودجه پیش بینی شده است، در سال آینده قیمت برخی از حامل های انرژی افزایش یابد. این سه عامل، به عنوان عوامل بیرونی، ریسک سیستماتیک به حساب می آیند و بنابراین تدابیر مدیریتی بورس ها، تاثیر با اهمیتی در کوتاه مدت در بازار سرمایه نخواهد داشت (اسلامی، ۱۳۹۴).

## بازار بورس و تامین مالی

یکی از بهترین عرصه‌هایی که می‌توان نقش فعال مردم و سرمایه‌گذاران را در آن شاهد بود، بازار بورس است. بازاری که سرمایه‌های سرگردان و بی‌هدف را با سود دهی قابل توجه، در خدمت تولید و اشتغال بکار می‌گیرد و بهتر است بگوییم این بازار برای ورود سرمایه‌گذاران در راستای تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور و رسیدن به هدفی است که اقتصاد مقاومتی به دنبال آن می‌باشد. بورس اوراق بهادار به عنوان نماد اصلی بازار سرمایه که جایگاه خاصی در تجهیز و تخصیص منابع پس‌اندازی و تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارد، از جمله مهم‌ترین نهادهای خودتنظیم‌گر فعال در بازار دست دوم اوراق بهادار (بازار ثانویه) به شمار می‌آید. وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار که در مکانی خاص تشکیل شده است، فراهم آوردن بازاری شفاف و منصفانه برای داد و ستد اوراق بهادار پذیرفته شده (به وسیله افرادی به نام کارگزار) و همچنین سیستمی مناسب برای نظارت بر جریان داد و ستد، عملیات بازار و فعالیت‌های اعضای آن است (عبادی و گل محمدی، ۱۳۹۸).

## نارسایی‌ها و مشکلات بازار سرمایه

بررسی بازار سرمایه کشور نشان می‌دهد که بورس در ایران مانند بسیاری دیگر از بخش‌های اقتصادی کشور ساختاری در حال توسعه دارد. مفهوم این واقعیت در کم توسعه یافتگی کیفی شاخص‌های بازار، وجود ریسک بالای سرمایه‌گذاری، کمبود شرکت‌های مشاوره و تحلیل‌گری مالی، ضعف نظام پاسخ‌گویی، همبستگی ضعیف بین بازار سرمایه و بدنه کلان اقتصاد و... نمود می‌یابند. از آنجا که در بند نهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اشاره گردیده است، در زیر به بخشی از مشکلات بازار سرمایه ایران اشاره می‌شود (بنی‌جمالی، ۱۳۹۵).

## ۱. فقدان قوانین و مقررات جامع در بازار سرمایه

یکی از بزرگترین کاستی‌های بازارهای اوراق بهادار کشور، عدم وجود قوانین و مقررات جامع بازارهای مالی و بخصوص بازار سرمایه است. قوانینی که عدالت و نظم بازارها را تضمین کنند به نحوی که پس‌انداز کنندگان کوچک و سرمایه‌گذاران بزرگ بتوانند با خیال راحت فعالیت نمایند از نیازهای اصلی بورس است. در واقع نبود چنین قوانین واضح و روشنی می‌تواند باعث شود عده زیادی از اقشار جامعه به خصوص اقشار متوسط و ضعیف جامعه از فرصت درآمدزایی از این روش محروم بمانند، این درحالی است که از اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط می‌باشد.

## ۲. حاکمیت نظام بانک محور در ساختار نظام مالی کشور

از دیگر معایبی که باعث گردیده که بازار سرمایه نتواند نقش مثبت و سازنده‌اش را در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا نماید بانک محور بودن نظام مالی کشور است. عدم اجرای خصوصی سازی و دولتی ماندن بسیاری از واحدهای اقتصادی (عموماً دولتی) باعث شده است که واحدهای اقتصادی (عموماً دولتی) برای رفع نیازهای مالی به نظام بانکی که آن هم دولتی است و بسیاری از اوقات منابع مالی را ارزان‌تر از قیمت بازار در اختیار آنان قرار دهد، مراجعه کنند. به همین سبب، با تقویت رقابت‌پذیری حوزه‌های اقتصاد و اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور که از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشند، می‌توان به بازار سرمایه نیز کمک کرد.

## ۳. فقدان مکانیسم‌های لازم برای مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در بازار اوراق بهادار

یکی از بندهای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات می‌باشد. بازار سرمایه از بخش‌های اقتصادی است که چنانچه بستر لازم در آن محیا باشد

می تواند راه را برای این امر هموار نماید، اما مشکلاتی از قبیل کنترل حساب سرمایه، تراز پرداخت‌ها، نوسان و چند نرخ بودن ارز و بسته بودن بازارهای اوراق بهادار بر روی سرمایه گذاری خارجی از کاستی‌های دیگر بازار اوراق بهادار هستند که رفع آن‌ها می تواند مسیر را جهت ورود سرمایه گذاری خارجی و رونق بورس هموار کند.

#### ۴. نارسایی قوانین مالیاتی

از مهم ترین اهداف اقتصاد مقاومتی استفاده از تمام قابلیت اقتصاد ملی می باشد. در صورتی که در برخی موارد نبود قوانین مناسب و یا قوانین دست و پا گیر می تواند باعث هدر رفتن بخشی از قابلیت های اقتصاد ملی گردد. قوانین مالیاتی در رابطه با اوراق بهادار، قوانین مربوط به کار و امور اجتماعی و قوانین مربوط به ثبت شرکت‌ها، دارای مشکلاتی هستند که رفع آن‌ها می تواند راه را برای کارایی بهتر و بیشتر بازار اوراق بهادار و سرمایه گذاری در آن، بخصوص سرمایه گذاری خارجی، فراهم آورد.

#### ۵. پشتیبانی تولید داخلی

با وجود این که تامین نقدینگی از مهم ترین مشکلات تولید داخلی می باشد و بازار سرمایه می تواند نقش موثری در زنده کردن تولید داخلی ایفا نماید، اما این مهم به دلیل این که حجم معاملات بازار سهام کشور نسبت به ارزش بازار در مقایسه با بورس های قدرتمند جهان بسیار پایین است آن طور که شایسته است محقق نگردیده. بر اساس تعریف، نسبت ارزش کل معاملات در یک دوره مشخص به ارزش کل بازار در همان دوره را نسبت گردش مالی گویند. گردش مالی در بورس های جهان به شکل متوسط از یک بیشتر است، یعنی مجموع ارزش معاملات یک سال تقسیم بر متوسط ارزش بازار در آن یک سال بزرگ تر یا مساوی یک است و در برخی بورس های معتبر جهان به بیش از ۲ نیز می رسد. به این ترتیب هر سهمی در این بازار دست کم یک بار معامله شده است، اما این نسبت در بورس تهران کمتر از ۰/۲ درصد است. این نسبت یکی از معیارهای اصلی تعیین نقد شوندگی در بازار سهام است.



دلایل این رقم ناچیز را می‌توان دو عامل دانست. نخست، پایین بودن سهام شناور (منظور از سهام شناور آزاد، مقدار سهمی است که انتظار می‌رود در آینده نزدیک، قابل معامله باشد، یعنی در مالکیت دارندگانی است که آماده‌اند در صورت پیشنهاد قیمت مناسب از سوی خریداران آن را برای فروش ارائه کنند). بورس تهران را می‌توان به عنوان یکی از این عوامل مطرح کرد و از سوی دیگر پایین بودن نقد شوندگی و عمق کم بازار، جذابیت خرید را کاهش و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، مسئله‌ای که متعاقباً امکان افزایش نرخ گردش مالی را محدود کرده است (حسینی فیروزکوهی، ۱۳۹۱).

### راهکارهای بهبود نقش بازار سرمایه

اکنون به نظر می‌رسد با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که برای تحقق آن هریک از حوزه‌های اقتصاد، نقشی بر عهده دارند و لازم است بازار سرمایه نیز راهکارهای مورد نیاز را با نگاه به بندهای اقتصاد مقاومتی در جهت رفع معایب و مشکلات موجود به کار بگیرد. اقتصاد مقاومتی همواره بر این نکته تاکید کرده است که باید زمینه مشارکت آحاد جامعه در اقتصاد کشور فراهم شود.

هرچند که اکنون بیان می‌شود که در حدود هفت میلیون کد سهام داری فعال در بورس وجود دارد، اما همچنان نسبت تعداد کد سهام داری به تعداد حساب‌های بانکی بسیار پایین است، به‌ویژه این‌که این کدها توزیع جغرافیایی مناسبی هم ندارند. معنی آن این است که با وجود توسعه جغرافیایی بورس در سال‌های گذشته و امکان معاملات برخط، به دلیل آشنا نبودن سرمایه‌گذاران در شهرستان‌ها با مکانیزم‌های سرمایه‌گذاری و مفاهیم بازار سرمایه و نحوه دسترسی به شبکه معاملات، متأسفانه درصد بسیار اندکی از سرمایه‌گذاران در شهرهای کوچک در بورس سرمایه‌گذاری کرده‌اند. توجه به این موضوع می‌تواند نقش بازار سرمایه را در اقتصاد ملی بیش از پیش ارتقا بخشد (بنی‌جمالی، ۱۳۹۵).

به منظور استفاده از کلیه امکانات و منابع مالی کشور به منظور توسعه کارآفرینی، راهکار اجرایی که می‌تواند در بازار سرمایه اعمال گردد تا این هدف از اقتصاد مقاومتی در دسترس

قرار گیرد، تقویت نهادهای مالی جدید می‌باشد. پیش از ابلاغ قانون بازار اوراق بهادار سال ۸۳ مجلس، تنها نهاد مالی واسطه‌ای، بین شرکت‌های کارگزاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بود. پس از ابلاغ قانون مقرر شد هفت نهاد مالی جدید تشکیل شد که این نهادها شامل شرکت‌های تامین سرمایه، مشاور سرمایه‌گذاری، سبذگردان، مشاور عرضه، پذیرش، رتبه بندی و پردازش اطلاعات بودند. خوشبختانه به استثناء شرکت‌های رتبه بندی، مابقی آن‌ها به صورت ترکیبی تشکیل شدند. البته این حوزه نیازمند توسعه بسیار زیاد است، در حال حاضر با وجود تاسیس این نهادهای تخصصی، شرکت‌های کارگزاری همچنان کلیه وظایف را به صورت موازی انجام می‌دهند که برخی از آن‌ها با کسب و کار اصلی کارگزاران در تعارض است. بنابراین، تفکیک وظایف و تقویت نهادهای مالی جدید از دیگر اقداماتی خواهد بود که می‌تواند به بازار سرمایه کمک شایانی کند.

همچنین بازار سرمایه در راستای کمک به شکوفایی تولیدات داخلی و تقویت بازار اولیه، بایستی بستر لازم را به منظور همکاری با سایر بخش‌های اقتصادی کشور (بخش‌های صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و خدمات) فراهم سازد. همچنین به منظور افزایش حضور شرکت‌های مختلف در بورس و مشارکت بیشتر فعالان در زمینه تولید در بازار سرمایه لازم است با افزایش میزان مشوق‌های مالیاتی و کاهش هزینه‌های معاملاتی راه را برای حضور بیشتر بخش خصوصی در این بازار فراهم کرد (اسلامی بیدگلی، ۱۳۹۴). بازار سرمایه، بایستی با توجه به ظرفیت‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران، فرابورس ایران و نیز فعالیت بورس کالا فعالیت کند. به دلیل بالا بودن کارایی این شرکت‌ها، آن‌ها قابلیت رقابت پذیری در بازارهای جهانی را دارند و می‌توان از طریق تقویت این شرکت‌ها و اولویت دادن به آن‌ها، زمینه کاهش وابستگی به نهادها و کالاهای اساسی موضوع تولید این شرکت‌ها را به منظور افزایش تولید داخلی نهادها و کالاهای اساسی (به ویژه در اقلام وارداتی) که از بندهای اقتصاد مقاومتی است را فراهم نماید.

همچنین راهکار اجرایی دیگری که در بازار سرمایه باید مورد توجه قرار گیرد تا زمینه ایجاد تنوع در مبادی تامین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود فراهم شود، اقدام به مطالعات امکان‌سنجی بورس تهاتری یا امکان تبادل بورس‌های کالایی با

بازارهای منطقه بدون نیاز به جابجایی وجه (طراحی برات تضمینی) بایستی در دستور کار قرار گیرد (کاوند، ۱۳۹۳).

به منظور توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان و نیز استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بازار سرمایه بایستی اقدامات لازم را در جهت عضویت در سازمان‌های بین‌المللی انجام دهد. ایران عضو فدراسیون بورس جهانی و برخی از تشکل‌ها، فدراسیون‌ها و کارگروه‌ها است و با چند بورس هم توافقات همکاری تدوین کرده است، اما تعامل بورس با بورس‌های بین‌المللی بسیار پایین است. اقداماتی نظیر پذیرش در بورس‌های خارجی و متقابلاً فراهم کردن زیرساخت‌های پذیرش شرکت‌های خارجی در بورس به صورت کلی و جزئی، حضور سرمایه‌گذاران خارجی، تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌تواند در گسترش بازار سرمایه موثر باشد. همچنین بایستی با تشکیل نهاد تسویه و پایاپای منطقه‌ای زمینه گواهی سپرده سهام اسلامی و... را فراهم نماید. همچنین راهکارهای دیگری را نیز به منظور افزایش کارایی بازار سرمایه می‌توان نام برد، که عبارتند از:

۱. ایجاد تنوع در ابزارهای مالی بورس جهت توزیع و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بورس.
۲. تهیه و تصویب قوانین و مقررات لازم به منظور جلوگیری از سوء استفاده از اطلاعات محرمانه، انتشار اخبار نادرست و...
۳. کاهش تورم و ثبات ارزش پول کشور به منظور کاهش فعالیت‌های غیرمولد و سوق دادن سرمایه‌ها از فعالیت‌های غیرمولد به بورس.
۴. تقویت وضع حسابداری و گزارشگری مالی شرکت‌ها برای افشای اطلاعات اقلام مندرج در ترازنامه، صورت حساب سود و زیان و سایر گردش‌های مالی شرکت‌ها. تاکید بر همگرایی بازارهای پول و سرمایه به وسیله حمایت مالی بازار بانکی از سرمایه‌گذاران (راستاد، ۱۳۸۰).

## نتیجه گیری

بازار سرمایه با توسعه بورس های مختلف (بورس اوراق بهادار، بورس کالا، بورس انرژی، بورس ایده)، نهادهای مالی مختلف (شرکت های تامین سرمایه، صندوق های سرمایه گذاری و...)، ابزارهای متنوع تامین مالی و پوشش ریسک (سهام، حق تقدم، اجاره، مباحه و...) و توسعه زیر ساخت های نرم افزاری و سخت افزاری توانسته، نقش مهمی در جذب مشارکت حداکثری آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی و تامین مالی در کشور ایفا نماید.

از نظر اقتصادی، بازار سرمایه، منابع مالی مورد نیاز بنگاه های اقتصادی را فراهم می کند و اگر به انواع ابزارهای مالی که از نظر زمان، ریسک و نیازهای مشتریان که متنوع اند، مجهز باشد، شرکت ها با انتشار انواع اوراق بهادار قابل معامله می توانند به تامین مالی بازارها بپردازند. با گسترش بازار سرمایه، بانک های تجاری و بازار پول مجبور نیستند که با اعطای اعتبارات بلند مدت و پُر ریسک، به نقدینگی خود فشار آورند.

بازار سرمایه از طرق مختلفی مانند گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن و اعمال سیاست های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاران داخلی و بین المللی به ویژه منطقه ای در بازار سرمایه و حمایت از محققان و سرمایه گذاران و تشویق ورود سرمایه های ایرانی به حوزه های سرمایه گذاری خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه با تأسیس صندوق های شراکت یا ضمانت برای سرمایه گذاری در این حوزه، می تواند اثر مهمی بر تامین مالی بنگاه های اقتصادی داشته باشد.

## فهرست منابع

- اسلامی بیدگی، علی. (۱۳۹۴). پیشنهاد های عملی برای بهبود اوضاع بازار سرمایه ایران. هفته نامه تجارت. شماره ۱۴۸.
- امیر اصلانی، اسد الله. (۱۳۷۵). بازار سرمایه شرکت های سرمایه گذاری و بررسی نقش شرکت های سرمایه گذاری در بازار سرمایه، هفتمین سمینار بانکداری اسلامی. مجموعه سخنرانی ها و مقالات (حفظ ارزش پول و بررسی نظرات از دیدگاه بانکداری اسلام). تهران: موسسه بانکداری ایران.

- آریا، کیومرث. (۱۳۸۵). *سیاست‌های پولی و ارزی، اولویت‌ها و گرایش‌ها*. چاپ اول. تهران: انتشارات کویر.
- بنی جمالی، فاطمه سادات. (۱۳۹۵). *تاثیر اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر بازار سرمایه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد. دانشگاه مفید.
- تاجیک، مهدی. (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در سال (گزارش نظر سنجی ماهانه از هیات نمایندگی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران)*.
- حاجیان، محمدرضا و همکاران. (۱۳۷۷). *بررسی ضرورت تدوین قانون بازار سرمایه در ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- حسن زاده، علی؛ احمدیان، اعظم. (۱۳۸۸). *اثر توسعه بازار بورس بر رشد اقتصادی*. فصلنامه پول و اقتصاد. شماره ۲.
- حسینی فیروزکوهی، میر قربان. (۱۳۹۱). *بازار بورس و چالش‌های مالی*. مجله الکترونیکی ویستا. راسناده، مهدی. (۱۳۸۰). *توسعه مالی و توسعه اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- ژالکین، الکس؛ تولکان، هانری. (۱۳۵۴). *مبانی علم اقتصاد*. ترجمه منوچهر فرهنگ. انتشارات دانشگاه ملی ایران، به نقل از حمیدرضا علومی یزدی، بررسی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و تأثیرات آن بر بازار سرمایه ایران. مجله پژوهش‌های حقوقی. سال پنجم.
- سام دلیری، یونس؛ نایب حقیقی، علی. (۱۳۹۳). *بورس اوراق بهادار و جایگاه آن در بازار سرمایه کشور، بانک و اقتصاد*. شماره ۹.
- عبادی، روح الله؛ گل محمدی، طیبه. (۱۳۹۸). *بررسی ارتباط ساختار تأمین مالی اقتصاد و بازار سرمایه*. فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی. دوره ۸. شماره ۲۷.
- کاوند، مجتبی؛ فراهانیان، محمد جواد. (۱۳۹۳). *تبیین جایگاه بازار سرمایه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی*.
- موسویان، عباس. (۱۳۹۰). *انبارهای مالی اسلامی (صکوک)*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نظریور، محمدنقی. (۱۳۹۲). *عقد و اوراق استصناع (کاربردهای استصناع در بازارهای مالی اسلامی)*. انتشارات دانشگاه مفید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- نمازی، محمد. (۱۳۸۲). *بررسی عملکرد اقتصادی بورس اوراق بهادار در ایران*. تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور دارایی.

## بررسی عوامل موثر بر خلق پول بانک‌های تجاری

سید روح الله مشیری مقدم\*

### چکیده

امروزه بستر سازی شرایط با ثبات در بخش‌های گوناگون اقتصاد، از مهم‌ترین فاکتورهای لازم برای حرکت به سمت رشد پایدار و توسعه همه‌جانبه در کشور به حساب می‌آید. از آن جا که ورود پول جدید به عرصه اقتصاد در قالب نظام بانکداری ذخیره جزئی، توسط بانک مرکزی و بانک‌های تجاری صورت می‌گیرد، این مقاله به روشی تحلیلی-توصیفی عوامل موثر بر خلق پول، بانک‌های تجاری را از سه ناحیه سیاست گذاری بانک مرکزی، ناحیه عرضه و ناحیه تقاضا بررسی می‌کند. در ناحیه سیاست گذاری، بانک مرکزی نه با تغییر پایه پولی و نرخ ذخیره قانونی، بلکه صرفاً با تغییر نرخ بهره ذخایر و تعیین کفایت سرمایه قادر به تأثیر گذاری بر انگیزه بانک‌های تجاری و در نتیجه، کنترل حجم نقدینگی خواهد بود. در ناحیه عرضه پول توسط بانک‌ها نیز تغییر نرخ ذخیره احتیاطی، تغییر نسبت اسکناس به سپرده و ترس از دست دادن ذخایر نمی‌تواند به عنوان یک عامل پر قدرت بانک‌های تجاری را محدود نماید، اما وجود اطلاعات نامتقارن، ریسک بدهی‌های بد، ریسک ورشکستگی و انتظار بانک‌داران نسبت به آینده عامل بسیار مهمی در تغییر انگیزه بانک‌ها به شمار می‌روند.

### کلید واژه‌ها

خلق پول، بانک‌های تجاری، نظام ذخیره جزئی، سیاست‌های پولی، نرخ ذخایر.

## ۱. مقدمه

از زمانی که در جوامع مختلف پول کاغذی به رسمیت شناخته شد، ابتدا بانک‌های مرکزی و سپس با گسترش نظام بانکی، بانک‌های تجاری نیز به نحو گسترده‌تری نسبت به گذشته اقدام به خلق پول نمودند. هنگامی که بانک‌های مرکزی و بانک‌های تجاری پول بیشتری نسبت به ذخایر خود وارد چرخه اقتصاد کردند، اثراتی در پی داشت که اقتصاددانان را نسبت به این پدیده حساس نمود و در صدد تعیین و روشن کردن ساز و کاری برای کنترل انواع خلق پول شدند.

صرف نظر از مباحثی که پیرامون مفهوم و ماهیت پول مطرح شده، در جامعه مدرن امروزی پول دارای چهار مصداق می‌باشد که عبارتند از پول رایج، ذخایر بانک مرکزی (بدهی بانک مرکزی به بانک‌های تجاری)، سپرده‌های بانکی و پول‌های الکترونیکی (بدهی بانک‌های تجاری به سپرده‌گذاران) و رمز ارزها. بنابراین، باتوجه به این مصادیق، چهار نوع خلق پول وجود دارد که خلق پول رایج و ذخایر توسط بانک مرکزی، خلق سپرده‌ها توسط بانک‌های تجاری و خلق رمز ارزها توسط نهادهای غیر حکومتی صورت می‌گیرد. درباره اثرات خلق پول مطالب بسیاری در میان اقتصاددانان مطرح شده که از جمله می‌توان به اثر خلق پول بر ثبات اقتصادی، اخلاق، حقوق، عدالت اقتصادی و وظایف دولت اشاره کرد. موریس آله<sup>۱</sup> به عنوان یکی از دریافت‌کنندگان جایزه نوبل، بی‌ثباتی اقتصادی و عدم رعایت عدالت در توزیع منابع را از مهم‌ترین اشکالات این سیستم می‌داند (فیلیپس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲، ص ۷). اسپونگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) نیز خود سامان نبودن این نظام بانکی در مقابل شوک‌های بیرونی را یکی

- 
1. Maurice Allais
  2. Phillips
  3. Spong Kenneth

از برجسته‌ترین نقاط ضعف نظام بانکی بر می‌شمارد. هرچند امثال جان آدامز<sup>۱</sup> بانک‌ها را نابود کننده ثروت و منابع می‌دانند (نوب، ۱۳۹۶، ص ۶۵)، با این حال مهم‌ترین مزیت خلق پول در نظام ذخیره جزئی را می‌توان گسترش رفاه عمومی از طریق افزایش سریع عرضه پول دانست (میرا، ۲۰۰۹، ص ۱۷).

در مطالعات تجربی در مورد اقتصاد ایران گرجی و انواری (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که نرخ تورم، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر طول دوره رکود دارد به طوری که با افزایش تورم، طول دوره رکود نیز افزایش می‌یابد. رشد نقدینگی نیز به عنوان یک عامل پیشرو می‌تواند عامل مهمی در بروز رکود و رونق اقتصادی باشد (گرجی و انواری، ۱۳۹۷، ص ۲۸-۲۹). از سویی طبق نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹۱، در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ حجم سکه و اسکناس در ایران از ۴/۵ درصد کل نقدینگی به ۲/۷ درصد کاهش یافته و به تبع، حجم سپرده‌های بانکی افزایش یافته است. به طور کلی برای توجیه این که معمولاً این نوع پول از حجم بیشتری نسبت به پول نقد رایج برخوردارند، وجوه مختلفی بیان شده که عبارتند از:

۱. مردم به دلایل امنیتی می‌خواهند دارایی‌های خود را به صورت سپرده در بانک ذخیره کنند.
۲. مردم علاقه‌ای به ذخیره تمام دارایی‌های خود به صورت اسکناس و فیزیکی ندارند (و به خاطر راحتی و سرعت در انتقال، سپرده‌های بانکی را ترجیح می‌دهند).
۳. پول نقد همراه با سود نیست، ولی این سپرده‌ها معمولاً دارای بهره و سود - هرچند ناچیز- هستند (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۷۱).
۴. برای معاملات بزرگ، چارهای جز استفاده از این نوع پول به جای وجه رایج نیست.
۵. به علت رشد دولت الکترونیک، اکثر پرداخت‌ها به صورت الکترونیکی و با استفاده از



سپرده‌های بانکی است. بنابراین، با توجه به گستردگی آثار و حجم سپرده‌های بانکی نسبت به دیگر مصادیق پول، این مقاله، عوامل موثر بر خلق پول بانک‌های تجاری را با روشی تحلیلی - توصیفی بررسی کرده است. با این وجود قبل از بررسی اصل مسئله، ابتدا باید مفهوم خلق پول و نحوه خلق پول بانک‌های تجاری را مطرح کنیم و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده، دلالت‌های آن‌ها را تبیین و تشریح کنیم.

## ۲. مفهوم خلق پول

در یک تعریف ساده می‌توان گفت به عملیاتی که طی آن - از طریق فرایندی مانند وام دهی یا عملیات بازار باز - پول جدیدی وارد چرخه اقتصاد می‌شود، خلق پول صورت می‌گیرد (ورنر،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴، ص ۲).

اگرچه امثال میشکین<sup>۲</sup> شروع خلق پول بانک‌های تجاری را از سپرده پیشینی می‌دانند، چه این سپرده توسط اشخاص در بانک سپرده گذاری شده باشند و چه به وسیله خرید اوراق بها دار توسط بانک و فروش آن به بانک مرکزی صورت گرفته باشد (میشکین، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۷۹۲-۷۹۳)، ولی این نکته (وجود سپرده پیشینی) تأثیری در مفهوم و نحوه خلق پول ندارد.

## ۳. نحوه خلق پول بانک‌های تجاری

به طور کلی، همه انواع پول مدرن (به جز رمز ارزهایی مانند بیت کوین که منشأ حکومتی ندارند) از طریق عملیات تراز نام‌های ایجاد می‌شوند. بانک‌های تجاری با بدهکار کردن خود، سپرده بانکی تولید می‌کنند (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۴۳). علت این که بانک‌ها قدرت خلق پول دارند این است که بدهی بانک‌ها به عنوان وسیله پرداخت رایج شده و از یک

- 
1. Richard A.Werner
  2. Mishkin

پذیرش عمومی برخوردار است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

در مورد نحوه عملکرد بانک‌های تجاری، سه دیدگاه عمده واسطه‌گری مالی، نظام ذخیره جزئی و نظریه خلق پول یا پول درون‌زا مطرح شده است. اگر چه به لحاظ زمانی ابتدا نظریه نظام ذخیره جزئی و سپس نظریه واسطه‌گری مالی مطرح شد، ولی اگر بخواهیم یک سیر منطقی از آن‌ها ارائه دهیم، باید همانند ریچارد ورنر (۲۰۱۴) ابتدا نظریه واسطه‌گری مالی و سپس نظریه نظام ذخیره جزئی را مطرح کنیم.

### ۳.۱. نظریه واسطه‌گری مالی

این نظریه که از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل قرن بیستم نظریه غالب فضای آکادمیک بود، بیان می‌کند که بانک‌ها مانند سایر موسسات مالی غیر بانکی، صرفاً با جمع‌آوری منابع، مجدداً آن‌ها را تخصیص می‌دهند (ورنر، ۲۰۱۴، ص ۲). نگاه رایج در کتاب‌های اقتصاد کلان این است که مجموع پس‌انداز خصوصی و دولتی، جریان ورودی بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری با جریان خروجی بازارهای مالی برابر است. یعنی بدون پس‌انداز پیشینی، هیچ وجه قابل وام‌دانی در دسترس سرمایه‌گذاران نخواهد بود (کمبجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

### ۳.۲. نظام ذخیره جزئی

در این نظریه که در دهه‌های ۱۹۳۰ تا اواخر ۱۹۶۰ رواج داشت می‌توان گفت آن‌ها در کتب درسی بانک‌ها را به این صورت تحلیل می‌نمودند که بانک‌ها علاوه بر تجمیع و تخصیص منابع، می‌توانند به طور جمعی و بر اساس نظام ذخیره جزئی اقدام به خلق پول کنند. با این

- 
1. financial intermediation theory of banking.
  2. fractional reserve theory of banking.
  3. the credit creation theory of banking.
  4. endogenous money theory.

وجود هر بانک به تنهایی یک واسطه‌گر مالی است (ورنر، ۲۰۱۴، ص ۲).

این نگاه کم‌کم تعدیل شد و خلق هم زمان پول و سپرده را در فرایند وام دهی پذیرفتند. با این وجود، شروع خلق پول را از عملیات بازار باز و تزریق ذخایر توسط بانک مرکزی می‌دانند و معتقدند بانک مرکزی می‌تواند با محدود کردن عرضه ذخایر، سطح وام دهی را کنترل کند (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۸). در همین راستا میشکین (۱۳۸۸) ایجاد همزمانی سپرده جاری و اعطای وام دهی را می‌پذیرد، ولی آن‌ها را مبتنی بر این می‌داند که در ابتدا باید از ناحیه بانک مرکزی خریداری شود تا بانک بتواند اقدام به خلق پول کند. یعنی خلق پول را مبتنی بر سپرده پیشین می‌داند. رحمانی (۱۳۹۰) نیز می‌گوید بانک‌های تجاری از طریق قبول سپرده و اعطای وام از محل آن سپرده‌ها، در تعیین عرضه پول نقش دارند. اصطلاح ذخیره جزئی در مقابل ذخیره صد در صدی می‌باشد و به این معناست که بانک می‌تواند به جای آن‌که صرفاً به اندازه ذخایر موجود اقدام به خلق پول کند، به اندازه کسر و جزئی از ذخایر موجود اقدام به خلق پول نماید. به این صورت عمل می‌شود که بانک مرکزی با انتشار سکه یا ایجاد پول از طرق دیگر، پولی را در اقتصاد به گردش در می‌آورد. مردم بخشی از این پول را نزد خود و بقیه را به صورت سپرده نزد بانک‌های تجاری نگه داری می‌کنند. پس به ازای ایجاد هر پول جدید توسط بانک مرکزی، بخشی از آن به صورت سپرده در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد. این بانک‌ها نیز بخشی از آن را به صورت ذخیره نگهداری کرده و بقیه را به وام گیرندگان، وام و اعتبار می‌دهند.

علاوه بر خلق پول از ناحیه پرداخت وام، بانک‌ها با خرید دارایی‌های مردم و اوراق قرضه دولتی و خصوصی نیز اقدام به خلق پول می‌کنند. در این صورت، دارایی بانک به میزان ارزش اوراق خریداری شده افزایش می‌یابد و حساب طرف معامله نیز به همان میزان افزایش خواهد یافت. این افزایش حساب به معنای افزایش بدهی بانک بوده و بنابراین بانک پول جدیدی خلق می‌کند (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۴۹).

باید توجه داشت که می‌توان گفت دو نظریه واسطه‌گر مالی بودن بانک و نظریه ذخیره جزئی مکمل هم هستند و در حال توضیح یک سیستم می‌باشند. دیدگاه ذخیره جزئی چگونگی خلق نقدینگی را توضیح می‌دهد و دیدگاه واسطه‌گر مالی به توضیح نحوه گردش

نقدینگی در اقتصاد می‌پردازد (ادیب نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۳).

اشکالات زیادی به نظریه ذخیره جزئی مطرح شده که به خاطر پرهیز از دوباره گویی، در قسمت عوامل مؤثر بر خلق پول به طور مفصل به آن‌ها می‌پردازیم. با این حال اجمالاً به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. طبق نظریه درون‌زایی پول در بسیاری از موارد، خلق پول توسط بانک‌ها پیش از خلق پایه پولی توسط بانک مرکزی است.

۲. اگر بانک مرکزی کنترل نرخ بهره را هدف گذاری کرده باشد، علت خلق پایه پولی توسط بانک مرکزی، خلق پول بانکی است؛ زیرا بانک مرکزی را مجبور به افزایش ذخایر می‌کند؛ چراکه در غیر این صورت، به علت افزایش تقاضای پول و کاهش عرضه آن، نرخ بهره بالا می‌رود.

۳. رشد حجم پول می‌تواند هم زمان با سپرده باشد نه در رتبه بعد از آن و به صورت تدریجی (کمپجانی همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۹). با روشن شدن مباحث مربوط به نظریه سوم این اشکالات به خوبی آشکار می‌شوند.

### ۳.۳. نظریه خلق پول (پول درون‌زا)

نظریه پردازان این الگو که از دو دهه اول قرن بیستم به بعد به نحو روز افزونی زیاد شدند، بر این عقیده هستند که بانک‌ها وام‌های پرداختی را نه از منابع جمع آوری شده، بلکه از هیچ ایجاد و به تنهایی اقدام به خلق پول می‌کنند (ورنر، ۲۰۱۴، ص ۲). در واقع وقتی بانک به یکی از مشتریان خود وام می‌دهد، به سادگی و با عملیات تراز نامه‌ای، میزان اعتبار حساب سپرده او را افزایش می‌دهد و در این لحظه، پول جدیدی خلق می‌شود (آداک، ۲۰۱۷، ص ۳).

این رویکرد بیان می‌کند که بانک ابتدا اقدام به خلق سپرده می‌کند و سپس به دنبال ذخایر

مورد نیاز می‌رود، یعنی بانک منتظر ورود سپرده‌های جدید برای اقدام به خلق پول نمی‌ماند (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۰). به این صورت که بانک با اقدام به خلق پول و عملیات وام‌دهی در مرحله بعد، از بانک مرکزی درخواست ذخایر می‌کند و به دلیلی که خواهد آمد، بانک مرکزی به درخواست آن‌ها پاسخ مثبت داده و ذخایر را افزایش می‌دهد.

البته این نظریه را به بیان دقیق‌تری نیز می‌توان مطرح کرد. به این صورت که بانک فقط به خاطر تسویه مطالبات بین بانکی اقدام به استقراض از بانک مرکزی می‌کند، ولی برای خلق و سپرده نیاز به استقراض از بانک مرکزی برای افزایش ذخایر قانونی خود ندارد؛ زیرا بانک هم‌زمان با پرداخت وام به وام‌گیرنده، سپرده‌ای برای او خلق می‌کند. یعنی دو طرف دارایی و بدهی خود را افزایش می‌دهد (ادیب‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۵). بانک در زمان اعطای وام، دو طرف تراز نامه را افزایش می‌دهد. در طرف دارایی، وام جدید ثبت می‌شود و در طرف بدهی، سپرده جدید متعلق به وام‌گیرنده ثبت خواهد شد. یعنی بانک هم سپرده را تولید می‌کند و هم وام را (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۹). نتیجه این‌که در هنگام پرداخت وام، به هیچ وجه سپرده هیچ یک از سپرده‌گذاران کاهش نمی‌یابد؛ زیرا پول جدیدی در اقتصاد تحت عنوان سپرده و وام ایجاد می‌شود (میرا، ۲۰۰۹، ص ۱۰). اقتصاد دانان بسیاری حامی این رویکرد سوم هستند. از جمله می‌توان به کینگ<sup>(۲۰۱۲)</sup> رئیس پیشین بانک مرکزی انگلستان، ترنر<sup>(۲۰۱۳)</sup> رئیس پیشین مقام خدمات مالی انگلستان، کالبرتسون<sup>(۱۹۵۸)</sup> عضو هیئت مدیره فدرال رزرو، گودهارت<sup>(۲۰۰۷)</sup>، دادلی<sup>(۲۰۰۹)</sup> رئیس فدرال رزرو نیویورک، بانک مرکزی اتحادیه اروپا<sup>(۲۰۱۲)</sup>، موسسه استاندارد اند پورز<sup>(۲۰۱۳)</sup> و فدرال رزور<sup>(۲۰۱۳)</sup> می‌توان اشاره

- 
1. Meera
  2. King
  3. Turner
  4. Culbertson
  5. Goodhart
  6. Dudley
  7. European Central Bank.
  8. Standard and Poor's.

کرد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۳-۲۴).

علاوه بر بررسی نظری، آزمون‌های عملی نیز در شناخت و فهم ما از عملکرد بانک بسیار کاراست. ورنر (۲۰۱۴) با یک آزمایش تجربی و با استفاده از اطلاعات یک بانک آلمانی که از قوانین اتحادیه اروپا پیروی می‌کرد، این سه نظریه را آزمایش نمود و با اطمینان به این نتیجه رسید که وقتی بانک اقدام به اعطای وام می‌کند، از پول‌های موجود، وام را پرداخت نمی‌کند، بلکه پول و اعتبار جدیدی ایجاد می‌کند. بنابراین، عرضه پول فارغ از مقدار سپرده‌ها است.

#### ۴. عوامل موثر بر خلق پول بانک‌های تجاری

بعد از بیان مفهوم خلق پول و نحوه خلق پول بانک‌های تجاری، اکنون نوبت به بررسی عوامل موثر بر خلق پول بانک‌های تجاری می‌رسد. این عوامل را می‌توان به سه عامل سیاستی، ناحیه عرضه و ناحیه تقاضا تقسیم کرد.

##### ۴.۱. مدیریت خلق پول از ناحیه سیاست گذاری بانک مرکزی

برای رسیدن به رشد پایدار و توسعه همه‌جانبه، باید شرایط باثباتی در بخش‌های مختلف اقتصاد حکم فرما باشد. یکی از پیش شرط‌های این امر خطیر، ثبات پولی و مالی است که برای رسیدن به آن، بانک مرکزی و دولت اقداماتی را انجام می‌دهند. بانک مرکزی با اجرای سیاست‌های پولی (یعنی با افزایش و یا کاهش عرضه پول) درصدد کنترل نقدینگی، نرخ سود و تورم برای رسیدن به رشد پایدار می‌باشد (برانسون، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). روشن است هر چه قدرت بانک مرکزی در تغییر عرضه پول بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر این مؤلفه‌ها دارد. با این وجود، میزان قدرت بانک مرکزی بر عرضه پول سؤالی است که همواره مورد کنکاش اقتصاد دانان بوده است. برای پاسخ به این سؤال باید دانست که بانک مرکزی با اعمال

سیاست‌های مشخصی می‌تواند عرضه پولی را کنترل کند که عبارت است از:

#### ۴.۱.۱. تغییر پایه پولی

گفته می‌شود بانک مرکزی با تغییر پایه پولی (سکه و اسکناس رایج، نرخ ذخیره احتیاطی و نرخ ذخیره قانونی) می‌تواند بر خلق پول بانک‌های تجاری موثر باشد؛ زیرا هر چه پول بیشتری در دست بانک‌ها باشد، بانک به میزان بیشتری می‌تواند خلق پول کنند و افزایش ذخایر نیز قدرت بانک بر خلق پول را افزایش می‌دهد (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱-۲۵۲).

با بررسی این ادعا به این نتیجه می‌رسیم که اولاً این ادعا مبتنی بر نظریه برون‌زا بودن پول است؛ زیرا طبق این نظریه، سیاست‌گذاران بانک مرکزی تصمیم می‌گیرند که حجم پول در اقتصاد به چه میزان باشد، در حالی که امروزه بحث برون‌زا بودن پول طرفداران چندانی ندارد و به دلایلی که در بحث درون‌زایی پول مطرح کردیم، اکثر اقتصاد دانان عرضه پول را درون‌زا می‌دانند و به عقیده آن‌ها بانک مرکزی تصمیم‌گیرنده نیست، بلکه تحت تصمیم عوامل اقتصادی مجبور به تغییر پایه پولی می‌شود (نایان و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۴۸). ثانیاً در مبحث قبل، اثبات شد که برای خلق پول، از اساس نیاز به سپرده و پول پیشینی نیست و بانک‌ها بدون وجود سپرده، خلق پول از هیچ می‌کنند و سپس به دنبال جذب ذخایر می‌روند.

#### ۴.۱.۲. تغییر نرخ ذخیره قانونی

مهم‌ترین عاملی که در نظام ذخیره جزئی برای کنترل خلق پول بانک‌های تجاری مطرح می‌شود، این است که بانک مرکزی با تغییر نرخ ذخیره قانونی (مثلاً با افزایش آن) بانک‌ها را مجبور می‌کند، حجم ذخایر بیشتری به بانک مرکزی تحویل دهند.

از این رو، در صورتی که بانک به اندازه کافی نقدینگی نداشته باشد، نمی‌تواند اقدام به

خلق پول کند، بلکه باید با جذب سپرده‌های بیشتر، ذخایر خود را بالا ببرد تا بتواند به پشتوانه آن‌ها خلق پول کند (نایان و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۴۸).

اشکال این است که اگر چه بانک‌ها باید از نرخ ذخیره قانونی تبعیت کنند، ولی به دو علت این مسئله برای آن‌ها محدودیتی ایجاد نمی‌کند.

۱. از آن‌جا که هم اکنون بانک‌های مرکزی به جای کنترل حجم ذخایر (پایه پولی)، درصد تعیین نرخ بهره استقراض ذخایر هستند، این‌که گفته می‌شود بانک‌ها ابتدا خلق پول می‌کنند، سپس به جذب ذخایر اقدام می‌کنند به همین معناست؛ زیرا بانک مرکزی به هر میزانی که بانک‌های تجاری تقاضا کنند، ذخایر را با نرخ بهره اعلام شده قرض خواهد داد (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

جدول ۱. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۶

سال	بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (هزار میلیارد ریال)	درصد رشد نسبت به سال قبل
۱۳۹۳	۸۵۸/۱	۴۲/۴٪
۱۳۹۴	۸۳۶/۳	-۲/۵۴٪
۱۳۹۵	۹۹۶/۹	۱۹/۲۱٪
۱۳۹۶	۱۳۲۰/۳	۳۲/۴۴٪

منبع: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹۲.

بر اساس داده‌های جدول ۱ بدهی بانک‌های ایران به بانک مرکزی در چند سال اخیر هر ساله



به میزان زیادی افزایش می‌یابد و به جز در سال ۱۳۹۴ که ۲.۵ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته بود، در سال‌های دیگر رشد قابل ملاحظه‌های داشته است.

توضیح این‌که برای اجرای سیاست‌های پولی، غالباً با دو نوع هدف گذاری در عرضه پول و نرخ بهره مواجه هستیم. در هدف گذاری عرضه پول یک سطح معینی از حجم پول در نظر گرفته می‌شود و در هدف گذاری نرخ بهره، یک سطح معینی از نرخ بهره را در نظر می‌گیرند و با اعمال سیاست‌های پولی عرضه پول یا نرخ بهره را در سطح مورد نظر ثابت نگه می‌دارند (برانسون، ۱۳۸۴، ص ۴۶۰-۴۶۱). بعد از بحران مالی ۱۹۰۷ برای جلوگیری از وقوع بحران‌های مشابه و سروسامان دادن به سیستم بانکی آمریکا، در سال ۱۹۱۳ فدرال رزرو تأسیس شد. بر خلاف دیگر بانک‌های مرکزی که سیاست کنترل نرخ بهره کوتاه مدت را در پیش گرفته بودند، فدرال رزرو سیاست ضریب فزاینده را برای کنترل بانک‌ها اعمال می‌کرد. این سیاست تا اواخر دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت تا این‌که در این دوره، به سیاست کنترل و مدیریت نرخ بهره روی آورد (ادیب‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۲). در همین راستا، رول (۲۰۱۵) معتقد است، از آن‌جا که بانک‌های مرکزی سیاست کنترل نرخ بهره را در پیش گرفتند، باید در کوتاه مدت با عرضه ذخایر بتواند تقاضای بانک‌ها را پوشش دهند. بنابراین، بانک‌ها می‌توانند عرضه و خلق پول خود را افزایش دهند و بانک مرکزی با افزایش ذخایر، ذخایر قانونی بانک‌ها را تعدیل نماید (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

در توضیح این مطلب باید اضافه کرد، اکثر بانک‌های مرکزی برای کنترل تورم، چارچوب هدف گذاری نرخ بهره را به کار می‌گیرند. در این چارچوب، بانک مرکزی نمی‌تواند کنترلی بر حجم ذخایر اعمال کند، بلکه صرفاً نرخ استقراض ذخایر را کنترل می‌کند. در واقع نمی‌توان هم زمان حجم ذخایر (پایه پولی) و نرخ بهره را کنترل کرد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۷). دادلی (۲۰۰۹) رئیس بخش نیویورک فدرال رزرو بیان می‌کند: «فدرال رزرو خودش را ملزم

می‌داند که به مقدار کافی ذخایر را برای بانک‌ها تامین کند تا این که نرخ بهره بین بانکی در هدف تعیین شده قرار گیرد» (ادیب‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

بنابراین، نرخ ذخیره قانونی نمی‌تواند عاملی برای محدودیت بانک‌های تجاری باشد؛ زیرا بانک ابتدا خلق پول می‌کند، سپس نسبت به افزایش ذخایر اقدام می‌کند. یعنی نرخ ذخیره قانونی در تعیین سقف پول تأثیری ندارد؛ چراکه حجم پایه پولی به صورت درون‌زا تعیین می‌شود (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

۲. تمام آن‌چه که گفته شد در صورتی بود که همانند تبیین‌کننده‌های نظام ذخیره جزئی، بانک را صرفاً خالق وام بدانیم، ولی اگر آن‌گونه که روشن شد، بانک را به طور هم‌زمان خالق وام و سپرده بدانیم، دیگر حتی نیازی به استقراض از بانک مرکزی نیست؛ زیرا سپرده کافی در بانک وجود دارد. البته این در فرضی است که سپرده‌ها در همان بانک بمانند، اما اگر سپرده‌ها به بانک دیگری انتقال یابند، بانک ارائه دهنده وام، باز هم مجبور به استقراض می‌شود که توضیحات آن بیان خواهد شد. اکنون این سوال مطرح می‌شود که اگر بانک مرکزی نمی‌تواند با تغییر پایه پولی و نرخ ذخیره قانونی خلق پول را کنترل کند، پس سیاست‌های پولی چگونه اعمال می‌شوند؟ در ادامه با بررسی دیگر سیاست‌های بانک مرکزی به این سوال پاسخ می‌دهیم.

#### ۳.۱.۴. تعیین کفایت سرمایه

میزان سرمایه‌ای که بانک‌ها باید نگهداری کنند به سه دلیل مورد توجه بانک‌هاست. اول این که سرمایه بانک به جهت جلوگیری از ناتوانی بانک در پرداخت دیون کمک می‌کند. دوم این که میزان سرمایه، یک رابطه منفی با عایدی مالکان و سهام داران بانک دارد. در مقام سوم، یک میزان حداقلی از سرمایه بانکی از جانب نهادهای نظارتی الزام آور می‌شود (میشکین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰۰).

بانک مرکزی با مشخص کردن میزان کفایت سرمایه و اجرای سیاست‌های کلان احتیاطی و اخذ جریمه‌های بسیار سنگین از بانک‌های متخلف، بانک‌ها را به این نتیجه می‌رساند که بیش از اندازه اقدام به پرداخت وام نکنند (ادیب‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۸). توضیح مطلب این که بانک‌ها، بهره‌های

پرداختی به سپرده گذاران را از جایی تامین نمی کنند، بلکه آن‌ها را خلق می کنند. با این وجود، اگر در یک دوره مالی، دارایی‌ها و بدهی‌های بانک تراز نباشد و رشد پرداخت بهره بیش از رشد دارایی‌ها باشد، بانک مجبور به شناسایی زیان و کسر از سرمایه خواهد شد. البته این عامل یعنی محدود بودن رشد بدهی به رشد دارایی در صورتی است که نظارت بانک مرکزی کامل باشد؛ زیرا در صورت ضعف نظارت، بانک می تواند دارایی‌های خود را بیش از اندازه واقعی نمایش دهد و به این ترتیب تعادل تراز نامه خود را حفظ کند (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

#### ۴.۱.۴. تغییر نرخ بهره ذخایر (نرخ تنزیل مجدد)

بانک مرکزی با کنترل نرخ بهره وام‌های پرداختی به دیگر بانک‌ها، هم بر نرخ سود سپرده‌ها و وام‌ها و هم بر بازار بین بانکی تأثیر می گذارد. در نتیجه مقدار وام‌دهی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار می دهد (ادیب نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۸). به عنوان مثال وقتی بانک مرکزی نرخ بهره استقراض ذخایر را بالا می برد هزینه بانک‌ها در استقراض از بانک مرکزی بالا می رود. این افزایش هزینه‌ها در بالا بردن نرخ سود وام‌ها و پایین آمدن نرخ سود سپرده‌ها تأثیر گذار است که خود سبب کاهش وام دهی خواهد شد. از طرفی نرخ بهره بین بانکی، یعنی نرخ بهره‌ای که بانک‌ها برای تسویه مطالبات بین بانکی از یکدیگر قرض می گیرند نیز بالا می رود. در نتیجه باز هم هزینه بانک‌ها را افزایش می دهد که موجب بالا رفتن نرخ سود وام‌ها و کاهش نرخ سود سپرده می شود. بنابراین، جریان وام دهی کاهش می یابد. البته تمام این راه‌حل‌ها صرفاً در انگیزه بانک‌ها برای بسط یا محدود نمودن خلق پول تأثیرگذار است (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸). به خاطر ترس از جریمه سنگین در صورت عدم رعایت کفایت سرمایه یا به خاطر پرداخت سود زیاد در استقراض از بانک مرکزی یا دیگر بانک‌ها، خود بانک برای حداکثر کردن سود به این نتیجه می رسد که میزان کمتری وام بدهد، یعنی سقفی برای محدود نمودن وام دهی بانک‌ها به صورت برون‌زا تعیین نمی شود (ادیب نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۸-۲۹). بنابراین، در قسمت بعد به عواملی می پردازیم که سبب می شوند خود بانک‌ها نسبت به خلق پول اعمال محدودیت کنند.

## ۲.۴. مدیریت خلق پول از ناحیه عرضه

گاهی بانک‌ها به نحو داوطلبانه‌ای اقدام به محدود سازی خلق پول می‌کنند. اکنون به بررسی ابزارها و عوامل انگیزشی این اقدام بانک‌ها می‌پردازیم.

## ۲.۴.۱. تغییر نرخ ذخیره احتیاطی

بانک‌ها با تغییر نرخ ذخیره احتیاطی می‌توانند قدرت خلق پول خود را تغییر دهند. مثلاً با افزایش نرخ ذخیره احتیاطی میزان نقدینگی بیشتری را داوطلبانه در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهند. بنابراین، با کاهش نقدینگی موجود در بانک، قدرت خلق پول خود را کاهش می‌دهند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱).

یکی از دلایلی که باعث می‌شود بانک‌ها نرخ ذخیره احتیاطی خود را بالا ببرند این است که ممکن است در اثر کاهش اعتماد مشتریان، هجوم بانکی صورت بگیرد. یعنی بخش قابل توجهی از مشتریان به طور همزمان اقدام به نقد کردن سپرده‌های خود کنند و بانک توانایی پاسخ به تقاضای آنان را نداشته باشد (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۳). به سه علت این عامل نمی‌تواند قدرت خلق پول بانک‌ها را محدود نماید:

۱. با گسترش الکترونیکی بازارهای پولی و کاهش نیاز به پول نقد، محدودیت تامین نیاز نقدی مشتریان رفع شده و مشتریان دیگر نیاز به پول نقد را احساس نمی‌کنند. در نتیجه برای یافتن پول نقد به بانک مراجعه نمی‌کنند (ادیب نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۷-۱۸).

۲. هجوم بانکی امروزه با وجود بیمه سپرده‌ها تقریباً منتفی است و در صورت نیاز، بانک مرکزی آن را جبران می‌کند؛ زیرا هجوم بانکی و گسترش آن عواقب خطرناکی برای اقتصاد دارد و می‌تواند به فروپاشی نظام مالی بیانجامد (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۳). البته وجود بیمه سپرده‌ها صرفاً ریسک را کاهش می‌دهد و اگر هجوم بانکی در حد گسترده، کل نظام بانکی را

درگیر کند، حتی بیمه‌ها هم پاسخگو نخواهند بود.

۳. چنانچه گذشت برای خلق پول نیاز به پس انداز پیشینی نیست و بانک‌ها بدون نیاز به نقدینگی ابتدا اقدام به خلق پول می‌کنند، سپس در صدد تأمین ذخایر بر می‌آید.

#### ۲.۲.۴. تغییر نسبت اسکناس به سپرده

هرچه مردم از اسکناس و پول نقد بیشتری استفاده کنند، قدرت خلق پول بانک‌ها کمتر می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱). این مورد در صورتی محدودیت برای بانک‌های تجاری ایجاد می‌کند که بانک قادر به استقراض نباشد، ولی اگر قادر به استقراض باشد، دیگر کمبود اسکناس محدودیتی به شمار نمی‌رود؛ زیرا چنان‌که گفتیم بانک برای خلق پول اساساً نیاز به پس انداز و نقدینگی پیشینی ندارد و به خلق پول از هیچ اقدام می‌کند. سپس با استقراض از دیگر بانک‌ها یا بانک مرکزی ذخایر مورد نیاز را تأمین می‌کند. هرچند اگر بانک اسکناس بیشتری در اختیار داشته باشد قدرت بیشتری برای خلق پول دارد.

#### ۳.۲.۴. ترس از دست دادن ذخایر

اگر بانکی با سرعت بیشتری نسبت به دیگر بانک‌ها اقدام به خلق پول کند، ولی به طور هم‌زمان سهم بازاری این بانک از سپرده‌های بانکی افزایش نیابد، نسبت به دیگر بانک‌ها بدهکار خواهد شد و مجبور می‌شود در بازار بین بانکی از ذخایر خود نزد بانک مرکزی استفاده کند (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۳). یعنی اگر مشتری با خرج کردن وام، پول خود را که از بانک «الف» وام گرفته بود به بانک «ب» منتقل کند، از آن‌جا که در بازار بین بانکی، سپرده‌های بانکی ارزشی ندارند. بنابراین، برای انتقال وجه، بانک «الف» باید از ذخایر خود نزد بانک مرکزی استفاده کند و اگر ذخایر نداشته باشد و بیش از ذخایر خود اقدام به خلق پول کرده باشد، مجبور به استقراض می‌شود و بانک مرکزی نیز به عنوان وام، ذخایر بانک «الف» را افزایش می‌دهد (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

این عامل نیز نمی‌تواند به عنوان یک محدود کننده پرقدرت، بانک‌ها را وادار به محدود

نمودن خلق پول کند؛ زیرا متوسط مطالبات و بدهی‌های بانک‌ها در تسویه بین بانکی تقریباً برابر بوده و همدیگر را خنثی می‌کنند (سبحانی و درویدیان، ۱۳۹۵، ص ۳۴). یعنی معمولاً سرعت خلق پول و وام‌دهی بانک‌ها یکسان است که در نهایت به تهاثر بدهی بانک‌ها نسبت به یکدیگر ختم می‌شود (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۳).

#### ۴.۲.۴. وجود اطلاعات نامتقارن

دسترسی به اطلاعات متقارن، یک عنصر مهم در خلق اعتبارات می‌باشد. اگر وام‌گیرنده بتواند با ارائه اطلاعات قابل اعتماد، وام دهنده را قانع سازد که احتمال عدم بازپرداخت وی اندک است، وام دهنده به ایشان وام خواهد داد، ولی اگر اطلاعات به گونه‌ای باشد که نشان دهنده ریسک بالای عدم بازپرداخت باشد، بانک نمی‌تواند ریسک کند و وام پرداخت کند (نوب، ۱۳۹۶، ص ۱۵۶). به عبارت دیگر، فعالیت بانک‌ها در یک بازار رقابتی باعث می‌شود که برای جذب وام‌گیرنده خوب و با ریسک کم رقابت کنند. اگر بانکی بخواهد وام بیشتری بدهد، باید کم‌کم به افراد دارای ریسک بالاتر وام بدهد. هر چقدر بانک بخواهد وام بیشتری بدهد، این ریسک بیشتر می‌شود و خطر عدم بازپرداخت وام بیشتر خواهد شد و این با فلسفه «وام بیشتر برای دریافت سود بیشتر» در تناقض است و ریسک اعتبارسنجی بانک را افزایش می‌دهد (ادیب نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۶).

#### ۴.۲.۵. ریسک بدهی‌های بد

گاهی ممکن است بنگاهی از بانک وام دریافت کند و در شرایطی ورشکسته شود که ارزش وثیقه‌اش کاهش یافته باشد و کمتر از ارزش وام گردد (اتفاقی که در بحران سال ۲۰۰۷ افتاد). این حالت را ریسک بدهی‌های بد می‌گویند (حسینی دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۳).

## ۴.۲.۶. ریسک ورشکستگی

در یک بازار رقابتی اگر بانک بخواهد مقدار وام بیشتری نسبت به دیگر بانکها پرداخت کند، باید نسبت به بانکهای رقیب با نرخ سود کمتری وام را ارائه دهد تا بتواند وام گیرندهای بیشتری را جذب خود کند. در مرحله بعد چون میزان بیشتری وام پرداخت کرده، در بازار بین بانکی مجبور است ذخایر بیشتری را از دست بدهد. پس اگر در بلند مدت نسبت به دیگر بانکها مقدار بیشتری وام بدهد، در معرض از دست دادن ذخایر خود در بازار بین بانکی خواهد بود. برای جذب سپرده، بانک باید نرخ بهره پرداختی به سپردهها را افزایش دهد، یعنی از یک طرف نرخ بهره وامها را کاهش دهد و از طرف دیگر نرخ سود سپردهها را افزایش دهد تا بتواند با جذب سپردههای بیشتر و افزایش ذخایر خود نزد بانک مرکزی، با خیال راحت اقدام به ارائه وام کند، ولی چون رقابتی است، این کار سود بانکها را کاهش می دهد و در بلند مدت نمی توانند این عمل را تکرار کنند؛ زیرا هم سود دریافتی خود را کاهش می دهند و هم سود پرداختی به بانک مرکزی برای جذب ذخایر را افزایش می دهند و ورشکسته خواهند شد (ادیب نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۷-۲۸).

## ۴.۲.۷. انتظار بانک داران نسبت به آینده

در دوران تورم سود واقعی کاهش می یابد. بنابراین، اگر بانک داران نسبت به آینده انتظارات تورمی داشته باشند، میزان وام خود را کاهش می دهند. بنابراین، با توجه به مباحث مطرح شده تنها عامل محدود کننده بانکها، تمایل و انگیزه آنها به وام است که مبتنی بر ارزیابی بانک از سود آوری و ریسک وام دهی است (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۷). این کنترل داوطلبانه و عدم عرضه وام توسط بانکها در مبحث بررسی ادوار تجاری تحت عنوان الگوی اصل شتاب مالی و الگوی جیره بندی اعتبارات به بیان دیگری نیز تبیین شده است و در آنجا به نحو مبسوط تر روشن می شود که چرا بنگاهها اعتبارات را جیره بندی می کنند.

## ۳.۴. مدیریت خلق پول از ناحیه تقاضا

چنان‌که گفته‌اند نظام بانکی نمی‌تواند به اندازه دلخواه خلق پول داشته باشد، بلکه فقط هنگامی این اتفاق می‌افتد که وام‌گیرنده‌گان تقاضای وام داشته باشند (آداک، ۲۰۱۷، ص ۲). از آن‌جا که برای پرداخت وام، وام‌گیرنده‌گان به وثیقه‌های محکم و بدون ریسک احتیاج دارند و در نهایت باید قدرت پرداخت اصل وام و سود آن را نیز داشته باشند (این مطلب در بنگاه‌های کوچک نسبت به بنگاه‌های بزرگ نمایان‌تر است) (نوب، ۱۳۹۶، ص ۱۶۴)، در نتیجه در بعضی از موارد هم که بانک‌ها حاضر به پرداخت وام هستند، میزان تقاضا از سوی فعالان اقتصادی می‌تواند به عنوان یک عامل محدودکننده خلق پول عمل کند (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۴).

## ۵. دلالت‌های سیاستی

این تصور که بانک مرکزی با کنترل حجم پایه پولی می‌تواند حجم نقدینگی در جامعه را کنترل کند، موجب شده جهت‌گیری اصلی سیاست‌های پولی به سمت تغییر پایه پولی باشد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸) که باعث اتلاف و گاهی تغییر مسیر اقتصاد از مجرای واقعی خود می‌شود. در حالی که بانک مرکزی نه با تغییر پایه پولی، بلکه با تغییر نرخ بهره ذخایر و تعیین کفایت سرمایه، قادر به تأثیر بر انگیزه بانک‌های تجاری و در نتیجه کنترل حجم نقدینگی خواهد بود. بنابراین، برای انجام سیاست‌های پولی صرفاً باید از طریق تغییر نرخ بهره ذخایر و نظارت شدید و کامل بر بانک‌ها برای کنترل کفایت سرمایه وارد عمل شد.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، عوامل مؤثر بر خلق پول بانک‌های تجاری از سه ناحیه سیاست‌گذاری بانک مرکزی، ناحیه عرضه و ناحیه تقاضا توضیح داده شد. ابتدا در بحث نحوه خلق پول بانک‌های تجاری این نتیجه به دست آمد که ارائه وام و خلق سپرده بانکی (به عنوان یکی از مصادیق پول مدرن) مبتنی بر سپرده پیشینی نبوده و بانک‌ها بدون وجود سپرده، ابتدا اقدام به خلق سپرده



می‌کنند و سپس به دنبال جذب ذخایر می‌روند و این نتیجه با بحث درون زایی پول کاملاً هماهنگ می‌باشد.

بنابراین، در ناحیه سیاست گذاری بانک مرکزی نه با تغییر پایه پولی و نرخ ذخیره قانونی، بلکه صرفاً با تغییر نرخ بهره ذخایر و تعیین کفایت سرمایه قادر به تأثیر گذاری بر انگیزه بانک‌های تجاری و در نتیجه کنترل حجم نقدینگی خواهد بود. در ناحیه عرضه پول توسط بانک‌ها نیز تغییر نرخ ذخیره احتیاطی، تغییر نسبت اسکناس به سپرده و ترس از دست دادن ذخایر نمی‌تواند به عنوان یک عامل پر قدرت بانک‌های تجاری را محدود نماید و در عوض وجود اطلاعات نامتقارن، ریسک بدهی‌های بد، ریسک ورشکستگی و انتظار بانک داران نسبت به آینده عامل بسیار مهمی در تغییر انگیزه بانک‌ها به شمار می‌روند. در ناحیه، تقاضا هم میزان تقاضای فعالان اقتصادی می‌تواند به عنوان یک عامل محدود کننده مهم خلق پول عمل کند.

به طور کلی، نتیجه‌ای که به دست آمد این است که نخست آن‌که بانک‌های مرکزی نه با اقدامات اجبار کننده، بلکه با اقدامات انگیزشی برای بانک‌های تجاری در صدد کنترل و مدیریت خلق پول آن‌ها هستند. دوم این‌که گاهی اوقات خود بانک‌های تجاری (همانند دیگر بنگاه‌های اقتصادی) برای حداکثر سازی سود، اقدام به کاهش عرضه پول می‌کنند. سوم آنکه در پاره‌ای از موارد، این محدودیت از ناحیه عاملان اقتصادی و تقاضا کنندگان وام‌ها اعمال می‌شود.

## منابع فارسی

- ادیب نیا، علی. (۱۳۹۶). خلق اعتبار و محدودیت ذخیره قانونی. پایان نامه به عنوان تحقیق بخشی از شرایط دریافت درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه صنعتی شریف. دانشکده اقتصاد.
- برانسون، ویلیام. اچ. (۱۳۸۴). تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان. ترجمه عباس شاکری. چاپ هشتم. تهران: نشر نی.
- حسینی دولت آبادی. سید مهدی. (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

رحمانی تیمور. (۱۳۹۰). اقتصاد کلان. جلد دوم. تهران: برادران.  
 سبحانی، حسن؛ درودیان، حسین. (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام  
 بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی. سال شانزدهم. شماره ۶۴. ص ۳۱-۵۴.  
 عالی پناه، علیرضا؛ تاج لنگرودی، محمد حسن. (۱۳۹۶). بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های  
 تجاری. پژوهش نامه میان رشته‌ای فقهی. سال پنجم. شماره ۲. ص ۶۵-۹۴.  
 کیمیجانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید؛ روحانی، سید علی. (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد  
 دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران. سال پانزدهم. شماره ۲۹. ص ۹-۳۸.  
 گرچی، ابراهیم؛ انواری رستمکلائی، فرزانه. (۱۳۹۷). نقش بانک مرکزی در ایجاد سیکل‌های تجاری در  
 اقتصاد ایران. پژوهش‌های اقتصاد پولی و مالی، شماره ۱۵، ص ۱-۳۲.  
 میشکین، فردریک. اس. (۲۰۱۰). اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی. ترجمه حسین قضاوی. چاپ اول.  
 تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.  
 نوپ، ت. ا.ی. (۱۳۹۶). اقتصاد کلان مالی جدید. ترجمه مهدی تقوی و بیتا شایگانی. چاپ اول. تهران:  
 موسسه عالی آموزش بانکداری.

## Reference

- Adak, Naba Kumar. (2017). *The Central Bank Fraudulently Creates Money out of Nothing but Pushes It into the Economy as if the Money is representing Some Commodity*, Proceedings of Annual Tokyo Business Research Conference 3-5 April 2017, Hotel Sunroute Plaza Shinjuku, Tokyo, Japan, ISBN: 978-1-925488-31-9.
- Meera, A. & Larbani, M. (2009), *Ownership Effects of Fractional Reserve Banking: An Islamic Perspective*, *Humanomics*, Vol 21.
- Nayan, S., Kadir, N., Abdullah, M. S., & Ahmad, M. (2013). *Post Keynesian endogeneity of money supply: Panel evidence*. *Procedia Economics and Finance*, 7, 48-54.
- Phillips, Ronnie J (1992), *Credit Markets and Narrow Banking*, Working Paper No. 77, July 1992, Presented at the annual meetings of the Eastern Economics Association, New York City, March 27-29, 1992.
- Spong, Kenneth (1993), *Narrow Banks: An Alternative Approach to Banking Reform*. *Levy Economics Institute Working Paper No. 90*.

- Werner, R. A. (2014). Can banks individually create money out of nothing?— The theories and the empirical evidence. *International Review of Financial Analysis*, 36, 1-19.

دانش پژوهان

**D**anesh  
Pazhoohan

# Abstract

## **ASEAN Economic Area Association: Nature, Performance and Challenges**

**Yasmin Khalafi**

### **Abstract**

Common goals and common interests lead to convergence between governments; the South East Asia region is one of the regions that has been able to move towards development and convergence with the establishment of the ASEAN Organization for Economic and Political Cooperation. Factors such as ensuring political stability and economic development have led the countries of the region to establish the ASEAN Regional Cooperation Organization. ASEAN has been largely successful in securing the common interests of these countries and regional integration. But in addition to these successes, there are challenges and obstacles in pursuing a common market policy that have overshadowed the overall performance of the organization.

### **Keywords**

regional convergence, asean association, political stability, economic development, common market.

## **A Study of Ferdowsi's Political Thought Based on "Shahnameh"**

**Tayebeh Mehri**

### **Abstract**

Shahnameh, which centuries ago Written by "Ferdowsi» is full of ups and downs of kings who come to power one day and die the next - either by natural death or by the lawsuits of oppressed people. Behind the verses of Shahnameh, the author intends to extract systematic thoughts and based on wisdom, about politics. To accomplish this aim, fundamental principles of Ferdowsi's system of thought must be found first, then it must be proved that the wisdom that he emphasizes over and over on his verses is of politics. In the following, he examines concepts such as education, Standing up to tyranny, the relationship between religion and property, and finally freedom in Ferdowsi's system of thought.

### **Keywords**

Wisdom, national spirit, education, Standing up to tyranny, freedom.

## **An overview of the nation-state building process in Saudi Arabia and the challenges ahead**

Maryam Naqavi

### **Abstract**

The state-nation-building process carries a chain of concepts, each of which can be considered as evaluation criteria and indicators of this process. Therefore, the government, for its consolidation and permanence, needs a nation and solidarity and the social cohesion of this nation as much as possible. And the nation needs a strong and capable government, for maintaining its distinct and independent identity. In Saudi society, it is very important to study the intertwined relationship between nation and state and how the society and state interaction has effect on the crisis of national solidarity and unity and the process of nation-state building. In this research, by using the library method and using documentary study, statistical data, and the study of documents and the use of Internet resources, it is shown that the process of nation-building in Saudi Arabia faces serious challenges according to different social, political and religious and culture structures.

### **Keywords**

state-building, nation-building, nation-state, Saudi Arabia, challenges.



## **Foreign Policy of the Pahlavi dynasty Soviet Union (from 1342-1357)**

**Behrooz Ghorbani**

### **Abstract**

An important part of the foreign policy of Mohammadreza Pahlavi, especially during the Cold War, the policy of Détente has taken over. In the meantime, the policies adopted by Iran towards the Soviet Union are important. Because of its proximity to the Western Block, Iran could hardly interact with the Soviets as the leader of the opposing block. But Iran was able to have a peaceful relationship with this country during this period. The present article seeks to examine this interaction between the years 1352-1357. In the study of this period, it seemed that the model of realism can be a proportionate model, so with the help of this theory in this article we try to analyze Iran's foreign policy in this period.

### **Keywords**

soviet union, détente, cold war, pahlavi dynasty, mohammadreza pahlavi iran, realism.

## **A Look At the 1973 Oil Crisis Based on Michael Brecher's Model**

**Mohammadjavad Pourmohammadi**

### **Abstract**

The 1973 oil crisis or the first oil shock is one of the events of the dangerous period of the Arab-Israeli conflict. In this article, the role of the two international cartels OPEC and OAPEC has explained and has tried to examine how this crisis was created. In this article and expressing the events of that period, Michael Brecher's four-stage model with the titles of emergence, exponential, reduction and impact has been used, and this framework has formed the structural order of the article. In addition, the author while proving these four stages proves Hypothesis and answer to the main question of the article. The results of this article is that the fourth stage of the Brecher's model, the impact of the 1973 oil crisis, made Middle East security important to the United States, and that the United States sought to resolve the Arab-Israeli conflict.

### **Keywords**

oil crisis, first oil shock, opec, oil sanctions, arab-israeli, brecher.

## **Identifying the factors affecting purchases in Iran online markets**

**Afsaneh Badrkhani**

### **Abstract**

An Internet-based e-commerce environment allows customers to search for information and purchase goods and services through online stores. Buying from online stores is like buying through a catalog because delivery is by post and the consumer can not touch the product before buying it. Therefore, accepting e-commerce and online shopping largely depends on the consumer relationship and how buyers interact with the computer. Also, the many benefits of information technology (IT), facing the country with all threats of remaining behind of other countries development in the field of electronic world and the removal of development barriers in the proper use of information technology, are among the primary reasons for the importance of electronic readiness in different areas of the country. This research is necessary in order to provide more complete information on the factors affecting online shopping about priority of these factors. Therefore, in this descriptive-analytical research by using library resources and using statistical data while stating the factors affecting purchasing in Internet markets, researcher identify and prioritize indicators using conventional methods and based on principles and theories. It is assumed that people have enough confidence in online shopping and the society in this study having hardware and software facilities and utilization of web. The purpose of this study is to identify the factors affecting online shopping of customers. The results showed that there are many benefits for consumers in online shopping, including saving time, quality of information and communication, increasing ease and freedom of choice, and so on. Based on the research findings, it can be concluded that by identifying and prioritizing the effective factors of online shopping, policy makers, marketers and online sellers can be helped to design basic strategies for people with different characteristics and Engage in online commerce.

### **keywords**

online shopping, shopping agents, shopping behavior, consumer, e-commerce, internet network, internet markets.

## **The role of knowledge-based capital market economy in the Iranian economy**

**Zahra Ramezani Kharvani**

### **Abstract**

The role of science and knowledge in the economy has been considered for a long time due to the creation of expertise and improving the productivity of production factors. Position of technology and knowledge has been emphasized as endogenous factors in the development process. Given that in knowledge-based economy, production, distribution and application of knowledge and information are the main factor and the driver of development, wealth generation and employment in all economic activities, therefore, the study of the effects of knowledge-based economy indicators on the development process of financial markets is crucial. The capital market is one of the most important economic sectors of the country, the quantitative development and quality improvement of the capital market is one of the major objectives of this market. The capital market, as one of the main institutions in charge of financing in the country, must plan and present the appropriate means, appropriate sub-institutions and regulations for the principal financing of knowledge-based projects.

Therefore, in this descriptive-analytical article, by using library resources and documentary studies, the financing of knowledge-based ideas and projects based on the existing and actual potential capacities of the country's capital market has been studied. In this regard, the essential financial means to financing knowledge-based ideas and projects have been studied and based on them, the opportunities ahead in the capital market have been introduced.

### **Keywords**

Knowledge Based Economy, Financing, Capital Market, Financing of Ideas.

## **The role of religious tourism in Iran economic development**

*Atefe Akbari kojani*

### **Abstract**

One of the largest economic resources in different countries in terms of income, employment creation, independence of single-product economy and etc, is tourism industry. ..religious tourism with its all diversity has an important role in world tourism because its structural and functional features. The current study is a descriptive-analytical study which aims to investigate the role of the religious tourism in economical development in Iran, by using document researches. The results show that one of the examples of tourism, in which a country can have significant growth and dynamism, is the use of capacities and benefits related to religious tourism. Religious tourism can be very effective to eliminate the oil economy and earning foreign exchange and to solve the problems of employment and national production.

### **Keywords**

Religious tourism, economic development, direct and indirect effects.

## **The role of the capital market in financing the economic sectors in the Iranian economy**

Fateme Nick sokhan

### **Abstract**

Achieving economic growth, sustainable development and optimal resource allocation requires an efficient financial system that can allocate the most resources at the lowest cost.

The right way to raise the necessary capital in an economy relies on the proper collection, attraction and organization of unknown financial resources that the capital market as the custodian of such a thing by collecting liquidity of society and selling shares of stocks of companies and institutions while moving the cycles of society's economy. By providing the capital needed for projects, reducing government interference in the economy by reducing government spending as well as increasing tax revenues can bring significant economic benefits. Embedded mechanisms as well as the functioning of the capital market and more generally, the mechanisms and conditions for allocating social savings have important effects on the development process and the pace of economic growth of a country. Hence, the capital market is a bridge that, as an intermediary, transfers the savings of each economic unit to economic units that need financial resources for investment. In this descriptive-analytical study, using library resources and documentary studies, while examining the concept of capital market and its dimensions, the role of capital market as one of the financing mechanisms based on market-based system has been investigated.

### **Keywords**

Financing, Capital Market, Stock Exchange, Financial Institutions.

## **Investigating the factors affecting the money creation of commercial banks**

**Ruhollah MoshiryMoghaddam**

### **Abstract**

Today, the entry of new money into the economy in the form of fractional reserve banking system is done by the central and commercial banks. On the other hand, laying the groundwork for stable conditions in various sectors of the economy is one of the most important factors which is necessary to move towards sustainable growth and comprehensive development in the country. One of the essential preconditions for achieving economic stability is to have monetary and financial stability in a healthy and dynamic economy, and to achieve this, suitable groundwork must be provided for the implementation of appropriate monetary policies in the country. This article uses an analytical-descriptive method to examine the factors affecting the money creation of commercial banks from the three policy areas of the central bank, the supply area and the demand area. In the policy area of the central bank, it was concluded that the central bank will be able to influence the incentives of commercial banks and thus control the amount of liquidity, not by changing the monetary base and legal reserve rate, but only by changing the interest rate on reserves and determining capital adequacy. In the area of money supply by banks, it became clear that changing the reserve ratio, changing the ratio of banknotes to deposits and the fear of losing reserves cannot limit commercial banks as a powerful factor, and instead asymmetric information, bad debt risk, risk Bankruptcy and bankers' expectations for the future are a very important factor in changing the motivation of banks. On the demand side, it was also explained that the demand of economic actors can act as an important limiting factor of money creation.

### **Keywords**

money creation, commercial banks, fractional reserve system, monetary policy, reserve rates.

دانش پژوهی  
*Danesh  
Pazhoohan*



## راهنمای نگارش مقاله برای دانش پژوهان

### الف. شرایط علمی

۱. مقاله باید ثمره تلاش های نویسنده باشد و او در برابر اعتراض ها و ادعاهای احتمالی پاسخگو خواهد بود. در صورت کشف خلاف، نشریه حق خود می داند که موارد را در شماره بعدی به اطلاع مخاطبان برساند.
۲. مقاله باید دارای اصالت، نوآوری و در حد مقدر به صورت تحلیلی باشد.
۳. مقاله ارسالی نباید در جای دیگر منتشر شده باشد و همزمان برای نشریات دیگر نیز ارسال نشده باشد.
۴. نگارش مقاله باید تابع شیوه نامه تحقیقات علمی باشد و در تدوین آن از منابع اصلی و معتبر استفاده شده باشد.
۵. واژگان کلیدی به زبان فارسی و انگلیسی هر کدام ۵ کلمه باشد و در ذیل چکیده ذکر شود.
۶. مقاله باید دارای سوال اصلی، فرضیه تحقیق و مقدمه دقیق و روشن باشد، به گونه ای که خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده کند.
۷. در بحث اصلی، موضوع و مدعای مقاله باید به خوبی تبیین و تحلیل شود و نتیجه گیری و جمع بندی در پایان آورده شود.
۸. معادل لاتین اصطلاحات و مفاهیم در پاورقی ذکر شود.
۹. آدرس دهی به صورت درون متنی باشد و به این صورت که درون پرانتز، فامیل نویسنده، سال نشر کتاب یا مقاله و شماره صفحه بیاید.
۱۰. منابع و پی نوشت ها باید به ترتیب زیر باشد:  
الف: کتاب  
نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار (داخل پرانتز)، عنوان مقاله، نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: ناشر نوبت چاپ.  
ب: نشریه  
نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار (درون پرانتز)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، نوبت انتشار نشریه، شماره نشریه.  
ج: مجموعه مقالات  
نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله، نام مترجم، نام مجموعه مقالات، محل نشر، نام ناشر، شماره صفحات مقاله.  
د: منابع اینترنتی  
نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان، نام و نشانی اینترنتی، تاریخ مراجعه به سایت.